جمهوری اسلامی ایران
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

درسنامه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ویژه دانشجویان

(شرحی مبسوط بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان
کارگروه تأمین محتوای آموزشی
با همکاری دفتر نشر انقلاب اسلامی

ویراست اول
۱۴۰۲


بسم الله الرحمن الرحیم

شناسنامه کتاب
عنوان: .....درس‌نامه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ویژه دانشجویان
به همت و زیر نظر.....سعید صلح میرزایی
ناشر:.....حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان
چاپ:.....اول، ۱۴۰۲

فهرست

پیشگفتار ۱

درس اوّل: اهمّیّت مطالعه‌ی دقیق بیانیه‌ی گام دوم ۵

مقدّمه ۷

مقدّمه‌ی اوّل: ظهور، هدف کلان مؤمن انقلابی ۷

مقدّمه‌ی دوّم: مردم، پیشران تحقّق مراحل تمدّن نوین اسلامی ۱۹

مقدّمه‌ی سوّم: لازمه‌ی حرکت تمدّنی مردم، هم‌افق شدن با ولیّ جامعه ۲۱

ویژگی‌های بیانات امامین انقلاب ۳۰

وجوه اهمّیّت بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب اسلامی ۳۱

فواید خوانش دقیق بیانیّه ۳۴

خلاصه درس ۳۵

پرسش‌های درس ۳۵

درس دوّم: چیستی و چرایی بیانیّه ۳۷

مقدّمه ۳۹

چیستی بیانیّه‌ی گام دوّم ۳۹

چرا بیانیّه‌ی گام دوّ م صادر شده است؟ ۴۸

بیانیّه‌ی گام دوّم چگونه باید عملیّاتی شود؟ ۵۱

خلاصه درس ۶۱

پرسش‌های درس ۶۱

درس سوّم: راهکارهای عملی ورود جوانان به میدان ۶۳

مقدّمه ۶۵

راهکارهای عملی ورود جوانان به میدان ۶۵
مخاطب بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب کیست؟ ۷۸
خلاصه درس ۸۱
پرسش‌های درس ۸۳
درس چهارم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (نهضت تولید علم) ۸۵
مقدّمه ۸۷
سطوح وظایف افراد نسبت به بیانیّه‌ی گام دوّم ۸۷
انواع وظایف نسبت به گام دوّم ۹۴
اهمّیّت کار علمی و پژوهشی در گام دوّم ۹۶
خلاصه درس ۱۰۶
پرسش‌های درس ۱۰۷
درس پنجم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب۱) .. ۱۰۹
مقدّمه ۱۱۱
ترویج گفتمانهای انقلاب ۱۱۱
خلاصه درس ۱۳۱
پرسش‌های درس ۱۳۱
درس ششم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب۲) .. ۱۳۳
مقدّمه ۱۳۵
عدالت‌خواهی ۱۳۵
سبک زندگی اسلامی ایرانی ۱۴۹
خلاصه درس ۱۶۰
پرسش‌های درس ۱۶۱

درس هفتم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب۳) .. ۱۶۳
مقدّمه ۱۶۵
گفتمان انقلابی بودن و انقلابیگری ۱۶۵
خلاصه درس ۱۸۳
پرسش‌های درس ۱۸۴
درس هشتم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب٤) . ۱۸۵
مقدّمه ۱۸۷
اقتصاد مقاومتی ۱۸۷
گفتمان مقاومت ۱۹۳
راه تحقّق گفتمان؛ تکرار و تبیین ۲۰۰
خلاصه درس ۲۰۲
پرسش‌های درس ۲۰۳
درس نهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (کسب آمادگی دینی) ۲۰۵
مقدّمه ۲۰۷
کسب آمادگی‌های لازم ۲۰۷
دین ۲۱۰
خلاصه درس ۲۲۶
پرسش‌های درس ۲۲۶
درس دهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (کسب آمادگی دینی و خرد). ۲۲۷
مقدّمه ۲۲۹
کسب آمادگی‌های لازم ۲۲۹
اصلاح ملکات اخلاقی ۲۲۹

خرد ۲۳۵
خلاصه درس ۲۵۵
پرسش‌های درس ۲۵۵
درس یازدهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (کسب آمادگی علمی و عزم) ۲۵۷
مقدّمه ۲۵۹
علم ۲۵۹
عزم ۲۶۶
حضور در صحنه ۲۶۹
عرصه‌های حضور و اقدام ۲۷۰
خلاصه درس ۲۸۱
پرسش‌های درس ۲۸۱
درس دوازدهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (حضور در صحنه) ۲۸۳
مقدّمه ۲۸۵
تقابل با جنگ شناختی و جهاد تبیین ۲۸۵
تواصی به حق و صبر ۳۰۰
دغدغه‌ی معیشت مردم ۳۰۳
تلاش برای آبادی کشور ۳۰۴
حفظ محیط‌زیست ۳۰۶
نکات پایانی ۳۰۷
خلاصه درس ۳۱۱
پرسش‌های درس ۳۱۱

پیشگفتار

امّتها زمانی به اهداف خود می‌رسند که با اتّحاد و نقشه‌ی درست، موانع را از پیش روی خود بردارند و با بهره‌گیری از توانمندی‌ها به حدّاکثر ممکن از اهداف خود دست یابند.

یکی از عناصر مهم در پیروزی ملّتها، داشتن رهبری حکیم و گوش سپردن به ارشادات او برای رسیدن به اهداف است. او است که با تجمیع اراده‌های ملّت خود و منابع و امکانات جامعه‌اش، مسیر پیشرفت و تعالی ملّتش را راهبری می‌کند.

رهبر فرزانه‌ی انقلاب که به معنای واقعی کلمه اسلام‌شناس است و فهم درستی از اسلام را به دست آورده و به کار می‌گیرد از تجربه‌ی بیش از جهل سال خود بهره گرفت و در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی، متنی را خطاب به ملّت ایران بویژه جوانان و خاصّةً جوانان مؤمن انقلابی نوشت که به بیانیه‌ی گام دوم انقلاب معروف گشت. به دلایلی پس از گذشت بیش از چهار سال از صدور این بیانیه، هنوز هستند کسانی که یا اصلاً بیانیه را دقیق نخوانده‌اند یا خوانده‌اند و فراموش کرده‌اند یا خوانده‌اند امّا

وظایف فردی و صنفی و حاکمیتی خود را استخراج نکرده‌اند و در قبال این بیانیه، آن گونه که شایسته است، اقدام لازم را انجام نداده‌اند.

بیانیه گام دوم صادر شده است که به حرکت عمومی ملّت شریف ایران به پیشرانی جوان مومن انقلابی، سرعت و انضباط ببخشد و از این رو است که باید دقیق و موشکافانه با بیانیه برخورد کرد و البته گرفتار مباحث صرف نظری و مباحثات خشک علمی نشد.

این کتاب، متن پیاده‌شده‌ی تدریس بیانیه گام دوم است که بنا است در سه سرفصل کلّی چیستی، چرایی و چگونگی مخاطبان عزیز بویژه دانشجویان محترم را با بیانیه آشنا کند.

درس اوّل حاوی مقدّماتی است در بیان اهمّیّت بیانیه گام دوم و درس دوم نیز بحث چیستی، چرایی و اندکی از بحث چگونگی تحقّق بیانیه را در بر دارد. از درس سوّم تا دوازدهم، همه‌ی مباحث بر محور چگونگی تحقّق بیانیه، می‌چرخد. درس سوّم درباره‌ی راهکارهای عملی ورود جوانان به میدان حرکت عمومی است و البته در اواخر بحث به بحث وظایف دانشجویان در گام دوم انقلاب و اوّلین وظیفه یعنی تولید علم و در ادامه کلان‌وظیفه‌ی گفتمان‌سازی مباحث مهم انقلاب اسلامی می‌پردازد. درس چهارم تا هشتم کتاب، موارد دیگری از گفتمان‌های مهم انقلاب را مطرح کرده است. اواخر درس هشتم، وظیفه‌ی سوم یعنی کسب آمادگی‌های لازم برای مفید بودن در آینده‌ی انقلاب مطرح شده است که رهبر انقلاب این آمادگی را در چهار زمینه دین، علم، خرد و عزم بیان فرموده‌اند. درس نهم تا یازدهم نیز مربوط به وظیفه‌ی کسب آمادگی است. اواخر درس یازدهم و

درس دوازدهم به وظیفه‌ی چهارم دانشجو در گام دوم انقلاب، یعنی حضور در صحنه اختصاص یافته است.

تلاش شـده اسـت مفاهیم اصـلی و مهم معارف انقلاب اسـلامی در این دوازده درس، تقدیم گردد و البتّه تأکید جدّی می‌شـود که این دوازده درس، جنبه‌ی تمهیدی و پیش‌مطالعه دارد نسبت به متن بیانیه و سزاوار است پس از اطّلاع اجمالی در این دوازده درس نسـبت به بیانیه، متن کامل بیانیه خوانده شـده و وظایف فرد از جهات مختلف، احصـاء گردد. از بردار ارجمندم جناب حجّت الاسـلام علیرضـا ملّااحمدی که در پژوهش این درسـنامه و همچنین سـاخت پرده‌نگار (پاورپوینت) آن، نقش بسـزایی را برعهده داشـتند. امید اسـت این تلاش لندک مورد رضـایت امام زمان (علیه‌السّلام) باشد و منشأ اقدامات اساسی از سوی دانشجویان عزیز در گام دوم انقلاب گردد.

سعید صلح میرزائی

قم مقدس

۱۴۰۲/۴/۱۷

÷

درس اوّل: اهمّیّت مطالعه‌ی دقیق بیانیه‌ی گام دوم

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. هدف کلان مؤمن انقلابی
۲. مراحل زمینه‌سازی ظهور
۳. اهمّیّت حضور مردم در مراحل تمدّن اسلامی
٤. لزوم هم‌افق شدن با ولیّ جامعه و راه او
٥. ویژگی‌های اصلی بیانیّه‌ی گام دوّم
٦. وجوه اهمّیّت بیانیّه‌ی گام دوّم

مقدّمه

بیانیّه‌ی گام دوّم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، یعنی در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب صادر میشود. چرا بیانیّه‌ی گام دوّم مهم است و باید آن را به دقّت مطالعه کرده و به آن عمل کنیم؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است ابتدا مقدماتی ذکر شود.

مقدّمه‌ی اوّل: ظهور، هدف کلان مؤمن انقلابی

کلان هدف یک مؤمن انقلابی چه چیزی میتواند باشد؟ آیا چیزی جز زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان(عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشّریف) است؟ یعنی همان اتّفاقی که هدف همه‌ی انبیا بوده است. در دوران ظهور امام زمان(علیه‌السّلام)، به خاطر پیشرفتی که بشریّت در علم، معنویّت، اخلاق و عدالت میکند ارزش هر ثانیه‌ی آن ضرب در میلیاردها عمل خوب و ترک عمل بد میشود. اگر هدف ما همین کلان هدف باشد و و همه‌ی فعّالیّت ما در طول عمر مثلاً تأثیرش این باشد که یک ثانیه در ظهور امام زمان(علیه‌السلام) تعجیل شده باشد، تأثیرات بسیار پربرکتی برای دنیا و آخرت ما و شاید حتّی نسل ما خواهد داشت.

راه‌های دستیابی به کلان هدف ظهور حضرت ولیّ‌عصر(علیه‌السّلام)

الف: فردی؛ به این صورت که زندگی خوبی داشته باشم و از خانواده‌ام مراقبت کنم و نهایتاً اطرافیانم را مراعات کنم و نسبت به حقوق آنها و تکالیفی که نسبت به آنها دارم حسّاس باشم و به وظیفه‌ام عمل کنم.

ب: تشکیلاتی؛ اگر انسان بتواند در قالب یک تشکیلات کاری بزرگ را ساماندهی کند، اتّفاق خیلی فرخنده‌تر و با گستره‌ی بیشتری رخ خواهد داد؛ یعنی به انجام کار تشکیلاتی در قالب یک مجموعه مشغول باشد. در طول غیبت بزرگ‌ترین تشکیلاتی که برای زمینه‌سازی ظهور تشکیل شد، انقلاب اسلامی ایران بود.

حضرت امام خمینی(رحمةالله‌علیه) در تاریخ ۲ فروردین ۱۳۶۸ پیامی برای ملّت ایران دارند که خطاب به مسئولین فرمودند: «**مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجّت(ارواحنافداه) است که خداوند بر همه‌ی مسلمانان و جهانیان منّت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادّی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره‌ی هر**

چه بهتر مردم بنمایید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»[1]

کیست که نداند امام چقدر دغدغه‌ی مستضعفان را داشته است؛ امّا همین امام به مسئولین میگوید وظیفه‌ی اصلی شما تلاش برای ایجاد آن حکومت جهانی است و برای آن باید کار کنید.

همچنین حضرت امام خطاب به مردم میفرمایند: «**مردم عزیز ایران که حقّاً چهره‌ی منوّر تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه‌ی اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیّت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه‌ی مستضعفان می‌آورد و هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دوَل دنیای امروز و پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با آمریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار میکنند. این**

---

[1]. جلد ۲۱ صحیفه امام خمینی (ره)، از صفحه ۳۲۵ تا صفحه ۳۲۹؛ ۲ فروردین ۱۳۶۸

روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب بجز با شهادت میسّر نیست.»[۱]

رهبر انقلاب هم در سال ۶۰ بیانی دارند که مربوط به یک هفته قبل از انفجار تروریستی در تیرماه سال ۱۳۶۰ یعنی در پایان خرداد ماه سال ۱۳۶۰ می‌باشد. ایشان میفرمایند: «**امروز با انقلاب اسلامی ما که در خطّ ایجاد عدالت در سطح جهان هست، انقلاب حضرت مهدی(علیه‌الصّلاةوالسّلام) یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد؛ نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد، بلکه آن را تسریع هم میکند و این است معنای انتظار. انتظار فرج، یعنی انتظار حاکمیّت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد قانع نیستید، حتّی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردیم قانع نیستید، میخواهید باز هم به حاکمیّت قرآن و اسلام نزدیک‌تر شوید؛ این انتظار فرج است. انتظار فرج، یعنی انتظار گشایش از کار انسانیّت. امروز کار انسانیّت در گره‌های سخت پیچیده و گره خورده است. دید را وسیع کنیم، به داخل خانه‌ی خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم. در سطح دنیا انسانیّت فرج میطلبد، امّا راه فرج را نمیداند. شما ملّت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظّم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیّت نزدیک بشوید و بشریّت را نزدیک کنید. این**

---

[۱]. همان

است انتظار فرج. انقلاب ما انقلاب امام زمان است؛ زیرا انقلاب اسلام است. یاد ولیّ‌الله‌اعظم را در دلهای خودتان داشته باشید. دعای «اللّهم إنّا نَرقَبُ إلَینا فِی دَولَةٍ کَرِیمَةٍ» را با همه‌ی دل و با نیاز کامل بخوانید؛ هم روحتان در انتظار مهدی باشد، هم نیروی جسمی‌تان در این راه حرکت بکند. هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمیدارید یک قدم به ظهور مهدی نزدیک‌تر میشوید.»[1]

هم حضرت امام و هم حضرت آقا تصریح کرده‌اند که حرکت انقلاب باید به آن اتّفاق، یعنی زمینه‌سازی ظهور امام زمان(علیه‌السّلام) برسد. اگر قرار باشد مهم‌ترین هدف یک مؤمن انقلابی را دنبال کنیم که آن هم زمینه‌سازی در قالب تشکیلات است، قاعدتاً باید طرح رهبر تشکیلات که هدایت‌کننده است را بدانیم.

فرایند زمینه‌سازی ظهور در افق انقلاب اسلامی از منظر رهبر انقلاب

رهبران انقلاب ما با طرّاحی فرایندی پنج مرحله‌ای، راه رسیدن به دوران ظهور را نشان داده‌اند:

«انقلاب مراحلی دارد، آنچه که در اوّل انقلاب در سال ۵۷ اتّفاق افتاد مرحله‌ی اوّل انقلاب بود؛ یعنی انفجار در مقابل نظامِ غلطِ باطلِ طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمانها و ارزشهای نو و با لغت نو، با تعابیر نو، با مفاهیم نو. این مرحله‌ی اوّل انقلاب.

---

[1]. خطبه‌های نماز جمعه در آخرین هفته‌ی خرداد ۱۳۶۰

در مرحله‌ی دوّم این نظام بایستی ارزشها را محقّق کند. این ارزشها و آرمانهایی که اشاره میکنم، بعضی را میگویم‌بلید در جامعه تحقّق ببخشد.

این ارزشها را اگر بخواهد تحقّق ببخشد یک دستگاه مدیریّتی لازم دارد، آن میشود دولت انقلابی؛ بنابراین مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی ایجاد دولت انقلابی است؛ دولتی که ارکان آن انقلاب را باور کرده باشند از بن دندان و دنبال انقلاب باشند.

بعد این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست، قانون درست، اجرای درست، این آرمانها و ارزشهایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، اینها یکی یکی در جامعه تحقّق پیدا کنند. آن وقت نتیجه میشود جامعه‌ی انقلابی که جامعه‌ی انقلابی به وجود می‌آید.

جامعه‌ی انقلابی که درست شد آن وقت زمینه برای ایجاد تمدّن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر انقلابی کردم به جای کلمه‌ی انقلابی میتوانید کلمه‌ی اسلامی بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدّن اسلامی.

این مراحلی است که وجود دارد؛ بنابراین انقلاب تمام نمیشود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، متوقّف نمیشود انقلاب.»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۰۷/۰۳/۱۳۹۷

مرور پنج مرحله‌ی فرایند زمینه‌سازی ظهور

مرحله‌ی اوّل: از بین بردن رژیم طاغوت

هر اقدام انقلابی با از بین رفتن موانع آن، انجام میگیرد و مهم‌ترین مانع برای شروع این فرایند، رژیم منحوس پهلوی بود که هم مستبد بود و هم راه ورود استکبار به کشور ما بود.

گاهی اوقات این تصوّر وجود دارد که سرنگونی شاه کار خیلی ساده‌ای بوده است، امّا هم امام و هم رهبر انقلاب و سایر رهبران انقلاب و یاران امام باور نداشتند که به این زودی‌ها میتوانند شاه را سرنگون کنند، چرا که یک نظام قدرتمندی بوده است. حضرت آقا در یکی از بیانات خودشان میفرمایند که از بین رفتن آن رژیم مثل گذر بنی‌اسرائیل از رود نیل بود؛ مثل معجزه‌ی عصای حضرت موسی(علیه‌السّلام) بود.[1] البتّه این نکته‌ی تکمیلی را نیز فرموده‌اند:

«معجزه‌های اجتماعی بر خلاف معجزه‌ی اژدها شدنِ عصای موسی است؛ چون آن طور معجزه‌ها ربطی به اراده‌ی انسان ندارد؛ امّا معجزه‌های اجتماعی به طور مستقیم به اراده‌ی انسانها ارتباط پیدا میکند؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»[2].

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

[2]. سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۱۱

هر گاه ملّتی تصمیم بگیرد، اراده کند، اقدام کند، حرکت متناسب با هدفش را انجام دهد، آن وقت معجزه‌ی اجتماعی اتّفاق می‌افتد. البتّه در تحوّلات اجتماعی حق بودن کافی نیست. خیلی اوقات امواج باطل می‌آید حق را لگدکوب میکند و عبور میکند. حق بودن به اضافه‌ی اقدام، عمل، اراده و به اضافه‌ی ایستادگی و پایداری است که آن معجزه را تحقّق میبخشد. این پایداری، این ایستادگی، این تصمیم و این فداکاری در صحنه‌ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاصها، بینش‌ها و بصیرتها که امروز در جمع جوانان مؤمن و بسیجی کشور ما متبلور است اتّفاق افتاد، که یک نمونه‌ی باارزش آن را اینجا مشاهده میکنیم. امّا آنچه بزرگ‌تر از آن حادثه‌ی بزرگ و باورنکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد.»[1]

مرحله‌ی دوّم: ایجاد نظام اسلامی

مرحله‌ی بعد ایجاد قانون اساسی بر اساس اسلام بود که این هم کار راحتی نبود. در کل جهان چند مجموعه داریم که جمهوری اسلامی باشند؟ اینها کارهای سختی بود، اما علی‌رغم زحمتهایی که از سوی جریانهای چپ و کمونیستی و مجاهدین خلق و جریانهای ملّی مذهبی و سکولار و لائیک

[1] بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/٤/۱٦

ضدّ خدا ایجاد میشود، قانون اساسی جمهوری اسلامی نوشته میشود. حضرت امام خیلی پیگیری کردند. رهبر انقلاب فرمودند:

«من فراموش نمیکنم؛ در ماه‌های اردیبهشت یا خرداد سال ۵۸ - یعنی سه ماه چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب - امام شورای انقلاب را که ماها بودیم، برای یک کار مهمّی به قم خواستند. ما خدمت امام رفتیم. من از یاد نمیبرم چهره‌ی خشمگین امام را که نظیر آن را من در امام کم دیدم. حرفشان این بود که چرا برای قانون اساسی فکری نمیکنید. این در حالی بود که هنوز سه ماه از پیروزی انقلاب بیشتر نگذشته بود. همان جلسه تصمیم‌گیری شد که انتخابات مجلس خبرگان برگزار شود. مسئولین کشور - که دولت موقّت بود - آمدند انتخابات را برگزار کردند. مردم در یک انتخاباتِ سراسری شرکت کردند، نمایندگان خود را - که خبرگان قانون اساسی بودند - معیّن کردند. خبرگان هم در ظرف چند ماه قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام باز دوباره فرمودند که این قانون اساسی‌ای که تدوین شده است، باید به رأی مردم برسد. با اینکه نمایندگان مردم آن را تدوین کرده بودند، امّا امام فرمود باز هم بایستی رأی مردم باشد. لذا آمدند رفراندوم قانون اساسی کردند، مردم هم با رأی بالایی قانون اساسی را تصویب کردند. بنابراین نقش مردم بعد از پیروزی انقلاب تمام نشد.»[1]

---

[1] بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰

رأی دادن به قانون اساسی هم کار بسیار سختی بود؛ خصوصاً با اتّفاقهایی مثل تسخیر لانه‌ی جاسوسی و استعفای دولت موقّت و... که در آن زمان رخ میداد.

مرحله‌ی سوّم: اسلامی شدن حاکمیّت

مرحله‌ی بعد این است که همه‌ی اجزای حکومت، اسلامی شود و به تعبیر رهبری دولت اسلامی تشکیل شود؛ البتّه دولت فقط مجموعه‌ی قوّه‌ی مجریّه نیست؛ یعنی همه‌ی ارکان حاکمیّت متدیّن باشند و اسلام را بپذیرند و اسلام را الگوی عملی بدانند. این مرحله هم مرحله‌ی سختی است و رهبری هم فرمودند که ما در این مرحله‌ی سوّم متوقّف شدیم.

«منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیانهای اداره‌ی کشور و مدیریّت کشور معیّن شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریّتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوّه‌ی مجریّه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریّتی کشور که اداره‌ی یک کشور را بر عهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور. بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیّت و تعهّد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقّق ببخشد.»[1]

---

[1] بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

مرحله‌ی چهارم: تشکیل جامعه‌ی اسلامی

مرحله‌ی بعد از دولت اسلامی، شکل‌گیری جامعه‌ی اسلامی است. رهبر انقلاب فرمودند:

«جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقّق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزّت ملّی و استغناء ملّی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرّای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقّف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البتّه این جامعه تحقّق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقّق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهمِّ میانه‌ی ما.

چرا میگوییم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیّت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضایی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

لِيَعْبُدُونِي»؛[۱] انسانها به عبودیّت برسند. «لیعبدون» را معنا کردند به «لیعرفون». این معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیّت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلّق به اخلاق‌الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهایی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والایی است.»[۲]

مرحله‌ی پنجم: تشکیل تمدّن اسلامی

اگر یک کشور پیشرفته داشته باشیم و یک جامعه‌ی پیشرفته داشته باشیم که عدالت، اخلاق و معنویّت در کنار هم باشد، در این صورت قاعدتاً یک مجموعه‌ای از جهان اسلام به هم پیوند خواهد خورد؛ چون اشتراکات بیشتری دارند و بعد از آن هم تمدّن نوین اسلامی شکل خواهد گرفت. در طول تاریخ داشته‌ایم مواردی را که اگر کسی در عالم میخواست به کسب علم بپردازد میگفتند باید به مدارس مسلمین بروید؛ زبان علم زبان عربی بوده است. رهبری فرمودند باید کاری کنیم که زبان علم زبان فارسی شود و هر کسی که خواست نظریّات جدید علمی را یاد بگیرد، ابتدا فارسی یاد

---

[۱] سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ٥٦

[۲] بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲٤

بگیرد.[۱] اگر چنین اتّفاقی رخ بدهد و تمدّن نوین اسلامی شکل بگیرد، بشریّت مشاهده میکند که غیر از الگوهایی که مکاتب مادّی بیان کرده بودند، یک الگویی وجود دارد که همه‌ی دنیا و آخرت را، روح و جسم را با هم میبیند.

اینجا است که رهبر انقلاب در بیانیّه‌ی گام دوّم خطاب به جوانان فرمودند: **«دهه‌های آینده مال شما است و شما میتوانید از انقلاب حراست کنید و انقلاب را به آرمانهای خودش که ایجاد تمدّن نوین اسلامی است نزدیک کنید. به آنجا که برسیم آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی(ارواحنافداه) است و میتوانیم به ظهور امام زمان(علیه‌السّلام) نزدیک شویم.»**

مقدّمه‌ی دوّم: مردم، پیشران تحقّق مراحل تمدّن نوین اسلامی

این نکته نیازمند تذکّر است که در مرحله‌ی چهارم و پنجم که اسلامی شدن جامعه و تشکیل تمدّن اسلامی است، قدمهای بزرگی برداشته‌ایم امّا تا زمانی‌که حاکمیّت ما اسلامی نشود، مرحله‌ی چهار و پنج به تمام معنا برای ما حاصل نخواهد شد. اگر چنین اتّفاقی بیفتد نقش اصلی برای مردم است؛ کمااینکه در مراحل گذشته‌ی انقلاب همچون شکست طاغوت، این مردم بودند که کار را پیش بردند؛ رهبران انقلاب در سالهای ۱۳۵۶ و

---

[۱]. ر.ک: بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

۱۳۵۷ در تبعید و در زندان بودند و این مردم بودند که به میدان آمدند؛ زن و مرد، پیر و جوان، طلبه و دانشجو، کارگر و کاسب، استاد و شاگرد و... همه‌ی اقشار به میدان آمدند.

از اینجا به بعد هم اگر قرار باشد دولت اسلامی شکل بگیرد و حاکمیّت اسلامی باشد، باز باید مردم باشند و طرح رهبری هم این است که حاکمیّت باید حاکمیّت مردمی باشد.

از زمان صدور بیانیّه‌ی گام دوّم و بعد در اوّل فروردین و همچنین اوّل خرداد و ۲۶ شهریور و ٦ آذر سال ۱۳۹۸، خطّ حضور مردم در بیانات رهبر معظّم انقلاب تکرار میشود و تا به امروز رهبری بر این مسئله تأکید دارند.

در انتهای سال ۱۴۰۱ و ابتدای سال ۱۴۰۲ رهبر انقلاب تصریح کردند که ما اشتباه کردیم همه‌ی کارها را در دهه‌ی ٦۰ بر عهده‌ی دولت گذاشتیم و مردم از حاکمیّت دور شدند.[۱]

ایشان در یک سخنرانی در همین زمینه میفرمایند: «**برادران، خواهران، کسانی که این سخن را خواهید شنید، این کشور زمام امور و بهبود اوضاع این کشور دست مردم این کشور است، بخصوص دست جوانان. همه چیز در سایه‌ی عزم مردم، تصمیم مردم، بصیرت مردم، ایمان مردم در این کشور میتواند در مجرای صحیح خودش قرار بگیرد و کشور را به نقطه‌ی مطلوب خودش برساند. اینکه ما میگوییم ظرفیّتهای داخلی، ظرفیّتهای داخلی، این را باید جدّی گرفت، هم در**

---

[۱]. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۰۱/۰۱/۱۴۰۲

زمینه‌ی مسائل فرهنگی، هم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، در همه‌ی زمینه‌ها، حتّی در زمینه‌های اختصاصی دستگاه‌ها مثل زمینه‌های امنیّتی و غیره هم این مردم هستند که میتوانند کمک کنند، پیش ببرند، کارها را اصلاح کنند. ما امروز از لحاظ علمی حرکت کردیم، پیشرفت کردیم، این پیشرفت ناشی از همّت بخشی از جامعه‌ی ما است. همّت جوانان ما است.»[1]

مقدّمه‌ی سوّم: لازمه‌ی حرکت تمدّنی مردم، هم‌افق شدن با ولیّ جامعه

مردم اگر بخواهند به میدان بیایند، لازمه‌ی این حرکت تمدّنی مردم چیست؟ ما باید در فکر و قلب با ولیّ جامعه، با امام جامعه هم‌افق باشیم که اگر این اتّفاق افتاد، عمل همه‌ی ما در راستای افق نگاه ولیّ جامعه قرار میگیرد؛ یعنی فکر و قلب باعث میشود عمل هم همان عمل شود.

دقیقاً کسی که فکر و قلبش نزدیک با ولی باشد عملش هم متناسب خواهد شد و وقتی چنین اتّفاقی بیفتد حرکت ما به سمت تمدّن خواهد بود. اینکه رهبر انقلاب فرمودند اگر قرار باشد ما در گام دوّم موفّق باشیم، باید نرم‌افزار فکری امام را در ذهن جولنان خود نصب‌شده داشته باشیم، در واقع کمک‌کننده به زمینه‌سازی برای ظهور است.

---

[1]. بیانات در ابتدای درس خارج فقه ۲۶/۰۶/۱۳۹۸

«شناسایی امام برای نسل جوان از این جهت اهمّیّت دارد که به آنها کمک میکند برای اداره‌ی بهینه‌ی آینده‌ی کشور. امام فقط امام دیروز نیست، امام امروز هم هست، امام فردا هم هست. نسل جوان هوشمند ما که قرار است مسئولیّت ملّی و انقلابی گام دوّم این انقلاب را بر عهده بگیرد و آینده‌ی این کشور را اداره کند احتیاج دارد به یک نرم‌افزار واقعی برای اینکه بتواند راه انقلاب را درست طی کند که این راه انقلاب ایران را و ملّت ایران را به منتهای قلّه خواهد رسانید. برای این کار احتیاج دارد به یک نرم‌افزار؛ یک نرم‌افزار مطمئن و جامع که بتواند به او کمک کند. این نرم‌افزار که میتواند شتاب‌دهنده باشد، کمک‌کننده باشد و حتّی در مواقعی تحوّل‌آفرین باشد، عبارت است از درسهای امام، درسهایی که هم در گفتار امام و هم در رفتار امام میتوان آنها را جستجو کرد.»[1]

این کلام را رهبر انقلاب درباره‌ی امام فرمودند، امّا با بررسی لندیشه‌ی رهبر انقلاب، سیره‌ی رهبر انقلاب و بیان رهبر انقلاب که ایشان بیان کردند ما راهی جز راه امام را پیش نمیرویم. در همین سخنرانی فرمودند امام، هم امام دیروز بود، هم امام امروز و هم امام فردا است؛ امام زنده است. در جایی فرمودند که اگر امام را از جمهوری اسلامی بگیرید جمهوری

---

[1]. بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

اسلامی میشود نقشی بر دیوار. رهبر انقلاب خودشان را شارح امام و در ذیل هدایت امام و دنبال‌کننده‌ی اهداف امام می‌بینند. از این جهت وقتی ایشان میفرمایند که امام را باید در ذهن به عنوان یک نرم‌افزار داشته باشیم، میتوانیم این گونه نتیجه بگیریم که امام و رهبر معظّم انقلاب، اندیشه، رفتار و گفتارشان انطباق نزدیک به صددرصدی دارد و این میتولند در واقع مکمّل بیانات امام باشد و کارها و گفتارها و اوامر رهبر انقلاب میتولند بروزرسانی بیانات امام باشد.

برای اینکه به بیانیّه‌ی گام دوّم عمل شود که نهایتاً پنج مرحله‌ی انقلاب طی شود و ما به آن هدف بزرگ که زمینه‌سازی ظهور است برسیم، باید همه‌ی ما با نرم‌افزار فکری امامین انقلاب آشنا شویم.

در چه عرصه‌هایی لازم است هم‌افقی با امامین انقلاب اتّفاق بیفتد؟

۱. باورها

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اندیشه‌ای امامین انقلاب در زمینه‌ی باورها است و اعتقاد به سنّت‌های الهی که در امام بود و در رهبری وجود دارد، باعث شده است که در مسیر خود محکم بایستند. باور با اعتقاد ذهنی متفاوت است. باور با اعتقاد قلبی به معنای اعتقاد عقلی متفاوت است، بلکه یعنی چیزی که در قلب انسان حک شده است و منظور از باور این است. در باورها، در اعتقاداتی که از عقل میجوشد و در قلب استقرار می‌یابد و محکم میشود باید با ولیّ جامعه هم‌افق شویم؛ مثل اعتقاد به سنّت‌های الهی؛ مثل اعتقادی که بارها رهبر انقلاب فرمودند: «إِنَّ مَعِيَ

رَبِّي»[۱]؛ خدا کمک میکند؛ اینکه اگر شما عقب‌نشینی نکنید خدا شما را در مقابل دشمن قوی‌پنجه کمک میکند.

۲. آرمانها

در آرمانها نیز باید با ولیّ جامعه هم‌افق شویم. در آرمانها، افقهایی که باید به سمت آنان حرکت بکنیم، باید اندیشه‌مان مثل اندیشه‌ی ولی باشد. گاهی اوقات آرمانی که ولیِّ جامعه تعریف میکند با آرمان مردم متفاوت میشود؛ مثل دوران امام حسن(علیه‌السّلام)؛ چون آرمانی که ایشان میدیدند برای خیلی از مردم قابلِ فهم نبود، یا به هر دلیلی یک آرمان دیگری انتخاب میکردند و به خاطر همان امام را تنها میگذاشتند.

۳. ارزشها

گاهی اوقات ارزشها جابه‌جا میشود؛ رهبری در بیانیّه‌ی گام دوّم فرمودند: زمانی مسابقه‌ی مسئولین در زهد بود، الان شاهدیم که طبقه‌ای از اشراف از مسئولین ایجاد شده است که رهبری این موضوع را از همان سال ۶۸ بعد از جنگ، تذکّر داده بودند که با بی‌دقّتی برخی شبکه‌ای از اشراف شکل گرفت.

٤. دغدغه‌ها

دغدغه‌ی ما و راهبردهای بلندمدّتی که در ذهن باید داشته باشیم و معیار عمل ما باشد، باید با ولیّ جامعه، با رهبران الهی جامعه منطبق باشد.

---

[۱]. سوره‌ی شعراء، بخشی از آیه‌ی ٦۲

۵. نیازها

اینکه امروز پیگیریِ چه سیاستی برای پیشرفت کشور و برای برون‌رفت از مشکلات کشور لازم است را ولیّ جامعه تعیین میکند. رهبری فرمودند موقعی نیاز امروز کشور ما مقاومت است و جوانان باید اندیشه‌ی مقاومت را تبلیغ کنند و در مقابل دشمن قوی‌پنجه اندیشه‌ی مقاومت را ترویج کنند. یا مثلاً بحث جمعیّت که یک نیاز امروز کشور ما است و در این نیاز لازم است ذهن ما با ذهن ولی هم‌افق باشد وگرنه ما دنبال یک نیاز دیگری خواهیم رفت که شاید نیاز امروز ما نباشد.

٦. اولویّتها

گاهی اوقات کار خوبی را انجام میدهیم، امّا این کار اولی نیست. گاهی اوقات ما در تشخیص بین اهم و مهم اشتباه میکنیم یا در اصلی فرعی کردن‌ها می‌بینیم که دچار اشتباه میشویم. اینکه کدام مسئله اصلی است و کدام فرعی است، اینجا باید افق نگاهمان را با ولیّ جامعه تطبیق دهیم تا بتوانیم درست تشخیص دهیم.

۷. تحلیلها

در تحلیل پدیده‌هایی که رخ میدهد، در همین اتّفاقاتِ جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ شما دیدید که نوع تحلیل خیلی از آقایان، بزرگان و خواص، یک چیز بود، تحلیلِ حضرت آقا یک چیز دیگری بود و همین تحلیل بود که بعدها معلوم شد که درست بوده است. خیلی‌ها خودشان را باخته بودند چون تحلیلشان از واقع تحلیل درستی نبود.

در ده دوازده سال اخیر چند بار جریانی که جریان انقلابی و جریان شهدایی است و جریانی است که دغدغه‌ی انقلاب دارد و رهبری این جریان را دوست دارد و آن جریان رهبری را دوست دارند، چند بار از رهبری تذکّر و کارت زرد گرفتند.

در سال ۱۴۰۱ رفتاری که در مرقد امام اتّفاق افتاد، رهبری ده سال قبل هشدار داده بودند و گفته بودند من با این مدل کارها مخالف هستم. چرا بعضی مواقع این کارها را انجام میدهیم؟ رهبری تصریح کردند که با به هم زدن جلسات مخالفین در دانشگاه مخالف هستم. اگر زمانی جریان مخالف برنامه گرفت، شما فردا یک ساختمان آن طرف‌تر برنامه داشته باشید و پاسخ آنها را بدهید. رفتارهای خشن، رفتارهای خارج از قانون نداشته باشید.

۸. محبّت قلبی

در کنار این مسائل بحث محبّت قلبی و ارتباط قلبی که همان «حبٌّ فِی الله» است که در روایات ما هم آمده اهمّیّت پیدا میکند.

بیان شهید سلیمانی درباره‌ی ارتباط قلبی با ولیّ جامعه

شهید سلیمانی یک ارتقائی به ما دادند و گفتند ما نه تنها باید در عرصه‌ی فکر با ولیّ جامعه هم‌افق باشیم، بلکه باید ارتباط قلبی داشته باشیم و این ارتباط قلبی است که باعث عاقبت‌به‌خیری ما میشود. این شهید چهل سال جنگید و جهاد کرد، خداوند وعده کرده است کسی که در راه او جهاد کند،

هدایت را به او اعطا میفرماید. «وَالَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا»[1]؛ شهید مخلص و با تقوا بود و خداوند به او قوّه‌ی فهم حق و باطل داده است. شهید سلیمانی(رضوان‌الله‌علیه) در یکی از سخنرانی‌هایشان میگویند: «برادران، رزمنده‌ها، یادگاران جنگ، یکی از شئون عاقبت‌به‌خیری نسبت شما با جمهوری اسلامی به انقلاب است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت‌به‌خیری این است؛ والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت‌به‌خیری رابطه‌ی قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان این انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است.» کسانی در این انقلاب بودند که آیت‌الله خطابشان میکردند و مبلّغ اندیشه‌ی انقلابی بودند ولی در نهایت کارشان به جایی رسید که اکنون به فرانسه رفته‌اند و زیر نظر پرچم کشوری که بیشترین توهینها را به اسلام و پیامبر اسلام کرده است قرار گرفته‌اند؛ ارزش کلام شهید سلیمانی را با توجّه به چنین مسائلی درمی‌یابیم.

اگر در زمینه‌ی فکر و قلب و در نهایت در زمینه‌ی عمل هم‌راستا و هم‌افق با ولیّ جامعه شویم و فاصله‌ی خودمان را با ولیّ جامعه کم کنیم، آن زمان میتوانیم کمک کنیم هم خودمان وارد میدان شویم و هم مردم را به میدان وارد کنیم و مراحل پنج‌گانه طی شود تا به زمینه‌سازی ظهور برسیم.

---

[1]. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ٦٩

چگونگی ارتباط گرفتن با افق فکری ولی و تحصیل محبّت قلبی

حالا سؤال بعدی این است که ما برای اینکه به این هم‌افقی با ولیّ جامعه برسیم چه راهی وجود دارد؟ و از چه مسیری می‌توانیم برویم؟ اینجا در واقع همان آشنایی با منظومه‌ی فکری و نظام محاسباتی ولیِّ جامعه معنا پیدا می‌کند که دو راه اساسی دارد:

کتب، پایه‌های فکری اسلام ناب

مطالعه‌ی کتب که این کتب پایه‌های فکری اسلام ناب است و شبیه نرم‌افزارهایی است که لوحهای فشرده بود و هسته‌ی اوّلیّه‌ی محتوا در این لوحها موجود بود. کتابهایی که میتولند سنگ بنای شروع ارتباط فکری عمیق ما با امامین انقلاب باشد.

اهم کتب جهت آشنایی با اندیشه‌ی امامین انقلاب

۱. جلد بیست و یکم صحیفه‌ی امام؛ عصاره‌ی مبارزات امام(رحمت‌الله‌علیه)
۲. وصیّت‌نامه‌ی حضرت امام(رحمت‌الله‌علیه)
۳. منشور روحانیّت (توصیه‌شده برای طلّاب) که عصاره‌ی تفکّری امام در سالهای آخر عمرشان است و نتیجه‌ی هشتاد سال مبارزه و جهاد فی‌سبیل‌الله را امام گفتند که میتواند الگوی ما باشد.
٤. خون دلی که لعل شد؛ خاطرات رهبر انقلاب از زبان خودشان.

۵. طرح کلّی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن؛ یکی از مهم‌ترین آثار رهبر انقلاب است که فرمودند من سال ۱۳۵۳ بحثهایی کردم که فکر نمیکردیم انقلاب به این زودی پیروز شود، ولی فکر کردیم اگر انقلاب پنجاه سال دیگر هم پیروز شود، پایه‌های اساسی آن حکومت همین نکاتی است که در این بحثها در مهرماه سال ۱۳۵۳ گفته شده است.

٦. هم‌رزمان حسین(علیه‌السّلام)؛ توضیح میدهد اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) که الگوهای ما هستند و قرآن مجسّم هستند چطور حرکت کردند؛ صرفاً فعّالیّت علمی داشتند یا صرفاً کار تربیتی داشتند یا خیر هدفهای بلند و اقدامات بزرگی داشتند. آن بزرگواران وسط میدان مبارزه‌ی حادّ سیاسی با طاغوتهای زمان خود بودند و به دنبال بازیابی حکومت با هدف ایجاد جامعه‌ی اسلامی به مثابه کارخانه‌ی انسان‌سازی بودند.

۷. عهد مشترک؛ توضیح اوّلین پیام رهبر انقلاب در سالگرد ارتحال حضرت امام در تاریخ ۱۰ خرداد سال ۱۳۶۹؛ میتوان گفت بیانیّه‌ی گام اوّل انقلاب است که با کلمات رهبری شرح شده است.

۸. بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب.

بیانات، بروزرسانی نرم‌افزار فکری

بروزرسانی محتوا شبیه نرم‌افزاری که خریداری میشود و بعد از نصب، با بروزرسانی باعث ارتقاء نرم‌افزار میشویم. بیانات بِروز رهبرانقلاب ارتقاء را ایجاد میکند.

لازم است برای رسیدن به هدفمان در دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و محیط‌های هسته‌های مقاومتی حلقه‌های بیانات‌خوانی شکل بگیرد. اگر بیان رهبری گذشت و ما آن بیانات را به صورت کامل نخوانده باشیم و یا نشنیده باشیم، باید حسّ عذاب وجدان داشته باشیم که رهبر ما چیزی گفته که ممکن است نکته‌ای در آن بیانات باشد و من از آن غفلت کرده باشم.

اگر یک سال روی بیانات امامین انقلاب تمرکز کنیم، خواهید دید بعد از یک مدّت زمانی کوتاه، انگار یک امام و یک آقا در اندازه‌ی خودمان در ذهنمان متولّد میشود و آن وقت در مقام تصمیم‌گیری اشتباه نمیکنیم.

ویژگی‌های بیانات امامین انقلاب

۱. نظام‌مند بودن؛ در هر سخنرانی رهبر انقلاب تلاش دارند بخشی از منظومه‌ی فکری را در ذهن مخاطب خودشان تقویت کنند یا شاید برای بار اوّل به مخاطب خودشان مطلب را بیاموزند.
۲. تکیه داشتن بر منابع وحیانی؛ اسلام ناب.
۳. انتقال تجربیّات؛ رهبر انقلاب چهل‌وچند ساله پس از انقلاب و پانزده سال قبل از انقلاب تجربیّاتی داشتند که مبارزه کردند و

مجموع این تجربیات نزدیک به شصت سال جهاد ایشان را منعکس میکند.

٤. استفاده از مشورت صاحب‌نظران.

٥. داشتن دید جهانی و تمدّنی و لحاظ کردن افق بلند و گام برداشتن در مسیر دستیابی به هدف بزرگ که ظهور امام زمان(علیه‌السّلام) است.

٦. سرشار بودن از نصایح و اندرزهای تربیتی؛ تربیت دینی، انقلابی، بحثهای اقتصادی، جلسات گفتگو با اقشار مختلف جامعه مثل دانشجویان، طلّاب، کارگران، ... .

٧. خالی بودن از مطالب زائد و بی‌پایه یا ضعیف و با سطح پایین علمی.

٨. سادگی، شیوایی، کارآمد و کاربردی بودن از این جهت که عملیّاتی است و صرفاً بحثهای انتزاعی ذهنی نیست و فقط علم برای علم نیست.

٩. مطالب ناظر به نیاز روز است و مخاطب بخوبی متوجّه میشود چه وظیفه‌ای دارد.

وجوه اهمّیّت بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب اسلامی

اگر نگوییم مهم‌ترین، لااقل یکی از مهم‌ترین مکتوبات رهبر معظّم انقلاب همین بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب است. چرا این بیانیّه اهمّیّت دارد؟ یکی از

وجوه اهمّیّتش علاوه بر بحثهایی که تا اینجا داشتیم و عرض کردیم که ما در مسیر زمینه‌سازی ظهور هستیم و باید حتماً با نقشه‌ی ولیّ جامعه آشنا باشیم، باید حتماً نرم‌افزار فکری او را در ذهن خودمان نصب بکنیم، این است که بیانیّه‌ی گام دوّم توصیه‌ی رهبر انقلاب را هم دارد.

الف. تصریح رهبر انقلاب؛ رهبرانقلاب تصریح کردند و دعوت کردند که همه وقت بگذاریم روی بیانیه و این‌طور نیست که اگر کسی چنین کاری انجام ندهد در قانون عقوبتی داشته باشد، امّا گوش نکردن به فرمان ولی یک سری عقوبت‌های الهی و قضاوت بد تاریخی را نسبت به آن ملت و یا آن شخص خواهد داشت.

رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌هایشان می‌فرمایند: «**این حرفها را باید بگوئیم، تکرار کنیم و این‌ها را فقط موعظه هم تلقی نکنیم، من خواهشم این است. این موعظه نیست که ما عرض کردیم خدمت شما، منبری رفتیم و تذکراتی دادیم، نه این‌ها اجراییاتی است که لازم الاطاعه است، لازم‌الاجرا است و باید این کارها را بکنید، اگر نکردید تو قانون مجازات معینی ندارد؛ یعنی بگن اگر این کار انجام نگرفت فلان وزیر و مسئول به این مجازات دچار می‌شوند، امّا مجازات سخت‌تری دارد و آن قضاوت‌هایی است که درباره‌ی شما خواهد شد. ما امروز قضاوت مان در مورد آن کسانی که دانشگاه‌های ما را از آغاز پیدایش با بافت غیر بومی و غیر ناظر به نگاه‌های ملت و کشور تشکیل دادند و به این‌جا ما را رساندند و به این انحطاط رساندند،**

قضاوت‌مان چیست؟ چنین قضاوتی خواهد بود، اگر چنان‌چه کوتاهی کنیم، مجازات ما یک مجازات سخت‌تری است از مجازاتی که در قانون برای یک جرم مشخص تعریف شده‌ای تعریف کرده باشند.»[1]

ب. محتوای بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب اسلامی؛ رهبری در بیانیّه‌ی گام دوّم جهاد تبیین کردند. موضوعات و مسائل مهمّ انقلاب را بیان کردند.

۱. با اینکه خیلی متکثّر و از زوایای مختلف بحث کردند، انسجام و ارتباط منطقی بین مباحث وجود دارد.

۲. فرد با موقعیّتهای گذشته و امروز انقلاب آشنا میشود.

۳. مواردی که باید لحاظ کنیم و عبرتها و تجربه‌هایی که باید از گذشته بگیریم برای اینکه آینده‌ی ایران عزیز را بتوانیم بخوبی بسازیم.

٤. ذکر جزئیّات نظام در کنار اهداف کلان؛ از ویژگی‌های بیانیّه این است که در کنار اینکه مطالب جزئی نظام مطرح میشود، نگرش کلان و جامع نسبت به ابعاد مختلف تمدّنی هم در آن لحاظ شده است.

۵. شورانگیز بودن متن بیانیّه‌ی گام دوّم؛ ایجاد انگیزه میکند ولی در کنارش هم عالمانه و منصفانه است و در جاهایی از بیانیّه

---

[1]. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ۲۳/۰۵/۱۳۸۵

می‌بینیم رهبر انقلاب تصریح میکنند به اشتباهاتی که ما کردیم و باید از اینها عبرت بگیریم.

٦. دفاع از عملکردهای مثبت در کنار اشاره به خطاها و نیاز به اصلاح داشتن؛ ضمن دفاع کامل از راهی که تاکنون طی کردیم با همه‌ی سختی‌ها و بالا و پایینهایی که بوده است و فاصله‌ی طولانی‌ای که ما داریم، برای اینکه به هدفهای مدّنظر برسیم، امّا اعلام آمادگی نسبت به اصلاح خطاها هم میکنند.

۷. بیان کاملاً متین و علمی در عین حال همه‌فهم؛ میتوان گفت بیانیّه‌ی گام دوّم به این معنا به تبیین نیازمند نیست، بازخوانی لازم دارد، تدقیق و راهکار عمل به بیانیّه‌ی گام دوّم نیاز دارد.

۸. محور قرار دادن امید؛ مسائل امیدبخش را بیان میکنند و این طور نیست که القائات رسانه‌ها در شبکه‌های مجازی ایشان را در نگارش این متن به انفعال کشیده باشد.

فواید خوانش دقیق بیانیّه

۱. آشنا شدن با طرح کلان رهبر معظّم انقلاب درباره‌ی انقلاب اسلامی

۲. آشنایی اجمالی با تحلیل تاریخی انقلاب اسلامی در افق تمدّنی

۳. شناخت اجمالیِ ظرفیّتهای کشور برای تحقّق اهداف تمدّنی

٤. کمک به تشخیص وظایف فردی و تشکیلاتی نسبت به انقلاب اسلامی

خلاصه درس

- هدف یک مؤمن در نهایت آماده‌سازی زمینه‌ی ظهور برای حضرت حجّت(علیه‌السّلام) است.
- مراحل رسیدن به تمدّن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی و تمدّن اسلامی است.
- حضور مردم به عنوان پیش‌ران در رسیدن به تمدّن اسلامی است.
- لازمه‌ی حضور مردم و حرکت مردم، هم‌افق شدن با ولیّ جامعه است.
- اهمّیّت توجّه به بیانیّه‌ی گام دوّم به خاطر وجوه آن.

پرسش‌های درس

۱- هدف کلان یک مؤمن چیست؟

۲- مراحل رسیدن به تمدّن اسلامی را نام ببرید؟

۳- حضور مردم در رسیدن به تمدّن اسلامی و ظهور چه تأثیری دارد؟

٤- راه ارتباط گرفتن با ولیّ جامعه و هم‌افق شدن با ایشان چیست؟

٥- چرا باید به بیانیّه‌ی گام دوّم توجه کنیم؟

درس دوّم: چیستی و چرایی بیانیّه

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. چیستی بیانیّه‌ی گام دوّم
۲. سرفصل‌های کلّی بیانیّه
۳. عناوین مباحث جزئی مطرح‌شده در بیانیّ
٤. علّت صدور بیانیّه
٥. بخشی از الزامات تحقّق اهداف بیانیّه

مقدّمه

بیانیّه‌ی گام دوّم را از سه بُعد میتوان مورد بررسی قرار داد: چیستی، چرایی و چگونگی. در این درس درباره‌ی چیستی، چرایی و اندکی نیز از مقدّمات بحث چگونگی تحقّق بیانیّه‌ی گام دوّم بحث خواهد شد.

شایان ذکر است الگوی مباحث در سه عرصه‌ی چیستی و چرایی و چگونگی از سخنرانی مهمّ رهبر معظّم رهبر انقلاب در اوّل خرداد ماه سال ۱۳۹۸ استخراج شده است.

چیستی بیانیّه‌ی گام دوّم

بیانیّه‌ی گام دوّم چیست؟ رهبر انقلاب فرمودند بیانیّه‌ی گام دوّم از دید ایشان توصیفی جامع و منسجم از مهم‌ترین هست‌ها و بایدهای معطوف به آینده‌ی انقلاب اسلامی است؛ ایشان در یکی از سخنرانی‌های خودشان فرمودند: بیانیّه‌ی گام دوّم یک ترسیم کلّی از گذشته و حال و آینده‌ی انقلاب بوده است و وارد جزئیّات نشده‌ایم.[۱] یعنی بیان فرمودند که انقلاب

---

[۱]. ر.ک: بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

چه بوده، چه باید باشـــد و چه الزاماتی دارد. لذا بیانیّه‌ی گام دوّم از این جهت معطوف به آینده نوشته شده است.

در بیانیّه‌ی گام دوّم از رهبر انقلاب می‌آموزیم که چه عواملی باعث پیروزی انقلاب و ماندگاری انقلاب شـده اسـت و ایشـان میفرمایند همین عوامل میتواند انقلاب را پیش برد و به کلان هدف خود که زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان(علیه‌السّلام) است برساند.

طرح کلّی بیانیّه‌ی گام دوّم

در بحث چیسـتی اگر بخواهیم درباره‌ی طرح کلّی محتوای بیانیّه بیشـتر بدانیم، کلام رهبری مسیر را برای ما مشخّص میکند. ایشان فرمودند: چهار نقطه‌ی اصلی در بیانیّه مورد تأکید بوده است.

۱. عظمت حادثه‌ی انقلاب

در بیانیه‌ی گام دوم خواهیم خواند که رهبر انقلاب بیان می‌کنند که ما در چه زمانی انقلاب اسـلامی را به برکت رهبری امام، ایمان مردم و حضـور همگانی مردم توانستیم به پیروزی برسانیم؛ ملت ایران توانست به پیروزی برساند.

«نقطه‌ی اوّل عظمت حادثه‌ی انقلاب اسـت که خیلی‌ها به این مسـئله توجّه نمیکنند که خواسـتیم هم به پدید آمدن

انقلاب در این نقطه‌ی مشـــخّص جغرافیایی و در آن برهه‌ی مهمّ تاریخی و سپس ماندگاری انقلاب تأکید کنیم.»[۱]

۲. عظمت راه طی‌شده

نقطه‌ی دوّم درباره‌ی عظمتِ راهِ طی‌شده و ثمرات انقلاب اسلامی و برکاتی است که انقلاب اسلامی پدید آورد؛ هم برکاتی که به عنوان برکات انسانی و تجربه‌های انسانی و پرورش نیروی انسانی متعهِّد و کوشا و جهادی تلقّی میشود و هم برکات مادّی که داشته، پیشرفتی که ایجاد کرده و مشکلاتی که توانســته از این کشــور و از این ملّت حل بکند. این موارد را در بخش دوّم رهبر انقلاب شرح میدهند.

«نقطه‌ی دوّم بحث عظمت راه طی‌شــده و ثمرات و کارکرد انقلاب تا امروز اســت؛ انقلاب اســلامی با وجود همه‌ی موانعی که در مقابل داشــته و با همه‌ی امکاناتی که از آن سـلب شـده، راه باعظمتی را طی کرده اســت؛ نقطه‌ی مقابل حرف کســانی که اصــرار دارند بگویند انقلاب نتوانسـته کارکردی از خود نشـان دهد. در بیانیّه‌ی گام دوم بیان کردم که انقلاب کارکرد کاملاً برجسـته و ممتاز در زمینه‌های سـیاسـی، اجتماعی، علمی، عدالت، آزادی و همه‌ی خواسـته‌های مهمّ بشـری، ملّی و بین‌المللی داشته است.»[۲]

---

[۱]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

[۲]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

۳. عظمت چشم‌انداز

بحث بعدی عظمت چشم‌انداز پیش رو است؛ یعنی آن چشم‌اندازی که تصویر شده تا ملّت ایران به آن برسد که همان تمدّن نوین اسلامی است. رهبر معظّم انقلاب میفرمایند: «**من تلاش کردم این چشم‌انداز را پیش روی جوانان تصویر کنم؛ عظمت چشم‌اندازی که باید به آن برسیم چیست؟ هدف ما کجا است؟**»

این سه بخش به گذشته و آینده‌ی انقلاب میپردازد که انقلاب تاکنون چه کرده است و میخواهد به چه آینده‌ای دست یابد.

٤. عظمت نقش نیروی جوان متعهّد

یکی از بحثهای مهم که در بحث مخاطبان بیانیّه باید بررسی کنیم این است که رهبر انقلاب مخاطب خودشان را قشر پرانرژی جوان دیده‌اند و از این جهت بخش چهارم که در محتوای بیانیّه به آن پرداختند عظمت نقش نیروی جوانِ متعهّد است. جوان متعهّد پیش‌رانِ این حرکت تمدّنی در چلّه‌ی دوم انقلاب است. باید این باور به خود جوانِ متعهّد منتقل بشود که او هم میتواند شهید همّت بشود، میتواند شهید فخری‌زاده بشود، میتواند شهید شهریاری بشود.

«**نقطه‌ی چهارم عظمت نقش نیروی جوان متعهّد است؛ جوانی که احساس مسئولیّت و تعهّد داشته باشد؛ عظمت نقش این قشر، یعنی جوان متعهّد در مسیر پیش رو و رسیدن به چشم‌انداز مورد نظر.**»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

مضامین اصلی بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب

با مطالعه‌ی بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب، با سرفصل‌های زیر آشنا خواهیم شد:

۱. ورود به دوّمین مرحله‌ی خودسازی

یعنی خودسازی خودِ انقلاب نسبت به انقلاب، جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی انقلاب اسلامی. در واقع تمرکز بحث ایشان در بیانیّه روی مرحله‌ی سوّم، چهارم و پنجم مراحل انقلاب اسلامی است.

۲. انقلاب اسلامی آغاز عصر جدید در جهان

موضوع بعدی بیان این نکته است که انقلاب اسلامی در سال ۵۷ آغازگر یک عصر جدید در جهان بود. چگونگی این آغاز و فرایند تحقّق عصر جدید را ایشان بیان میکند.

۳. نزدیک شدن مدرنیته به احتضار خود.

بعد درباره‌ی مدرنیته‌ی چپ و راست صحبت میشود که بیان میکنند «چپ» که همان نظام کمونیستی بود، از هم پاشید و راستِ مدرنیته هم به احتضار خودش و آن نقطه‌ی افولش نزدیک شده است. همان طور که رهبر انقلاب در جایی فرمودند که این مجموعه‌ی آمریکا که به عنوان نمادِ مدرنیته‌ی راست تلقّی میشود، مثل کشتی تایتانیک است که همان طوری که عظمتِ کشتی تایتانیک نتوانست از غرق شدن آن جلوگیری کند، آمریکا هم نمیتواند و دارد به افول خودش نزدیک میشود!

٤. شعارهای جهانی و همیشه زنده‌ی انقلاب

هشـــت آرمان را رهبر انقلاب به عنوان شـــعارهای انقلاب بیان میکنند: آزادی، اســـتقلال، عدالت، برادری، عزّت، اخلاق، معنویّت. این هشـــت آرمان را به عنوان شعارهایی مطرح میکنند که هیچ وقت کهنه نمیشود و هر جا هم که ما مشـــکل پیدا کردیم به خاطر پشـــت کردنِ به این شـــعارها و آرمانها بوده است.

۵. ویژگی‌های برجسته و ممتاز انقلاب اسلامی
٦. طرح نظریّه‌ی نظام انقلابی به مثابه کلان نظریّه‌ی انقلاب اســـلامی که تصـــریح میکنند و میفرمایند: ما تا لبد معتقد به نظریّه‌ی نظام انقلابی خواهیم بود.
۷. پیمودنی بودن فاصله‌ی میان بایدها و واقعیّتها در انقلاب.
۸. تقابل تمدّنی اســـلام و اســـتکبار به عنوان پدیده‌ی برجســـته‌ی جهان معاصر.
۹. برکات و دســـتاوردهای کلان و درخشـــان انقلاب اســـلامی در چهل سال انقلاب.
۱۰. ظرفیّتهای انســـانی و مادّی کشـــور برای حرکت به ســـمت چشم‌انداز.
۱۱. هشت توصیه‌ی پایانی در بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب اسلامی.

چهل سالگی انقلاب؛ ظرف صدور بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب اسلامی

رهبر انقلاب به چند دلیل چهل سالگی انقلاب را به عنوان حدّی برای جدا کردن قبل چهل سالگی و بعد چهل سالگی لحاظ کرده‌اند.

۱. چهل سالگی دوران پختگی و نشاط انقلاب

چهل سالگی دوران پختگی و نشاط انقلاب است؛ در زندگی انسانها چهل سالگی زمانی است که شخص پخته میشود و رو به اضمحلال و کاستی قوای جسمی میرود، امّا عدد چهل برای انقلابها و پدیده‌های تاریخی عددی نیست که تصوّر کنیم انقلاب را به پیری خودش نزدیک میکند. انقلاب فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است و از بحرانهای زیادی به سلامت عبور کرده است که هر کدام از آن بحرانها میتوانست انقلاب را از حرکت بازدارد. رهبر انقلاب شروع بیانیّه را با این عبارت دارند که از میان ملّتهای تحت ستم، بسیاری از آنها به انقلاب روی نمی‌آورند و آنهایی که انقلاب میکنند پیروز نمیشوند و آنهایی که انقلابشان پیروز میشود توانایی حفظ اهداف انقلابشان را ندارند.

اکنون درخت انقلاب درختی تناور شده است و از آن نهال آسیب‌پذیر فاصله گرفته است. افراد زیادی وعده‌ی از بین رفتن جمهوری اسلامی را دادند و اکنون در قبرهایشان خوراک مار و موش شده‌اند.

۲. آمادگی انقلاب برای جهش به سمت تمدّن اسلامی

آمادگی انقلاب برای جهش به سمت تمدّن اسلامی به خاطر اینکه انقلاب ما توانسته است ظرفیّتهای مادّی، معنوی و انسانی و زیربنایی را ایجاد کند و کشور را برای ایجاد یک تمدّن اسلامی آماده کند. اکنون درآغاز یک جهش بزرگ تاریخی هستیم و به تعبیر رهبر انقلاب ما اکنون در یک پیچ تاریخی هستیم.

ایشـــان میفرمایند: «**عزیزان من ما امروز یا مواجه با یک پیچ تاریخی مهم هســـتیم یا در دل یک پیچ تاریخی مهم حرکت میکنیم. دنیا در حال تغییرات اساسی است. تغییرات اساسی و بزرگ را نمیتوان در طول مدّت یک هفته و یک ماه و یک ســـال درک کرد؛ این امر بتدریج انجام میگیرد. باید مســـلّط باشـــیم که در دنیا و در کشـــور چه اتّفاقی می‌افتد.**»[1]

در کنار این اتّفاقات شـاهدیم که نظم نوینی هم در حال شـکل‌گیری اسـت که در زمان صـدور بیانیّه‌ی گام دوّم، کدها و نشـانه‌هایی را دریافت میکردیم که در حال حاضر متوجّه معنای کدها شده‌ایم.

رهبر انقلاب دربـاره‌ی نظم نوین جهـانی میفرمـایند: «**من در یکی دو تا ســـخنرانی قبلی گفتم که علائم زیادی وجود دارد که حاکی از تغییر نظم کنونی جهان است و روزبه‌روز واضح‌تر میشود که نقشه‌ی سیاسی دنیا در حال تغییر اســـت و مســـئله‌ی یک قطبی بودن و زورگویی کردن یک قدرت یا دو قدرت بر کشـورها و بر ملّتها مشـروعیّت خودش را از دســـت داده اســـت؛ یعنی ملّتها بیدار شـــدند و نظام تک قطبی مطرود شـــده اســـت و بتدریج مطرودتر میشـــود. نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد و خطوط اساسی در این نظم جدید است.**

خطّ اساسی اوّل عبارت از انزوای آمریکا است؛ در نظم جدید جهانی آمریکا منزوی خواهد بود...

---

[1]. بیانات در دیدار مدّاحان اهل‌بیت(ع) ۲۲/۱۰/۱۴۰۱

خطّ اساسی دوّم انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و علمی از غرب به آسیا است...

خطّ اساسی سوّم گسترش فکر و جبهه‌ی مقاومت که مبتکر آن جمهوری اسلامی است...

حال در این دنیای جدید ایران چه‌کاره است و ایران کجا قرار میگیرد و جایگاه کشور عزیزمان کجا است؟ این چیزی است که شما باید فکر کنید و خودتان را برایش آماده کنید. ما میتوانیم در این نظم جدید جایگاه برجسته‌ای داشته باشیم.»[1]

علاوه بر آن نقشه‌ی سیاسی دنیا به نفع ایران اسلامی در حال تغییر است؛ ظرف صدور بیانیّه‌ی گام دوّم این ظرف است و ما میتوانیم با حرکت به سمت تمدّن‌سازی، در آینده‌ی جهان مؤثّر باشیم.

۳. تبدیل تهدید تبلیغاتیِ دشمن به فرصت

دشمنان انقلاب یک پاس گل بسیار زیبا برای انقلاب فراهم کردند و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی) نیز آن را تبدیل به گل کردند.

از چندی قبل از صدور بیانیّه، ضدّ انقلاب جنگ روانی و تبلیغاتی راه انداختند تا بگویند انقلاب در این چهل سال موفّق نبوده و شکست خورده است؛ این باعث شد تا جامعه نسبت به چهلمین سال انقلاب حسّاس شود و نسبت به تحلیل کلان رهبر معظّم انقلاب نسبت به چهل‌سالگی نظام، عطش پیدا کند. ایشان با بهره‌مندیِ درست از این موقعیّت، این بیانیّه

---

[1]. بیانات در دیدار دانش‌آموزان ۱۱/۰۸/۱۴۰۱

را صادر کردند که در محلّ خودش و در آن زمان، تحلیلِ رهبر انقلاب یک جایگاه ویژه پیدا کرد.

٤. چندصداییِ تحلیلگران در تحلیل کلانِ پرونده‌ی چهل‌ساله‌ی انقلاب

تحلیلهای متعدّدی را برخی تحلیلگران در تحلیل انقلاب اسلامی و چهل سالگی انقلاب و نتایجی که بر انقلاب اسلامی بار شده است بیان کرده بودند که همین امر باعث شد تضارب آرائی شکل بگیرد و این امر جامعه را در موقعیّتی قرار داده بود که نظر رهبر انقلاب را بهتر بشنود.

چرا بیانیّه‌ی گام دوّ م صادر شده است؟

هدف رهبر انقلاب از صدور بیانیّه‌ی گام دوّم چه بود و چرا ایشان این بیانیّه را صادر کردند؟ ایشان بعدها درباره‌ی علّت صدور بیانیّه صحبتهایی فرمودند که در ادامه به آنها میپردازیم.

ترسیم چشم‌اندازِ حرکتِ آینده در چلّه‌ی دوّمِ انقلاب اسلامی

اوّلین دلیلی که بر اساس بیانات خود ایشان میتوان گفت این است که ایشان میخواستند برای این چلّه‌ی دوّم انقلاب اسلامی یک چشم‌اندازی پیش روی ملّت ایران قرار دهند. ایشان دو بُعد را برای این چشم‌انداز بیان فرمودند؛ اوّلاً یک پیش‌آگاهی نسبت به آینده برای ما ایجاد میشود و ثانیاً میتوانیم یک برنامه‌ریزی درست برای آینده داشته باشیم:

«از اساس هم هدف همین بود که ما بتوانیم یک چشم‌انداز ترسیم کنیم. یکی از مهم‌ترین کارها در انقلاب اسلامی و نظام اسلامی،

ترسیم چشم‌انداز است که معلوم شود به کجا میخواهیم برویم. یک وقت است که در مقام فکر و تئوری حرف میزنیم و الحمدلله دست ما در این زمینه پر است. امّا ما در حال حاضر وسط میدان هستیم و بحث ما از تئوری و بیان ذهنی و فکری گذشته و عبور کرده‌ایم و اکنون در وسط میدان حرکت میکنیم. ما باید مشخّص کنیم چه‌کار میکنیم و به کجا میرویم و هدفمان چیست؟ یکی از فواید مهمّ این کاری که شما انجام میدهید و این گردهمایی، همین است که چشم‌انداز را تثبیت میکنید، تصویر میکنید و روشن میکنید ما به کجا میرویم و استنادمان چیست؟

نکته‌ی دیگری که در باب نگاه به چهل ساله‌ی دوّم مطرح است، این است که اگر ما در اوّل انقلاب - فرض نشدنی است - این فرصت را میداشتیم که یک نگاه گام اوّل برای چهل سال ترسیم کنیم، قطعاً وضعمان از وضع فعلی بهتر بود. البتّه اراده‌ی الهی و کمک الهی از مسائلی است که همیشه وجود دارد، لکن به حسب موازین از اکنون جلوتر بودیم. اگر میتوانستیم فکرکنیم و مثلاً فرض کنید تهاجم نظامی یک همسایه‌ی ناباب مثل صدّام را پیش‌بینی کنیم - پیش‌بینی نمیکردیم. آن وقت گاهی بعضی‌ها میگفتند که ممکن است فلانی حمله کند. غالب دست‌اندرکارها که خودمان بودیم که فعّال بودیم میگفتیم چنین چیزی نمیشود و چنین کاری اصلاً به ذهنمان نمیرسید - یا مسئله‌ی تحریم را که از همان روزهای اوّل شروع شد یا مسئله‌ی تجزیه‌طلبی را که همان روزهای اوّل شروع شد، چنانچه اینها انجام

میگرفت، میتوانست بر اساس آنها برنامه‌ریزی شود و اگر برنامه‌ریزی میشد کارها بهتر پیش میرفت. بنابراین خودِ این نگاه به آینده‌ی چهل ساله، در واقع میتواند پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و پیش‌آگهی باشد که بدانیم چه اتّفاقاتی ممکن است برای ما پیش افتد. پیش‌بینی‌ها و آماده‌سازی‌ها هم پیش‌آگهی است برای اینکه بدانیم چه اتّفاقی می‌افتد و هم آماده‌سازی است برای اینکه بتوانیم برنامه‌ریزی کنیم و کار را انجام دهیم که البتّه امروز حتماً باید این کار را انجام دهیم و این حرکت شما کمک بزرگی به مسئولین کشور میکند که در این زمینه فعّال شوند.»[1]

انضباط دادن و سرعت بخشیدن به حرکت عمومیِ مردم به سمت چشم‌اندازِ تمدّن نوین اسلامی

رهبر انقلاب فرمودند یک حرکت عمومی در کشور ما وجود دارد و به سمت آن چشم‌انداز در حال حرکت هستیم، امّا این حرکت باید هم منضبط باشد و هم سرعت پیدا کند و آن وقت این حرکت عمومی میتواند سرنوشت ما را تا قرنها بعد روشن کند؛ یعنی ملّت، امروز در گام دوّم شاید سرنوشت دویست سیصد سال آینده‌ی کشور را میتواند تعیین کند.

رهبر انقلاب در یکی از بیانات خودشان میفرمایند: «**عرصه عرصه‌ی حرکت عمومی ملّت و ماندگارِ تاریخی است. از لحاظ تاریخی حرکت امروز ما یک حرکت ماندگاری است. سرنوشت ایران را امروز**

---

[1]. بیانات در دیدار اعضای همایش گام دوّم از نگاه قرآن و حدیث ۰۵/۱۱/۱۴۰۰

ملّت ما شـــاید برای قرنها رقم میزنند و معیّن میکنند. این جور پیش آمده اسـت و همیشـه و در همه‌ی مقاطع تاریخی چنین موقعیّتی پیش نمی‌آید و خوشـبختانه در زمان ما پیش آمده اسـت. انقلاب، کشـور و ملّت را در معرض یک حرکت مؤثّرِ مـاندگـارِ طولانی و تـاریخی قرار داده اسـت و هرکدام از ما باید نقش خودمان را بشـناسـیم و آن را ایفا کنیم.»[1]

بیانیّه‌ی گام دوّم چگونه باید عملیّاتی شود؟

همه‌ی بحثها مقدّمه‌ای بود که به این بخش برسـیم. راهکار تحقّق عینی بیانیّه‌ی گام دوّم را رهبر انقلاب شرح داده‌اند و فرموده‌اند حرکت رو به جلو و منضـبط انقلاب در گام دوّم را از طریق بیانیّه‌ی گام دوّم میتوانیم پیگیری کنیم. قاعدتاً باید یک حرکت عمومی ایجاد شـود و اگر وجود دارد منضـبط شود و با سرعت پیش رود و محور این حرکت جوان متعهّد است.

رهبر انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خودشان در این خصوص میفرمایند:

«ما یک حرکت عمومی به سـمت چشـم‌انداز نیاز داریم. باید یک حرکت عمومی در کشـور راه بیفتد که البتّه این حرکت وجود دارد و لازم است انضباط و سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریّت جوانِ متعهّد است.»[2]

---

[1] . بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان ۰۸/۰۵/۱۳۹۱

[2] . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

الزامات ایجاد یک حرکت عمومی با محوریّت جوان متعهّد

این حرکت یک سری الزامات دارد؛ حرکت در سطح ملّی و عمومی است. یعنی فرض بفرمایید حالت آرمانی این است که ۸۵ ملیون نفر ایرانی وارد میدان بشوند و هر کس سهم خودش را بر عهده بگیرد و انجام بدهد. ببینید چه اتّفاقی می‌افتد و چه جهش تاریخی‌ای اتّفاق می‌افتد؛ این الزاماتی دارد. رهبر انقلاب دراین‌باره میفرمایند: «**ببینید، درست توجّه کنید! یک حرکتِ عمومیِ معقول و منضبط - منضبط! وقتی میگوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغاسالارانه و بَلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکتهای عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد - و صحیح و منتظم و عقلائی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد.**»[1]

۱. شناخت صحنه

رهبر انقلاب در ادامه الزامات را برمیشمارند که اوّلین آن شناخت صحنه است؛ مثل هر عملیّات نظامی که قبل از عملیّات باید از صحنه شناخت داشت وگرنه موفّقیّت ممکن نیست، شناخت صحنه هم بسیار مهم است که بدانیم در چه زمانه‌ای هستیم و شرایط چیست.

ایشان میفرمایند: «**اوّلاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام میدهند یا محور این حرکتند یا لااقل تحریک‌کننده‌ی این حرکتند، بایستی صحنه را**

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، میخواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصتهایش کدامها هستند، تهدیدهایش کدامها هستند، دشمنهایش چه کسانی هستند، دوستهایش چه کسانی هستند.»[1]

نقل میکنند از شهید باقری که ایشان میگفتند من تا خودم مطمئن نشوم، وجب به وجب منطقه‌ای که میخواهم عملیّات کنم را نشناسم، استعداد و امکانات دشمن را ندانم، وارد عملیّات نمیشوم. اطّلاعات عملیّات و شناخت صحنه بسیار مهم است و یکی از عرصه‌های مهمّی است که خیلی مواقع به خاطر اینکه ما اطّلاعات خوبی از صحنه نداریم یا تحلیلمان یا عملمان اشتباه میشود و گاهی اوقات عملهای ما متضاد میشود و همدیگر را خنثی میکند و دشمن سود میبرد.

۲. جهت‌گیری مشخّص (هدف‌گیری تمدّن اسلامی)

نکته‌ی بعدی و الزام دوّم این است که باید جهت‌گیری مشخّص باشد. شما بدون اینکه جهت‌گیری داشته باشید حرکتتان حرکتِ صحیح نخواهد بود! بالاخره از سمت راست بروید، یا چپ بروید، در هر مسافرتی انسان باید جهت را مشخّص بکند، مقصد را مشخّص بکند تا به سمت مقصد حرکت بکند؛ اگر ما مقصد را مشخّص نکنیم این حرکت عمومی ما باری به هر

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

جهت خواهد بود؛ حرکت عمومی باید حتماً دچار یک آشفتگی نشود و این نیاز دارد به شناخت آن مقصد که همان تمدّن نوین اسلامی است. ایشان میفرمایند: «**یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخّصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملّت ایران که ما داریم پیشنهاد میکنیم و مطرح میکنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدّن اسلامی است؛ یعنی میخواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدّن پیشرفته‌ی اسلامی برساند.**» [۱] ایشان همچنین میفرمایند: «**ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدّن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این جور بگوییم که هدف ملّت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدّن نوین اسلامی است.**» [۲]

اجزای تمدّن نوین اسلامی در کلام رهبری

تمدّن در نظر رهبر معظّم انقلاب، دو بخش دارد:

۱. بخش ابزاری؛ علم، صنعت، سیاست، اقتصاد، اعتبار بین‌المللی، اقتدار سیاسی و نظامی و سایر مواردی از این قبیل است.

---

[۱]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

[۲]. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳/۰۷/۱۳۹۱

«بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدّن است؛ وسیله است. البتّه ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی‌ماشاءاللّه در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.»

۲. بخش حقیقی؛ که همان سبک زندگی ایرانی - اسلامی است.[۱]

یکی از جاهای مهمّی که تفاوت تمدّنها را مشخّص میکند، سبک زندگی است که رهبر انقلاب درباره‌ی این مسئله توضیحات فراوانی را در دیدارشان با دانشجویان دانشگاه‌های خراسان شمالی در سال ۹۱ ارائه دادند.

این تمدّن وقتی محقّق میشود که هم از نظر ابزاری، علم و صنعت و اقتصاد و همه‌ی این موارد در طراز بالا باشد و هم سبک زندگی بومی ایرانی - اسلامی باشد؛ آن وقت ثمره‌اش حیات طیّبه میشود؛ یعنی حیات شیرین و

---

[۱] بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳/۰۷/۱۳۹۱

پاکیزه‌ای که دقیقاً همان هدف انبیا بوده است و خوشبختی دنیا و آخرت و لذّتهای معنوی و مادّی در کنار هم تحصیل میشودکه این مسئله را رهبر انقلاب در بیانات متعدّدی که در عید مبعث بیان کرده‌اند، توضیح داده‌اند که در ادامه به دو نمونه از این بیانات میپردازیم.

«این بعثت محتوای عظیمی داشت... برای ما از لحاظ عملی و کاربردی هم دارای تأثیر است، صرف اعتقاد نیست. بعثت و وحی الهی، حقایقی را برای مردم روشن کرد؛ برای بشریّت حقایقی را روشن کرد. این حقایق به نحوی است که اگر آحاد بشر و جوامع گوناگون بشری به این حقایق ایمان بیاورند و عملاً ملتزم بشوند، حیات طیّبه به اینها خواهد رسید. حیات طیّبه یعنی چه؟ یعنی زندگی شیرین و پُرفایده و مطلوب، حیات پاکیزه؛ پاکیزه بودنش به این است که مطلوب باشد، شیرین باشد، انسان را در صراط کمال کمک کند به حرکت و برخوردار از همه‌ی زیبایی‌ها و نیکویی‌ها باشد، هم در دنیا و هم در آخرت. این حیات طیّبه است. اگر دلها به این معارف، به این حقایق آشنا بشوند، به آن بگروند و بر لوازم آن پایبند باشند، حیات طیّبه قطعاً در انتظار آنها است.»[1]

«فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً؛[2] این حیات طیّبه یعنی چه؟ حیات طیّبه به معنای رشد و شکوفایی عقل بشر و علم بشر از سویی و آرامش روحی بشر،

---

[1]. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۰۳/۰۱/۱۳۹۹

[2]. سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۹۷

آسایش مادّی بشر، امنیّت محیط زندگی بشر و رفاه بشر و شادکامی بشر و بالاتر از همه‌ی اینها تکامل معنوی و عروج روحی انسان است؛ حیات طیّبه یعنی اینها. اینها اهداف بعثت پیامبران است.»[1]

عوامل امیدبخش

هر کسی که میخواهد در مسیری پیش رود، اگر عامل امیدبخش نداشته باشد، دلیلی ندارد که حرکت کند. حرکت بر اساس امید برای رسیدن به هدف ایجاد میشود. یک جوان مؤمن انقلابی وقتی به نکات رهبر انقلاب توجّه میکند، سرشار از امید و عوامل امیدبخش است و دشمن دقیقاً همین مسائل را هدف گرفته است و جهاد تبیین برای کنار زدن غبار تحریف از عوامل امیدبخش است. عامل امیدبخشی را میتوان ذیل سه سرفصل بررسی کرد:

۱. ظرفیّتهای ملّی کشور؛ رهبر انقلاب میفرمایند: « **عنصر سوّمی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمیرود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه‌ی ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است از ظرفیّتهای ملّی‌ای که ما اینها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتّی**

---

[1]. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۲۱/۱۲/۱۳۹۹

شما جوانها ظرفیّتهای ملّت خودتان را شناخته‌اید. ملّت ایران نشان داده که میتواند کارهای بزرگ را بخوبی انجام بدهد، از عهده بربیاید؛ ملّت ایران انقلاب را راه انداخت، تشکیل جمهوری اسلامی را راه انداخت؛ اینها مثل معجزه است. تشکیل جمهوری اسلامی در دنیای دوقطبیِ کاپیتالیسم و کمونیسم - که آن روز بود - مثل یک معجزه است؛ واقعاً شبیه معجزه‌ی عبور از دریا برای بنی‌اسرائیل یا عصای موسیٰ است؛ مثل یک معجزه است. خب ملّت ایران این کار را کردند؛ این یک ظرفیّت خیلی مهمّی است. بعد [هم] توانستند این را نگه دارند. دیگران هم از این کارها همین چند سال قبل از این [کردند]؛ دیدید دیگر؛ بعضی از این کشورهای منطقه‌ی شمال آفریقا و مانند آنها از این کارها کردند، امّا نتوانستند نگه دارند. ملّت ایران توانست نگه دارد. ملّت ایران توانست در مقابل ابرقدرت‌های بزرگ دوران سینه سپر کند، آنها را به عقب‌نشینی وادار کند؛ پس این خودش یک نقطه‌ی امید است.»[1]

۲. فرسودگیِ جبهه‌ی دشمن؛ قدرتمندی ما و ضعف طرف مقابل ما نسبت به قبل؛ یعنی آمریکای آن زمان با آمریکای اکنون قابل مقایسه نیست. وقتی کسی که میخواهد در مسیری حرکت کند،

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

احساس کند مثلاً قبلاً یک کوه در مقابلش بوده و اکنون یک تپّه و در واقع برآمدگی جغرافیایی است، میتواند از آن گذر کند. اکنون دشمن ما و مانع جلوی ما هم بشدّت افول کرده است.

رهبری در ادامه میفرمایند: «**البتّه نقاط امید زیاد است؛ یکی‌اش این است. یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه‌ی مقابل ما است. بنده به طور قاطع میگویم - البتّه یک عدّه‌ای فوراً بنا میکنند توجیه و تأویل و انکار و مانند اینها، لکن بنده قاطعاً این را میگویم، میتوانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست - امروز تمدّن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است:** « عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ»[1]**؛ لب گودال است؛ این جوری است. البتّه حوادث و تحوّلات جوامع بتدریج اتّفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمیشود. حتّی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و میگویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدّن غربی، تمدّن مادّی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است.**»[2]

۳. وعده‌های الهی؛ عامل امیدبخش دیگر که از سایر عوامل بسیار مهم‌تر است، این است که دست خدا پشت ملّت ایران است.

---

[1]. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۰۹

[2]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

یکی از گرانیگاه‌های تفکّری رهبر انقلاب و حضـرت امام همین بحثِ اعتماد به سـنّت‌های الهی و وعده‌های الهی اسـت! وعده‌های الهی که برای کمک به مؤمنین داده شـده و خداوند هم به وعده‌هایش عمل میکند؛ «وَمَنْ أَصْـدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»[1]؛ چه کسی از خدا راست‌گوتر است؟ چه کسی بهتر از خدا میتواند به وعده‌هایش عمل کند؟ البتّه شـرایطی دارد که انسـان باید خودش را در مسـیر آن وعده‌ها قرار دهد و در مسـیرسـنّت‌های الهی قرار گیرد و ملّت ما این انتخاب را کرده اسـت و خداوند ملّت ایران را کمک کرده اسـت. رهبر انقلاب فرمودند آن اتّفاقات بزرگی که ملّت ایران تا حالا خلق کرده اسـت، خیلی از ملّتها نتوانسـتند که یکی از عوامل مهم کمک خدا بوده اسـت. ایشـان میفرمایند: «**بعد هم وعده‌ی تخلّف‌ناپذیر خدا که** «إِنْ تَنْصُـرُوا اللَّهَ يَنْصُـرْكُمْ»[2]**؛ خب،** «وَمَنْ أَصْـدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»[3]**؛ چه کسی از خدا راست‌گوتر است؟ وعده‌ی چه کسی از خدا درست‌تر اسـت؟ خدا میگوید:** «إِنْ تَنْصُـرُوا اللَّهَ يَنْصُـرْكُمْ»**؛ اگر شـما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدّن اسلام و جامعه‌ی اسـلامی و تحقّق دین خدا پیش رفتید، خدا شـما را یاری**

---

[1]. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۲

[2]. سوره‌ی محمّد، بخشی از آیه‌ی ۷

[3]. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۲

میکند؛ نقطه‌ی امید. پس عنصر سوّم هم که وجود نقطه‌ی امید است، وجود دارد.» [۱]

خلاصه درس

- بیانیّه‌ی گام دوّم توصیفی جامع و منسجم از مهم‌ترین هست‌ها و بایدهای معطوف به آینده‌ی انقلاب اسلامی است.
- چهل سالگی انقلاب زمان پختگی انقلاب و ظرف صدور بیانیّه‌ی گام دوّم است.
- ترسیم چشم‌انداز و سرعت بخشیدن به حرکت عمومی مردم از اهداف صدور بیانیّه‌ی گام دوّم است.
- ایجاد یک حرکت عمومی در جامعه با حضور جوانان متعهّد ممکن است.
- حضور جوانان در این عرصه الزاماتی دارد که باید رعایت شود تا از انحراف مصون بماند.

پرسش‌های درس

۱- سرفصل‌های کلّی بیانیّه چیست؟

۲- عناوین مباحث جزئی مطرح‌شده در بیانیّه را بشمارید.

۳- علّت صدور بیانیه چیست؟

٤- بخشی از الزامات تحقّق اهداف بیانیّه را بیان فرمایید.

---

[۱]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

۵- الزامات حضور جوانان در عرصه چیست؟

درس سوّم: راهکارهای عملی ورود جوانان به میدان

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. تعریف و وظایف حلقه‌های میانی
۲. کارگروه‌های عملیّاتی برای حضور جوانان در میدان
۳. مأموریّت صاحبان ذهن فعّال و زبان گویا
٤. مخاطب اصلی بیانیّه‌ی گام دوّم
٥. اهمّیّت دانشجویان در گام دوّم

مقدّمه

در درســهای گذشــته، ذیل بحث چگونگی بیان گردید که چهار الزام برای تحقّق بیانیّه‌ی گام دوّم ضــروری اســت؛ شــناخت صــحنه، جهت‌گیری به سمت تمدّن اسلامی و عوامل امیدبخش. در این درس با الزام چهارم آشنا خواهیم شد که رهبر انقلاب از آن با عنوان «راهکارهای عملی ورود جوانان به میدان» یاد کرده‌اند. خواهیم دید که ایشـان این عنصـر را کار و مأموریّت حلقه‌های میانی میدانند که به وسیله‌ی جوانان متعهّد شکل میگیرد..

راهکارهای عملی ورود جوانان به میدان

اقدامات عملی برای به میدان‌آوردنِ عموم مردم

راهکـارهـای عملی یعنی اقدامـات عملی کـه برای بـه میـدان آوردن همـه‌ی مردم نیاز داریم. بنا به فرمایش رهبر انقلاب، حصــول این امر به تمرکز، پیگیری و فعّالیّت پی‌درپی و لحظه به لحظه نیاز دارد. طبق فرموده‌ی رهبر انقلاب این امر بر عهده‌ی حلقه‌های میانی، یعنی مجموعه‌ای از خودِ مردم که اندیشه‌ورزی و برنامه‌ریزی کنند و جامعه را با محوریّت جوان، به سمت اهداف راهنمایی کنند. رهبری فرمودند این کار نه کار رهبری است، نه کار

دولت و نه کار سایر نهادها است، بلکه کار مجموعه‌ای است که اسمشان را حلقه‌های میانی گذاشتند.

حلقه‌های میانی

رهبر انقلاب فرمودند: «**حالا یک سؤال اینجا مطرح میشود و آن، این است که فرایند ورود جولنان به این حرکت عمومی چیست؟ حالا شما یک جوان متعهّد هستید، میخواهید در این حرکت عمومی حضور داشته باشید؛ شیوه‌ی حضور شما چگونه است؟**» ایشان میفرمایند: «**آنچه شما سؤال میکنید -یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک سؤال مستتری است- همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست... این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعّالیّت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتولند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوانهای جامعه را به پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها میتوانند بنشینند**

برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکّلهای دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعّال‌تر باشد، مؤثّرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعّالیّت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمیخورد.»[1]

پس حلقه‌های میانی مجموعه‌هایی هستند که قرار است بخشهای مختلف مردم، بویژه جوان متعهّد انقلابی را فعّال کنند و وارد عرصه‌ی کار کنند. رهبری فرمودند هر کس فعّال‌تر باشد خودش بالا می‌آید و آرام آرام جایگاه خودش را پیدا میکند و رهبری و مدیریّت را بر عهده میگیرد.

تشکیل کارگروه‌ها

به فرموده‌ی رهبر انقلاب لازم است کارگروه‌هایی شکل بگیرد که هر کدام یک زمینه از زمینه‌های مورد نیاز انقلاب را تحت پوشش خودش قرار بدهد و در آن قسمت فعّالیّت کند. رهبر انقلاب فرمودند:

«نمونه‌هایی را من اینجا یادداشت کرده‌ام، نمونه‌هایی از کارهایی که میتواند نسل جوان را در نقش و شأنِ محور بودنِ حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیّت لازم را به آنها بدهد.

۱. کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد -که در صحبت یکی از دوستان هم اتّفاقاً همین بود- یکی از کارها است. این

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

«آتش به اختیار» که من چندی پیش گفتم، مربوط به این مجموعه است، [یعنی] مجموعه‌های فعّال در زمینه‌های فرهنگی که اینها میتوانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند. از اوّل انقلاب هم همین جور بوده، الان هم همین جور است. الان هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید -جوان متشکّل و بافکر و صاحب ذهن فعّال- که دست به کار فرهنگی میزنند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئتِ عزاداری‌ای -همین طور که دوستان بیان کردند -اینها میتوانند روی جوانها تأثیر بگذارند، روی محلّه تأثیر بگذارند، روی خویشاوندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه‌های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی‌ای را در یک مجموعه‌ای به وجود بیاورند.

۲. یک کار دیگر، تشکیل گروه‌های فعّالیت سیاسی [است]؛ البتّه منظورم حزب‌بازی نیست. حزب‌بازی کاری است که بنده برکتی در آن احساس نمیکنم؛ امّا کار سیاسی فقط حزب‌بازی نیست؛ نشستن، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، فهمیدن، منتقل کردن، یکی از آن کارهای بسیار اساسی است که حرکت عمومی جامعه را تسریع میکند، شکل میدهد و کمک میکند؛ یکی از کارها این است.

۳. تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها که بنده مکرّر این را تکرار کرده‌ام و تأکید کرده‌ام و توصیه کرده‌ام؛ و خب خیلی پیشرفتی نداشته. چه کسی باید این را بکند؟ [اگر] منتظر باشید

که رئیس دانشکده یا معاون فرهنگی یا مانند اینها بکنند، فایده‌ای ندارد؛ خودتان باید بکنید.

۴. یک راهکار دیگر تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان [است]. همین طور که اشاره کردم بعضی از مجموعه‌ها این کارها را کرده‌اند. فرض کنید دعوت کردند از دانشجوهای فعّال کشورهای مقاومت که در تهران یا در بعضی شهرستانهای دیگر آمدند، جمع شدند، جلسات خوبی هم بوده، به ما هم خبرش رسید و از این قبیل کارها میشود کرد؛ یعنی فعّال شدن در زمینه‌ی مسائل جهان اسلام. گروه‌هایی تشکیل بشوند و این کارها را دنبال بکنند: مسائل غزّه، مسائل فلسطین، مسئله‌ی یمن، مسئله‌ی بحرین، مسائل مربوط به مسلمانهای میانمار، مسائل مربوط به مسلمانهای اروپا - یکی از مسائل قابل بحث ما در محیط‌های فعّال دانشجویی مسلمانهای اروپایند که خب داستانی است - مسئله‌ی حوادثی که در بعضی از کشورها [پیش آمده]؛ مثلاً حوادث پاریس قابل بررسی است، قابل مطالعه است، قابل فعّال شدن است، یعنی در رابطه‌ی با این حوادث و حوادث منطقه یک مجموعه‌ی دانشجویی میتواند فعّال بشود؛ این هم یکی از راهکارها است.

۶. راهکار دیگر تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز اداری.

۷. راهکار دیگر همکاری با شرکتهای دانش‌بنیان است.

۸. کار بسیار مهمّ دیگر کارهای خدماتی مثل همکاری با گروه‌های جهادی در مناطق مختلف که یکی از بهترین کارهای دانشجویی

است که باید توسعه پیدا کند، تقویت شود، جهت‌دارتر و هدف‌دارتر شود.

۹. فعّالیّتهای اطّلاعاتی مردمی. خیلی از کارهایی که دستگاه‌های اطّلاعاتی ما یا نمیتوانند انجام بدهند یا به دلایل مختلفی لابه‌لای کارها میماند، گاهی به وسیله‌ی عناصر هوشیار و آگاه اطّلاع‌رسانی میشود و تأثیر داشته. به خود ما گاهی اطّلاع‌رسانی شده، تأثیر کرده و دنبال شده و کارهای مثبتی انجام گرفته. فرض کنید [اطّلاع‌رسانیِ] یک سوءاستفاده در زمینه‌ی قاچاق، در زمینه‌ی واردات گوناگون؛ مثل همینهایی که حالا یکی از دوستان اینجا اسم آوردند، خوراک سگ و امثال اینها؛ مجموعه‌هایی میتوانند در این زمینه‌ها فعّال باشند.

۱۰. فعّالیّتهای اجتماعی، مثل همین کارهایی که گفتم در زمینه‌ی هفت‌تپّه و مانند اینها که بچّه‌های دانشجو انجام دادند، کارهای بسیار خوبی است.

۱۱. کارگروه‌هایی که ممکن است به هم مرتبط هم نباشند، امّا لازم است هدایت و برنامه‌ریزی شوند و همه‌ی این کارها باید به وسیله‌ی جوانان برنامه‌ریزی شود، البتّه همه‌ی اینها هم باید با الهام‌گیری از جهت‌گیری کلّی که رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدّن اسلامی باشد.»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

فعّالیّتهای اجتماعی در کنار رشد علمی

نکته‌ای که رهبری تذکّر دادند این بود که همه این کارها میتواند در کنار درس باشد و نباید در رشد علمی دانشجو خلل ایجاد کند.

«البتّه این تحرّکات نباید به کار علمیِ مجموعه‌ی دانشجوی جوان لطمه بزند؛ با هم منافات هم ندارد. یعنی اینکه شما بگویید «راهبرد بلندمدّت نظام، پیشرفت علمی و شکستن خطوط کنونی علم و رفتن به جلو است» درست است. ما قلّه‌ی علم را بلاشک باید فتح کنیم، [امّا] این کارها باید مانع آن نشود؛ منافات هم ندارد، میتوان همین کار را کرد و میتوان حرکت علمی هم کرد؛ میتوان در رشته‌های مختلف، دانشجوی برجسته‌ی صاحب رتبه‌های بالا بود و در عین حال در گروه جهادی حضور داشت، در هیئت دانشجویی حضور داشت، در مجموعه‌های خدماتی حضور داشت، در کار نشریّاتی حضور داشت.»[1]

بچّه‌های بسیجی ما، بچّه‌های مربوط به تشکّلهای انقلابی و مؤمن باید شاگرد اوّلهای دانشگاه، شاگرد اوّلهای دانشکده‌ها و کلاسهایشان باشند. باید هر وقت یک بچّه‌ی بسیجی و مؤمنی را مردم می‌بینند یا در محیط دانشگاه وقتی که دانشجوها با او برخورد دارند، باید از جهات مختلف، چه در ویژگی‌های فردی، چه در ویژگی‌های ایمانی و یا در ویژگی‌های درسی باید نخبه باشد و درس بخواند و زحمت بکشد. این کارها که هر کس با

---

[1] بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

توجّه به علاقه‌مندی خودش به سمت این کارها میرود، برکت درس خواندن میشود. رهبر انقلاب فرمودند:

«در دوران مبارزات طولانی در آن سالهای اختناق - که شماها در دنیای مخصوص آخوندی و طلبگی ماها نبودید - یکی از کارهایی که معمول بود، این بود که روحانیون مبارز را به بی‌سوادی رمی کنند؛ در صورتی که اینها از خیلی از آنها باسوادتر بودند! ما در مشهد مسجدی به نام مسجد کرامت داشتیم، که اجتماع عظیمی از جوانان و نوجوانان در آنجا گرد می‌آمدند. من یک وقت در آنجا در خلال صحبت، به یکی از این حرفهایی که درباره‌ی ما گفته شده بود، اشاره میکردم، این شعر - که ظاهراً متعلّق به میرزا حبیب است - به زبانم آمد:

زین علم که رسمی است پی بحث و جدل نیز افزون ز تو چندین ورق باطله داریم

بعد گفتم اگر نوشته‌های علمی و نوشته‌های فقه و اصولی‌ام را به سر هر کدامتان بزنم، سرتان میشکند؛ این قدر زیاد است! ببینید، یک وقت هست که من احساس میکنم که ای داد، من سرگرم مبارزه شدم، آنها درس را خواندند و بردند و من ماندم. اگر این احساس وارد ذهن من شد، این خوره است؛ این همان حلّ سیاسی است - یعنی در مبارزه حل شده است - باید مواظب بود که این پیش نیاید.»[1]

---

[1] بیانات در دیدار جمعی از هنرمندان ۰۴/۰۹/۱۳۷۰

رهبر انقلاب از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۶ شش بار به تبعید رفته بودند. رهبری فردای آزادی از زندان درسشان را شروع میکردند و در همان زمان شاهدیم چندین کتاب را ترجمه کرده‌اند و سخنرانی‌های متعدّدی داشتند که بعدها این سخنرانی‌ها پیاده‌سازی و به کتابهای خیلی ناب تبدیل شده است. این کارها پیش‌مطالعه و تحقیق لازم داشته است، لذا مشخّص میشود درس باید خوانده شود و در کنار درس خواندن، هر شخصی بررسی کند در چه زمینه‌ای خلأ وجود دارد؟ در چه زمینه‌ای علاقه وجود دارد و کارگروه‌هایی را تشکیل بدهد.

تشکیل کارگروه‌ها با توجّه به خلأهای موجود

رهبر انقلاب فرمودند من چند کارگروه برشمردم، شما تا پنجاه کارگروه میتوانید فکر کنید؛ مثلاً کارگروه حجاب و عفاف، کارگروه جمعیّت، کارگروه آسیب‌های اجتماعی، کارگروه مهار تورّم و کارگروه‌های مختلفی که انسان میتواند داشته باشد؛ یعنی هر کس بررسی کند که در چه زمینه‌ای در منطقه‌ی محلّ زندگی خودش خلأ وجود دارد، کارگروهی تشکیل بدهد و به بررسی مسئله‌ی مورد نظر خودش بپردازد.

در حال حاضر مجموعه‌هایی هستند که کارگروه‌هایی تشکیل داده‌اند و در بعضی از دانشگاه‌ها نیز کارگروه‌هایی تشکیل شده است؛ امّا ممکن است رمق لازم را نداشته باشد که بتولند حرکت عمومی مدّنظر را ایجاد کند. حلقه‌ی میانی یک حلقه‌ی واسط نیست که مثلاً یک سری در حاکمیّت و یک دستی در بین مردم داشته باشد. گاهی اوقات کار حلقه‌ی میانی فعّال کردن مردم و نزدیک کردن کارگروه‌ها به هم است. زمانی‌که رهبری

میفرمایند ما در فعّالیّتهای اطلاعاتی میتوانیم کار مردمی انجام دهیم، در سایر زمینه‌ها به طریق اولی میتوان کار مردمی انجام داد. کار اطّلاعاتی، کار تخصّصی دستگاه‌های حاکمیّتی است، امّا رهبری در اینجا اسم میبرند. بزرگ‌ترین کودتا علیه انقلاب که کودتای نقاب در پایگاه شهید نوژه بود، اهداف شومی در حدّ بمباران جماران و برخی از مراکز مهمّ انقلاب داشت، توسّط یک افسر و یک کسی که جزء مجموعه‌های اطّلاعاتی نبوده است افشا میشود.

در زمینه‌ی دانش‌بنیان‌ها، در زمینه‌ی کارگروه‌های علمی، کارگروه‌های آزادلندیشی، کارگروه‌های خدمات جهادی هر کدام میتولند دانشجویان دختر و پسر ما را رشد بدهد. حلقه‌های میانی برای پیدا کردن راهکارهای عملی وارد میدان میشوند و بعد از اینکه کسی وارد این عرصه‌ها شد و در این کارگروه‌ها فعّالیّت کرد، آرام آرام در شهر خودش، استان خودش و دانشگاه خودش در سطح ملّی شناخته میشود و تجربه‌های مدیریّتی و تجربه‌های ارتباطی با دیگران کسب میکند. در بسیاری از استانها از همین کارگروه‌ها در قالب مجموعه‌های مردمی شروع به کار کردند.

«و اگر از این قبیل کارها که من گفتم و این فهرستها انجام بگیرد، توطئه‌های دشمن خنثی میشود؛ آن توطئه‌های نرمی که همه از آن حرف میزنند و میگویند -که در درجه‌ی اوّل، فلج کردن نسل جوان است؛ [یعنی] یکی از مهم‌ترین توطئه‌هایی که امروز علیه کشور ما و انقلاب ما دارد انجام میگیرد، توطئه‌ی فلج کردن نسل جوان است و سرگرم کردنش به شهوات، سرگرم کردنش به کارهای بیهوده، [مثل]

بازی‌های کامپیوتری و کارهای گوناگونی که وجود دارد، مبتلا کردنش به موادّ مخدّر و کارهای گوناگون از این قبیل؛ اینها فلج کردن نسل جوان است - با این شیوه‌ای که من عرض کردم، خنثی میشود. توطئه‌ی نومید کردن نسل جوان با همین حرکتها که نشاط‌آفرین و امیدآفرین است، از بین میرود. بنابراین، اگر چنانچه ان‌شاءالله شما جوانها با این حرکتها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصّه‌های شما پایان خواهد پذیرفت؛ این غصّه‌ها هم البتّه فقط مخصوص شماها نیست.»[1]

دانشجویانی که آمدند و رشد کردند و در حال حاضر عضو شورای شهر، عضو دولت، عضو مجلس و از اعضای استانداری شدند. رهبر انقلاب فرمودند راه رسیدن به دولت جوان حزب‌اللهی از همین طریق است. «**اگر چنانچه ان‌شاءالله شما جوانها با این حرکتها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصّه‌های شما پایان خواهد پذیرفت.**»[2] یعنی حضور یک دانشجو در این مجموعه‌ها و کار کردن با اخلاص آرام آرام او را آماده میکند که مسئولیّتهای مهم‌تری بگیرد. همین اتّفاق برای رهبر انقلاب هم افتاده است

---

[1] . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

[2] بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

و فعّالیّت ایشـــان در کارهای مختلف و مســـئولیّتهای متفاوت باعث شـــده اســـت ایشـــان در زمینه‌های مختلف بتوانند مفید باشـــند و بعدها از همان تجربیّات اسـتفاده کردند. تجربه‌ی جهادی در اوّلین اردوی جهادی کشـور ما در ســـال ۱۳۴۷ به دلیل وقوع زلزله در منطقه‌ی فردوس، باعث میشـــود ایشـان در زمینه‌ی امدادهای حوادث غیر مترقّبه ایده و طرح داشـته باشـند؛ چون خودشـــان ســـه ماه میان مردم زلزله‌زده حضـــور داشـــتند و میدانند چه کاری باید انجام شود. بعد از آن در اتّفاقات قوچان و سیل ایرانشهر حضور پیدا میکنند و بعد از انقلاب جاهایی که زلزله آمده ایشـــان در اوّلین روزها برای نظارت میدانی حاضـر میشـوند و زلزله‌ی بم و کرمانشـاه نمونه‌هایی از این حضور هستند.

در زمینه‌های علمی، آزاداندیشـــی، ارتباطات بین‌الملل کمک میکند، تا زمانی که انسان وارد میدان عملیّات نشود، با صرف کتاب خواندن و کلیپ دیدن و مسـتند دیدن نمیتواند یک انسـان فعّال شـود. ریزه‌کاری‌هایی وجود دارد که در کتابها و دوره‌ها بیان نمیشود و لازم است انسان وارد عمل شود و نقاط خلأ را پیدا کند و بتواند به فرد موفّقی در این زمینه تبدیل شود.

تبیین بر عهده‌ی صاحبان ذهن فعّال و زبان گویا

لوازم تحقّق بیانیّه‌ی گام دوّم یعنی شـــناخت صـــحنه، جهت‌گیری، عوامل امیدبخش و راهکارهای عملی نیاز به تبیین دارند و این تبیین طبق فرمایش رهبر انقلاب کار صـــاحبان ذهن فعّال و زبان گویا اســـت. رهبر انقلاب میفرمایند: « **ممکن اســـت کســـی بگوید ما این آرمانها را چه جوری دنبال بکنیم؟ ما که در کشـور اثری نداریم؛ یک عدّه مدیرانی هسـتند،**

دارند کار خودشان را میکنند، ما هم اینجا شعار میدهیم، حرف میزنیم. این اشتباه در فهم مسئله است؛ هرگز این جوری نیست. دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال میکنید، میگویید، تکرار میکنید و بجد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد میکند، این موجب تصمیم‌سازی میشود؛ زیدِ تصمیم‌گیر در فلان مرکز تصمیم‌گیریِ مدیریّت کشوری، وقتی که یک چیزی به عنوان یک گفتمان درآمد، مجبور میشود دنبال بکند. یک نمونه‌ی زنده‌اش همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیاء حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به عنوان یک گفتمان درآمد؛ حرکت جامعه بر اساس آن به وجود آمد؛ ده پانزده سال است که ما از لحاظ علمی داریم همین طور حرکت میکنیم و جلو میرویم. در همه‌ی زمینه‌ها همین جور است، دانشجو میتواند مؤثّر باشد. کسی از عزیزان از قول مرحوم شهید بهشتی، نقل کردند که ایشان فرمودند که «دانشجو مؤذّن جامعه است؛ وقتی که خواب بماند، مردم هم خواب میمانند»؛ خب، تعبیر خوبی است؛ شما میتوانید بیدارکننده باشید، میتوانید گفتمان‌ساز باشید، به هیچ وجه تصوّر نکنید که این کارهای دانشجویی شما، کارهای بی‌اثری است.»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۲۰/۰۴/۱۳۹۴

یک نکته‌ی خیلی مهم است که وقتی این مطالب تبیین نمیشود بچّه‌های انقلابی ما، بچّه‌های متعهّد و مؤمن ما وارد میدان نمیشوند و به زندگی شخصی خودشان میرسند. وقتی برخی از اینها دچار جنگ شناختی شدند، امیدشان را از دست دادند، لازم است عامل امیدبخش گفته شود. باید جهت‌گیری روشن شود و فکر تمدّنی شود که این امور احتیاج به گفتن و احتیاج به تکرار دارد و در این مسئولیّت رفقای دانشجو و تشکّلهای دانشجویی میتوانند بسیار مفید باشند، کمااینکه طلبه‌ها، مبلّغین و روحانیّت در کنار هم میتوانند جامعه بویژه جوان متعهّد را از نظر ذهنی آماده بکنند و وارد حرکت عمومی شود و بتواند سایر مردم را در این حرکت عمومی همراه کند.

مخاطب بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب کیست؟

رهبر انقلاب فرمودند مخاطب بیانیّه عموم مردم بویژه جوانان هستند. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند: «خب، **ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البتّه این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریّت جوان متعهّد است؛ جوانهای متعهّد، محور این حرکتند. جوان هم که میگویم، لزوماً مراد من جوان ۲۲ساله و ۲۵ساله نیست؛ البتّه از جوانهای ۲۲ساله و ۲۵ساله خیلی کار برمی‌آید؛ واقعاً این جوری است که این خواهر**

عزیزمان گفت، که بیست‌ساله‌ها را با شصت‌ساله‌ها مقایسه کرد که شماها هم همه برایش کف زدید؛ بنده ۲۰ساله و ۲۵ساله را [هم میگویم]؛ منتها وقتی من میگویم جوان، منظورم صرفاً جوان دهه‌ی بیستی نیست؛ نه، ۳۰ساله، ۳۵ساله، ۴۰ساله، اینها هم جوانند، یعنی اینها هم میتوانند در همین عرصه نقش‌آفرینی کنند، میتوانند کار کنند؛ اینها هستند که اگر متعهّد باشند میتوانند در نظام مدیریّت کشور یک تحوّل عظیمی را به وجود بیاورند.»[1]

جوانان دانشجو محور حرکت تمدّنی انقلاب اسلامی

محور حرکت تمدّنی انقلاب از ابتدا جمعیّت جوانان بودند و در حال حاضر جمعیّت انبوهی داریم که تحصیل کرده و پرانرژی، آینده‌ساز و قریب به ۳۵ میلیون جوان داریم که با تعریف رهبر انقلاب میتوانند حرکت ایجاد کنند. شاید یک جوان به اندازه‌ی ده تا کهن‌سال یا بیشتر بتواند کار کند؛ یعنی نباید به عدد ۳۵ نسبت به ۸۵ میلیون نگاه کنیم، چرا که از نظر کیفی متفاوت هستند و خیلی توانمندتر هستند و بار کشورها معمولاً روی این قشر است و هر کدام میتوانند اقدامات بزرگی را در این زمینه انجام دهند. دانشجو موتور این حرکت است؛ چون سلاح علم را هم در کنار جوانی و انگیزه و شور و حال خودش دارد و اینها همه میتوانند مفیدتر باشند؛ بخصوص اگر در کنار دوستان طلبه قرار بگیرند که این آرزویی است که حضرت امام داشتند و رهبر انقلاب دنبال کردند و امثال شهید

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

مفتّح پیگیری کردند؛ پیوند این دو قشر با هم ثمراتی دارد که مجموع اینها میتوانند حرکت مردمی کشور ما را سامان دهند. دانشجو در حرکتهای اجتماعی میتواند نقش‌آفرین باشد.

دانشجو در حرکت سیاسی امروز کشور باید در مسیر آرمانها حرکت کند و آرمان‌خواهی یکی از نقاط مهم و تأثیرگذار در رشد یک کشور برای رسیدن به اهدافش است. اگر به سمت آرمانها حرکت نشود، زندگی روزمرّه‌ای میشود وآرام آرام افول تمدّن و کشور اتّفاق می‌افتد.

رهبر انقلاب درباره‌ی آرمان‌خواهی میفرمایند: «**بنده معتقدم که آرمانهای انقلاب - که چهارچوب‌هایش مشخّص است؛ بنده هم بعضی‌ها را تصریح خواهم کرد و اسم خواهم آورد - بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست. نسبت شما با آرمانها، این چنین نسبتی است. عقیده‌ی من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط و روحیّه و حالت تحرّک، و همچنین جسارت، یعنی خط‌شکنی‌ها، که در جوانها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمانها دست پیدا نخواهیم کرد.**»[1]

آینده‌ی کشور هم به دست جوان است؛ یعنی همین جوانی که اکنون در دانشگاه درس میخولند میتولند پست‌های مدیریّتی را در آینده بر عهده

---

[1]. بیانات در دیدار دانشجویان ۰۶/۰۵/۱۳۹۲

بگیرد، میتواند فیلسوف آینده‌ی کشور ما باشد و این اهمّیّت نقش دانشجو در حرکت تمدّنی انقلاب را روشن میکند.

رهبر معظّم انقلاب فرمودند: «**شما امروز دانشجو هستید، امّا فردا همین دانشجوی امروز مدیر سیاسی است، اداره‌کننده‌ی یک بخش مهمّی از کشور است. اینهایی که الان مسئولین کشورند، دیروز دانشجو بودند مثل شما، حالا الان مشغول اداره‌ی کشورند؛ مشغول اداره‌ی سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی؛ دانشجوی امروز فیلسوف فردا است، محقّق فردا است؛ دانشجوی امروز فعّال فرهنگی یا مطبوعاتی و رسانه‌ایِ مؤثّرِ فردا است؛ دانشجوی امروز رئیس فردا، مغز متفکّر فردا، عنصر اثرگذار فردا است. انسان بنا است همیشه که جوان و دانشجو نماند؛ شما امروز میتوانید جوری زمینه را آماده کنید که فردا که تبدیل شدید به این عناصری که گفتم، به معنای واقعی کلمه اثر بگذارید، هم ذهن جامعه را عوض کنید، هم واقعیّت جامعه را عوض کنید.**»[۱]

میتوانیم بگوییم یکی از مخاطبین اصلی رهبر انقلاب در بیانیّه‌ی گام دوّم دانشجوها هستند.

خلاصه درس

- یکی از الزامات تحقّق بیانیّه‌ی گام دوّم، یافتن راهکارهای عملی برای ورود جوانان به عرصه است.

---

[۱]. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان ۲۹/۰۱/۱۴۰۲

- پیدا کردن این راهکارها بر عهده‌ی حاکمیّت نیست بلکه بر عهده‌ی مجموعه‌ای از خود ملّت بویژه جولانان است که به آنها حلقه‌های میانی میگویند.
- حلقه‌های میانی بنا است وظیفه‌ی دنبال کردن و پیگیری و برنامه‌ریزی را داشته باشند.
- یافتن راهکارهای عملی از دل حضور جوانان در کارگروه‌ها انجام میگیرد.
- برخی از کارگروه‌ها عبارتند از: کارگروه‌های فرهنگی، کارگروه‌های سیاسی، میزگرد و کرسی آزاداندیشی در دانشگاه‌ها، گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌المللی، گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی، کار اقتصادی در قالب شرکتهای دانش‌بنیان، فعّالیّتهای خدماتی (مثل اردوهای جهادی)، فعّالیّتهای اطّلاعاتیِ مردمی، فعّالیّتهای اجتماعی (مثل ماجرای هفت‌تپه).
- در کنار فعّالیّتهای اجتماعی و حضور در کارگروه‌ها باید درس نیز به صورت جدّی خوانده شود.
- الزامات چهارگانه‌ی تحقّق مفاد بیانیّه‌ی گام دوّم، نیازمند تبیین است و این مسئولیّت بر عهده‌ی صاحبان ذهن فعّال و زبان گویا است.

- مخاطب بیانیّه‌ی گام دوّم عموم مردم ایران است و یک سند حاکمیّتی نیست و البتّه مخاطب ویژه‌ی آن جولنان بخصوص دانشجویان هستند.

پرسش‌های درس

۱- طرح رهبر انقلاب برای ورود جوانان متعهّد به میدان حرکت عمومی چیست؟

۲- رهبر انقلاب چه کارگروه‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند و آیا آن کارگروه‌ها منحصر به مواردی است که ایشان نام برده‌اند؟

۳- منظور از حلقه‌های میانی چیست و چه وظیفه‌ای دارند؟

٤- آیا کار میدانی با خوب درس خواندن منافات دارد؟

٥- صاحبان ذهن فعّال و زبان گویا چه نقشی را در گام دوّم بر عهده دارند؟

٦- مخاطب اصلی بیانیّه‌ی گام دوّم کیست؟

درس چهارم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (نهضت تولید علم)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. سطوح وظایف فردی و اجتماعی نسبت به بیانیّه‌ی گام دوّم.
۲. قیام لله.
۳. انواع وظایف از لحاظ مخاطب و مأموریّت.
٤. اهمّیّت کار علمی و پژوهشی در گام دوّم.
٥. چشم‌انداز علمی و راه رسیدن به قلّه‌های علمی

مقدّمه

در دروس گذشته بحث چگونگی تحقّق بیانیّه‌ی گام دوّم مطرح شد. پس از بیان نکاتی درباره‌ی راهکارهای عملیّاتی کردن بیانیّه و همچنین بیان مخاطب بیانیّه‌ی گام دوّم برای انجام عملیّات لازم به بحث وظایف میرسیم. در بحث وظایف علاوه بر آشنایی با انواع وظایف از حیث تنوّع شئون و جایگاه‌های مخاطب و نوع مأموریّتها بحث مهمّ قیام لله مطرح میگردد. در ادامه بحث مأموریّتهای دانشجویی در عرصه‌های مختلف بیان شده و تمرکز اصلی در این درس بر مأموریّت علمی و پژوهشی دانشجو خواهد بود.

سطوح وظایف افراد نسبت به بیانیّه‌ی گام دوّم

هر کس باید وظیفه‌ی خود را پیدا کند

هر کس باید وظیفه‌ی خود را پیدا کند و نسبت به آن وظیفه اقدام کند و کار را پیش ببرد و شرایط نباید ما را از حرکت بازدارد؛ مثلاً نباید بگوید من یک دانشجویی هستم در یک دانشگاه یا محلّ زندگی‌ام در یک جایی دورافتاده است یا من شاید به حساب نمی‌آیم!

رهبر انقلاب در ۵ اسفند ۱۳۷۰ فرمودند: «**در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما متوجّه است.**»

یک کارخانه‌ی بزرگ، گاهی اوقات با نبود یک قطعه‌ی کوچک متوقّف میشود. اگر در نقشه‌ی کشور ایران توجّه کنیم، می‌بینیم که در هر استان و در هر شهرستان و بخش اگر همه‌ی این مناطق وظایف مختلف خودشان را در زمینه‌های مختلف فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و سیاست درست انجام دهند، مجموع هر جا که درست انجام داد، سبز شود، آرام آرام وقتی جوانان آن مناطق و همه‌ی کشور به سمت وظایفشان حرکت کنند و وظیفه‌ی خودشان را انجام دهند، نقشه‌ی کشور ایران سبز میشود و رشد و تعالی و جهشی اتّفاق می‌افتد که ما میتوانیم از همه‌ی جهانیان پیشی بگیریم.

قیام لله

اگر کسی قرار است کار انقلابی انجام دهد، باید یک هویّتی داشته باشد. نام هویّت این کار قیام لله است که رهبری در این زمینه بسیار دغدغه دارند و سالها این مسئله را تکرار کرده‌اند.

ایشان در مرقد امام(قدّس‌سرّه) بیانی دارند که میفرمایند: «**اگر بخواهیم زیربنای مکتب مبارزه‌ی امام را و انقلاب امام را در یک جمله عرض بکنیم، باید بگوییم زیربنای همه‌ی فعّالیّتهای ایشان «قیام لله» بود؛ هدف، قیام لله [بود]؛ همان که در یادداشت معروفشان در دوران جوانی در دفتر مرحوم وزیری یزدی(رحمةالله‌علیه) نوشته‌اند:** «قُلْ

إِنَّمَآ أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ»[۱]؛ **قیام لله، که این قیامِ لله ریشه‌ی قرآنی بسیار مستحکمی دارد. قیام لله در همین آیه‌ی سوره‌ی سبأ - قُل اِنَّمآ اَعِظُکُم - [بیان شده]، یا** «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»[۲] **در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، یا در آیه‌ی دیگری در سوره‌ی مدّثّر در اوّل بعثت:** «یا اَیُّهَا المُدَّثِّر * قُم فَاَنذِر»[۳]؛ **«قیام لله» یعنی این. حالا این «قیام لله» در هر دوره‌ای ممکن است به نحوی باشد.»**[۴]

قیام لله ارکان اساسی دارد؛ یکی از آنها اقدام و تحرّک است و بعد اخلاص که خیلی مهم است و لازمه‌اش این است که انسان باید تحوّل‌آفرینی و تحوّل‌خواهی را درون خودش قرار بدهد که امام از همین عنصر استفاده کردند. کسی که قیام لله میکند برای این است که تغییری در جامعه ایجاد کند وَالّا قیام لله معنا ندارد.

رهبر انقلاب در توصیف حضرت امام(قدّس‌سرّه) میفرمایند:

«امروز بنده میخواهم درباره‌ی یک خصوصیّت مهمّی از خصوصیّات امام بزرگوار بحث کنم؛ البتّه ایشان یک انسان ذوابعاد و دارای خصوصیّات برجسته‌ی متعدّدی بودند؛ این خصوصیّتی که امروز بحث میکنیم، جزو مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصوصیّات امام بزرگوار است و آن عبارت است از روحیّه‌ی تحوّل‌خواهی و تحوّل‌انگیزی امام

---

[۱]. سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ٤٦

[۲]. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۳۸

[۳]. سوره‌ی مدّثّر، آیات ۱ و ۲

[٤]. بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

بزرگوار. امام، روحاً، هم‌یک انسان تحوّل‌خواه بود، هم تحوّل‌آفرین بود. در مورد ایجاد تحوّل، نقش او صرفاً نقش یک معلّم و استاد و مدرّس نبود؛ نقش یک فرماندهِ داخل در عملیّات و نقش یک رهبر به معنای واقعی بود. ایشان بزرگ‌ترین تحوّلات را در دوران خودشان، در زمان خودشان در حوزه‌های متعدّدی و در عرصه‌های متنوّع زیادی ایجاد کردند که من به مقداری [از آنها] امروز اشاره میکنم.

اوّلاً روحیّه‌ی تحوّل‌خواهی از دیرزمان در این بزرگوار وجود داشته است؛ این چیزی نبود که در آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ در ایشان به وجود بیاید؛ نه، ایشان از دوران جوانی یک انسان تحوّل‌خواه بودند که نشانه‌ی آن عبارت است از همان یادداشتی و نوشته‌ای که ایشان در دوران جوانی - تقریباً در دهه‌ی ۳۰ از عمرشان - در دفتر مرحوم وزیری یزدی نوشته‌لند که مرحوم وزیری عین آن نوشته را، دستخطّ ایشان را به من نشان دادند؛ دیده‌ام که بعد هم چاپ شده و در اختیار خیلی‌ها قرار گرفته. در آن نوشته، ایشان آیه‌ی شریفه‌ی «قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ»[1] [را ذکر میکنند] که دعوت میکند عموم را به قیامِ لله؛ یک چنین روحیّه‌ای در ایشان وجود داشت. این روحیّه را ایشان اِعمال کردند و همین طور که اشاره کردم تحوّل‌آفرینی کردند. مِیدانی وارد مسئله‌ی تحوّل شدند، نه فقط گفتاری و دستوری؛ از تحوّل‌آفرینی روحی در یک مجموعه‌ای از

---

[1]. سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ٤٦

طلّاب جوان در قم -که من حالا عرض خواهم کرد شـرحش را - تا تحوّل‌آفرینی وسیع در عموم ملّت ایران.»[۱]

اثر قیام لله

وقتی کسی قیام لله میکند، چه فرایندی طی میشود؟ رهبر معظّم انقلاب در یکی از بیاناتشـان فرمودند: «**برای نجات یک کشـور، میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال لازم اسـت: عوامل طبیعی، عوامل انسـانی، عوامل بین‌المللی، عوامل سیاسی و اقتصادی. مجموعه‌ی این عوامل باید به کار بیفتد تا یک ملّتی بتوانند در زندگی خودش تحوّل ایجاد کند. این عوامل، دست ما انسانها نیست و با اراده‌ی ما ارتباط مستقیمی ندارد؛ امّا ما وقتی که «قیام لله» میکنیم، خدای متعال با یک حرکت ما هزاران و میلیون‌ها حرکت و فعل و انفعال را در فضـای زندگی اجتماعی به وجود می‌آورد و تحوّل ایجاد میشـود؛ عیناً مثل طبیعت. شما یک نهال کوچک را در خاک فرو میکنید - از شما فقط همین کار اسـت. این، کار کمی اسـت - امّا این نهال با میلیون‌ها فعل و انفعال در خاک و در خودِ بافت گیاهی، در فضـا و هوا به یک درخت بزرگ تبدیل میشـود؛ شـاخ و برگ میدهد؛ میوه میدهد و نسـبت به آن وضـعیّت اوّل، صـدها و هزارها برابر تغییر پیدا میکند. کار شـما در مقابل آن همه فعل و انفعالات هیچ اسـت؛ امّا اگر شـما همان کار کوچک را که نشاندن این نهال در زمین است، انجام ندهید، این همه**

---

[۱]. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۴/۰۳/۱۳۹۹

فعل و انفعالات انجام نمیگیرد. امام «قیام لله» کرد و خودش با همه‌ی وجود وارد میدان شد. با فریاد خود، با تلاش خود، با قبول زحمات، ملّت را پای کار آورد. با این حرکت و با این عزم راسخ، خداوند متعال آن میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال را بر این حرکت مترتّب کرد و آنچه اتّفاق افتاد، به یک معجزه شبیه بود؛ یعنی تشکیل نظامِ مبتنی بر اسلام دریک نقطه‌ی حسّاس؛ به خاطر این حرکت امام، که البتّه آماج دشمنی و کینه‌ی همه‌ی صاحبان زور و زر در سرتاسر عالم است؛ امّا بر خلاف نظر آنها، این حقیقت تحقّق پیدا کرد.»[1]

ما اگر فقط قدم اوّل را برداریم خدا خودش کمک میکند. فرمودند که میلیون‌ها عامل باید کنار هم بیایند که اینها دست ما نیست؛ حرکت اوّل، قدم اوّل، همان اقدام و تحرّک و اخلاص، این دست ما است. امّا پس از این، همه‌ی عوامل دیگر طبق سنّت الهی به حرکت می‌افتند برای ثمربخشیِ معجزه‌آسای این قیام لله؛ مانند دومینو، انسان که همه‌ی اجزا را نمیتواند همزمان با هم فعّال کند، کار انسان این است که اوّلین قطعه را بندازد و این قطعه به قطعه‌ی بعدی برخورد کند و اتّفاق بزرگی رقم بخورد. قیام لله یعنی همین؛ یعنی اینکه من حرکت اوّل که وظیفه‌ام است را انجام دهم و ادامه‌ی کار را خداوند هموار میکند. از مثالهای تاریخی این اتّفاق میتوان به ۱۹ دی سال ۱۳۵۶ اشاره کرد؛ در آن دورانِ خفقان رهبران نهضت

---

[1]. بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۸۵

(امام، رهبر انقلاب و سایرین) در تبعید یا زندان هستند، امّا مردم قم بر اساس وظیفه‌ی خودشان عمل میکنند و به میدان می‌آید. در ابتدا چند طلبه روزنامه‌ی اطّلاعات را میگیرند و میگویند به امام توهین شده و خدمت اساتید و سپس مراجع میروند و تظاهراتی آرام را ساماندهی میکنند ولی رژیم با برخورد خشن خود اعتراضات را سرکوب میکند و معترضین شهید میشوند؛ چهلم این شهدا را مردم تبریز گرامی میدارند و آنجا هم چند نفر شهید میشوند؛ مردم یزد هم همین طور و دوباره مردم قم و این چله گرفتن‌ها تا تابستان سال ۱۳۵۷ به طول می‌انجامد و در ۱۷ شهریور آن اقدام انقلابی مردم برای شکستن حکومت نظامی اتّفاق می‌افتد و با برخوردهای خشن رژیم مواجه میشود؛ از آنجا به بعد پایه‌های حکومت خاندان پهلوی از بین میرود و ۲۶ دی‌ماه شاه فرار میکند. تقریباً یک سال قبل از فرار شاه، با هوشیاری چند طلبه که احساس وظیفه میکنند، مردم را فعّال میکنند و حرکتی عمومی ایجاد میکنند که ثمره‌اش پیروزی انقلاب اسلامی میشود.

رهبر معظّم انقلاب در خاطرات خودشان میگویند ما در تبعید بودیم که دیدیم مردم این گونه وارد میدان شدند. پس حرکتهای کوچک من و شما شاید همان حرکتی باشد که قرار است یک تمدّن را ایجاد کند، با بازه‌ی زمانی خاصّی که خواهد داشت.

انواع وظایف نسبت به گام دوّم

هر کسی از هر قشر و هر صنف و گروهی، نسبت به بیانیّه‌ی گام دوّم باید وظیفه‌ی خودش را بشناسد و به آن عمل کند و شاید بتوان گفت که بخش مهمّ بیانیّه‌ی گام دوّم همین است. شناخت وظیفه از دو جهت حائز اهمّیّت است؛

الف. از لحاظ مخاطب

فردی: گاهی اوقات از حیطه‌ی فردی خودم به مخاطب نگاه میکنم، گاهی اوقات از حیطه‌ی صنفی و گاهی اوقات از حیطه‌ی سازمانی است. گاهی اوقات من شخص خودم را به عنوان یک فرد نگاه میکنم و نهایتاً من کسی هستم که یک حیطه‌ی تأثیرگذاری فردی دارم که این جنبه‌ی فردی من است؛ به عنوان یک پدر، فرزند و در واقع به عنوان یک انسان در جامعه بدون اینکه نظری به هویّت صنفی خود داشته باشم.

صنفی: شخصیّت حقیقی من توانایی انجام کارهایی را دارد که باید بگردم و آن کارها را پیدا کنم. گاهی اوقات علاوه بر اینکه یک فرد هستم، یک هویّت شغلی یا هویّت صنفی دارم؛ مثلاً طلبه‌ام، دانشجو هستم و یک صنف را نمایندگی میکنم و داخل یک صنفی هستم و از این جهت دو دسته وظیفه فردی و صنفی را دارم.

سازمانی: در کنار این گاهی اوقات بعضی افراد هستند که علاوه بر اینها وظایفی در حاکمیّت دارند؛ مدیر، معاون، وزیر، مسئول، وکیل و... هستند که میتوانند در هدایتگری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها کار حکومتی انجام بدهند یا

گام دوّمی عمل کنند. البته میتوانند به عنوان یک فرد معمولی که انگار نه انگار بیانیّه‌ی گام دوّم صادر شده است، عمل کنند.

از نظر اینکه من چه هستم و چه مسئولیّت اجتماعی دارم در این سه سطح میتوانیم خودمان را محک بزنیم و نسبت خودمان را چه از نظر فردی و چه از نظر صنفی یا سازمانی ببینیم.

چند سال از صدور بیانیّه‌ی گام دوّم گذشته است و هر کس باید عملکرد خود را بررسی کند که آیا تاکنون فکر کرده است؟ چه نتیجه‌ای گرفته است؟ نتیجه‌ی حاصله را با سایر افراد به اشتراک گذاشته‌ایم؟ اگر به اشتراک گذاشتیم آیا به عمل انجامیده است؟ عمل فردی بوده یا تشکیلاتی؟ در قالب کارگروه بوده است یا خیر؟ دیگران را وارد این کار کرده‌ام؟ میتوانستم دیگران را هم سهیم کنم؟ اینها از همان فکرهایی است که در روایات داریم چند دقیقه فکر کردن فضیلتی برتر از هفتاد سال عبادت دارد؛[1] چون ثمره‌ی آن برای جامعه بیشتر است.

ب. از لحاظ نوع مأموریّت

علمی - پژوهشی: از لحاظ نوع مأموریّتها هر فرد میتواند مأموریّتهای متنوّعی را برای خودش تعریف کند؛ مثل مأموریّتهای علمی و پژوهشی و به تولید علم بپردازد و کار پژوهشی انجام دهد، مسائل نظام را حل کند و نرم‌افزار اداره‌ی کشور را در اختیار مسئولین و حکمرانان قرار دهد.

---

[1] بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج۶۶، ص، ۲۹۳

ترویج گفتمان: گاهی اوقات ممکن است فرد ترویج گفتمان کند و رهبری هم روی گفتمان‌سازی تأکید دارند و بارها فرمودند که میتواند کشور را به مقصود خودش برساند.

کسب آمادگی: من به عنوان یک دانشجو اگر بنا است که تبیینگر و گفتمان‌ساز باشم، باید مهارتها و روشها را یاد بگیرم. اگر میدانم مسئولیّتم در آینده این است که یک مدیر خوبی باشم، باید از همین حالا کارهای اجرائی انجام دهم و تمرین کنم و دوره‌هایی مثل دوره‌های مدیریّت اسلامی را بگذرانم. در غیر این صورت مدیر موفّقی نخواهم بود. مثل کسی که حج به او واجب است، به سمت مکّه حرکت نمیکند بلکه یک هفته مانده به اعمال حج قصد حرکت میکند، یقیناً این فرد به حج نخواهد رسید.

حضور در صحنه: آنچه که مهم است بحث حضور در صحنه و حضور بهنگام و بموقع است.

محتوای اصلی این درس و چند درس آینده مربوط به این چهار نوع مأموریّت است.

اهمّیّت کار علمی و پژوهشی در گام دوّم

در بخش کار علمی و پژوهشی ابتدا باید اهمّیّت مسئله را فهم کرد و کسی که استعداد و زمینه‌هایش را دارد، وارد شود و به خاطر اهمّیّتی که برای کشور ما و برای انقلاب ما دارد، دانشجوهای توانمند در این عرصه باید روی این کار متمرکز شوند.

رهبر معظّم انقلاب میفرمایند: «**اگر ما دیدیم که مردم در دنیا، در یك نظام سیاسی باطل و پر از فشار دارند زندگی میکنند، و توانستیم یك قدم آنها را به نجات از این نظام نزدیك کنیم و نکنیم، گناه کردیم. اگر ما دیدیم که بخش مهمّی از مردم دنیا دچار گرسنگی‌اند، دچار فقر بدبخت‌کننده و تیره‌روزکننده هستند و توانستیم اقدامی بکنیم و نکنیم، گناه کردیم. با این نگاه باید به مسائل بشریّت و مسائل جهان نگریست. اگر این است، پس باید کشور توانایی داشته باشد؛ باید ملت و دولت، مجموعه‌ی نظام و کشور قوی باشد و اقتدار داشته باشد. اگر مقتدر نباشیم، مقتدران عالم بر روی ما اثر میگذارند؛ مجالی باقی نمیملند تا ما بخواهیم حتّی روی همسایگان خودمان یا هم‌کیشان خودمان تأثیر بگذاریم، چه برسد بر روی کلّ بشریّت. پس باید قدرت پیدا کرد. این قدرت بلاشك در ابزارهای نظامی نیست؛ حتّی در قدرت تولید و پیشرفت فنّاوری هم نیست.**

آنچه که در درجه‌ی اوّل در ایجاد قدرت ملّی مهم است، به نظر من دو چیز است: یکی علم است، یکی ایمان. علم مایه‌ی قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. این علم یك وقت منتهی به یك فنّاوری خواهد شد، یك وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه‌ی اقتدار است؛ ثروت‌آفرین است؛ قدرت نظامی‌آفرین است؛ قدرت سیاسی‌آفرین است. یك روایتی هست که میفرماید: «العلم سلطان» - **علم، قدرت است** - «من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه»؛ **یعنی مسئله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید،**

میتوانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - «صال» یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ «صیل علیه». پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدّرات شما دخالت میکند؛ در سرنوشت شما دخالت میکند. گنجینه‌ی معارف اسلامی پر است از این حرفها. یکی هم ایمان است.»[1]

اگر قرار باشد یک رسالت اصلی برای دانشجو ببینیم، یقیناً یکی از مهم‌ترین آنها تولید علم و بومی‌سازی علوم است. در بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب هم رهبری هشت توصیه دارند که اوّلین آنها بحث امید و اهمّیّت امید است و بعد ایشان پژوهش را مقدّم بر سایر توصیه‌ها ذکر کرده‌اند.

چشم‌انداز علمی: رسیدن به قلّه‌ی «منبع علمِ دنیا»

رهبر معظّم انقلاب میفرمایند: «**نخبه‌ی علمی - حالا بحث ما سر نخبگان علمی است - بایستی به آن آینده و افقی که برای علم در کشور ترسیم شده چشم بدوزد و به آن توجّه داشته باشد. ما گفتیم که باید جوری حرکت بکنیم که در یک فاصله‌ی معقول زمانی - بنده چند سال قبل گفتم پنجاه سال بعد - ایران در دنیا منبع علم محسوب بشود؛ یعنی اگر کسانی بخواهند به جدیدترین یافته‌های علمی دست پیدا کنند، ناچار بشوند فارسی یاد بگیرند. این یک آینده‌ی ممکنی است؛ این را تعجّب نکنید. یک روزی در دنیا همین جوری بوده؛ دانشمندان ما یک روزی، در یک برهه‌ای از تاریخ، در قلّه‌ی دانش دنیا**

---

[1]. بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

قرار داشتند؛ کتابهای آنها در همه‌ی دانشگاه‌های دنیا، در دانشگاه‌های غرب و دانشگاه‌های شرق - یعنی هند و چین و مانند اینها که آن وقت دانشی هم داشتند - مورد توجّه و مورد استناد قرار میگرفته. ما باید چشم به این افق بدوزیم.

البتّه مراحلی دارد. مرحله‌ی اوّل این است که ما امروز فاصله‌ی خودمان را با مرز دانش جهان پُر کنیم؛ ما فاصله داریم. ما البتّه در آمارهایمان که متّکی به آمارهای جهانی است، پیشرفت علمی خودمان را ستایش میکنیم، قابل ستایش هم هست و واقعاً پیشرفت داشته‌ایم، منتها فاصله‌مان با خطوط مقدّم علم در دنیا زیاد است. دویست سال ما را عقب نگه داشتند؛ بعد از پیروزی انقلاب یک حرکتی انجام گرفته، از حدود دو دهه قبل یک حرکت سریع‌تری شروع شده و پیشرفتهای خوبی کرده‌ایم، لکن هنوز فاصله‌مان زیاد است؛ مرحله‌ی اوّل این است که این فاصله را پُر کنیم. مرحله‌ی دوّم این است که از خطوط دانش جهانی و مرز دانش جهانی عبور بکنیم؛ یعنی بتوانیم خدمات جدید علمی و کشفیّات جدید علمی را به دنیا عرضه بکنیم که حالا در مورد این، من یک نکته‌ای هم بعداً عرض خواهم کرد. و مرحله‌ی بعد هم این است که دنبال تمدّن نوین اسلامی باشیم. یقیناً یکی از پایه‌های مهمّ هر تمدّنی علم است - علم نافع - و ما که تکرار میکنیم «تمدّن نوین اسلامی» قطعاً یکی از پایه‌هایش پیشرفت علمی است؛ ما خودمان را آماده کنیم برای آن. اگر چنانچه چشم شما به عنوان نخبه به این افق باشد، قهراً حرکت

علمی شما جهتِ درست خواهد داشت و همین مشکلاتی که گاهی گفته میشود - بحث مقاله و این چیزها که دوستان ذکر کردند - اینها دیگر از بین خواهد رفت؛ یعنی جهت صحیح مشخّص خواهد بود و پیشرفت درستی پیدا خواهد شد.»[1]

راهبرد مهم: تغییرِ رویکرد «مصرف علم» به «تولید علم»

راهبرد مهمّی اینجا وجود دارد؛ وقتی که ما تولید علم میکنیم و مشغول انجام کار علمی هستیم، باید از رویکرد مصرف‌کننده‌ی علم به سمت تولیدکننده‌ی علم حرکت کنیم.

رهبر معظّم انقلاب در این زمینه میفرمایند: «**رویکرد مصرف‌کنندگیِ علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم. تا کِی باید ما بنشینیم مصرف‌کننده‌ی علم دیگران باشیم؟ بنده با یاد گرفتن علم از دیگران هیچ مخالف نیستم؛ این را بارها گفته‌ام و همه هم میدانند؛ گفتم ما ننگمان نمیکند که از آن کسی که دارای علم است یاد بگیریم و شاگردی کنیم، امّا شاگردی یک حرف است، تقلید یک حرف دیگر است! تا کِی دنباله‌روِ علم این و آن باشیم؟ چرا در زمینه‌ی علوم انسانی وقتی گفته میشود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانیِ اسلامی را پیدا کنیم، یک عدّه‌ای فوراً برمی‌آشوبند که «آقا! علم است»؟ علم است؟ در علوم تجربی که علم بودنش و**

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و استعدادهای برتر علمی کشور ۲۶/۰۸/۱۴۰۰

نتایجش قابل آزمایش در آزمایشگاه است، این همه غلط بودنِ یافته‌های علمی روزبه‌روز دارد اثبات میشود، آن وقت شما در علوم انسانی توقّع دارید [غلط نباشد]؟ در اقتصاد چقدر حرفهای متعارض و متضاد وجود دارد! در مدیریّت، در مسائل گوناگون علوم انسانی، در فلسفه، این همه حرفهای متعارض وجود دارد؛ کدام علم؟ علم آن چیزی است که شما به آن دست پیدا کنید، بتوانید بفهمید آن را، از درون ذهن فعّال شما تراوش بکند. باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کِی مصرف کنیم علم این و آن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او میگیریم و استفاده میکنیم، از علم دیگران استفاده بکنیم امّا این نمیتواند دائمی باشد، این نمیتواند همیشگی باشد؛ گاهی علمِ دیگران درست به ما منتقل نمیشود، گاهی آن بخش خوبش را به ما نمیدهند، گاهی نو و بِروزشده‌اش را به ما نمیدهند و این اتّفاق در کشور ما متأسّفانه در سالهای حکومت طاغوت بارها افتاده؛ ما که نباید تجربه‌ها را مجدّداً تکرار بکنیم؛ بنابراین بایستی تولید علم بکنیم.»[1]

شرط رسیدن: مجاهدت و مبارزه‌ی هوشمندانه

راهبرد مهمّی که باید لحاظ بکنیم یک شرط برای رسیدن دارد؛ یعنی قاعدتاً علم با سرهم‌بندی و سهل‌انگاری حاصل نمیشود و برای رسیدن به مقصد باید تلاش و مجاهدت کرد. هیچ کدام از دانشمندان جهان، دانشمندان

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۲۰/۰۳/۱۳۹۷

مسلمان و دانشمندان غیر مسلمان بدون مجاهدت به ابداع و ابتکار و اختراع و کشف نرسیدند، بلکه زحمت کشیدند و ما هم باید زحمت بکشیم؛ خداوند هر کسی را که زحمت بکشد کمک میکند و البتّه مؤمنین را بیشتر کمک میکند؛ چون مؤمنین در دایره‌ی ولایت‌الله قرار گرفته‌اند.

گستره‌ی تولید علم

تولید علم باید گستره‌ی همه‌ی رشته‌های علمی را در بر بگیرد زیرا که ما باید در همه‌ی زمینه‌ها بی‌نیاز شویم؛ بخصوص در بخش علوم انسانی که بسیار مهم است و متأسّفانه در بخش علوم انسانی ما خیلی مقلّد و مترجم هستیم. حوزه‌های علمیّه برای تولید علوم انسانی اسلامی به میدان بیایند و دانشگاه‌ها بر اساس مبانی اعتقادی ما در علومی که از غرب میگیریم بازنگری کنند. رهبر انقلاب به یک تعبیری فرمودند علوم انسانی‌ای که از غرب می‌آید، ذاتاً مسموم است و برای ایجاد یک انسان مادّی با ارزشهای غربی درست شده است. آوردن نرم‌افزارهای اداره در زمینه‌های اقتصادی، مدیریت، تربیت، آموزش، فرهنگ، روان‌شناختی و مباحث مختلف علوم انسانی که اکنون داریم، مورد نیاز کشور ما است. کشور ما نیازمند نرم‌افزار است و تا زمانی‌که این نرم‌افزار تولید نشود، مسئولین ما مجبور هستند از همان نرم‌افزارهای غربی استفاده کنند.

اهمّیّت توجّه به علوم انسانی

رهبر انقلاب فرموده‌اند: «**هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمیتواند مدیریّت کند؛ یک نظام مدیریّتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادّی**

است، می‌آید جایگزین میشود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتّفاق افتاد.

اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانشهای ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیّتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متّکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رایج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت میشوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیّت، غیره و غیره قرار میگیرند.»[1]

شاید بتوان این گونه مثال زد که نرم‌افزار اداره‌ی کشور مثل سیستم عامل رایانه نیست که بگوییم ما این ویندوز را پاک کنیم و به کارگزاران بگوییم فعلاً شما ادامه بدهید تا ما ویندوزی تولید و بارگذاری کنیم. هم‌زمان که کشور اداره میشود، مسائلی پیدا میشود که لازم است اندیشمندان علوم انسانی برای تولید علوم انسانی متناسب با فرهنگ واعتقادات ما تولید داشته باشند وَالّا مجبوریم با اقتصاد مدل غربی پیش برویم که سرمایه‌داری یا مارکسیستی هستند و یا گاهی اوقات تلفیقی و ترکیبی پیش ببریم.

---

[1] بیانات در دیدار طلّاب و فضلا و اساتید حوزه‌ی علمیّه‌ی قم ۱۳۸۹/۷/۲۹

بنابراین در زمینه‌ی مباحث مختلف نسبت به شناخت انسان، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و همه‌ی این موارد باید حتماً بازنگری داشته باشیم.

رهبر معظّم انقلاب در این خصوص میفرمایند: «**علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه‌ی دانشها، همه‌ی تحرّکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت میدهد، مشخّص میکند که ما کدام طرف داریم میرویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این میشود که همه‌ی تحرّکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش میرود. امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست؛ چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده‌ی بی‌نظیر تاریخی است؛ امّا این دانش در طول سالهای متمادی در راه استعمار به کار رفته، در راه برده‌داری و برده‌گیری به کار رفته، در راه ظلم به کار رفته، در راه بالاکشیدن ثروت ملّتها به کار رفته؛ امروز هم که می‌بینید چه کار دارند میکنند. این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهت‌گیری غلط است که این علم با این عظمت - که خود علم یک چیز شریفی است، یک پدیده‌ی عزیز و کریمی است - در این جهتها به کار می‌افتد.**»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۰۷/۱۳

اهمّیّت علوم تجربی

در کنار بحث علوم انسانی، بحث علوم تجربی و علوم مرتبط با آن مانند طبیعیات، ریاضی، مهندسی و مخصوصاً علوم پایه را باید بررسی کرد و افراد طبق نیاز تلاش کنند که خودکفا شویم.

در این زمینه رشد خیلی خوبی داشتیم، ولی هنوز تا رسیدن به مرزهای دانش و گذر از مرزهای دانش و تبدیل شدن به یک منبع برای علم فاصله داریم و لازم است کار شبانه‌روزی انجام شود؛ مخصوصاً نیروهای متعهّد و دلسوز مخاطب اصلی بیان رهبر انقلاب هستند که میفرمایند: «**بعضی از رشته‌ها در غربت قرار گرفته‌اند. آماری که به من داده‌اند نشان میدهد که مثلاً حدود پنجاه درصد، داوطلبان کنکور رشته‌ی ریاضی که رشته‌ی بسیار مهمّی است، کاهش پیدا کرده؛ این برای آینده‌ی کشور خطرناک است؛ ما این رشته‌های مهمّ علوم پایه را - بخصوص مثل ریاضی را یا فیزیک را - برای آینده لازم داریم؛ اگر چنانچه داوطلبانِ اینها کم باشند و هجوم بشود به رشته‌های درآمدزا که حالا یک پولی و شغلی بلافاصله در اختیار انسان میگذارد، این [موجب] مشکل است. عوارضِ این عدم توازن را بایستی دستگاه‌های دانشگاهی حتماً جبران کنند و درست کنند.**»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۲۰/۰۳/۱۳۹۷

خلاصه درس

- هر کس در گام دوّم باید وظایف فردی، صنفی و حاکمیّتی خود را دریابد و آن را به جا آورد.
- هویّت تمام فعّالیتّهای مؤمن انقلابی، قیام لله است و اثر قیام لله آن است که کمک الهی را برای انجام کارهای بسیار دشوار، فرو میفرستد.
- از جهت نوع مأموریّتهای دانشجویی، چهار وظیفه‌ی حضور در حرکت علمی و پژوهشی کشور، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، کسب آمادگی‌های لازم برای انجام مأموریّتها و حضور در صحنه‌های مورد نیاز بر عهده‌ی دانشجویان است.
- حرکت علمی برای کشور بسیار اهمّیّت دارد و ضرورت دارد دانشجویان در این زمینه مؤثّر باشند.
- باید رویکرد علمی از مصرف‌کننده بودن علم به تولیدکنندگی تغییر یابد.
- شرط رسیدن به قلّه‌ی دانش در دنیا و منبع علم شدن، مجاهدت و مبارزه است.
- تلاش علمی باید در تمامی علوم اعمّ از انسانی و مهندسی و پزشکی و علوم پایه باشد.
- علوم انسانی از جهات مختلف بر دیگر شاخه‌های علمی ترجیح دارد زیرا که کشور اسلامی ایران بدون دارا بودن نرم‌افزار بومی

اداره، مجبور به استفاده از نرم‌افزارهای غربی برای مدیریّت اقتصاد، سیاست، تربیت و... خواهد بود که این دانشها در غرب بر پایه‌ی تفکّر مادّی بنیان گذاشته شده است.

پرسش‌های درس

۱- تقسیمات وظایف از حیث مخاطب و نوع مأموریت چگونه است؟

۲- قیام لله چیست و چه اثری دارد؟

۳- چهار مأموریّت اصلی دانشجو در گام دوّم انقلاب را نام ببرید.

٤- اهمّیّت تولید علم را بیان کنید؟

٥- علّت اهمِّیّت تولید علوم انسانی بومی و اسلامی چیست؟

درس پنجم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب ۱)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. گفتمان کلان مورد نیاز انقلاب اسلامی.
۲. شناخت گفتمان حرکت عمومی و لوازم چهارگانه‌ی آن.
۳. توجّه گفتمان آرمان‌خواهی.
٤. آشنایی با معنا و مقصود از آرمان‌خواهی.
٥. شناخت انواع آرمانها.
٦. توجّه به بایسته‌های آرمان‌خواهی.
۷. توجّه به امید، شرط مهمّ آرمان‌خواهی.

مقدّمه

در درس قبل، چهار وظیفه‌ی اصلی دانشجویان در گام دوّم یعنی حضور در حرکت علمی و پژوهشی کشور، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، کسب آمادگی‌های لازم برای انجام مأموریّتها و حضور در صحنه‌های مورد نیاز برشمرده شد. همچنین اوّلین آن یعنی حضور در حرکت علمی و پژوهشی کشور مورد بحث قرار گرفت. در این درس، بحث ترویج گفتمان انقلاب اسلامی و مأموریّتهای دانشجویان در این زمینه بررسی خواهد شد.

ترویج گفتمانهای انقلاب

بحث گفتمان‌سازی یکی از نکات اساسی در اندیشه‌ی انقلاب است. با توجّه به نگاهی که به انسان وجود دارد و این اعتقاد هست که انسان باید قانع شود و بعد از قانع شدن است وارد میدان میشود، اهمّیّت گفتمان‌سازی مشخص میشود. زمانی یک حرکت عمومی شکل میگیرد و یک کار بزرگ در کشور شکل میگیرد و آرمانها محقّق میشود که این آرمانها تبدیل به گفتمان همگانی شود. مهم‌ترین گفتمان، گفتمان انقلاب اسلامی است که برخاسته از اسلام ناب محمّدی(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است و بر اساس فقه جواهری و فهم امام(رضوان‌الله‌علیه)، رهبر معظّم انقلاب و سایر

اندیشمندان اسلام ناب است؛ لذا باید تلاش کنیم گفتمان اسلام ناب را به گونه‌های مختلف در میان جولانمان، بزرگسالان و همه‌ی اقشار ملّت توسعه دهیم.

هر جایی که این گفتمان توسعه پیدا کرده است، ثمرات آن برای انقلاب اسلامی و برای اسلام حاصل شده است. گفتمانهایی وجود دارد که بسامد بیشتری در بیانات رهبر انقلاب پیدا کرده و از این جهت مورد توجّه قرار گرفته است. برخی از این گفتمانها اهمّیّت ویژه‌ای در نظر ایشان داشته است و نسبت به آن تأکید کرده‌اند.

۱- حرکت عمومی و لوازم چهارگانه‌ی آن

طبق بیان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی) اصلِ اینکه برای پیشرفت کشور در گام دوّم انقلاب نیازمند یک «حرکت عمومی» هستیم و همه‌ی مردم باید به میدان بیایند، نیازمند تبیین برای عوام و خواص است. همچنین آن ملزومات چهارگانه‌ای که برای یک «حرکت عمومیِ منضبط» لازمند هم باید تبیین شوند. ایشان مسئولیّتِ اصلیِ این تبیین‌ها را بر عهده‌ی «صاحبان ذهن فعّال و زبان گویا» میدانند که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن دانشگاهیان هستند. یکی از گفتمانهایی که خیلی مهم است و در چند سال اخیر رهبر انقلاب این خط را دنبال میکنند، گفتمان حرکت عمومی مردمی و بازگرداندن حاکمیّت به مردم است.

گفتمان حرکت عمومی یکی از بحثهایی است که نیاز به بازگو کردن، مباحثه، تکرار، کرسی‌های آزاد اندیشی و کار دارد. برادران و خواهران

دانشـجو باید در این مسـئله مانند بسـیاری از موارد دیگر انقلاب اسـلامی پیش‌قدم و پیش‌قراول باشند.

۲- آرمان‌خواهی مستمر و نقّادانه

آرمان اگر برای ملّتی وجود نداشته باشد، آن ملّت دچار روزمرّگی میشود و آینده‌ی و تاریخ خودش را از دسـت میدهد. ملّتهایی که بی‌آرمان هسـتند، حرکت نمیکنند و در مقابل ملّتهای دارای آرمان حرکت و رشـد میکنند و اهدافشان توسعه پیدا میکند و سپس خودشان را تکثیر میکنند و از مرزهای خود خارج میشـوند و اقتدار پیدا میکنند. لذا رهبر انقلاب تأکید کردند آرمانها، تعدادی «رؤیا و آرزو» نیسـتند؛ بلکه «قلّه»هایی هسـتند که باید پیوسته در حال حرکت به سمت آنها باشیم و کارویژه‌ی آنها این است که «جهت‌گیری» ما را به سـمت تمدّن نوین اسـلامی و حیات طیّبه ترسـیم میکنند. بنابراین بی‌توجّهی به آنها باعث انحراف از مسیر انقلاب اسـلامی میشود.[۱]

ایشـان میفرمایند: «**این پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید؛ همه‌ی این بحثها و صحبتی که در این مدّت یک ساعت و نیم شـما دوسـتان در اینجا [بیان] کردید، مطالبه‌گری بود دیگر؛ مخاطب مطالبه‌گری هم گاهی خود این حقیر بودم، گاهی دسـتگاه دفتر ما بود، گاهی مجموعه‌های دیگر بودند؛ این بسیار چیز باارزشی اسـت؛ این مطالبه‌گری را از دسـت ندهید، این آرمان‌خواهی را از**

---

[۱]. ر.ک: بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۲۸/۰۲/۱۳۹۹

دست ندهید. اینها آرمان‌خواهی است؛ ممکن است بعضی از این چیزهایی که شما مطالبه میکنید عملی نباشد که واقع قضیّه هم همین است؛ یعنی وقتی انسان وارد عمل شد مشکلات کار میدانی برای او بیشتر آشکار میشود، معلوم میشود که همه‌ی آن چیزهایی که میخواستیم، یا نمیتوانسته عملی بشود یا نمیتوانسته به این زودی عملی بشود؛ لکن خودِ این آرمان‌خواهی باارزش است؛ برای اینکه اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه را گم میکنیم؛ لین آرمان‌خواهی موجب میشود که ما راه را گم نکنیم و وسط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم. این آرمان‌خواهی را داشته باشید؛ این آرمانهای مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، در نهایت تمدّن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدّن اسلامی است؛ اینها را از دست ندهید و اینها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید؛ البتّه مطالبه‌گری بایستی با شکل‌های منطقی باشد.»[1]

رهبر انقلاب در ۲۸ مهر سال ۱۳۸۵ بیانی دارند خطاب به دانشجویانی که در حضور ایشان صحبت کرده بودند و میفرمایند: «**صحبتهای شما خصوصیّتهایی دارد که یکی از خصوصیّتهایش نگاه و توقّعات آرمانی است. اگر اینها در چرخ و پر تحلیل و بررسی قرار بگیرد، چیزی از آن باقی نمیماند، لکن چون نگاه و توقّع نگاه آرمانی است، این مطلوب**

---

[1]. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکّلهای دانشجویی ۲۸/۰۲/۱۳۹۹

است. ممکن است دسترسی به یک آرمان میسّر هم نباشد، امّا رها کردن آن آرمان هم جایز نمیباشد.»

لذا آرمان‌خواهی یک چیز مطلوب برای رهبر انقلاب است و گفتمان شدن این آرمان خیلی مؤثّر است. یکی از نکاتی که ایشان فرمودند این است که آرمان‌خواهی باعث میشود بیان فرد آرمان‌گرا رویکرد نقّادانه و انتقادی پیدا کند. اگر این ویژگی‌ها محفوظ بماند جوان دانشجو نقش موتور را در یک قطار ایفا خواهد کرد، به حرکت درآورنده، پیش‌برنده و جهت‌دهنده خواهد بود وَالّا اگر جوانها هم به وضع موجود، یعنی آنچه که هست قانع و راضی باشند دیگر پیشرفتی متصوّر نخواهد بود. باید دائم بخواهند به نقاطی که دست نیافته‌اند، دست پیدا کنند.

انواع آرمانها

آرمانهای کلان: انواع آرمانهایی را که برای انقلاب تصویر میکنیم، برخی از آنها آرمانهای کلان مثل معنویّت، عقلانیّت، اخلاق‌مداری، عدالت اجتماعی، برادری، آزادی، استقلال، عزّت و رفاه عمومی است که اینها را در بیانیّه‌ی گام دوّم بیان کردند. رهبر انقلاب رفاه عمومی را در خیلی از بیاناتشان مطرح کردند که ما را به حیات طیّبه، همان آرمان نهایی که در بخش تمدّن اسلامی درباره‌اش بحث کردیم، میرساند.

آرمانهای خرد: برخی آرمانها هم آرمانهای میان‌مدّتی است که اینها هم باید مورد توجّه قرار بگیرد؛ مثل اقتصاد مقاومتی، مبارزه با فساد، عدالت آموزشی، سلامت عمومی، صنعت و کشاورزی برتر، تجارت پررونق، علم پیشرو، نفوذ فرهنگی در میان ملّتها، نفوذ سیاسی در جهان؛ اینها آرمانهایی

اســت که در واقع محقِّق آرمانهای کلانی اســت که بیان شــد. رهبر معظّم انقلاب میفرمایند:

«آرمانهای نظام اسلامی - که در حقیقت آرمانهای اسلامی است - یک منظومه‌ای اســت، یک مجموعه‌ای اســت، مراتب مختلفی هم دارد؛ بعضــی از اینها اهداف غایی‌تر و نهایی‌ترند، بعضــی‌ها اهداف کوتاه‌مدّتند، امّا جزو آرمانهایند؛ همه‌ی اینها را باید دنبال کرد. مثلاً فرض بفرمایید جامعه‌ی عادلانه و عادل و پیشــرفته و معنوی - با این خصوصیّات - خب، یک آرمان است؛ جزو آرمانهای درجه‌ی یک و جزو برترین آرمانها اســت. یک آرمان دیگر، اقتصــاد مقاومتی اســت؛ که نسبت به آرمان قبلی که گفتیم، یک آرمان خُرد است. با اینکه خود اقتصــاد مقاومتی چیز مهمّی اســت، امّا در واقع در ذیل آن آرمان قبلی تعریف میشــود. ســلامت در جامعه، صــنعت برتر، کشــاورزی برتر، تجارت پررونق، علم پیشــرو، اینها همه‌اش جزو آرمانها اســت. نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ ســیاســی در جهان و در منظومه‌ی ســیاســی ســلطه در عالم، اینها همه‌اش جزو آرمانها اســت. رســیدن به عدالت اجتماعی، جزو آرمانها اســت. بنابراین وقتی میگوییم آرمان، ذهن ما به یک امر غیر قابل تعریفِ دور از دســترســی نرود؛ آرمان یعنی اینها، اینها همه آرمانهایند؛ البتّه در درجات مختلف.

مجموعه‌ی این خواسته‌ها و هدفها، منظومه‌ی آرمانی اسلام را تشکیل میدهد. شما برای هر کدام از اینها که تلاش کنید، تلاش برای آرمانها کرده‌اید.»[۱]

بایسته‌های آرمان‌خواهی

آرمان‌خواهی بایسته‌هایی هم دارد که با رعایت آن بایسته‌ها است که آرمان‌خواهی به معنای حقیقی آن تحقّق خواهد یافت. برخی از مهم‌ترین این بایسته‌ها عبارتند از:

۱. عقلانیّت:

رهبر انقلاب فرمودند آرمان‌خواهی باید با عقلانیّت همراه باشد[۲] و هنگامی که انسان میخواهد آرمان را دنبال کند، انصاف هم داشته باشد.[۳] گاهی اوقات ممکن است آرمان را مطالعه کنیم، ولی متوجّه میشویم اکنون شرایط کامل نیست برای اینکه آن آرمان به نحو کامل محقّق شود و ممکن است زمان ببرد؛ این مسئله از انسان انصاف میطلبد و انسان واقعیّت میدانی را لحاظ میکند؛[۴] هم در قضاوت دیگران و هم در قضاوت نسبت به اصل انقلاب که آیا این مسیری که شخص آمده است و سرعتی که داشته است صحیح بوده است یا صحیح نبوده است، انسان باید انصاف بورزد.

---

[۱]. ر.ک: بیانات در تاریخ ۹۲/۵/٦

[۲]. ر.ک: بیانات در تاریخ ۱۷ / ۰۷ / ۸٦

[۳]. ر.ک: بیانات در تاریخ ۱٦ / ۰۵ / ۹۱

[۴]. ر.ک: بیانات در تاریخ ۱۷ / ۰۷ / ۸٦

در کنار این موارد باید انسان از پرخاشگری و هیاهو پرهیز کند.[۱] گاهی اوقات بعضی آرمان‌گرایی و آرمان‌خواهی را با پرخاش کردن و هیاهو کردن و کارها را به نحو بلبشو پیش بردن اشتباه میکنند؛ رعایت این یکی از شرط‌های مهمّ آرمان‌خواهی است. رهبر انقلاب میفرمایند:

«این هم که من میگویم «تند و تیز برخورد نکنید»، این را حمل نکنید بر اینکه میگویم سازشگری کنید و سازش‌کاری کنید و مجیزگویی کنید؛ نه، بنده از این توصیه‌ها هرگز به جوانها و به دانشجوها نکرده‌ام و نخواهم کرد که مجیز این و آن را بگویید و یا تملّق بگویید؛ نخیر، ابداً؛ مراد این نیست؛ مراد این است که با منطق باید حرکت کرد و حرف زد. بدون منطق، با حرف تند و تیز، با طعنه زدن - که حالا متأسّفانه در فضای مجازی هم این طعنه زدن‌ها و این چیزها رایج شده است که خیلی چیز مضرّی است - [نمیشود؛] اگر شما این جور برخورد کردید، آن وقت دیگر بعضی از عملکردهای ضعیف به حساب نظام جمهوری اسلامی و به حساب انقلاب گذاشته نخواهد شد؛ یعنی تفکیک به وجود خواهد آمد بین آرمان انقلاب، آنچه انقلاب خواسته و مثلاً فرض کنید عملکرد ضعیف منِ مدیر؛ این تفکیک هم جزو چیزهای لازم است.»[۲]

---

[۱]. ر.ک: بیانات در تاریخ ۱۶ / ۰۵ / ۹۱

[۲]ر.ک: بیانات در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۶

۲. پرهیز از محافظه‌کاری

یکی دیگر از مسائل بحث پرهیز از محافظه‌کاری است. گفتیم باید به واقعیّتهای میدانی توجّه کنیم و انصاف، عقلانیّت و منطق داشته باشیم، امّا این نکات نباید ما را به سمت محافظه‌کاری برساند. البتّه رعایت مصلحت مهم است، انسان مؤمن بی‌گدار به آب نمیزند، امّا این مسائل نباید حمل بر محافظه‌کاری و منفعت‌طلبی‌های شخصی شود. ممکن است شخص منفعت انقلاب، منفعت اسلام و مردم را لحاظ کند و چیزی را نگوید یا چیزی را بگوید. اینها از مواردی است که در تصمیم‌گیری‌های افراد تأثیر میگذارد. محافظه‌کاری باعث از بین رفتن آرمانها میشود و این امر خطری بزرگ در پیش روی آرمان‌خواهی است. رهبر معظّم انقلاب میفرمایند:

«قشر دانشجو یک قشر ممتاز است، یک قشر ویژه است؛ به دلایلی که من در این جلسات ماه رمضان سالها با دانشجوها مکرّر گفتم و دیگر نمیخواهم تکرار بکنم؛ یک فرایضی دارد. اوّلین فریضه‌ی دانشجویی عبارت است از آرمان‌خواهی. یک عدّه‌ای تبلیغ میکنند و وانمود میکنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیّتی - هر چه تلخ، هر چه بد - باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیّتها و آنها را

درست بشناسید؛ از واقعیّتهای مثبت استفاده کنید، با واقعیّتهای سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید.»[1]

امید؛ پیش‌شرط آرمان‌خواهی

یکی از نکات دیگری که در بحث آرمان‌خواهی باید لحاظ شود، پیش‌شرط مهمّ آرمان‌خواهی است که اگر این پیش‌شرط نباشد شاید آرمان‌خواهی آرام آرام از ذهن ما بیرون برود. پیش‌شرط آرمان‌خواهی امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. ترویج امید یکی از وظایف هر علاقه‌مند به ایران و انقلاب است.

رهبری در بیاناتشان فرموده‌اند حتّی اگر کسی میخواهد ایران را لحاظ کند و نگاه به ملّیّت دارد و به انقلاب و اسلام نگاه نمیکند، به نفع ایران است که امید را در میان مردم خودمان گسترش بدهیم. شخصی که امید را نابود میکند، در هیچ جای جهان محترم شمرده نمیشود و کسانی که مردم را امیدوار میکنند – البتّه امید واقعی منظور است – و امید را در ذهن جوانان و مردم ترویج میکنند قابل احترام هستند.

«من میگویم هر که ایران را دوست دارد، هر که منافع ملّی کشور را دوست دارد، هر که بهبود اوضاع اقتصادی را دوست دارد، از مشکلات اقتصادی و معیشتی رنج میبرد و میخواهد آن را اصلاح کند، هر که به دنبال جایگاه باعزّت ایران در نظم جهانیِ پیش رو است، هر که این چیزها را دوست دارد، باید برای ترویج ایمان و

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۲۰/۰۴/۱۳۹۴

ترویج امید در ملّت تلاش کند؛ این وظیفه است؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ این همه‌ی حرف من با نخبگان، با هسته‌های انقلابی، با مجموعه‌های سیاسی، با همه‌ی آحاد مردم متعهّد است. باید همه‌ی ما تلاش کنیم تا در این کشور ایمان و امید زنده بماند.»[۱]

امید واقع‌بینانه امیدی است که همراه با عمل به امید است نه اینکه بگوییم امام زمان(سلام‌الله‌علیه) تشریف می‌آورند و کارها را درست میکنند؛ شبیه کاری که بنی‌اسرائیل کردند و به حضرت موسی گفتند تو و خدایت بروید و بجنگید ما اینجا نشستیم، هر وقت پیروز شدید ما وارد شهر میشویم. امید واقع‌بینانه امیدی است که باعث انرژی بیشتر و حرکت بیشتر میشود. رهبر انقلاب میفرمایند:

«وقتی میگوییم امید، نباید امید را با تصوّرات و خیالات فریبگر اشتباه کرد. امید یعنی آن حالتی که با حرکت همراه است؛ با تنبلی و سکون نمیسازد. کسی که امید دارد به اینکه به سرمنزل برسد، راه میرود. اینکه کسی بنشیند و در عین حال امیدوار باشد که به منزل خواهد رسید، این نشدنی است؛ این فریبگری، در روایات و ادعیه به «اغترار بالله» تعبیر شده است که مذمّت شده؛[۲] **اینکه انسان بدون**

---

[۱]. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۴۰۲/۳/۱۴

[۲]. صحیفه‌ی سجّادیّه، دعای ٤٦؛ «وَ الشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنِ اغْتَرَّ بِكَ»؛ بدترین تیره‌بختی برای کسی که به رحمت و کرم تو مغرور گشت.

حرکت، بدون تلاش آرزو بکند که به یک مقصودی برسد؛ نه، تلاش لازم است؛ امام این امید را داشت و تلاش میکرد.»[1]

اهمّیّت و ضرورت امید

رهبر انقلاب در بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب میفرمایند: کلید اساسی همه‌ی قفلها امید است که بدون آن هیچ گامی نمیتوانیم برداریم؛ یا فرمودند برای جوانها نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد، تلاش برای پروراندن نهال امید در جامعه است. یکی از خروجی‌ها و ثمرات مهمّ جهاد تبیین امیدآفرینی است؛ یعنی وقتی جهاد تبیین درست انجام شود باعث میشود امید واقعی در دلها زنده شود و حرکت و موج ایجاد شود و یکی از دلایل اهمّیّت بحث امید این است که دشمن دقیقاً روی این مسئله برنامه‌ریزی کرده است و یکی از پروژه‌های مهم و بیشترین هزینه‌هایی که اکنون دشمن در بخش فرهنگی و جنگ روانی و جنگ شناختی دارد، ناامید کردن جوانان و مردم از آینده‌ی انقلاب و آینده‌ی کشور است. رهبر معظّم انقلاب میفرمایند:

«مسئله‌ی اوّل که تضعیف روحیّه‌ی مردم و ضعیف کردن نشاط و تحرّک و امید مردم است، از اوّل انقلاب بوده. از اوّل انقلاب، خطّ ثابت دشمن همین بود که خطاب به مردم ایران، به وسیله‌ی تلویزیونها، رادیوها - البتّه آن وقت محدودتر بود، حالا که دیگر وسیع هم شده؛ و انواع و اقسام راه‌های ارتباطی وجود دارد - به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری

---

[1] بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴۰۲/۳/۱۴

از عهده‌ی کسی برای شما برنمی‌آید، اوضاعتان خراب است و غیره؛ از اوّل انقلاب - یعنی از اوایل انقلاب، که حالا یک مقداری اوّل انقلاب گیج بودند، [بعد] به خود آمدند و جریان تبلیغی را علیه کشور پیش گرفتند - یکی از هدفها همین بوده که به مردم ایران بگویند با قطع ارتباط با آمریکا، با گسستن پیوندی که بین ایرانِ استعماریِ دوران پهلوی با آمریکا بود، پدر ملّت ایران درآمده. این را از اوّل [دنبال میکردند]؛ الان هم همین است؛ الان هم دارند همین را دنبال میکنند، اوضاع را بد جلوه میدهند، با صدها زبان، با صدها وسیله. اگر نقطه‌ی قوّتی در کشور باشد که مطلقاً انکار میکنند؛ یا به سکوت برگزار میکنند یا انکار میکنند. خب، کارهای خوبی در کشور دارد انجام میگیرد؛ مطلقاً [حتّی] یکی از اینها در تبلیغات خارجی دشمنان ما منعکس نیست. نقطه‌ی ضعفی اگر وجود داشته باشد، آن را ده برابر میکنند، گاهی صد برابر میکنند که این نقطه‌ضعف را بزرگ کنند؛ برای چیست؟ برای این است که روحیّه‌ی مردم تضعیف بشود؛ امید مردم، بخصوص امید جوانها؛ چون وقتی امیدوار باشند، تحرّک جوانها، تحرّک فوق‌العاده است، جوانها پیشتازند، پیش‌رانند؛ اگر چنانچه امید از آنها گرفته شد، متوقّف میشوند، مثل ماشینی که بنزینش تمام میشود، این جور [متوقّف] میشوند.»[1]

---

[1] ۹۹/۵/۱۰

«امروز سعی دشمن این است که ایمان دینی را تضعیف کند، امید را تضعیف کند، خوش‌بینی به آینده و به مدیریّت کشور را تضعیف کند؛ اینها چیزهایی است که روی آن دارند برنامه‌ریزی میکنند، روی آن برنامه‌ریزی میشود. در فضای مجازی و گاهی متأسّفانه در فضاهای رسمیِ خودِ ما اینها را بین مردم جوری پخش میکنند که مردم به این نتیجه برسند که راه‌ها بن‌بست است، راه‌ها خطا است یا به این نتیجه برسند که مسئولین کشور، مدیریّت کشور، بلد نیستند کشور را اداره کنند. این همه زحمت دارد کشیده میشود، این همه تلاش میشود، در مقابلِ این تلاشها این جوری برخورد میشود. هر کسی که مردم را از آینده ناامید کند برای دشمن دارد کار میکند؛ چه بداند، چه نداند. هر کسی ایمانهای مردم را تضعیف کند به سود دشمن دارد کار میکند؛ چه بدانند، چه ندانند. هر کسی مردم را نسبت به فعّالیّت و تلاش و برنامه‌ریزی‌های مسئولین کشور بی‌اعتقاد و بدبین بکند، دارد به سود دشمن کار میکند؛ چه بداند، چه نداند.»[1]

پشتوانه‌های امید

امید واقع‌بینانه و حقیقی ملّت ایران، ریشه در عناصری دارد که برخی از آنها عبارتند از:

---

[1] ۱۴۰۱/۳/۳۱

الف. برتریِ قدرت معنویِ انقلاب اسلامی بر قدرتهای مادّی در پرتوی سنّت‌های قطعی الهی

سنّت‌های تاریخی‌ای خداوند در خلقت قرار داده است و هر کدام باعث اتّفاقات بزرگی برای ملّتها شدند. بعضی از این سنّت‌ها برای عموم بشریّت است، ولو اینکه مؤمن نباشند و برخی از سنّت‌ها مخصوص مؤمنین است. رهبر انقلاب در این خصوص میفرمایند:

«بر این عالم وجود، قوانینی حاکم است که اهل مادّه آن قوانین را نمی‌شناسند؛ آن قوانین را نمی‌بینند؛ «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ»[۱]. در جای دیگر: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ»[۲]. سنّت خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کُون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفتِ ماه و خورشید در شبانه‌روز، اینها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل مادّه با چشمهای کم‌سو نمیتوانند درک بکنند امّا وجود دارد. خب، وقتی که ما زمینه‌ی این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محَکَّم میکند. آتش سوزندگی دارد، باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرید، آتش

---

[۱]. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ٦٢

[۲]. سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۳

خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد. باید زمینه را فراهم کرد. ما یک جبهه‌ی وسیع دشمن در مقابل خودمان داریم. جبهه‌ی وسیع دشمن از سردمداران رژیم صهیونیستی تا سردمداران دولت آمریکا، تا دیگر لیادی و عوامل استکبار جهانی، تا عوامل تکفیری، تا داعش؛ یعنی ببینید چه جبهه‌ی عظیمی است. یک طیف عظیم و نامتجانس؛ اینها همه دشمن نظام جمهوری اسلامی‌اند؛ [پس] یک جبهه‌ای وجود دارد. خیلی کارها هم میتوانند بکنند، حملات تبلیغاتی میکنند، تمام این دستگاه‌های رسانه‌های دنیا در مشت اینها است. علیه جمهوری اسلامی هر چه دلشان میخواهد میپراکنند. کلیدهای اقتصادی دست اینها است، قدرتهای سیاسی دست اینها است، نظامهای امنیّتی دست اینها است، سرویسهای اطّلاعاتی مال اینها است؛ اینها در مقابل نظام جمهوری اسلامی هستند. خب، یک عدّه‌ای وقتی چشمشان به این جبهه می‌افتد، دلشان میریزد. این به خاطر این است که از آن کلیدواژه‌ی مهمّ سنّت الهی غفلت میکنند. خب، همین دشمنی‌ها و بالاتر از این دشمنی‌ها با خود انقلاب بود؛ انقلاب پیروز شد. امروز هم همان دشمنی‌ها است؛ امروز هم شما اگر چنانچه به لوازمش عمل بکنید، شما پیروز خواهید شد؛ بروبرگرد ندارد. «فَلَمّا رَاَی اللهُ صِدقَنا اَنزَلَ بِعَدُوِّنا الکَبت»؛ این امروز هم صادق است. من و شما وقتی صادقانه وارد میدان بشویم، به لوازمش عمل بکنیم، ایستادگی کنیم، بصیرت به خرج بدهیم، بموقع اقدام بکنیم، درست حرف

بزنیم، درست عمل بکنیم، صادقانه وارد میدان بشویم، همان حرفی که امیرالمؤمنین فرموده وجود دارد: «اَنزَلَ بِعَدُوِّنا الکَبتَ وَ اَنزَلَ عَلَینا النَّصر»؛ پیروزی مال ما است، کبت و سرکوبگری متعلّق به دشمن است. در مقابل دشمن، «عقب‌نشینی» مشوّق دشمن است؛ در مقابل دشمن، «ایستادگی» موجب عقب‌رفت دشمن است. «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا *سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»[1]؛ این سنّت الهی است: اگر چنانچه در مقابل ظلم و استبداد و زورگویی و خباثتها و جنایتهای جنایت‌کارانِ عالم بایستید، قطعاً مجبور به عقب‌نشینی میشوند؛ این قرآن کریم است که به عنوان یک سنّتِ قطعیِ تاریخ و سنّت الهی از این یاد میکند، و این سنّت ان‌شاءالله عملی خواهد شد.»[2]

ب) افول تمدّنهای مادّی و رو به افول بودن دشمن

عامل بعدی فرسودگی جبهه‌ی دشمن است؛ یعنی ما یک دشمنی داریم که در این نزدیک به چهل سالی که از این انقلاب گذشته، آرام آرام رو به افول رفته است.

«امروز آمریکا با بزک و آرایش، خودش را سرِ پا نشان میدهد؛ واقع قضیّه این نیست. امروز آمریکا، از مقروض‌ترین دولتهای دنیا است؛

---

[1]. سوره‌ی فتح، آیات ۲۲ و ۲۳

[2]. بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۴

۲۲ هزار میلیارد دلار به کشورهای مختلف مقروض است. امروز در آمریکا اختلاف طبقاتی از همیشه بیشتر است. این مطلبی که عرض میکنم حرف من نیست، حرف یکی از شخصیّتهای سیاسیِ امروز آمریکا است که خودش جزو هیئت حاکمه‌ی آمریکا است، یعنی در کنگره عضو است و علی‌الظّاهر سناتور است؛ این حرف، حرف او است - من اسمش را هم میدانم [ولی] نمیخواهم حالا اسم افراد را بیاورم - که میگوید در همین دولت ترامپ که سه سال است سرِ کار آمده، بیش از صد میلیارد دلار بر ثروت پنج نفر از ثروتمندترین‌ها افزوده شده؛ سه نفر از این پنج نفر، به قدر نصف جمعیّت آمریکا ثروت دارند! اختلاف طبقاتی را ببینید. یعنی سه نفر آدم به قدر ۱۶۰ میلیّون جمعیّت، ثروت دارند. این از یک طرف؛ آن وقت از آن طرف، حقوق هشتاد درصد کارگران کفاف زندگی‌شان را نمیدهد، یعنی فقیرند. آن کسی که درآمدش کمتر از مخارجش باشد فقیر است دیگر؛ هشتاد درصد کارگران آمریکا این جوری هستند. این اختلاف طبقاتی را ببینید؛ وحشتناک است! همین شخص میگوید - اینها آمارهای خودشان است؛ یعنی [گوینده] یک روزنامه‌نگار نیست، یک سیاستمدار برجسته و یک چهره‌ی مشخّصی است - از هر پنج نفر آمریکایی فقط یک نفر اگر به دکتر مراجعه کرد، میتواند دواهایش را بخرد؛ چهار نفرِ دیگر اگر به دکتر مراجعه کنند، پول خریدن دوایشان را ندارند. فاصله‌ی ثروت سفیدها و سیاه‌ها در پنجاه سال اخیر در آمریکا سه برابر شده. این رئیس‌جمهور فعلی آمریکا ادّعا میکند که

اوضاع اقتصادی را بهتر کرده؛ گفته‌اند بله، اوضاع اقتصادی بهتر شده [ولی] برای میلیاردرها، نه برای مردم آمریکا؛ وضع اجتماعی آمریکا این است.

یکی از رؤسای جمهور سابق آمریکا میگوید آمریکا یک اُلیگارشی است - یعنی حکومت طبقه‌ی خاص، بدون دخالت مردم - با رشوه‌خواری سیاسی نامحدود؛ آثار فقر هم در آمریکا فراوان، خیابان‌خوابی‌ها بسیار زیاد. آمار اینها را البتّه نوشته‌اند، بنده حالا دیگر نمیخواهم این آمارها را [بگویم]؛ آدم خیلی هم به جزئیّات این آمارها خاطرجمع نمیشود، لکن مشخّص است؛ ده‌ها میلیون فقیری که نان شب ندارند؛ تعداد بسیار زیادی که شب ناچارند در خیابان بخوابند. چیزهای عجیب و غریبی از لحاظ اجتماعی در آن کشور رایج است که انسان میفهمد اینها مثل خوره افتاده به جان این کشور و مثل موریانه دارد این را از بین میبرد. [آمریکایی‌ها] ظاهر را آرایش میدهند، شُکوه و جلال میدهند به ظاهر قضیّه، برای اینکه هم دیگران را فریب بدهند، هم بعضی‌ها را در دنیا بترسانند؛ ظاهر قضیّه آرایش است، شُکوه و جلال است. من این جور یادداشت کرده‌ام: نوشته‌ام همچنان که شُکوه و جلال کشتی معروف تایتانیک مانع از غرق شدن آن نشد، شُکوه و جلال آمریکا هم مانع از غرق شدنش نیست و آمریکا غرق خواهد شد.»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۹/۱۱/۱۳۹۸

ج. ظرفیّت گسترده‌ی کشور برای غلبه بر انواع مشکلات

کشوری داریم که عرصه‌ی بزرگی از کره‌ی زمین را اشغال کرده است. منابع زیرزمینی فراوانی را دارد و در مسیر عبور و مرور شرق و غرب، شمال و جنوب هستیم و به دریاهای آزاد راه داریم. رهبر انقلاب در بیانیّه‌ی گام دوّم فرمودند: ما رتبه‌ی نخست را در استفاده نکردن از ظرفیّتها داریم. این ظرفیّتهایی که کشور ما دارد و این میزانی که در حال حاضر برای ما پیشرفت حاصل میکند، به خاطر همین است که ما برخی از این ظرفیّتها را استفاده کردیم؛ اگر از این ظرفیّتها انبوه استفاده شود آثار بسیاری خواهد داشت. علاوه بر این، تاریخ انقلاب اسلامی محلّی برای پرورش انسانهای با عمق و زیربنای ایمانی قوی و باتجربه شد. اکنون در کشور ما جوانان و برخی سنین بالاتر وجود دارند که تجربه‌های عالی دارند و توانستند در دفاع مقدّس، دوران سازندگی و در بحرانهای مختلف به کشور کمک کنند و کشور را از مشکلات عبور بدهند و به پیشرفت برسانند. منابع زیرزمینی و روزمینی کشور میتواند در پیشرفت مؤثّر باشد و بحث امید را برای ما زنده میکند.

د) تجربه‌های تاریخی

در کنار اینها تجربه‌های تاریخی را داریم که به ما کمک میکند بتوانیم از مشکلات گذر کنیم. اگر امید را در ذهن خودمان و ذهن مخاطبمان زنده نگه نداریم، آرمان‌خواهی معنا ندارد. ملّتی که امید ندارد آرمان نخواهد داشت و ملّتی که آرمان نداشته باشد، قاعدتاً آینده و تاریخ نخواهد داشت و از هم میپاشد.

خلاصه درس

- برای پیشـــرفت کشـــور در گام دوّم انقلاب نیازمند یک «حرکت عمومی» هستیم.
- آرمان‌خواهی موجب میشـود ما راه را گم نکنیم و وسـط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم.
- آرمان‌خواهی بایسته‌هایی هم دارد که با رعایت آن بایسته‌ها است که آرمان‌خواهی به معنای حقیقی آن تحقّق خواهد یافت.
- پیش‌شـــرط آرمان‌خواهی، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده اســـت. ترویج امید یکی از وظایف هر علاقه‌مند به ایران و انقلاب است.
- امید واقع‌بینانه و حقیقی ملّت ایران، ریشـــه در عناصـــری دارد که باید به آنها توجّه کرد.

پرسش‌های درس

۱- مسئولیّت اصلی تبیین گفتمانها بر عهده‌ی چه کسانی است؟
۲- بایسته‌های آرمان‌خواهی را نام ببرید؟
۳- مهم‌ترین پیش‌شرط آرمان‌خواهی چیست؟
٤- چرا امیدواری جوان، امیدواری واقعی است؟

درس ششم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب ۲)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. مفهوم عدالت و عدالت‌خواهی
۲. بایسته‌های عدالت‌خواهی
۳. اهمّیّت توجّه به سبک زندگی اسلامی ایرانی
٤. مصادیق مهمّ سبک زندگی اسلامی ایرانی

مقدّمه

در دروس گذشته چند مورد از گفتمانهای انقلاب اسلامی که توسّط جوانان بخصوص دانشجویان ترویج میشود مورد بررسی قرار گرفت که شامل گفتمان ایجاد حرکت عمومی در مردم و همچنین گفتمان آرمان‌خواهی بود. در ادامه به گفتمانهای عدالت‌خواهی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی پرداخته میشود.

عدالت‌خواهی

یکی دیگر از گفتمانهای بسیار مهمّی که قابل تعریف است عدالت‌خواهی است.

معنای عدالت: یکسانیِ فرصتها و حقوق

رهبر انقلاب در جلسات تفسیر قرآنشان در سال ۱۳۵۳ بیان کردند که عدالت به معنای یکسانی فرصتها و حقوق است. قاعدتاً عدالت به معنای مساوات نیست؛ اینکه همه یک جور دریافتی داشته باشند، حتّی کسی که تحصیل کرده، تجربه‌ی بیشتری دارد، فعّالیّت بیشتری دارد، خیر، منظور این نیست؛ بلکه منظور این است که در بهره‌مندی از امتیازها و فرصتها، همه‌ی افراد جامعه اگر توانستند خودشان را به آن سطح از برخورداری از

امتیاز برسانند به ایشان تعلّق بگیرد؛ این عدالت است. امروزه گمشده‌ی بشریّت عدالت است و یکی از آرمانهای ظهور نیز عدالت است.

رهبر انقلاب میفرمایند: «**جامعه‌ی توحیدی یک جامعه‌ی بی‌طبقه است؛ یک جامعه‌ای است که گروه‌های انسانها در آن جامعه از یکدیگر بر حسب حقوق و مزایا جدا نشدند... همه در یک مسیر و با یک نوع امکانات و با یک نوع حقوق زندگی میکنند و حرکت میکنند.**» بر خلاف آنچه که ما در تاریخ مشاهده میکنیم که «**اختلاف طبقاتی از جمله‌ی دردهای مزمن تاریخ است.**»[1] سپس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نفی اختلافات طبقاتی میپردازند و میفرمایند: «**توحید به معنای یک خدا قائل بودن، تدبیر و خلق و آفرینش و اداره‌ی جهان را از یک خدا دانستن و ضامن نفی طبقات اجتماعی در جامعه است.**»[2]

اهمّیّت عدالت: هدف میانیِ بعثت انبیا

عدالت‌خواهی در متون دینی ما و اصل شریعت الهی چنان اهمّیّتی دارد که عدالت را به عنوان یک هدف میانیِ بعثت انبیا معرّفی میکند و یکی از کارکردهای مهمّ آرمان مهدویّت ذیل همین عنوان معنا پیدا میکند. رهبر معظّم انقلاب میفرمایند: «**اوّلاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند:** «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ

---

[1]. طرح کلّی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، ص ۳۲۸

[2]. طرح کلّی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، ص ۳۳۸

وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»[۱]؛ **قطعاً این آیه حکم میکند بر اینکه هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بیّنات - یعنی حجّتهای متقن و غیر قابل تردیدی که پیغمبران ارائه میدهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیّات؛ میزان، یعنی آن سنجه‌ها و معیارها - قیام به قسط بوده است؛** «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». **البتّه شکّی نیست که قیام به قسط و همه‌ی آنچه که مربوط به زندگی دنیایی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدّمه‌ی آن هدف خلقت است:** «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي»[۲]؛ **یعنی عبودیّت. اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبودیّت خدا است. لیکن در راه رسیدن به آن هدف، هدف نبوّتها و ارسال رسل است؛ که از جمله‌ی آن، آن چیزی است که این آیه به آن تصریح میکند. البتّه تصریحات دیگری هم در آیات قرآن هست که به سایر اهدافِ ارسال رسل اشاره میکند، که اینها با یکدیگر قابل جمع است. پس هدف شد عدالت. هدف نظام‌سازی، هدف تمدّنها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است.»**[۳]

---

[۱]. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵

[۲]. سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۵۶

[۳]. بیانات در دوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی ۲۷/۰۲/۱۳۹۰

گستره‌ی عدالت: از فردی تا بین‌المللی

گستره‌ی عدالت هم فقط این نیست که عدالت را در زندگی فردی یا در خانواده یا مثلاً منطقه‌ی خودمان، در شهر و کشور خود ببینیم؛ عدالت دایره‌ی وسیعی دارد که رهبر انقلاب اخیراً در دیداری که با دانشجویان داشتند به این دایره‌ی وسیع تأکید کردند که نکته‌ی بسیار ارزشمندی است که عدالت را باید تا نقطه‌ی بین‌المللی دنبال کنیم. یکی از دلایل مهمّ دنبال کردن مسئله‌ی فلسطین از همین جهت است.

رهبر معظّم لنقلاب میفرمایند: «**یک مصداق مهمّ عدالت رفع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و مانند اینها است؛ امّا فقط این نیست؛ این یک قلم عمده‌اش است. عدالت از قضاوتهای شخصی ما شروع میشود؛ عدالت از عمل شخصی ما، حرف زدن ما، داوری‌های ما در مورد اشخاص، در مورد کارها شروع میشود.** «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا»[1]؛ **اگر با کسی مخالفت هم داریم، دشمنی هم داریم، جدایی فکری هم داریم، درباره‌اش نباید ظلم کنیم. مصیبت‌بارترین مسائل این است که یک وقتی یک کافری روز قیامت یقه‌ی بنده را بگیرد که آقا، تو به من در فلان جا ظلم کردی؛ یعنی واقعاً دیگر از این چیزی سخت‌تر نیست! یا دشمن خدا روز قیامت حقّی به گردن من پیدا کند، یقه‌ی ما را بگیرد بگوید شما ظلم کردید. یعنی عدالت این جوری است. عدالت بین‌المللی؛ این**

---

[1]. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۸

مبارزه‌ی با استکبار که ما مدام تکرار میکنیم، یکی از مهم‌ترین مصادیق عدالت است. بعضی‌ها دنبال عدالت هستند امّا فکر نمیکنند که مبارزه‌ی با استکبار و آمریکا و صهیونیسم هم جزو مصادیق عدالت‌طلبی است؛ هست. این [جور] است.»[1]

متضادهای عدالت

الف. اشرافیگری؛

در سال ۱۳۶۸ و اوایل تشکیل دولت سازندگی رهبر انقلاب فرمودند اکنون دوران سازندگی است و یکی از آسیب‌های مهمّ دوره‌ی سازندگی که میتواند وجود داشته باشد این است که یک طبقه‌ی جدیدی از اشراف شکل بگیرد که قبلاً این طور نبوده است؛ یعنی زمانی است که کسی میراث خانوادگی داشته است و فرض کنید پدر و مادر و اجداد او ثروتمندهایی بودند و زندگی اشرافی داشته است و از این افراد موارد بسیاری داشتیم که به ثروتهایشان پشت کردند. حال فرض کنید شخصی که اکنون زندگی اشرافی دارد، ابتدای انقلاب در یک جای دورافتاده‌ای مسئولی بوده است که منطقاً نمیتوانسته این میزان ثروت داشته باشد. اگر ثروت داشته باشد هم نباید این ثروت را به صورت یک زندگی اشرافی که شبیه زندگی شاهزاده‌ها و درباری‌های زمان طاغوت باشد مصرف کند.

«از لحاظ عدالت اجتماعی هم امروز با گذشته، زمین تا آسمان فرق کرده است؛ البتّه تا آن عدالت اسلامی خیلی فاصله داریم، تا عدالت

---

[1]. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان ۲۹/۰۱/۱۴۰۲

مطلوب خیلی فاصله داریم. امروز متأسّفلنه همچنان نشانه‌های اشرافیگری و تجمّلات و بعضی از انحرافات گوناگون در جامعه‌ی ما کم نیست امّا وقتی نسبت به قبل از انقلاب ملاحظه بکنیم - حالا شما جوانها که قبل از انقلاب را ندیدید؛ ما و آنهایی که دیدیم قبل از انقلاب را - پیشرفت ملّت ایران و کشور اسلامی نسبت به آن وقت، پیشرفت بسیار برجسته‌ای است.»[۱]

«از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند میکند، نمود اشرافیگری در مسئولان بالای کشور است.»[۲]

«نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک طبقه‌ی جدید، یک طبقه‌ی برخوردارِ اشرافی جدید. نباید بگذاریم این کار انجام بگیرد. این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمیشود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است.»[۳]

ب. فسادها

فسادهایی وجود دارد که یکی از مشکلات کشور ما است و عدالت‌خواهی دقیقاً در مقابل این مسئله قرار میگیرد و با فسادها مقابله میکند؛ بویژه از

---

[۱]. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۱/۰۵/۱۳۹۵

[۲]. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۵/۰۶/۱۳۸۰

[۳]. بیانات در اوّلین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم ۱۳۸۷/۳/۲۱

فسادهای اقتصادی جلوگیری میکند. عدالت‌خواهی از اینکه فساد رخنه کند و شبکه‌ی بزرگ‌تری را برای خودش ایجاد کند جلوگیری میکند.

«مشروعیّت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه‌ی مشروعیّت ما است... تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون‌طلبی انسانهای مفت‌خوار و سوءاستفاده‌کن امکان‌پذیر نیست.»[1]

ج. تبعیض و ویژه‌خواری

اگر گفتمان عدالت‌خواهی در کشور حاکم شود، ثمره‌اش این است که تبعیضها، ویژه‌خواری‌ها، فقر و شکاف طبقاتی از بین میرود.

بایسته‌های عدالت‌خواهی

الف. همراهی با عقلانیّت و معنویّت

یکی از بایسته‌های مهمّ عدالت، همراهی آن با عقلانیّت و معنویّت است؛ در غیر این صورت عدالت‌خواهی کمونیستی یا غلط خواهد بود.

---

[1]. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۵/۰۶/۱۳۸۲

رهبر انقلاب در دوره‌ی ریاســت جمهوری آقای احمدی‌نژاد که بحث از عدالت شایع شده بود، برای تصحیح و تکمیل آن حرکت نکاتی را به عنوان یکی از ویژگی‌های مکتب حضــرت امام(قدّس‌ســرّه) میفرمایند: «**اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقیِ خودش در جامعه تحقّق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشــدّت در هم تنیده اســت؛ یکی مفهوم عقلانیّت اســت؛ دیگر معنویّت. اگر عدالت از عقلانیّت و معنویّت جدا شــد، دیگر عدالتی که شــما دنبالش هســتید، نخواهد بود؛ اصــلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیّت به خاطر این اســت که اگر عقل و خرد در تشــخیص مصــادیق عدالت به کار گرفته نشــود، انســان به گمراهی و اشــتباه دچار میشــود؛ خیال میکند چیزهایی عدالت اســت، در حالی که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمیبیند. بنابراین عقلانیّت و محاسبه، یکی از شرایط لازمِ رسیدن به عدالت است.**»[1]

ایشــان در جای دیگری در همین زمینه میفرمایند: «**اگر عدالت را از معنویّت جدا کنیم - یعنی عدالتی که با معنویّت همراه نباشــد - این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویّت و توجّه به آفاق معنویِ عالم وجود و کائنات نباشــد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنّع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظامهای کمونیستی که شعارشان عدالت بود. ما میگفتیم عدالت و آزادی؛ امّا آزادی اصلاً جزو شعارهای آنها نبود. در همه‌ی کشورهایی که حرکت کمونیستی**

---

[1]. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

در آنجا به شکلی از اشکال - انقلاب یا کودتا - تحقّق پیدا کرده بود، «عدالت» محور شعارهای آنها بود؛ امّا واقعیّت زندگی آنها مطلقاً نشان‌دهنده‌ی عدالت نبود.»[۱]

ب. رعایت اصول اخلاقی

با روش غلط نمیتوان دنبال رسیدن به عدالت بود. در اسلام چنین چیزی نداریم. امیرالمؤمنین(سلام‌الله‌علیه) بزرگ‌ترین شاهد این اتّفاق هستند. رهبر انقلاب در این خصوص میفرمایند: «**اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خطّ امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، امّا میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خطّ امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیّت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خطّ امام منحرف شده‌ایم.**»[۲]

ج. پرهیز از مخرج مشترک پیدا کردن با دشمن

چنانچه عدالت را به نحوی دنبال کنیم که دشمن خوشحال شود یا به نحوی وارد عرصه‌ی عدالت شویم که برای دشمن منفعت جلب کنیم،

---

[۱]. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

[۲]. بیانات در مراسم بیست‌ودوّمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۴/۰۳/۱۳۹۰

روش صحیحی نیست. بله دشمن از هر اقدامی ممکن است سوءاستفاده کند، ولی ما باید حواسمان را جمع کنیم که در حدّاکثر ممکن عدالت‌خواهی تلفات نداشته باشد.

رهبر انقلاب میفرمایند: «**در مطالبه‌گری‌ها - که من توصیه‌ی مطالبه‌گری میکنم به شما - مراقبت کنید دشمن نتواند از مطالبه‌ی به حقّ شما سوءاستفاده کند. هم در صورت‌بندی مسئله، هم در راه‌حلّی که ارائه میدهید، سعی کنید با دشمن وجه مشترک و اینها پیدا نکنید؛ مخرج مشترک پیدا نکنید با دشمن. دشمن، هم مشکلات را مطرح میکند، هم صورت مسئله را مطرح میکند، هم به‌اصطلاح علاج و نتیجه‌گیری را مطرح میکند. شما صورت مسئله‌تان هم با او باید فرق داشته باشد، نتیجه‌گیری‌تان هم با او باید بکلّی فرق داشته باشد، چون او دشمن است دیگر، او مُغرض است، از روی خیرخواهی کار را انجام نمیدهد.**»[1]

د. قانون‌مداری هوشمندانه

رعایت قانون یکی خطوط قرمز رهبر انقلاب بوده و هست و عدالت‌خواهی نیز از این قاعده استثنا نیست. علاوه بر این گاهی نیز قانون‌شکنان قانون‌دان، با پیدا کردن نقاط ضعف قانونی عدالت‌خواهان برای ایشان مشکل ایجاد میکنند.

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۰۶/۰۲/۱۴۰۱

«شما میگویید که ما شعار عدالت میدهیم؛ دانشجو را میگیرند، امّا آن کسی را که به عدالت صدمه زده، نمیگیرند؛ قوّه‌ی قضائیّه چنین، یا دستگاه مسئول چنان. خب، اینجا شما باید زرنگی کنید؛ یک لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید؛ این شأن شما است. جوان و دانشجو و مؤمن شأنش همین است که عدالت را بخواهد. پشتوانه‌ی این فکر هم با همه‌ی وجود، خودم هستم و امروز بحمدالله نظام هست. البتّه تخلّفاتی هم ممکن است انجام بگیرد؛ شما زرنگی‌تان این باشد: گفتمان عدالت‌خواهی را فریاد کنید؛ امّا انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. وقتی شما روی یک مصداق تکیه میکنید، اوّلاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من میبینم دیگر. من مواردی را مشاهده میکنم - نه در دانشگاه، در گروه‌های اجتماعی گوناگون - که روی یک مصداق خاصّی تکیه میکنند؛ یا به عنوان فساد، یا به عنوان کج‌روی سیاسی، یا به عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلاً اتّفاقاً از جریان اطّلاع دارم و میبینم این جوری نیست و آن کسی که این حرف را زده، از قضیّه اطّلاع نداشته است. بنابراین وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه میکنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله‌ای به دست میدهید برای اینکه آن زرنگ قانون‌دانِ قانون‌شکن - که من گفته‌ام قانون‌دان‌های قانون‌شکن خطرناکند - بتواند علیه شما استفاده کند. شما از دادستان چه گله‌ای میتوانید بکنید؟ اگر یک نفری به عنوان مفتری یک شخصی را معرّفی کند و بگوید آقا او این افتراء را به من زده؛ خب، شأن آن قاضی این نیست

که برود دنبال ماهیّت قضیّه. اگر این افتراء گفته شده باشد، زده شده باشد، مادّه‌ی قانونی آن قاضی را ملزم به انجام یک کاری میکند؛ لذا نمیتوانیم از او گله کنیم. شما زرنگی کنید، شما اسم نیاورید، شما روی مصداق تکیه نکنید؛ شما پرچم را بلند کنید. وقتی پرچم را بلند کردید، آن کسی که مجری است، آن کسی که در محیط اجرا میخواهد کار انجام دهد، همه حساب کار خودشان را میکنند. آن کسی هم که فریاد مربوط به محتوای این پرچم را بلند کرده، احساس دلگرمی میکند و کار پیش خواهد رفت. بنابراین به نظر من مشکلی در کار شما نیست؛ شما جوانهای مؤمنی هستید که انتظار هم از شما همین است. هر شعار خوبی که داده میشود، بعد از اتّکال به خدای بزرگ که همه‌ی دلها و زبانها و اراده‌ها دست او است، تکیه به شما جوانها است، امید به شما جوانها است؛ این را بدانید. بالاخره همشهری شما که از او شعر هم خواندید، میگوید:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافری است رنجیدن

نرنجید؛ دنبال کار بروید. همین مطلب را عیناً خطاب به آن برادر عزیزی که به عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی اسلامی، بسیار متین و شیوا مطالبی را بیان کردند، عرض میکنم. این حرفها، حرفهای دل ما است؛ منتها فرق ما و شما این است که ما بر اثر تجربه‌ی روزگار فهمیده‌ایم که یک مقداری باید انسان تحمّل و صبر کند، شما جوانید و تازه از راه رسیده و پرشور و بی‌صبر! همه‌اش خوب است، غیر از

این بی‌صبری. البتّه این هم علاج ندارد. نه اینکه بخواهم بگویم خیلی علاج دارد؛ نه، ما خودمان هم این دوره‌ی شما را گذرانده‌ایم، میدانیم چه جوری است؛ ولی بالاخره این را من میخواهم به شما بگویم که همه‌ی این چیزهایی که شما گفتید و شعارش در این کشور داده شده، به حول و قوّه‌ی الهی و به اذن‌الله تحقّق پیدا خواهد کرد.»[1]

گفتمان شدن عدالت‌خواهی

اصل مسئله در بحث عدالت که به عنوان دغدغه‌های رهبر انقلاب مطرح میشود، این است که عدالت‌خواهی باید به صورت گفتمان دربیاید. جاهایی هم بوده که رهبر انقلاب از برخی از اقدامات دانشجویان و عدالت‌خواهان حمایت کردند؛ مثلاً نسبت به برخی از کارهای اشتباهی که بانکها انجام دادند، نسبت به بعضی از واگذاری‌های غلط در زمینه‌ی خصوصی‌سازی یا مثل قضیّه‌ی هفت‌تپه که دانشجوها اقدام کردند و رهبر انقلاب به این موارد اشاره کردند. امّا در کنار این باید مراقبت کنند که در دام قانون‌شکنان قانون‌دان نیفتند که اصل عدالت‌طلبی خاموش شود. باید حتماً کار شکل بگیرد و به دنبال عدالت باشیم و کاری کنیم که جامعه به سمت عدالت و آرمان عدالت‌خواهی حرکت کند و مراقبت هم باید باشد. تا زمانی که گفتمان عدالت‌خواهی نباشد، فرد ممکن است نسبت به یک نفر دیگری انتقاد داشته باشد و از او مطالبه‌ی عدالت داشته باشد، امّا

---

[1] بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

همین فرد زمانی‌که به زندگی شـــخصـــی خودش میرســـد فراموش میکند. امیرالمؤمنین(ســلام‌الله‌علیه) فرمودند: حق به بیان راحت اســت و در مقام عمل کار مشـکلی میشـود. در واقع یکی از دلایل آن همین مسـئله اسـت. زمانی که این امر گفتمان شـــد و تک تک افراد در زندگی خود به دنبال عدالت بودند، آثار مهمّی در جامعه خواهد داشت.

سبک زندگی اسلامی ایرانی

سبک زندگی اسلامی ایرانی یکی از گفتمانهایی است که اگر شکل بگیرد، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ما از بین میرود. در حال حاضر با برخی از آسیب‌های اجتماعی مثل بحث بی‌حجابی و بی‌حیایی در برخی از جاها و آسیب‌هایی مثل طلاق و برخی از مشکلات اجتماعی مواجه هستیم. حتّی برخی از مشکلات اقتصادی میتواند با سبک زندگی اسلامی ایرانی سامان پیدا کند.

اهمّیّت سبک زندگی: بخش حقیقیِ تمدّن نوین اسلامی

رهبر انقلاب در دیداری که با دانشجویان خراسان شمالی داشتند فرمودند تمدّن نوین اسلامی دو بخش دارد؛[1] یک بخش ابزاری که علم، صنعت، قدرت و بحثهای نظامی است و یک بخش حقیقی که تمدّن نوین اسلامی و همین بخش سبک زندگی ایرانی اسلامی است. در واقع روح آن کالبد بخش ابزاری تمدّن نوین اسلامی است.

جایگاه سبک زندگی: یکی از ابعاد هویّت اسلامی ایرانی

در منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب، سبک زندگی اسلامی ذیل بحث هویّت تعریف میشود. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که رهبر انقلاب به عنوان مفاهیم کلان لحاظ میکنند و به دنبال تحقّق آن هستند هویّت است و بارها در دیدارهایی که با معلّمان، اساتید دانشگاه، دانشجویان و علما داشته‌اند، بحث تقویت هویّت ملّی را مطرح کرده‌اند. هویّت ملّی ما هم بُعد ایرانیّت

---

[1]. در بخش الزامات این نکته بررسی شد.

دارد و هم بُعد اسلامیّت دارد و در کنار هم قرار گرفتن اینها یک هویّت قابل دفاعی را برای ما ساخته است. این هویّت یکی از ابعاد مهمّ سبک زندگی است و سبک زندگی‌ها در جهان، چه سبک زندگی آمریکایی و چه سبک زندگی اروپایی، چه سبک زندگی‌های دیگر بر اساس یک هویّتی تعریف میشود. لذا باید بدانیم اگر بتوانیم هویّت را حل کنیم، در واقع پلی به اصلاح سبک زندگی ایرانی اسلامی زده‌ایم.

وضع امروز ما در سبک زندگی

رهبر انقلاب در بیانیّه‌ی گام دوّم فرمودند تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیانهای بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملّت ما زده است. شما در طول حضور غربی‌ها در ایران که شاید از دوران صفویه شروع میشود، می‌بینید که آرام آرام رگه‌های فرهنگ، تمدّن و معماری غربی شیوع پیدا میکند. در اواخر دوره‌ی قاجار و توسّط روشنفکران و همچنین هیئت حاکمه‌ی وقت شدّت پیدا میکند و بعد در دوران پهلوی به اوج خود میرسد. هنوز هم آسیب‌های رسوخ این سبک زندگی غلط را شاهدیم. البتّه در دوران معاصر هم شاهدیم که با کارهای عجیب و غریبی که در شبکه‌های مختلف تلویزیون ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی انجام میشود و حتّی در مجموعه‌های هنری و روشنفکر داخل کشور تلاش میشود به سبک زندگی ایرانی اسلامی افتخار نشود و یک نوع عقب‌ماندگی در ذهن جوان القا میکنند و سبک زندگی غربی به عنوان آرمان مطرح میشود.

وضـــعیّت امروز ما وضـــعیتّی اســـت که از نظر رهبر انقلاب خیلی خوب نیسـت. اگرچه که نقاط پررنگی از سـبک زندگی ایرانی اسـلامی داریم، امّا یک جاهایی لطمه‌هایی خوردیم. رهبر انقلاب در یکی از ســـخنرانی‌های خودشان میفرمایند:

«یکی از مهم‌ترین اهداف دشـمنان ملّت ایران و دشـمنان اسـلام این اسـت که سـبک زندگی مسـلمانان را عوض کنند، شـبیه سـبک زندگی خودشـــان کنند. واقعیّتهای زندگی در فکر انســـان اثر میگذارد. رفتار روزانه در دل و روح انسـان، هم روح خود انسـان و هم روح مخاطبان و معاشـــران انســـان اثر میگذارد؛ اینها میخواهند این را تغییر دهند. اسـلام یک سـبک زندگی برای ما آورده اسـت. فرض بفرمایید ادب، یکی از کارهای مهم ادب است. فرنگی‌ها در برخوردهای معمولی‌شان خیلی مقیّد به ادب نیستند. ما ایرانی‌ها از قدیم به اینکه در گفتارهایمان بـا مخـاطبـانمـان ملاحظه‌ی ادب را میکنیم و احترام طرف مقـابـل را حفظ میکنیم؛ اینهـا میخواهنـد این را عوض کننـد و متـأسّـــفـانه یک جاهایی هم موفّق شدند.»[1]

راه‌حل چیست؟

طبق فرموده‌ی رهبر انقلاب جهاد همه‌جانبه و هوشـمندانه لازم اسـت. رهبر معظّم انقلاب در آخرین بخش بیانیّه‌ی گام دوّم به این امر اشـــاره فرمودند که جهاد در زمینه‌ی زدودن سـبک زندگی غربی اسـت؛ چه در پوشـش، چه

---

[1]. بیانات در دیدار ائمّه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۴/۱۰/۱۳۹۴

در نوع زندگی، در خوابیدن، بیدار شـدن، مراودات و... مهم این اسـت که سـبک زندگی ایرانی اسـلامی ترویج شـود و مقدّس شـمرده شـود و به آن افتخار شود. این امر اگر اتّفاق بیفتد در آینده‌ی نزدیک میتوانیم ثمرات آن را ببینیم.

مصادیق مهمّ سبک زندگی

الف. بخش سلبی:

در بحث سبک زندگی، یک بخش، سلبی است. ابتدا باید به نفی بعضی از سـبک زندگی‌ها و ابعاد مختلف سـبک زندگی غربی و مادّی بپردازیم که رهبر انقلاب در سخنرانی‌های مختلف خودشان به آن اشاره کردند.

رفاه‌طلبی افراطی و تجمّل‌گرایی: رهبری اصـل رفاه را یکی از اهداف انبیا میدانند، ولی وقتی که رفاه‌طلبی به سـمت افراطیگری رفت، باعث میشـود برای هر اتّفاقی به دنبال یک وسیله باشیم؛ بعضی از این جهازها که انسان میبیند و برخی از لوازم که اصـلاً لازم نیسـت، ولی برای هر کاری یک وسیله‌ی الکترونیکی را به کار میگیرند.

راحتی برای بشر خوب است، امّا اینکه به سمت رفاه‌طلبی افراطی میرود و از حدّ اعتدال خارج میشود قاعدتاً درست نیست و تجمّل‌گرایی است.

مصرف‌زدگی: گاهی اوقات شاهدیم دخل و خرج شخص به هم نمیخورد، ولی شخص به سمت تجمّل‌گرایی افراطی، چه در زمینه‌ی پوشش و چه در زمینه‌ی وسـایل خانه، فضـاسـازی خانه اعمّ از پرده و کابینت و... حرکت میکند و چیزهایی که قابل استفاده است را کنار میگذارد و به سمت استفاده از وسایل جدید میرود. غرب به دنبال این است که افراد را مصرف‌زده کند

تا بتواند اقتصاد خودش را بیشتر تقویت کند؛ دنبال مصرف صحیح نیست بلکه به دنبال مصرف‌زدگی است.

اشرافیگری: یکی دیگر از آن سبک زندگی‌های غلط اشرافیگری است که در حال حاضر در برخی از مناطق توسّط کسانی که ثروتمند هستند یا برخی از مسئولین کشور که اکنون به ثروت رسیده‌اند، حرکت به سمت اشرافیگری را شاهدیم.

اصل زیبایی خوب است، اصل تجمّل در اسلام خوب است، امّا نباید به معنای حرکت به سمت امور زائد باشد. این امر در اشرافیگری شدّت میگیرد و طبقه‌ای درست میشوند و این طبقه به سمت بعضی لوازمهایی برای ایجاد و نگهداری از خودش میرود که شبیه به اشراف زمان گذشته و در دوره‌های پادشاهی میشود.

اسراف: یکی از مصادیق سبک زندگی غلط اسراف است که اسلام بشدّت با این مقوله مخالف است و آیه‌هایی از قبیل «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»[1] به همین امر اشاره دارد.

اسلام میگوید از هر امکانی باید استفاده شود؛ روایاتی وجود دارد که میفرمایند اگر لباس بیرون از خانه را داخل خانه بپوشید اسراف است و حتّی نسبت به دور انداختن هسته‌ی خرما میفرمایند اگر امکان اینکه هسته‌ی خرما کاشته شود که درخت حاصل شود، دور انداختن این هسته اسراف است.

---

[1]. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۳۱

حضرت امام خمینی(قدّس‌سرّه) دستمال کاغذی که برمیداشتند، اگر دو لایه باز میکردند و با یک لایه نیاز ایشان برطرف میشد، لایه‌ی دیگر را حفظ میکردند یا زمانی که آب میخوردند و مقداری باقی میماند، یک کاغذ روی آن میگذاشتند و برای مصرف بعدی استفاده میکردند.

فرقی ندارد، چه در مقام تولید، چه در کار نانوایی، چه اسراف در منزل یا در مهمانی‌ها یا در سالنهای برگزاری مراسمات مختلف شاهدیم، اسراف وجود دارد که باید اصلاح شود.

ناتوانی در کار جمعی: ما تمایل داریم همه‌ی کارها را شخصی انجام دهیم و سود بیشتری ببریم و میل چندانی به کار تشکیلاتی نداریم که عادت بدی است. رهبر معظّم انقلاب نیز در این خصوص میفرمایند: کار جمعی را در غرب بیشتر از شرق شاهدیم.

تقلید از بیگانه و لاابالیگری: تقلید در گفتار و ادبیّات که عدّه‌ای به آن افتخار میکنند، از جمله رفتاری است که باید اصلاح شود. در حال حاضر هم همین تفکّر وجود دارد که از ادبیّات غربی استفاده کنیم و در صحبت کردن هر چه بیشتر از کلمات فرنگی استفاده کنیم و آن را نشانه‌ای برای ارتقاء سطح اجتماعی خود میدانیم. مدّتها است که با این بحث مقابله و مبارزه میشود؛ برای اینکه با تقلید از بیگانه، در گفتار، رفتار و کردار، سبک زندگی غربی منتقل میشود. مثلاً خیلی‌ها به نگهداری از حیوان روی آوردند مثل جامعه‌ی غربی که در آن خانواده اصالت ندارد و شخص خلوت خودش را با حیوانات پر میکند.

حیوان در اسلام حقوقی دارد؛ اکرام به حیوانات و حتّی حیواناتی مثل سگ که نجس‌العین هستند در سیره‌ی اهل‌بیت بوده است، امّا در کنار این مسئله اینکه حیوانات را وارد حریم زندگی خود کنیم، این سبک زندگی ایرانی اسلامی نیست. لاابالیگری در فرهنگ غرب فراوان دیده میشود و ثمره‌ی آن را شاهدیم که منجر به فروپاشی نهاد خانواده در غرب شده است. خیانتهایی که اتفاق می‌افتد، تجاوزهایی که شکل میگیرد، تعرّضهای جنسی که صورت میگیرد و مواردی از این قبیل که محیط را فراگرفته است به دلیل لاابالیگری است که فقط در روابط زن و مرد نیست و در خیلی از شئون زندگی اشخاص وجود دارد.

زمانی‌که شخص حدود الهی را رعایت نمیکند، حتّی در زندگی فردی خود زیانهایی را به بار می‌آورد.

ب. موارد ایجابی

در کنار موارد سلبی که لازم است با گفتمان‌سازی آن امور را از بین ببریم، مواردی هم وجود دارد که جنبه‌ی ایجابی دارد.

معاشرت مؤمنانه و سلوک فردی مؤمنانه: این موارد خیلی مهم هستند. نحوه‌ی ارتباط با خانواده، فرزندانمان، پدر و مادر، برادر و خواهر، اقوام، صله‌ی رحم که در اسلام تأکید شده است. دست‌گیری از یکدیگر در خانواده و همسایه؛ رعایت حقوق همسایه و همنشین و همسفر که در اسلام در نظر گرفته شده است. رعایت حقوق افراد مختلف در جامعه. رساله‌ی حقوق امام سجّاد(سلام‌الله‌علیه) از رعایت حقوق مردم توسّط

حاکمان و مسئولین در فضای سلوک اجتماعی و یک نوع معاشرت اجتماعی سخن گفته شده است. کیفیّت معاشرت؛ چگونگی سلام کردن در ابتدای صحبت، چگونگی خداحافظی، چگونگی نامه نوشتن، چگونگی کار خواستن و کار کردن؛ هر کدام ابعاد مختلف زندگی مؤمنانه است که رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۱ که به خراسان شمالی رفته بودند، مجموعه‌ی سؤالاتی را مطرح کردند و به تشریح کیفیّت رفتار ما با یکدیگر در انواع فعّالیّتها و برخوردها پرداختند.

مواسات: یکی از ابعاد مهمّ سبک زندگی ایرانی اسلامی مواسات است که مؤمنین نسبت به یکدیگر احساس مسئولیّت میکنند. در بعضی از روایات آمده است که تا چهل خانه آن طرف‌تر همسایه‌ی شما هستند و اگر میدانید که مشکلی دارند، برای رفع آن باید به ایشان کمک کنید. اگر در یک شهر گرسنه‌ای باشد و مردم آن شهر سیر بخوابند، عقوبتهایی وجود دارد که افراد شهر به آن دچار میشوند.

این روحیّه به وفور در صدر اسلام و در میان یاران خاصّ اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) و در دوران ما، در بین مجاهدین انقلاب و در بین رزمندگان ما، مدافعان حرم، رزمندگان دوران دفاع مقدّس، مشاهده میشود.

شعائر دینی: توجّه به شعائر دینی یکی از موارد سبک زندگی است. زیارت اربعین، زیارت رفتن، عزاداری کردن، دسته‌ی سینه‌زنی راه انداختن، جشن گرفتن برای مناسبت‌های ملّی و مذهبی نمونه‌هایی از حفظ شعائر دینی است. حضور در صحنه‌ی راه‌پیمایی، نمونه‌ی دیگری از سبک زندگی

است. برگزاری جلساتِ روضه‌های خانگی نیز از مصادیق سبک زندگی است.

حیا و عفّت: یکی از ابعاد مهمّ سبک زندگی ایرانی اسلامی حفظ حیا و عفّت است؛ حیا و عفّت اثر خودشان را در روابط اجتماعی میگذارند؛ مانند نوع مراودات، ارتباط گرفتن دو هم‌کلاسی آقا و خانم با یکدیگر، مراودات دو آقا و دو خانم با یکدیگر و حتّی نوع ارتباط بچّه‌ها در منزل، نوع پوشش افراد در حفظ حریم حیا و عفّت مؤثّر است.

وجدان کاری: یکی از ابعاد مهمّی که رهبر انقلاب بارها گفتند که باید تبلیغ شود و حواس مردم جمع باشد، وجدان کاری است؛ مثل خیلی از قدیمی‌ها که احتیاط‌های شدیدی میکردند و این امر در ادارات، محلّ کسب اختصاصی، صنعت، کشاورزی، توزیع و تولید و... میتواند مؤثّر باشد.

اینکه شاهدیم برخی از وسایل نقلیه که از بعضی خودروسازها خریداری میشود، بعد از بیرون آمدن از نمایندگی، مقداری حرکت میکند و بعد مشکل پیدا میشود مربوط به همین بحث میشود. گاهی اوقات شخصی که کارگر است و در کارخانه باید پیچ را چهار بار سفت کند، سه بار سفت میکند و آن پیچ آرام آرام شل میشود.

پوشش ایرانی اسلامی: با این دیدگاه که ما بتوانیم لباسی مخصوص خود داشته باشیم، توجه به پوشش ایرانی اسلامی مهم است. یکی از خیانتهایی که رضاخان در حقّ ملّت ایران کرد، این بود که لباس ایرانی را از تن مردم ایران درآورد.

لباس روحانیّت یک زمانی لباس مردم ایران بود و به یک معنا اختصاص به روحانیّت نداشت و همه‌ی مردم برای رعایت پوشش کامل لباس بلند میپوشیدند. مردها هم همین طور بودند و لباس بلند میپوشیدند که به آن قبا میگوییم. بسیاری از مردم آن زمان عمامه و یا کلاه داشتند. در سبک زندگی اسلامی به پوشاندن سر اشاره شده است و برکاتی برای آن ذکر شده است. این پوشش‌ها را از ما گرفتند.

جلال آل‌احمد نقل میکند که میزی در خیابان گذاشته بودند و هر کسی رد میشد، قبایش را میگرفتند و از پایین یک متر میبریدند و کت میشد. با زور لباس غربی‌ها را تن مردم ایران کردند؛ کراوات که نماد مسیحیّت بود به گردن مردم ایران انداختند. لباس زنان که چادر بود را بِزور از سرشان کشیدند و حقّ تحصیل را از دخترانِ باحجاب سلب کردند. هدف آنها این بود که آرام آرام بی‌حجابی فرهنگ شود و تا حدّی موفق شدند؛ هنوز هم که هنوز است خیلی از این بی‌حجابی‌ها و خیلی از این پوشش‌های غیر ایرانی ثمره‌ی آن زور و اجبار است.

غرب روی پوشش ایرانی خیلی حسّاس است و تلاش دارد لباس ایرانی شبیه لباس جوان آمریکایی شود. خیلی از کشورهای جهان لباس خودشان را حفظ کردند. مردم پاکستان میتوانند الگو باشند؛ زیرا لباس و هویّت خودشان را حفظ کردند. عرب‌ها هنوز هم دشداشه استفاده میکنند و این لباس را حفظ کردند.

برنامه‌ی غرب برای ما حذف فرهنگ خودی و فرهنگ مقاومت از طریق ترویج پوشش‌هایی است که بومی منطقه‌ی ما و فرهنگ ما نیست؛ به

محض اینکه پوشش تغییر کند، فرهنگ مهاجم هم ناخودآگاه همراه آن می‌آید.

سخت‌کوشی: تلاش کردن و مجاهدات همیشگی، یکی از ارکان سبک زندگی ایرانی اسلامی است که شهدا و بزرگان ما این گونه بوده‌اند. سخت‌کوشی در همه جای جهان مورد نظر است و مورد اتّفاق بشر است؛ قهرمانهایی که نشان میدهند و خیلی از فیلمهای پرخرج هالیوودی و فیلمهایی که در شرق و غرب عالم ساخته میشود، سخت‌کوشی را به عنوان یک مزیّت بیان میکند.

برخی از مناطق شرق جهان به صورت افراطی تلاش میکنند؛ البتّه آنها به خاطر امرار معاش مجبور هستند؛ در ژاپن آمار قابل توجّهی از مردم برای امرار معاش آن قدر کار میکنند که از شدّت فشار کاری میمیرند. این سخت‌کوشی متفاوت است با کار زیاد؛ سخت‌کوشی یعنی انسان مصمّم باشد و عزم کند و کارهایش را پیش ببرد.

فرزندآوری: از مصادیق سبک زندگی ایرانی اسلامی فرزندآوری است که از گذشته و در روایات ما به آن سفارش شده است. در زندگی غربی که خانواده‌ها زود از هم متلاشی میشوند، قاعدتاً یک فرزند یا دو فرزند دارند، امّا این فرهنگ به کشور ما وارد شد و تعداد فرزند زیاد مورد هجمه قرار گرفت و در یک برهه‌ی زمانی پس از انقلاب هم با توجّه به اقتضائاتی که وجود داشت، مسئولین به این نتیجه رسیدند که چند سالی جمعیّت را مهار کنند، امّا از یک جایی به بعد به تعبیر رهبر انقلاب باید جلوی آن گرفته میشد که متأسّفانه نشد.

غفلتهایی از سال ۱۳۹۱ صورت گرفت که باعث شد رهبر انقلاب صریحاً این مسئله را مورد بحث قرار دهند و بیان کنند که ما باید برویم به سمت اینکه فرزندآوری را افزایش دهیم.

فرزندآوری علاوه بر مزیّتهای فرهنگی که دارد، باعث گرمابخشی به محیط خانه و ایجاد آرامش در کنار کسانی میشود که هم خون فرد هستند و همدیگر را دوست دارند و خانواده را محلّ خوبی برای پرورش استعدادها و رشد عاطفی و اجتماعی فرد و فرزندان آن فرد قرار میدهد.

گفتمان شدن فرزندآوری یکی از وظایفی است که بر عهده‌ی همگان است و دانشجویان یکی از کسانی هستند که رهبر انقلاب در این زمینه توقّع ویژه‌ای از آنها دارد.

خلاصه درس

- عدالت به معنای یکسانی فرصتها و حقوق است. قاعدتاً عدالت به معنای مساوات نیست.
- عدالت‌خواهی چنان اهمّیّتی دارد که به عنوان یک هدف میانیِ بعثت انبیا معرّفی میشود و یکی از کارکردهای مهمّ آرمان مهدویّت ذیل همین عنوان معنا پیدا میکند.
- عدالت‌خواهی بایسته‌هایی دارد که مانع از انحراف حرکتهای عدالت‌خواهانه میشود.
- اصل مسئله در بحث عدالت این است که عدالت‌خواهی باید به صورت گفتمان دربیاید.

- سبک زندگی اسلامی ایرانی یکی از گفتمانهایی است که اگر شکل بگیرد، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ما از بین میرود.
- وضعیّت امروز ما در سبک زندگی وضعیّتی است که از نظر رهبر انقلاب خیلی خوب نیست.
- کاهش فرزندآوری یکی از آسیب‌های مهمّ ما است و باید در این زمینه گفتمان‌سازی شود.

پرسش‌های درس

۱- معنای عدالت چیست؟

۲- بایسته های عدالت‌خواهی را بشمارید.

۳- تفاوت عدالت اسلامی با عدالت کمونیستی چیست؟

٤- چرا باید به سمت ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی برویم؟

٥- مهم‌ترین مصادیق سبک زندگی چیست؟

٦- فرزندآوری چه مزیّتهایی دارد؟

درس هفتم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب ۳)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. اهمّیّت داشتن روحیّه‌ی انقلابی
۲. ارکان انقلابیگری
۳. اصول کار جهادی

مقدّمه

در بخشـــهای قبل تعدادی از گفتمانهای مهم از قبیل حرکت عمومی، آرمان‌خواهی، عدالت‌خواهی، تولید علم، ســبک زندگی اســلامی ایرانی مورد بررسـی قرار گرفت. در این قسـمت به یک گفتمان مهمّ دیگر پرداخته میشود: گفتمان انقلابیگری.

گفتمان انقلابی بودن و انقلابیگری

یکی از گفتمانهایی که وجود دارد، گفتمان انقلابی بودن و انقلابیگری و به تعبیر ما داشتن روحیّه‌ی انقلابی است. گفتمان انقلابی همان چیزی است که به برکت انقلاب اســلامی در جامعه‌ی ما ایجاد شــد. رهبر انقلاب درباره‌ی روحیّه‌ی انقلابی میفرمایند: «**برادران و خواهران عزیز من، این حرف را شــاید با کم و زیاد ده‌ها بار گفته‌ام و باز هم تکرار میکنم؛ هر جا ما به انقلاب تکیه کردیم، به روحیّه‌ی انقلابی تکیه کردیم، پیش رفتیم. هر جا از ارزشــها کوتاه آمدیم، انقلاب را نادیده گرفتیم، از آن گوشه زدیم، از این گوشه زدیم، تعبیر و توجیه کردیم، برای خوشایند عناصر استکبار که دشمنان اصلی اسلام و دشمنان اصلی این نظام هســتند حرف را جویدیم و خوردیم، عقب ماندیم؛ قضــیّه این گونه**

است. راه پیشرفت ایران اسلامی احیاء روحیّه‌ی انقلابی و احیاء روحیّه‌ی مجاهدت است.»[۱]

«مجاهدت میدانهای فراوان دارد، امام راه را به ما نشان داد، معیارها و شاخصها را به ما نشان داد، هدفها را برای ما مشخّص کرد و خود او حرکت را آغاز کرد. ما تا امروز به برکت حرکت در جهت انقلاب، دستاوردهای زیادی پیدا کردیم، امّا هنوز تا آن هدفها فاصله بسیار زیاد است. میتوانیم به آن هدفها برسیم، مشروط بر اینکه این قطار بر روی همین ریل حرکت کند؛ بر روی ریلی که امام قطار جامعه‌ی اسلامی را به حرکت درآورد. بعد از رحلت امام ما هر جا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم، هر جا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیّتی است که بنده در این سالها خودم مسئول بودم و اگر تقصیری در این مطلب باشد متوجّه این حقیر هم هست. هر جا انقلابی بوده‌ایم، جهادی حرکت کرده ایم، بر روی آن ریل حرکت کرده‌ایم، پیشرفت کرده‌ایم و هر جا کوتاهی کرده‌ایم و غفلت کرده‌ایم، عقب مانده‌ایم. میتوانیم به اهداف خود برسیم، به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم، انقلابی پیش برویم.»[۲]

---

[۱] . بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۰۵/۰۴/۱۳۹۵

[۲] . بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۵

ارکان انقلابیگری

انقلابیگری تعریف و ارکانی دارد که در ادامه به بیان آنها پرداخته میشـود. رعایت این ارکان باعث میشود تا مسیر انقلابیگری درست پیموده شود و از انحراف مصون بماند.

۱. تحول‌خواهی

یکی از مهم‌ترین ارکان انقلابیگری تحوّل‌خواهی اسـت. انقلابیگری یعنی به وضعیّت موجود راضی نشویم. انقلاب جامعه‌ای را تحویل گرفت، این جامعه با مشـکلاتی مواجه بود و عقب‌ماندگی‌ها و مشـکلات فرهنگی داشت؛ انقلاب آمد و برخی از ساختارهای ذهنی مردم را اصلاح کرد. مثل «ما نمیتوانیم» که تبدیل شـد به «ما میتوانیم». تا زمانی که انقلاب ما به سامان و به نهایت نرسیده و تا وقتی که ما به آن قلّه‌ی مطلوب نرسیده‌ایم، دائماً در حال انقلاب هستیم.

انقلاب یعنی تغییر و تحوّل و یکی از ارکان مهمّ انقلابیگری و روحیّه‌ی انقلابیگری و روحیّه‌ی انقلابی این است که انسان تحوّل‌خواه باشد. رهبر انقلاب دراین‌باره میفرمایند: «**انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتّفاق افتاد، یک عدّه‌ای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است؛ نه، این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛**

علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیرورت - یعنی حالی به حالی شدن، تحوّل - اصلاً حدّیقف ندارد؛ هیچ وقت تمام نمیشود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است. حرفهایی یک عدّه [میزنند] - منبع این حرفها، به قول خودشان، اتاق فکرهای خارجی است، اینجا هم این حرفها را بعضی‌ها در روزنامه‌ها و در مجلّه‌ها و در حرفهای گوناگون خودشان رِلِه میکنند و همانها را تکرار میکنند و به زبان ایرانی آنها را بیان میکنند؛ [امّا منبع] حرف از آنجا است - که بله، انقلاب تمام شد. حالا یک نفر بی‌عقلی پیدا میشود بصراحت میگوید انقلاب را باید به موزه سپرد، بعضی‌های دیگر هم هستند این قدر بی‌عقل نیستند، به این صراحت نمیگویند، در پوشش این حرف را میزنند؛ جوری حرف میزنند که معنایش این است که انقلاب تمام شد؛ تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی. اصلاً قابل تبدیل نیست؛ جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت تحوّل دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد وَالّا جمهوری اسلامی نیست؛ حکومت اسلامی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است.

خب، انقلاب چه‌کار میکند؟ کاری که انقلاب در آغاز انجام میدهد، ترسیم آرمانها است؛ آرمانها را ترسیم میکند. البتّه آرمانهای عالی، تغییرناپذیرند؛ وسایل تغییرپذیر است، تحوّلات روزمرّه تغییرپذیر است امّا آن اصول که همان آرمانهای اساسی است، تغییرناپذیر است؛ یعنی از اوّل خلقت بشر تا امروز، عدالت یک آرمان است؛

هیچ‌وقت نیست که عدالت از آرمان بودن بیفتد؛ آزادی انسان یک آرمان است -آرمانها یعنی این جور چیزها- آرمانها را انقلاب تصویر میکند، ترسیم میکند، بعد آن‌وقت به سمت این آرمانها حرکت میکند. حالا آرمان را ما اگر بخواهیم دریک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیّبه» است... این حرکت به‌سمت حیات طیّبه تمام‌نشدنی است. «أَلاَ إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»[1]**؛ این همان صیرورت به سمت خدا [است]. صیرورت یعنی حالی‌به‌حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روزبه‌روز بهتر بشود.**»[2]

بشر به سمت خدا صیرورت دارد و جامعه‌ی مطلوب اسلامی آن است که این صیرورت در آن وجود داشته باشد. این صیرورت تمام‌نشدنی است و به طور دائم ادامه دارد. انقلاب این است؛ این حالت اگر در شخص نباشد و به وضع موجود راضی شود، یا اینکه راضی نشود ولی همکاری نکند، انقلابی نیست. خیلی وقتها شاهدیم که بچّه‌های در ظاهر بسیجی، شهدایی، جهادی، با نظر به مشکلات جامعه، نابسامانی‌ها، گرانی و تورّم، فساد در مسئولین، تبعیض، فقر و آسیب‌های اجتماعی نهایت کاری که میکنند این است که صبر کنند و توجیه آنها این باشد که حدّاقل نق نمیزنیم؛ نه، این انقلابی نیست؛ انقلابی ساکت نمی‌نشیند، بلکه حرکت و کار میکند.

---

[1]. سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۵۳

[2]. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۵/۰۶/۱۳۹۴

رهبر معظّم انقلاب وقتی میخواهند امام را تصویر کنند میگویند امام تحوّل‌خواه بود و تحوّل طوری است که خودش خودبه‌خود می‌آید و اگر ما تحوّل را مدیریّت نکنیم، آن طوری که شرایط اقتضا میکند به صورت قهری خودش را تحمیل میکند. نو به نو شدن ویژگی خلقت است، اگر ما توانستیم این امر را در مسیر اهداف بلندی که داریم مدیریّت کنیم، تحوّل به نفع ما اتّفاق می‌افتد؛ صیرورت جهان شبیه یک رودخانه است؛ اگر شما توانستید سدّی در مسیر رودخانه قرار دهید، میتوانید این را تبدیل به انرژی کنید. اگر آب خروشان را کنترل نکنید سیل شدید به راه می‌افتد و همه‌ی منازل اطراف رودخانه را خراب میکند، امّا اگر مرحله به مرحله مدیریّت شود، آن وقت شاهد خواهیم بود که نعمتی مثل نعمت برق را برای ما تأمین میکند.

۲. عقلانیّت انقلابی

وقتی انقلابیگری را تعریف میکنیم، بلبشو و بعضی از کارهایی غیرمسئولانه را از آن جدا میدانیم؛ متأسّفانه شاهد برخی رفتارهای نامناسب هستیم که هیچ وقت مورد پسند رهبران ما نبوده است. در زمان امام و اخیراً هم یک عدّه به بهانه‌ی مقابله با بدحجابی مردم را زدند و برخوردهای خشن داشتند. حضرت امام فرمودند به شما ربطی ندارد و حتّی دستور دادند آنها را دستگیر و سرکوب کنند.

سالهای ۱۳۸۹ و ۱۴۰۱ که در مرقد امام(قدّس‌سرّه) برخی رفتارهای غلطی را در اعتراض به شخصیّتی نشان دادند، رهبر انقلاب فرمودند این رفتار،

رفتار انقلابی نیست و البتّه از جهت دیگر هم گفتند که در واکنش به این حرف نباید بچّه‌های انقلابی را متّهم به تندروی کنید.

رهبر معظّم انقلاب در این خصوص فرمودند: «**در گذشته هم داشتیم، امروز هم داریم؛ انقلابیگری را با رفتار هیجانی اشتباه میگیرند، با حرفهای غیر مسئولانه اشتباه میگیرند؛ نه، انقلابیگری این نیست؛ انقلابیگری آن روحیّه‌ی اقدام صحیح، عازم و جازم در جهت درستی است که با عقلانیّت برخاسته‌ی از روحیّه‌ی انقلابیگری ترسیم شده. ببینید؛ امام بزرگوار ما الگو است؛ امام از همه انقلابی‌تر بود؛ خب ماها از اوّل کار در خدمت این قضیّه بودیم؛ واقعاً ماها کم می‌آوردیم، [امّا] امام هیچ وقت کم نیاورد؛ از همه انقلابی‌تر امام بود، از همه عاقل‌تر هم امام بود؛ از همه عاقل‌تر بود، از همه پخته‌تر و سنجیده‌تر کار میکرد و حرف میزد.**»[1]

باید حواسمان باشد عقلانیّتی که ما میگوییم با عقلانیّت غربی فرق دارد. رهبر معظّم انقلاب دراین‌باره میفرمایند: «در دهم دی‌ماه سال ۵۶، رئیس‌جمهور آمریکا آمد در تهران و یک نطق غرّائی کرد در تمجید اغراق‌آمیز و دروغین از محمّدرضا. در این نطق غرّاء گفت «ایران جزیره‌ی ثبات است»؛ یعنی چه؟ یعنی خیال آمریکا از ایرانِ وابسته و مسئولان نوکرمَآب ایران آسوده است؛ اینجا جزیره‌ی ثبات است - این مال دهم دی‌ماه است - دَه روز نشده بود که قضیّه‌ی قم

---

[1]. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۰۶/۰۳/۱۴۰۰

اتّفاق افتاد و نوزدهم دی‌ماه مردم قم قیام کردند، حرکت کردند، با جان خود، با تن خود علیه آن رژیم ظالم و وابسته و فاسد به میدان آمدند. دستگاه محاسباتی آمریکا و غرب این است؛ این را توجّه کنید... قدرت محاسباتی آمریکا این است [که میگوید] «اینجا جزیره‌ی ثبات است»، کمتر از دَه روز بعد معلوم میشود که جزیره‌ی ثبات یعنی چه؛ قیام قم، بعد قیام تبریز، بعد حرکت عظیم، بعد آن طوفان زیروروکننده‌ی انقلاب اسلامی و نابودی رژیم وابسته‌ی سرسپرده‌ی طاغوت و پهلوی [رخ میدهد]؛ این قدرت محاسباتی، این توانایی محاسباتی تا امروز همان جور است... قیام مردم قم صف‌بندیِ دو دستگاه محاسباتی، صف‌بندی دو نظام معرفتی، صف‌بندی دو الگوی تحلیلی در مقابل یکدیگر را نشان داد: یکی نظام معرفتی لیبرال‌دموکراسیِ دروغینِ پای‌درگِل غربی، یکی نظام معرفتیِ توحیدیِ اسلامی؛ تقابل دو دستگاه پیش‌بینی و تقویم و محاسباتی را نشان داد: آن دستگاه محاسباتی آمریکا که ایران را آن جور میبیند با آن محاسبات اوّل کار آمریکایی‌ها که سنای آمریکا در اوّلین ماه‌های پیروزی انقلاب، ایران را تحریم کرد و بنا را بر این گذاشتند که تا پنج ماه دیگر، شش ماه دیگر، انقلاب اسلامی از بین خواهد رفت - این محاسبات آنها است - این هم دستگاه محاسباتی نظام اسلامی که امام بزرگوار گفت «صدای خُرد شدن استخوانهای مارکسیسم را دارم می‌شنوم» و یک سال بعد، دو سال بعد، همه‌ی دنیا صدای خُرد شدن این استخوانها را شنیدند؛ مسئله این است. غرب

در مقابل یک چنین پدیده‌ای قرار گرفته است؛ پدیده‌ی انقلاب اسلامی. یک طرف انبوهی از ابزارهای چشم‌پُرکن مادّی - از نظامی و سیاسی و پولی و امثال اینها - و یک طرف یک قدرت نوظهور معرفتی و تمدّنی، پُرانگیزه، پُرتحرّک، آینده‌نگر که میداند چه کار میخواهد بکند، میدلند چه کارباید بکند و کجا میخواهد برود؛ اینها در مقابل هم قرار گرفته‌اند.»[1]

۳. روحیّه‌ی جهادی

رهبر انقلاب فرمودند یکی از وظایف من این است که نگاه کنم ببینم در جامعه و در کشور کجا شعله‌ی جهاد کم شده است و تلاش کنم آنجا را شعله‌ورتر کنم.

روحیّه‌ی جهادی یکی از اساسی‌ترین رویکردهای رهبر انقلاب است. ایشان در صفحات ۵۷، ۵۸ و ۵۹ از کتاب خون دلی که لعل شد و خاطرات ایشان است میفرمایند: خطّ انقلاب از خطّ مقاومت تشکیل شده است. در ادامه میگویند از سال ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ که فشار رژیم افزایش پیدا کرد، خیلی از کسانی که یاران امام بودند، خطّ مقاومت و جهاد را کنار گذاشتند. بعد میفرمایند برای اینکه در تاریخ ثبت شود این مسائل را میگویم و من از معدود کسانی بودم که این دو خط را از ابتدا با هم آمیختم و به آن معروف بودم. همین الان هم شاهدیم کارهای خودشان را در قالب جهاد معنا میکنند.

---

[1]. بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۷

اصول کار جهادی

کار جهادی و حرکت جهادی اصولی دارد. رعایت این اصول باعث میشود تا حرکت جهادی بخوبی صورت بگیرد و از آسیب‌های احتمالی در امان باشد.

۱. برخاستن از اعتقاد و احساس تکلیف

روحیّه‌ی جهادی یک روحیّه است که باید حرکتهایی ایجاد کند. کار جهادی از اعتقاد و احساس تکلیف برمیخیزد و اگر کسی کار سختی را هم انتخاب کند و این کار سخت، سخت‌ترین کارها باشد ولی با انگیزه‌ی مادّی و درآمدزایی باشد و جوشیده از اعتقاد و تکلیف نباشد، روحیّه‌ی جهادی صدق نمیکند.

۲. اتّکاء به خودباوری و توکّل به خدا

کار جهادی قاعدتاً باید متّکی به دو نیروی خودباوری و توکّل به خدا باشد تا این روحیّه‌ی جهادی، مدیریّت جهادی و کار جهادی معنا پیدا کند. حرکت جهادی، هم باید بر اساس «ما میتوانیم» باشد و این باور وجود داشته باشند که میتوان مشکلات را حل کرد و هم اتّکاء به خداوند باشد. این دو بال باید در کنار هم قرار بگیرند.

«عامل مهمّ مدیریّت جهادی عبارت است از خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی... در همه‌ی کارها توکّل به خدای متعال و استمداد از کمک الهی [کنیم]؛ به کمکهای الهی اعتماد کنیم. [وقتی] شما از خدای متعال کمک میخواهید، راه‌ها به سوی شما باز

میشود: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»[۱]؛ **این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکلهای مختلفی به من و شما میرسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق میزند، میدرخشد، راهی باز میشود؛ این رزق الهی است؛ در یک برهه‌ی فشار، ناگهان یک امید وافری در دل شما به وجود می‌آید؛ این همان رزق الهی است.»**[۲]

«بعضی چیزها را همّتهای کوتاه، نگاه‌های نزدیک‌بین نمیتوانند درک کنند و بفهمند؛ چون طبیعت انسان را نمی‌شناسند؛ چون کمک الهی را نمیفهمند؛ چون قدر و قیمت عزم راسخ را درک نمیکنند، استعدادهای درونی خودمان را انکار میکنند. این هم جزو بلاهایی است که بر سر ملّت ما آمد. سالهای متمادی تسلّط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بیگانگان در این کشور این موضوع را باورانده بود که ایرانی استعداد ندارد.»[۳]

۳. هدفمند

مهم‌ترین هدف یک مؤمن این است که همه‌ی کارهایش در سبد زمینه‌سازی ظهور قرار بگیرد و در تقابل با دشمن باشد. جهاد برای جایی است که دشمن در مقابل ما وجود دارد و این مسئله را رهبر انقلاب بارها

---

[۱]. سوره‌ی طلاق، بخشی از آیات ۲ و ۳

[۲]. بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۰/۰۲/۱۳۹۳

[۳]. بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۰/۰۲/۱۳۹۳

فرمودند که از قرآن برمی‌آید که جهاد قتال نیست. جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست، بلکه هر کاری که برای خنثی کردن یک نقشه‌ی دشمن باشد، جهاد است؛ چه جهاد کبیر یا جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی و دیپلماتیک، حتّی جهاد به معنای خدمات اجتماعی باشد. دشمن میخواهد کاری کند با استفاده از مشکلات معیشتی قشر مستضعف جامعه اعتراضهایی را هدایت کند و به سمت بر هم زدن پایه‌های مشروعیّت و مقبولیّت حکومت سوق دهد.

رهبر معظّم انقلاب فرمودند در این زمان جهاد اهم، جهاد تبیین است. ممکن است برای یک فرد خاصّی یک جهاد دیگری اهم باشد؛ مثلاً لب مرز است و باید جهاد نظامی کند؛ ولی به صورت عمومی فرمودند که اکنون مهم‌ترین جهاد، جهاد تبیین است.

٤. هوشمندانه

ایشان در جای دیگری فرمودند:

«کار جهادی باید هدفمند، درست متوجّه به آرمانها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن‌شکن باشد؛ یعنی به همان معنایی که ما مبارزه را در اصطلاح معمولی به کار میبریم: «دارم مبارزه میکنم؛ این یک مبارزه است.» این، یک تعبیر مصطلح است. در جهاد، این معنا هست. این، تعریف بخش جهاد.»[1]

---

[1] بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸٦/٤/۲۵

۵. مخلصانه و از روی عشق باشد

رهبر انقلاب دراین‌باره میفرمایند دو صورت میشود کار انجام داد. خاطرات طلبگی خودشـان را میگویند و میفرمایند یک موقع که شـما فردی را اجیر میکنید و این فرد را وارد عرصـه‌ی آشـپزی میکنید، فهرسـتی برای شـما می‌آورد و میگوید من این وسایل را لازم دارم، این موادّ غذایی را لازم دارم، وقتی همه‌ی اینها را گرفتید بیاورید که من برای شـما آشـپزی کنم؛ امّا یک موقع است که شما رفاقتی میخواهید گردش بروید و به مقصد که میرسید، یکی آتش درست میکند، یکی چای درست میکند، یکی آب می‌آورد، یکی جا را فراهم میکند، یکی چادر میزند و... کار جهادی از این سـنخ اسـت؛ یعنی از روی عشـق اسـت، منتظر دسـتورالعمل اداری نمیماند. البتّه کار تشـکیلاتی باید حتماً در قالب تشـکیلات و رعایت قانون باشـد، امّا خیلی مواقع اسـت که ما خیلی از کارها را میتوانیم انجام دهیم و نیاز ندارد لزوماً بودجه‌ی دولتی مصوّب بیاید.

کار جهادی این گونه اسـت که افراد خودشـان کاری را تقبّل میکنند و چون عاشق هستند و میخواهند یک اتّفاقی بیفتد، اقدام میکنند؛ مثل کارهایی که درباره‌ی هیئتها بر پایه‌ی عزای عبدالله و اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) یا جشنها و شادی‌های اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) اتّفاق می‌افتد.

ایشـان در بیاناتی میفرمایند: «**آنچه برای ما طلبه‌ها همیشـه شـوق‌آفرین بوده، احسـاس انجام وظیفه بوده اسـت. عالم طلبگی، با شـکل و فرم و سـاخت و محتوای دسـتگاه‌های صـرفاً اداری فرق دارد. یک وقت انسـان آشپزی را می‌آورد و استخدام و اجیر میکند، برای اینکه مثلاً در**

یک میهمانی، طعامی را برای جمعی فراهم کند. معمولاً آشپزها مقدار زیادی روغن، گوشت و جنس عالی‌ای از برنج میطلبند و یک فهرست طولانی هم میدهند که اینها را برای ما فراهم کنید؛ آدم میدلند هم که اگر فراهم نکند، هنر اینها به کار نخواهد افتاد و بالاخره آن کاری را که باید بکنند، نمیکنند! یک وقت هم این است که شما در مجموعه‌ای هستید، افراد خانواده و دوستانتان هم هستند؛ مثلاً در جبهه‌ی جنگ هستید و در نقطه‌ای گیر افتاده‌اید و دوستانتان هم گرسنه هستند و شما هم هنر آشپزی دارید؛ اینجا دیگر شرط و شروط و قید و قیودی ندارید؛ عاشقانه، سراسیمه، دستهابالا، دامنها به کمر، با همه‌ی توان و قدرت و ابتکار، غذا را تهیّه میکنید؛ که گاهی این غذا بهتر از آن غذا هم درمی‌آید؛ چون از روی عشق و شور و محبّت و احساس وظیفه است. ما طلبه‌ها از اوّل این طوری کار کرده‌ایم.»[1]

باید این را گفتمان کرده و ترویج کنیم و البتّه باید در کنار کار جهادی که انجام میشود مراقبت معنوی هم باشد. این طور نیست صرفاً به دنبال این باشیم که یک کار اقتصادی یا کار خدمات اجتماعی انجام دهیم یا کار فرهنگی انجام دهیم و خودمان عنصر معنویّت را فراموش کنیم. در کار جهادی همیشه باید ارتباط با خدا باشد وَالّا بعد از مدّتی تبدیل به یک کار خشک و بی‌روح میشود و یک کار مادّی میشود و آرام آرام انسان خسته میشود.

---

[1]. بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی ۰۵/۱۲/۱۳۷۰

٦. مراقبتهای معنوی

جوان در معرض دو آسیب است؛ ۱. آسیب عدم ثبات در راه و تغییر فکری؛ ۲. آسیب دچار شدن و مبتلا شدن به ابتلائات بشری است.

رهبر معظّم انقلاب میفرمایند: «**مراقب باشید جوانهای شما از این آسیب‌ها محفوظ بمانند. در صراط مستقیم ثبات لازم است و باید دارای ثبات باشند. این هم به نظر من غیر از کار اعتقادی و فکری است و اینها که حتماً در جای خودش لازم است، مقداری مربوط میشود به کار عملی؛ یعنی عبادت، توجّه، اوّل وقت نماز خواندن، حتماً قران خواندن هر روز، در حدّ امکان پرداختن به مستحبّات. فرض کنید در منطقه‌ی شما تعدادی جوان کار میکنند، حتماً نمازشان را در مسجد بخوانند و اوّل وقت بخوانند و نماز خوب و با توجّه بخوانند، رعایت اخلاص داشته باشند، سعی کنند کار را برای خدا انجام دهند که این کار در سنین ما کار سختی است. اگر سابقه نداشته باشیم و از جوانی به فکر آن نبوده باشیم و حالا بخواهیم خودمان را مخلصاً وارد میدان کنیم، کار خیلی سختی است. در سنین شما کار خیلی آسان است، در سنین جوانی اخلاص آسان است. میتوانید واقعاً نیّتتان را برای خدا خالی کنید. وقتی نیّت را خالص کردید رحمت الهی و هدایت الهی از همه طرف برای شما میبارد. «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ»[1]؛ قرآن هدایت خودش را برای متّقین قرار داده است.**

---

[1]. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲

واقعاً اگر چنانچه این موارد رعایت بشود هدایت الهی و کمک فکری الهی هم زیاد خواهد شد.»[۱]

۷. به‌کارگیری حدّاکثر توان

وقتی شرایط بود، وقتی الزامات مدّنظر موجود بود، آن زمان انسان همه‌ی توانش را به کار میگیرد؛ شبیه آن جهادگران جهاد سازندگی، شبیه شهید شهریاری که برای رسیدن به غنی‌سازی ۲۰ درصد اورانیوم برای درمان بیماران، شبانه‌روز کار میکند و شبیه مرحوم کاظمی آشتیانی برای کشفیّات رویان؛ شبیه شهید سلیمانی و کسانی که همه‌ی توان خودشان را به کار میبردند و در همه‌ی عرصه‌ها کار را پیش میبرند و کار را تمام‌شده نمیدانستند. «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ»[۲]؛ یک کار که تمام میشد به تعبیر رهبر انقلاب قد راست میکردند و سراغ کار بدی میرفتند.

تعبیری را یکی از نزدیکان شهید حمید باکری میگفتند که هیچ وقت سفیدی چشم حمید را یادم نمی‌آید، همیشه به خاطر کار زیاد چشمانش سرخ بود.

به شهرستانی رفتم، عالم بزرگواری بود که بسیار و متنوّع کار میکرد. کار فرهنگی، تبلیغی و مثلاً صلح و سازش ایجاد میکرد، برای جوانها بسته‌ی ازدواج فراهم میکرد؛ یک عالم به تمام معنا مفید برای منطقه که خیلی کارهای بزرگ دیگری هم کرده بود؛ مثلاً حسینیّه‌ی بزرگ، سالن جشن برای

---

[۱]. بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی ۱۰/۰۵/۱۳۹۸

[۲]. سوره‌ی شرح، آیه‌ی ۷

جوانها، زائرسرا در مشهد برای کسانی که ازدواج میکنند فراهم کرده بود؛ کارهای بزرگ، کارهای پژوهشی و علمی انجام میداد؛ در واقع یک شخصیّت جامعه‌ای در حدّ خودش است. ایشان خیلی کم میخوابید و به شوخی میگفت که من با نکیر و منکر صحبت کردم وقتی از این دنیا رفتم یکی دو روز به من وقت بدهند که فقط بخوابم و کار دیگری به من نداشته باشند تا بتوانم این خوابی که در دنیا نکردم را جبران کنم و بعد سؤال و جواب قبر شروع شود.

۸. در همه‌ی عرصه‌ها و تمام‌نشدنی

رهبر معظّم انقلاب میفرمایند: «**میدان جهاد، میدان خیلی وسیعی است؛ یعنی شاید ده برابرِ این مقداری که شما حالا پیش رفته‌اید، میتوانید پیش بروید؛ جهاد این جوری است. جهاد یعنی یک حرکت جوشیده‌ی از اعتقاد و باور قلبی و ایمان و به‌کارگیری توانایی‌ها؛ اگر چنانچه آن ایمان وجود دارد، آن باور قلبی وجود دارد، پس این کار حدّ نهایی ندارد؛ چون توانایی‌ها حدّ نهایی ندارند؛ توانایی‌های انسان واقعاً هیچ حدّی ندارد، اندازه ندارد. دل شما، روح شما، ذهن شما، مغز شما توانایی فوق‌العاده‌ای دارد؛ یعنی [مثل] این کارهایی که کرده‌اید.**

همین که از بیست سال پیش تا حالا از کارهای ساده‌ی آن چنانی رسیده‌اید به برنامه‌ریزی‌های کلان این چنینی، این را ادامه بدهید؛ همین طور پیش بروید و بگذارید ما یک مجموعه‌ی عظیمی از نسل انقلاب اسلامی را در کشورمان شاهد باشیم که از لحاظ سطح فهمِ

مسائل مدیریّتی و خدمت‌رسانی و ایجاد عدالت و قیام به قسط - که اینها در اسلام لازم است و جامعه‌ی اسلامی قیام به قسط لازم دارد - به جایی برسد که ذهنهای معمولی بشر به آنجا نرسیده و باید از آن الگو بگیرند.»[1]

٤. نگرش تمدّنی

در کنار همه‌ی اینها نگرش تمدّنی خیلی مهم است؛ یعنی کسی که انقلابی است و روحیّه‌ی انقلابی دارد و قرار است این گفتمان را در بین جولنان خودمان ترویج کند، حتماً یکی از ارکانش این است که یکی از نگاه‌های ایشان را نگاه تمدّنی قرار دهیم و نباید صرفاً به منطقه و شهرستان و روستا و شهر خودشان نگاه کنند، حتّی نه فقط به ایران، بلکه باید آینده را ببینند. نظم نوین آینده را ببینند و حتّی خودشان را پیدا کنند. رهبری در چند سال اخیر مخصوصاً در سخنرانی‌های یک سال گذشته بارها روی این مسئله تأکید کردند. در دیدار با دانشجویان، دانش‌آموزان و بخشهای مختلف، خواستند که این نگاه وجود داشته باشد و در کنار این نگاه، پیدا کردن وظیفه برای اینکه در آن زمان مفید باشیم را از ما خواستند و گفتند که روی آن فکر و برنامه‌ریزی کنید.

«اگر فرض کنیم حدس ما حدس درستی باشد و دنیا در آستانه‌ی یک نظم جدید باشد، آن وقت همه‌ی کشورها از جمله کشور ایران

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی ۱۰/۰۵/۱۳۹۸

اسلامی هم وظیفه دارد به نحوی در این نظم جدید حضور پیدا کند؛ حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری که بتواند منافع کشور، امنیّت و منابع کشور و ملّت را تأمین کند و در حاشیه عقب نماند. در این موقعیّت بیشترین مسئولیّت به عهده‌ی چه کسی است؟ صفوف مقدّم چه کسانی هستند؟ دانشجویان و دانشگاهیان و شماها باید جلوتر از همه باشید. شما بایستی تأثیرگذارترین‌ها باشید.»[1]

خلاصه درس

- یکی از گفتمانهایی که وجود دارد، بحث گفتمان انقلابی بودن و انقلابیگری و به تعبیر ما روحیّه‌ی انقلابی داشتن است.
- انقلابیگری تعریف و ارکانی دارد و یکی از مهم‌ترین ارکان انقلابیگری تحوّل‌خواهی است.
- روحیّه‌ی جهادی یکی از اساسی‌ترین رویکردهای رهبر انقلاب است.
- کار جهادی اصولی دارد و برای اینکه در مسیر درست باشد، باید طبق آن اصول پیش رفت.
- در کنار همه‌ی اینها نگرش تمدّنی خیلی مهم است؛ یعنی کسی که انقلابی است و روحیّه‌ی انقلابی دارد و قرار است این گفتمان

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۰۶/۰۲/۱۴۰۱

را در بین جوانان خودمان ترویج کند، حتماً یکی از ارکانش این است که یکی از نگاه‌های ایشان را نگاه تمدّنی قرار دهیم.

پرسش‌های درس

۱- چرا داشتن روحیّه‌ی انقلابی مهم است؟

۲- ارکان انقلابیگری چیست؟

۳- اصول اصلی کار جهادی را نام ببرید؟

٤- نقش نگرش تمدّنی در انقلابیگری چگونه ارزیابی میشود؟

درس هشتم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (ترویج گفتمان انقلاب ۴)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. اقتصاد مقاومتی و اهمّیّت و ضرورت آن.
۲. گفتمان مقاومت و معنای آن.
۳. هزینه داشتن سازش در مقابل مقاومت.
٤. آشنایی با عرصه‌های مقاومت.

مقدّمه

در بخشـــهای قبل تعدادی از گفتمانهای مهم از قبیل حرکت عمومی، آرمان‌خواهی، عدالت‌خواهی، تولید علم، سـبک زندگی اسـلامی ایرانی و روحیّه‌ی انقلابی مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت به دو گفتمان مهمّ دیگر پرداخته میشود: گفتمان اقتصاد مقاومتی و گفتمان مقاومت.

اقتصاد مقاومتی

یکی دیگر از گفتمانهایی که رهبر انقلاب روی آن تأکید دارند و شـــاید بتوانیم بگوییم از سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ با توجّه به اینکه جنگ اقتصادی علیه ما شروع شده است، بیشتر روی آن تأکید داشته‌اند، این است که باید گفتمان اقتصاد مقاومتی را تبدیل به سخن همگانی و همه‌جایی کنیم.

علاج واقعی مشکلات اقتصادی

«ما بایستی اقتصادمان را درونی کنیم، درون‌زا کنیم، اقتصاد مقاومتی کنیم تا تحریم اثر نکند. اقتصـــاد مقاومتی را مســـئولان محترم جدّی بگیرند، به زبان اکتفا نکنند؛ اقتصـــاد مقاومتی با واردات بی‌رویّه نمیسازد، با ضعف تولید نمیسازد؛ تولید داخلی را قوی کنند. ادارات حکومتی و دولتی، محصـــول داخلی را بر محصـــول خارجیِ مشـــابه

ترجیح بدهند. یک خریدار مهمّ بازار، دستگاه‌های دولتی هستند که همه چیز میخرند، همه چیز لازم دارند؛ آنچه تولید داخلی است، آن را ترجیح بدهند. مردم به تولید داخلی اقبال کنند. همه‌ی اینها باطل‌السّحر تحریم دشمن است؛ اینها ممکن است در ظرف شش ماه و یک سال جواب ندهد امّا علاج واقعی جز این چیز دیگری نیست.»[1]

مقاوم‌سازِ اقتصاد کشور

با انجام اقدامات اقتصاد مقاومتی، تأثیر تکانه‌های اقتصادی جهان برای کشور ما به حدّاقل میرسد. اقتصاد مقاومتی، کشور را در مقابل این تکانه‌ها مقاوم میکند.

«رئیس یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی آمد و با من ملاقات کرد؛ در آن دوره‌ای که در این منطقه آن شکست عجیب به وجود آمد؛ حرف او به من این بود، گفت شما فقط بدانید، ما در یک شب از یک کشور غنی تبدیل شدیم به یک کشور فقیر! یعنی اقتصاد غیر مقاوم این جوری است. پس یک عامل برای تأثیرگذاری بر روی اقتصادها همین تکانه‌های گوناگون اقتصادی دنیا است که سرریز میشود به کشورها، یک عامل بلاهای طبیعی است که پیش می‌آید، و یک عامل هم تکانه‌های تخاصمی است؛ مثل تحریمها و امثال تحریمها. فرض بفرمایید که در مراکز تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری بشود روی قیمت

---

[1]. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۰۶/۱۰/۱۳۹۶

نفت، یک وقت قیمت نفت را مِن‌باب‌مثال بیاورند به شش دلار، کمااینکه برای ما اتّفاق افتاد؛ خیلی از اینها عادی نیست؛ اینها کارهای پیش‌بینی‌شده و مؤثّر و به دنبال تصمیم‌گیری‌های مشخّصی است که از مراکزی دنبال میشود. بنابراین مؤلّفه‌ی دوّم، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است.»[1]

اقتصاد مقاومتی، راهبرد همیشگی

اقتصاد مقاومتی به تعبیر رهبر انقلاب یک کنش مقطعی نیست که بگوییم تا یک حدّی پیش برویم و تحریمها که تمام شد، اقتصاد مقاومتی را کنار بگذاریم. اقتصاد مقاومتی برای قدرتمند کردن اقتصاد، تکیه بر تجربه‌های بشری دارد. اقتصاد مقاومتی بر مبانی اسلامی سوار است؛ یعنی اقتصاد مقاومتی اجازه نمیدهد منابع دیگر کشورها و دیگر ملّتها را غارت کنیم یا اقتصاد مقاومتی اجازه نمیدهد که ما به گونه‌ای اقتصاد را پیش ببریم که مستضعفین زیر چرخ توسعه و صنعتی شدن له شوند. اقتصاد مقاومتی یک طرح بومی است که با تکیه بر مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی اسلامی ما و با استفاده از همه‌ی ظرفیّتها و پیشرفتهای علمی که بشر در زمینه‌ی مباحث اقتصادی به دست آورده است، حرکت میکند. از این جهت ما اقتصاد مقاومتی را تا پایان مسیر رسیدن به اهداف بلند انقلاب باید ادامه دهیم و موضوعی مقطعی نیست.

---

[1]. بیانات در جلسه‌ی تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی ۲۰/۱۲/۱۳۹۲

«آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی میخواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئتهای فکر و عمل برای مقابله‌ی با جنگ اقتصادی تشکیل میشود، این سیاستها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به هیچ وجه این جوری نیست؛ این سیاستها سیاستهای بلندمدّت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاستهای بلندمدّتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته میشود؛ تدبیر مقطعی نیست، این یک تدبیر بلندمدّت است، یک سیاست راهبردی است. طبعاً کشوری مثل کشور ما - کشور ما کشور بزرگی است، کشور ریشه‌داری است، کشور دارای موقعیّت ممتازی است، امروز در دنیا کشور بسیار آبرومندی است، دارای فرهنگ مترقّی است، دارای سابقه‌ی درخشان و مترقّی است، دارای هدفهای بلندی است، حرف نویی مطرح کرده، کشوری با این خصوصیّات - نیاز دارد به اینکه اقتصاد آن با همان خصوصیّاتی باشد که در سیاستهای اقتصاد مقاومتی مورد ملاحظه قرار گرفته. عرض کردیم این سیاستها سیاستهای متحجّری نیست، بسته نیست که اگر چنانچه یک فکر جدید، یک طرح جدید، راه نویی در دنیا به‌وجود آمد، نتولند آن را در خودش هضم کند، به هیچ وجه این جور نیست؛ قابل انعطاف است،

میتواند تکمیل بشود، میتواند توسعه پیدا کند، لکن خطّ مستقیم آن تغییر پیدا نخواهد کرد.»[۱]

تقویت تولید، رکن اساسی اقتصاد مقاومتی

رکن اساسی اقتصاد مقاومتی تقویت تولید است؛ چند سال اخیر رهبر انقلاب تقویت تولید را در دستور کار قرار دادند و در شعارهای سال هر کدام به نحوی به تقویت تولید اشاره میفرمایند.

«مشکلاتی که وجود دارد اوّلاً با گفتن و حرف زدن حل نمیشود؛ اقدام و ابتکار و عمل لازم است. ثانیاً [حلّ] مشکلات مجموعه‌ی اقتصادی کشور را در درون کشور باید پیدا کرد؛ ستون فقرات هم عبارت است از تولید؛ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی؛ اگر این کار تحقّق پیدا کرد و همّتها متوجّه به این مسئله شد، مسائل کار بتدریج حل میشود، کار ارزش پیدا میکند، کارگر ارزش پیدا میکند، اشتغال عمومی میشود، بیکاری که یک معضلی است در جامعه بتدریج کم میشود و از بین میرود. اساس کار، مسئله‌ی تولید است.»[۲]

وظیفه‌ی مردم: حمایت از کالای ایرانی

کاری که ما میتوانیم انجام دهیم این است که فرهنگ حمایت از کالای ایرانی را در جامعه جا بیندازیم که افراد جامعه بدانند تا کالای مشابه

---

[۱]. بیانات در جلسه‌ی تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی ۲۰/۱۲/۱۳۹۲

[۲]. بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور ۰۹/۰۲/۱۳۹۴

داخلی وجود دارد، به سمت کالای خارجی نروند و نسبت به کالای ایرانی تعصّب داشته باشند.[۱]

«زمانی‌که کالای داخلی را مصرف می‌کنیم به کارگر ایرانی کمک می‌کنیم و اشتغال ایجاد می‌کنیم و به سرمایه ایرانی هم کمک می‌کنیم و رشد ایجاد می‌شود. همه مسئولیت دارند، دولت هم مسئولیت دارد، باید از تولید ملی حمایت کند و تولید ملی را تقویت کند. این‌که مارک‌های خارجی را در پوشاک و وسایل منزل و مبلمان و... ترجیح می‌دهیم، در حالی‌که تولید داخلی در بسیاری از موارد بهتر است؛ افتخار نیست، تفاخر غلطی است که بعضی‌ها دچار آن هستند. عمده کار دست مردم و در زمینه مصرف است که این مسئله بخشی از اصلاح الگوی مصرف است.»[۲]

رهبر معظم انقلاب فرمودند جوان‌های ما اگر همان‌قدر که به تیم قرمز و آبی یا رئال و فلان تیم فوتبال تعصب دارند، نسبت به تولید داخلی تعصب داشته باشند، بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد. تعصب باید نسبت به کالای ایرانی باشد و به عشق این‌که یک کارگر ایرانی عرق به تنش خشک نشود و احساس امنیت شغلی داشته باشد. من کالای ایرانی می‌خرم، به تعبیر جوانان تعصب هم می‌کشم، گاهی اوقات ممکن است که ضرر هم داشته باشد در جاهایی که کالای مشابه خارجی بهتر است، تعصب

---

[۱]. ر.ک: بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۹/۱۱/۱۳۹۳

[۲]. بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۰۱/۰۱/۱۳۹۱

عاقلانه نه جاهلانه و پای این تعصب می‌ایستم و هزینه را پرداخت می‌کنم، فدای سر کارگر و تولید کننده ایرانی باشد. ایشان میفرمایند: «**همان طور که عرض کردم، با تعصّب دنبال کالای ایرانی بگردید؛ فروشنده، کالای ایرانی بفروشد؛ خریدار، کالای ایرانی بخرد؛ مسئولین تولید ایرانی را کمک کنند و حمایت بکنند و از واردات و قاچاق جلوگیری کنند.**»[1]

گفتمان مقاومت

معنا: ایستادگی در برابر موانع

گفتمان مقاومت یعنی همان چیزی که رهبر معظّم انقلاب تحت عنوان اندیشه‌ی مقاومت در سال ۱۳۹۷ در دیدار دانش‌آموزان مطرح کردند و در ۱۴ خرداد سال ۹۸ یکی از جاذبه‌های امام را همین اندیشه‌ی مقاومت و به تعبیری نظریّه‌ی مقاومت نامیدند. در این زمینه بحث خیلی زیاد است و یکی از مباحث مهم و زیربنایی تفکّر حضرت امام و حضرت آقا همین بحث مقاومت است. رهبر انقلاب درباره‌ی لزوم تبلیغ این نظریّه و اندیشه میفرمایند:

«**نظریّه‌ی مقاومت در مقابلِ دشمنِ قوی‌پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصوّر نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریّه‌ی مقاومت، یک نظریّه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام**

---

[1]. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی ۰۱/۰۱/۱۳۹۷

نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوانها خیلی خوب میتوانید این نظریّه‌ی مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتّی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوانهای دیگر. نظریّه‌ی مقاومت را، این را که هدفِ استکبار سیطره است، هدفِ استکبار سلطه است، سلطه‌ی بر ملّتها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است.»[1]

ریشه‌ی قرآنی نظریّه‌ی مقاومت

مقاومت و اندیشه‌ی مقاومت یک معنایی دارد؛ چرا ما باید مقاومت کنیم؟ این امر یک ریشه‌ی قرآنی و دینی دارد. درباره‌ی معنای مقاومت در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب که درباره‌ی صبر صحبت کردند یک معنایی ازآن ارائه دادند که دقیقاً همان معنای مقاومت است. ایشان میفرمایند:

«معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میداند، راه درست میداند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتولند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقّف کند؛ این معنای مقاومت است. فرض کنید یک وقت در یک جادّه‌ای انسان به یک مسیلی برخورد میکند، به

---

[1]. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۳۹۷

یک حفره‌ای برخورد میکند، یا در حرکت در کوهستان که میخواهد مثلاً به قلّه‌ی کوه برسد، به یک صخره‌ای برخورد میکند؛ بعضی‌ها وقتی که برخورد میکنند به این صخره یا به این مانع یا به این دزد یا به این گرگ، برمیگردند، از ادامه‌ی راه منصرف میشوند؛ بعضی نه، نگاه میکنند ببینند راه دُور زدن این صخره چیست، راه مقابله‌ی با این مانع کدام است، آن راه را پیدا میکنند یا مانع را برمیدارند یا با یک شیوه‌ی عاقلانه از مانع عبور میکنند؛ مقاومت یعنی این؛ و امام این جوری بود.»[1]

فرض کنید خدای‌نکرده کسی که ما خیلی خیلی به او علاقه‌مندیم به بیماری‌ای مبتلا شود و بگویند که تنها راه درمان، فلان گیاه شفابخش در بالای فلان قلّه است؛ پس هدف رسیدن به قّله است؛ انسان وقتی میخواهد در این مسیر حرکت کند در ابتدا با موانع درونی مانند تنبلی که تحت عنوان ملکات اخلاقی قرار میگیرد روبه‌رو میشود؛ زیرا انسان طبعاً از کارهای سخت خوشش نمی‌آید. اگر بر موانع درونی غلبه کرد ممکن است بعدش با موانع طبیعی مانند باران و برف روبه‌رو شود و در صورت غلبه بر آنها ممکن است با موانع غیر طبیعی به تعبیر دیگر موانع انسانی و جنّی و حیوانی روبه‌رو شود که میخواهند ما را متوقّف کند؛ حالا کسی که یک هدف متعالی را درست انتخاب کرده با دیدن این موانع برنمیگردد و مسیر را طی میکند. این همان معنای صبر است که در قرآن کریم آمده است که

---

[1]. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

دقیقاً مشـــابه معنای مقاومت در زمان ما اســـت. در قرآن کریم هم آیات متعدّدی در معنای صـــبر وجود دارد که یکی از این موارد را رهبر انقلاب میفرمایند:

«وقتی که حضـرت موسیٰ بعد از پیغمبری آمدند به مصـر و آن معجزه را نشـان دادند و دعوت و این حرفها - خب، بنی‌اسـرائیل منتظر بودند دیگر؛ از گذشـته خبر داده شـده بود که یک منجی‌ای خواهد آمد و آن منجی هم موسیٰ است؛ حالا موسیٰ آمده، منتظر بودند به مجرّدی که موسیٰ آمد، دستگاه فرعون کن‌فیکون بشود؛ نشده بود - قرآن میگوید آمدند پیش حضـرت موسـیٰ و گفتند که «أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا»[1]؛ تو که آمدی چه فرقی کرد؟ چه تفاوتی کرد؟ قبل از اینکه بیایی هم ما را آزار میکردند، زیر فشـار بودیم، حالا هم که آمدی باز زیر فشـاریم. ببینید! این آن حالت بی‌صـبریِ بنی‌اسـرائیلی اسـت؛ بی‌صـبری. حضـرت موسـیٰ گفت خب صـبر کنید: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»[2]؛ تقوا اگر داشـته باشـید، عاقبت مال شـما اسـت؛ صـبر لازم اسـت. این حالت را نباید داشـته باشـید؛ اینکه ما بگوییم چرا نشـد، چه جوری شـد، پا به زمین بزنیم، درست نیست.»[3]

---

[1]. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۲۹

[2]. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸

[3]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۰۷/۰۳/۱۳۹۷

«بعضی از روشنفکرنماهای ما هم متأسّفانه بی‌صبری از خودشان نشان دادند، بعضی از آنها بی‌صبری را به مرز همکاری و هم‌زبانی با دشمن هم رساندند؛ البتّه بعضی‌ها این جور بودند... صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسباتِ درست خود را و محاسباتِ دقیق خود را با خدعه‌گریِ دشمن تغییر ندادن؛ این معنای صبر است.»[۱]

«باید ملّت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملّت باشد، با اتّحاد، با حضور، با صبر و استقامت.»[۲]

اهمّیّت مقاومت؛ شرط دوّم پیروزی

پس مقاومت مسئله‌ی بسیار مهمّی است و در سرنوشت همه‌ی ملّتها مؤثّراست. رهبر انقلاب در کتاب طرح کلّی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن در بخش فرجام نبوّتها این سؤال را مطرح میکنند که آیا انبیا در کارشان موفّق شدند یا نه؟ ایشان میفرمایند انبیا به طور کلّی موفّق شدند و الان وجود شعارهای انبیا بر سر دست بشریّت نشان‌دهنده‌ی این است که آنها موفّق شدند.

مثلاً آیا حضرت ابراهیم(علیه‌السّلام) موفّق شد؟ آیا حضرت نوح به آن اهدافی که ترسیم کرده بود رسید؟ حضرت زکریّا و حضرت یحیی و بقیّه‌ی انبیای عظام(علیهم‌السّلام) آیا به اهدافشان رسیدند یا نه؟ رهبری میفرمایند

---

[۱]. سخنرانی نوروزی خطاب به ملّت ایران ۰۳/۰۱/۱۳۹۹

[۲]. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۷/۱۰/۱۳۹۸

که پیروزی انبیا در زمان خودشان بستگی به پیروانشان داشته است؛ اگر پیروانشان ایمان به معنای باور قلبی و ایستادگی و مقاومت داشتند پیروز شدند امّا اگر پیروانشان یکی از این دو شرط را نداشتند شکست خوردند؛ ایشان میفرمایند:

«پیغمبران الهی، علاوه بر آنکه در سلسله‌ی نبوّتها کارشان توأم با پیروزی است، در پایان کار، فتح و فرجام ابدی و نهایی با آنها است؛ در همین دنیا هم پیغمبران، فتح و پیروزی و دست یافتن بر خواسته‌های خود و خواسته‌های مکتبشان برایشان مسلّم است، امّا به شرط اینکه پیروانشان، همراهانشان، ایمان بیاورند، ایمان واقعی به خرج بدهند، کمک بکنند و در میدانهای مبارزه و جهاد صبر کنند؛ به شرط ایمان و صبر.»[1]

عرصه‌های مقاومت

ما فقط میخواهیم درباره‌ی سرفصل‌های عرصه‌ی گفتمان مقاومت صحبت کنیم که عرصه‌های متفاوتی دارد: هم مقاومت سیاسی داریم و هم مقاومت نظامی داریم و هم مقاومت اقتصادی داریم که از آن تحت عنوان اقتصاد مقاومتی یاد میشود؛ مقاومت علمی داریم؛ آنجایی که دشمن کار میکند تا از نظر علمی ما را شکست بدهد و ما را عقب برلند و کاری بکند که ما مسیر علم را و جهاد علمی را رها کنیم، اینجا عرصه‌ی مقاومت علمی است. مقاومت فرهنگی دریم؛ در جایی که هجوم فرهنگی شده، شبیخون

---

[1] کتاب طرح کلّی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، ص ۳۸۰ و ۳۸۱

فرهنگی شـــده، مقاومت در برابر کاری که دشـــمن میکند برای اینکه این خاک‌ریزهای ارزشـی ما را از بین ببرد و بتواند مرز ما را رقیق کند، مقاومت فرهنگی اســـت. وقتی مرز رقیق شـــد تهاجم براحتی شـــکل میگیرد. اینها عرصه‌هایی است که در بیانات رهبر انقلاب به عنوان گفتمان مقاومت ذکر شده که باید در این زمینه کار بیشتری انجام شود.

هزینه داشتن سازش

شـــاید اگر ما در زمینه‌ی ترویج اندیشـــه‌ی مقاومت خوب کار کرده بودیم، ملّت ما به کسـانی که شـعارشـان مذاکره بود ولی در باطن به دنبال سـازش بودند و به بهانه‌ی اینکه میخواهند اقتصـــاد را درســـت کنند از پیشـــرفتهای اقتصـادی عقب‌نشینی کردند و از خیلی از ارزشها عقب‌نشینی کردند، رأی نمیدادند؛ البتّه بنا به فرمایش شـــهید ســـلیمانی(رضـــوان‌الله‌علیه) اینها به دنبال اجرای برجام دو و ســه بودند. اگر اتّفاقی در گفتمان مقاومت می‌افتاد شـــاید نتایج بعضـــی از انتخابهای گذشـــته‌ی ما چیز دیگری میشـــد. رهبر انقلاب درباره‌ی اینکه هم سازش هزینه دارد، هم مقاومت هزینه دارد، ولی هزینه‌ی سازش بمراتب کمتر از هزینه‌ی مقاومت است میفرمایند:

«بعضـــی عقلانیّت را در این میدانند و میگویند که «چالش با قدرتها هزینه دارد» -[البتّه] اشـــتباه میکنند - بله، چالش هزینه دارد، امّا سازش هم هزینه دارد. شما ملاحظه کنید دولت سعودی برای اینکه با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور میشود بیش از نیمی از ذخایرِ موجودی مالی خودش را در خدمت هدفها و طبق میل آمریکا هزینه کند. اینها هزینه نیست؟ سـازش هم هزینه دارد. چالش

اگر عقلایی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتماد به نفس باشد، هزینه‌اش بمراتب کمتر از هزینه‌ی سازش است.
این جور نیست که قدرتهای توطئه‌گر و قدرتهای متجاوز به یک حدّی قانع باشند؛ ما این را در تعاملات این چند سال اخیر مشاهده کرده‌ایم. یک حدّی را مشخّص میکنند، وقتی شما در آن حد عقب‌نشینی کردید، تازه یک حرف جدید مطرح میکنند، یک ادّعای جدید و یک مطالبه‌ی جدید مطرح میکنند، شما را باز با همان فشارها مجبور میکنند این مطالبه‌ی جدید را هم بهشان بدهید؛ و این سلسله همین طور ادامه پیدا خواهد کرد؛ این متوقّف نمیشود.»[1]
عقلانیّت معنایش این است که انسان اصالتها را بشناسد؛ عقلانیّت، تکیه‌ی به مردم است؛ عقلانیّت، تکیه‌ی به نیروی داخلی است؛ عقلانیّت، تکیه و توکّل به خدای بزرگ است. عقلانیّت اینها است.»[2]

راه تحقّق گفتمان؛ تکرار و تبیین

با چند گفتمانی که در این سالها رهبر انقلاب تکرار کردند آشنا شدیم و ان‌شاءالله برنامه‌ای داشته باشیم برای اینکه روی این گفتمانها کار کنیم. آخرین نکته‌ای که در این بخش به آن میپردازیم این است که چگونه روی این گفتمانها کار کنیم و آنها را ترویج کنیم که خودش یک عرصه‌ی مشبعی

---

[1]. بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۶
[2]. بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۶

میطلبد. خیلی خلاصه اگر بخواهیم بگوییم مهم‌ترین کار در گفتمان‌سازی تکرار است؛ البتّه نه فقط تکرار به طوری که فقط اسم گفته شود مانند کاری که بعضی‌ها با شعار سال میکنند، با جهاد تبیین میکنند، با بیانیّه‌ی گام دوّم میکنند و صرفاً بنر میزنند؛ البتّه اینها هم لازم است زیرا بالاخره باید چشمها ببیند ولی باید بیش از این کار کرد؛ با تکرار و با گذاشتن جلسات هم‌اندیشی و پیدا کردن راهکارها، حل کردن‌ها به صورت مسئله‌محوری کار پیش میرود. هر کدام از اینها میتوانند به گونه‌ای انجام شود که وقتی بحث عدالت میشود مردم بدانند چگونه عدالت را دنبال کنند و دغدغه داشته باشند و بی‌تفاوت نباشند. به تولید علم در محیط دانشگاهی اولویّت داده شود و تولید علم بر مدرک‌گرایی غلبه پیدا کند. آرمان‌خواهی به یک حرکت عمومی تبدیل شود. گفتمان مقاومت و روحیّه‌ی انقلابی و مانند اینها به تعبیر ضرب‌المثل معروف نرخ شاه‌عبّاسی شود و همه‌ی مردم ما حدّاقل با این هشت گفتمانی که رهبر انقلاب روی آنها تأکید دارند و بیشتر تکرار کردند، آشنا شوند و همواره در ذهنشان باشد؛ ادبیات همگانی ایجاد شود که دانشجوی ما، کاسب ما، خانم خانه‌دار ما، معلّم ما، کارگر ما و بقیّه‌ی اصناف همه یک حرف را بزنند. این باعث میشود که جوّ عمومی تغییرکند و این تغییر روی انتخابات تأثیر میگذارد، روی مسئولین تأثیر میگذارد، روی قانونگذاران تأثیر میگذارد. یک گفتمان خوب میتوانند همه جای کشور ما را آباد کند. رهبر معظّم انقلاب میفرمایند:

«آخرین مطلب، مسئله‌ی گفتمان‌سازی است. این مطالبی که عرض کردیم، اینها فقط نصیحت و درددلِ بین ما نیست که شما بگویید بنده

بشنوم، بنده بگویم شما بشنوید، باید اینها به صورت گفتمان دربیاید. گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن‌چیزی که به صورت یک سخنِ مورد قبول عموم تلقّی بشود، مردم به آن توجّه داشته باشند؛ این با گفتن حاصل میشود؛ با تبیینِ لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون - حاصل میشود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد.»[1]

خلاصه درس

- علاج واقعی مشکلات اقتصادی، توجّه به اقتصاد مقاومتی است.
- رکن اساسی اقتصاد مقاومتی تقویت تولید است.
- وظیفه‌ی مردم در اقتصاد مقاومتی تعصّب در خرید کالای ایرانی است.
- معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میداند، راه درست میداند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقّف کند.

---

[1]. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۵/۱۲/۱۳۹۲

- سازش هم هزینه دارد؛ ولی چالش اگر عقلایی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشـــد، اگر با اعتماد به نفس باشـــد، هزینه‌اش بمراتب کمتر از هزینه‌ی سازش است.
- مهم‌ترین کار در گفتمان‌سازی تکرار و تبیین است.

پرسش‌های درس

۱- ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی چیست؟
۲- مردم در اقتصاد مقاومتی چه وظیفه‌ای دارند؟
۳- هزینه مقاومت بیشتر است یا سازش و چرا؟
٤- راه تحقق یک گفتمان چیست؟

درس نهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (کسب آمادگی دینی)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. اهمّیّت کسب آمادگی‌های ضروری برای یک جوان.
۲. راهکارهای کسب آمادگی.
۳. اهمّیّت تقویت مبانی معرفتی.
٤. راهکارهای تقویت مبانی معرفتی.

مقدّمه

جوانِ دانشـــجو باید ویژگی‌های لازم را در خود برای مســـئولیّتهایی که قرار اســت در گام دوّم انقلاب به دوش بکشـد، کسـب کند. در این درس به بیان اهمّیّت کسب آمادگی‌های لازم و برخی عرصه‌های آن پرداخته میشود.

کسب آمادگی‌های لازم

چرا کسب آمادگی لازم است؟

مایی که قراراست در گام دوّم کار بکنیم و مفید باشیم، در هر عرصه‌ای، چه در بخش علمی پژوهشـــی، چه در عرصـــه‌ی ترویج گفتمان، چه در بخش حضـــور در صـــحنه که در آینده به آن خواهیم پرداخت، آمادگی‌هایی را باید فراهم کنیم؛ مثلاً اگرشـــهید چمران آن آمادگی‌ها را در خودش فراهم نکرده بود نمیتوانســـت در قالب یک فرمانده و در قالب یک وزیر و یک نماینده‌ی مجلس آن طور بدرخشد. خود رهبر انقلاب نیز از دوران نوجوانی و جوانی خود تلاش کردند که در ابعاد مختلف خودشـان را تقویت کنند؛ حضـرت امام نیز این طور بودند. هر کســـی که در زمان مورد نیاز اثرگذار بوده و کارهای بزرگ انجام داده، چنین بوده اســـت. برخی از این مقدّمات را اگر شـما الان تحصـیل نکنید - چه از نوع مهارت، چه از نوع دانش، چه از نوع

اخلاق - بعد از گذشت زمان خودش دیگر امکان تحصیل ندارد؛ مثلاً وقتی لازم است که من جهاد علمی کنم و در پنجاه سالگی یک نظریّه را تولید کنم، اگر قبلاً زیربناهای علمی را فراهم نکرده باشم نمیتوانم در این سن مفید باشم. همچنین در این کار کسب ویژگی‌های اخلاقی لازم است. اگر من حبّ دنیا را در دل خودم مهار نکرده باشم سر بزنگاه‌ها زمین میخورم. بعضی از این مقدّمه‌ها به قول ما طلبه‌ها مقدّمه‌ی مفوّته است؛ مثلاً کسی مستطیع شده، چند ماه قبل باید خودش را آماده کند و بعد حرکت کند؛ حالا اگر چنین شخصی سه روز مانده به اعمال حج تازه بخواهد به سمت عربستان حرکت کند در حالی که کاروانها لیست‌ها را بسته‌اند و بلیت هواپیما گیر نمی‌آید، دیگر نمیرسد. پس این کسب آمادگی‌ها خیلی مهم است.

عرصه‌های کسب آمادگی

الان موقع آن است که شما برادر و خواهر عزیز دانشجو در این سن کسب معرفت کنید تا در زمانی که بار امانت انقلاب بر عهده‌ی شما قرار گرفت بتوانید مفید واقع شوید. رهبر انقلاب در این زمینه میفرمایند:

«از من میپرسند به نظر شما وظیفه‌ی یک دانشجوی مطلوب و دارای همّت بلند و آینده‌نگر چیست؟ جواب بنده این است: اوّل، ایجاد تحوّل در ذهن و در واقعیّت جامعه‌ی خود؛ بعد، ایجاد تحوّل در ذهن و واقعیّت جهان. تعجّب میکنید؟ دانشجو مثلاً واقعیّت جهان را عوض میکند؟ تعجّب ندارد. شما امروز دانشجو هستید، امّا فردا همین دانشجوی امروز مدیر سیاسی است، اداره‌کننده‌ی یک بخش

مهمّی از کشـــور اســـت. اینهایی که الان مســـئولین کشـــورند، دیروز دانشجو بودند مثل شما، حالا الان مشغول اداره‌ی کشورند؛ مشغول اداره‌ی سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی؛ دانشجوی امروز فیلسوف فردا است، محقّق فردا است؛ دانشجوی امروز فعّال فرهنگی یا مطبوعاتی و رسانه‌ایِ مؤثّرِ فردا است؛ دانشجوی امروز رئیس فردا، مغز متفکّر فردا، عنصر اثرگذار فردا است. شما امروز میتوانید جوری زمینه را آماده کنید که فردا که تبدیل شدید به این عناصری که گفتم، به معنای واقعی کلمه اثر بگذارید، هم ذهن جامعه را عوض کنید، هم واقعیّت جامعه را عوض کنید. امروز همه دارند میگویند دیگر - ما گفتیم، دیگران هم همه دارند میگویند - که دنیا در حال تحوّل است؛ این تحوّل را چه کسی به وجود می‌آورد؟ مغزهای متفکّر، آدمهای فعّال، دست‌اندرکاران کارهای بزرگ؛ تحوّل را اینها به وجود می‌آورند. او همین شما هستید.

البتّه این کسی که میتواند فردا تحوّل ایجاد کند، لزوماً یک انسانِ پارسای برجسته‌ی مؤمنِ وفاداری نیست؛ گاهی هم بعضی‌ها منحرف میشوند. باید سعی کنید منحرف نشوید؛ باید سعی کنید در خطّ درست و صراط مستقیم الهی حرکت کنید؛ شما دارید به سمت آن چنان فردایی میروید. بنیه‌ی خودتان را، بنیه‌ی فکری را، بنیه‌ی ایمانی را، بنیه‌ی عقلانی را، در خودتان از امروز قوی کنید برای اینکه برای آن چنان فردایی آماده باشید. من اینجا به نظرم رسید چهار نکته هست: دین، خرد، علم، عزم. این چهار چیز لازم است. بنیه‌ی دینی، بنیه‌ی

علمی، بنیه‌ی عقلی، و بنیه‌ی ارادی، عزمی؛ عزم راسخ، اراده‌ی راسخ؛ اینها را باید در خودتان قوی کنید. هر کس که در این کارها خودسازی بیشتری انجام بدهد، فردا امکان تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت. بعضی‌ها به قلّه میرسند؛ بعضی‌ها ممکن است به قلّه نرسند، امّا در یک حدودی تأثیر میگذارند. بستگی دارد به اینکه شما چقدر خودتان را آماده کنید.»[1]

پس ما باید در این چهار حیطه که رهبر انقلاب فرمودند تمرکز بکنیم؛ یعنی حیطه‌های دین، خرد، علم و عزم که خود این بحث چند زیر شاخه دارد.

دین

الف) تقویت و تعمیق مبانی معرفتی

اوّلین شاخه‌ی کسب آمادگی‌های دینی، تقویت و تعمیق مبانی معرفتی است؛ و اگر صحبتهای رهبری در دیدارهای دانشجویی را شنیده باشید در اکثر یا در همه‌ی آنها ایشان بر این مسئله تأکید دارند و اهمّیّت آن را گوشزد میکنند.

«خب، من یک نصیحتی را بارها کرده‌ام، حالا خوشبختانه دیدم دو سه نفر از این دوستانی هم که اینجا صحبت کردند همان را تکرار کردند - که مورد تأیید کامل بنده است - و آن، اینکه جماعت

---

[1]. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان ۲۹/۰۱/۱۴۰۲

دانشـــجو و مجموعه‌های دانشـــجویی به یک تفکّر زیربنایی محکم احتیاج دارند. این نیاز قطعی آنها اسـت؛ این نصیحت همیشـگی من بوده.»[1]

ما این مبانی را در چه زمینه‌هایی میتوانیم تقویت کنیم؟ مثلاً فقط برویم کتابهای اعتقادات بخوانیم؟ نه، عرصـــه‌ی وســـیعی دارد و رهبر انقلاب گســـتره‌ی بزرگی را برای آن لحاظ میکنند که صـــرفاً محدود به خواندن کتابهای مرســـوم دینی نیســـت بلکه وســـیع‌تر اســـت. اینها را معمولاً در اندیشـــه‌های اندیشـــمندان اســـلام ناب و در رأس آنها حضـــرت امام و رهبر انقلاب میتوانیم ببینیم. نوع نگاه رهبری وسیع است و ما هم باید با آن دید وسـیع نگاه کنیم. بنابراین یک سـری مبانی‌ای لازم اسـت که انسـان را نگه دارد تا متزلزل نشود:

«خب، حالا این مبانی معرفتی چه چیزهایی اسـت؟ در اسـلام مبانی معرفتیِ شخصی، قلبی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی [وجود دارد]؛ همه‌ی اینها در اسـلام هسـت؛ مسـئله‌ی آزادی یکی از مبانی معرفتی اسـت که در اسـلام مطرح شـده؛ مسـئله‌ی عدالت یکی از مهم‌ترین مسـائل معرفتی اسـت. اینها را باید حل کرد؛ جوان دانشـجو بایسـتی روی اینهـا فکر کنـد، کـار کنـد و بـه عمق برســـد. کتـاب بخوانیـد، نهج‌البلاغه بخوانید، در تلاوت قرآن تأمّل کنید... یا مسـئله‌ی «انتظار

---

[1]. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان ۲۹/۰۱/۱۴۰۲

فرج»؛ یکی از مبانی مهمّ این مبانی فکری و دینی ما انتظار فرج است... یا مبنای توحید - حاکمیّت غیر خدا ممنوع؛ توحید یعنی نفی حاکمیّت غیر خدا - و امثال اینها که خب زیاد است. روی این مبانی باید کار کنید؛ بخصوص شما تشکّلها روی این مبانی کار کنید. روی یک نقطه‌ی محدود هم متمرکز نشوید؛ وسیع نگاه کنید، همه‌ی مسائل را ببینید. به نظر من همین که اینجا اسم آوردند از مرحوم شهید مطهّری، شهید بهشتی، مرحوم آقای مصباح و امثال اینها، خوب است، [کتابهایشان] کتابهای خوبی است. و تجربه‌ی جوانهای ما هم خوب است. حالا مثلاً فرض کنید یک جوان بسیجی در نزدیکی تهران تلاشی دارد، فعّالیّت دارد، مثل شهید مصطفیٰ صدرزاده. دو سه کتاب درباره‌ی ایشان نوشته شده که من خوانده‌ام؛ خب آدم میبیند که چطور بی‌تاب است در کار کردن و حرکت کردن؛ انسان اینها را نگاه کند و پیش برود.» [1]

آثار تقویت و تعمیق مبانی معرفتی

الف. طمأنینه و آرامش

اوّلین آثار تقویت مبانی معرفتی در انسان طمأنینه و آرامشی است که در قلب ایجاد میشود؛ آن آرامش و طمأنینه ایمان است که در قلب انسان زیاد میشود. اینجا ایمان به معنای اطّلاعات ذهنی نیست بلکه ایمان به معنای

---

[1]. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان ۲۹/۰۱/۱۴۰۲

باور قلبی است که با تکانه‌ها از بین نمیرود؛ در بیانات امام هست که فرق ما با یک غسّـــال چیســـت؟ ما هر دو از نظر عقلی میدانیم که این پیکر بی‌جان و این میّت که مثل یک تکّه گوشـــت بر زمین افتاده کاری نمیتولند بکند؛ امّا چرا نمیتوانیم یک شـــب با یک میّت یک جا باشـیم؟ امّا می‌بینید که غسّـال راحت میتواند کنار میّت قرار گیرد؛ به خاطر اینکه غسّـال آنچه را فهمیده به قلبش رسـانده اسـت. بسـیاری از مواقع ما میگوییم روزی دسـت خدا است ولی در مقام عمل چشممان به دست دیگران است.

ب. ازدیاد ایمان

یکی از آثار مهمّ تقویت مبانی معرفتی ایمان و یقین قلبی اسـت. با این دید باید مبانی معرفتی را دنبال کرد.

«اگر مبانی معرفتی یک جوان، بخصـوص جوان دانشـجو مسـتحکم باشـد، دل او قرص میشـود، گام او اسـتوار میشـود، حرکت او اسـتمرار پیدا میکند، دیگر خستگی وجود ندارد. اطمینان دل موجب میشود که ایمان هم افزایش پیدا کند، خود ایمان اطمینان می‌آورد؛ اطمینان دل و سکینه‌ی قلب هم ایمان را افزایش میدهد. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»[1]؛ قبلاً مؤمن بودند امّا وقتی این آرامش قلبی را خدای متعال به آنها داد به خاطر تکیه‌ی به واقعیّات معنوی و الهی، این ایمان افزایش پیدا میکند.» [2]

---

[1]. سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ٤

[2]. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان ۲۹/۰۱/۱۴۰۲

ج. ثبات قدم

یکی دیگر از آثاری که برای تعمیق مبانی معرفتی ذکر میشـود «ثبات قدم» است؛ یعنی اینکه انسان دچار اعوجاج نشود و در جوانی به گونه‌ای باشد، در اواسـط عمر به گونه‌ای دیگر و در اواخر عمر طوری دیگر؛ افرادی را در اوایل انقلاب داشتیم که این گونه بودند و رهبر انقلاب هم در سخنرانی‌های متعدّدی به این واقعیّت اشاره کردند؛ کسی که مبانی معرفتی او مستحکم است با تکانه‌ها از راه به در نمیشود.

«امروز میدان رزم میدان رزم قدرت نرم اسـت و قدرت نرم دشـمن شبهه‌پراکنی است. «شبهه‌پراکنی» یعنی چه؟ یعنی ما یک ملّتی داریم که این ملّت آمدند با اعتقاد و ایمان کامل پای انقلاب ایستادند، جان دادند، زحمت کشیدند، خودشان را به زحمت انداختند، انقلاب را به پیروزی رساندند؛ بعد هشت سال در یک جنگ تحمیلی ایستادگی کردند؛ بعد هم در مقابل فتنه‌هایی که تا امروز وجود داشته ایستاده‌اند؛ هر جا لازم بوده حضور پیدا کرده‌اند؛ مردم این جوری هستند دیگر؛ خب حالا اگر چنانچه دشمن بخواهد این دژ مستحکم را از بین ببرد یا رخنه در آن ایجاد کند، بلید چه کار کند؟ بلید در این ایمان خدشه کند، باید در این ایمان مناقشه کند؛ این با شبهه‌افکنی به وجود می‌آید. شبهه را دستِ‌کم نباید گرفت. بودند افرادی که در مقابل نیزه و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه و تردید زمین افتادند، نتوانستند بِایستند؛ دیدیم ما افراد این جوری را. در میدانهای نبرد با قدرت، با

شـــجاعت ایســـتادگی کردند امّا یک شـــبهه‌ای برایشـــان پیش آمد، نتوانستند حل کنند، زمین خوردند؛ شبهه این جوری است... شبهه از جمله‌ی چیزهایی است که عرض کردیم مثل موریانه است؛ دشمن به این موریانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شـــد، خارج شـــدنش مشـــکل اســـت؛ جزو بیماری‌های مســـری هم هســـت، ســـرایت هم میکند. البتّه اینکه گفتم «بعضی‌ها در مقابل تیر و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه نتوانستند بِایســـتند»، در این یک مقداری هم دنیاطلبی نقش دارد؛ این را هم نباید از نظر دور داشـــت. دنیا چیســـت؟ دنیای هر کســـی فرق میکند؛ یکی دنیایش مـال اســـت، یکی دنیایش مقـام اســـت، یکی دنیایش شـهوات جنسـی اسـت؛ اینها دنیاهای افراد مختلف اسـت، اینها همه دنیا اســـت. ممکن اســـت توجیه هم درســـت کند برای خودش در این دنیاطلبی، امّا دنیاطلبی است دیگر؛ اینها هم تأثیر دارد.»[1]

د. واکسینه شدن در برابر انحرافها و التقاط‌ها

اثر دیگری که تعمیق مبانی دارد این است که در برابر انحرافها و التقاط‌ها و در برابر آن تفکّرات بزک‌شـــده‌ای که میخواهد ما را جذب خودش کند و در منجلاب فکری فرو برد، انسـان را واکسـینه میکند و انسـان تغییر آن چنانی پیدا نمیکند. البتّه ممکن اســـت باز هم کســـانی به خطر بیفتند امّا اصـــل تقویت مبانی از سرچشمه‌های درست میتواند انسان را واکسینه کند.

---

[1]. بیانات در دیدار ائمّه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۰۵/۰۵/۱۴۰۱

«ما در اولیل انقلاب جوانهایی را داشتیم که اینها مردمان مسلمانی بودند و برای اسلام وارد میدان شده بودند امّا چون مبانی معرفتی‌شان ضعیف بود، پایه‌های معرفتی‌شان محکم نبود - حالا به هر دلیلی محکم نبود - اینها جذب گروه‌های التقاطی شدند و از یک جوان مؤمن سالمِ اسلام‌طلب و مؤمن تبدیل شدند به کسانی که بر روی هم‌میهن خودشان اسلحه کشیدند، جوان را، پیر را، کاسب بازاری را هدف قرار دادند و آماج حمله‌ی خودشان قرار دادند و آن فجایع را، آن جنایات را به وجود آوردند؛ به خاطر ضعف مبانی معرفتی جذب آن گروه‌های ناسالم شدند و به این راه‌ها کشانده شدند؛ آخر هم سر از زیر پرچم صدّام درآوردند.»[1]

حضرت امام خمینی میفرمایند:

«انحراف به چپ، یا انحراف به راست. از هر طرف انحراف باشد، از انسانیّت دور میشود. هر چه جلو برود دورتر میشود. کسی که از راه مستقیم منحرف شد هر چه پیش برود دورتر میشود از راه.»[2]

---

[1] . بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکّلهای دانشجویی ۲۸/۰۲/۱۳۹۹

[2] . صحیفه‌ی امام خمینی(ره)، ج ۸ ، ص ۳۲۴ - ۳۴۰؛ ۷ تیر ۱۳۵۸

بنابراین، خیلی خطرناک است؛ انسان باید از خودش مراقبت کند. در تاریخ انقلاب خیلی از افراد بودند که حتّی شکنجه هم شدند امّا چون نتوانستند از نظر فکری مبانی خود را تقویت کنند کم آوردند. تقویت مبانی میتواند انسان را محکم نگه دارد مخصوصاً اگر به قلب برسد. استفاده از اساتید و شرکت در دوره‌هایی که با اساتید ممتاز در دانشگاه‌ها تشکیل میشود و اجتناب از وقت تلف کردن‌ها باعث تقویت این مبانی میشود. دُور زدن‌های بیهوده در فضای مجازی مانع فعّالیّت وتقویت مبانی است. یک زمانی بچّه‌های حزب‌اللهی و انقلابی ما کتاب از دستشان نمی‌افتاد و کارشان رفتن به کتابخانه و خریدن کتاب یا امانت گرفتن کتاب بود. کتابهای حضرت امام، کتابهای شهید مطهّری، کتابهای رهبر انقلاب، کتابهای آیت‌الله مصباح، کتابهای شهید بهشتی، اینها دست جوانان طلبه و دانشجو بود و آنها را واکسینه میکرد. پس باید وقت بگذاریم برای این مسئله تا بتوانیم ان‌شاءالله مبانی معرفتی خودمان را مستدل و قوی بکنیم تا با یک شبهه از جا نلرزیم.

ب) استحکام بنیه‌ی معنوی

بخش دیگری که در سرفصل کلّی دین میگنجد، استحکام بنیه‌ی معنوی است.

معنا: معنویّت در نظر رهبر انقلاب به معنای ارتباط قلبی با خداوند است. با این ارتباط و با این اتّصال است که انسان میتواند خودش را نگه دارد. در عرصه‌های مختلف باید برای این هم تلاشی بکنیم.

اهمّیّت: مهم‌ترین هدف و به تعبیر رهبر انقلاب غایت قصوای بعثت انبیا این بود که انسانها دست به دست خدا بدهند و دل بدهند به خدا و همه‌ی وجودشان برای خدا باشد.

فایده: این رابطه‌ی معنوی را ما لازم داریم و اگر یک مقداری کم و زیاد بشود کم خواهیم آورد. هر کدام از ما ذخیره‌هایی لازم داریم که اگر از این ذخایر کم شود در مسیر دچار مشکل میشویم. حالا اینکه چگونه باید این ذخایر را ایجاد کنیم عرض میکنیم. در جایی آقا فرمودند که ما اگر بخواهیم در مقابل سلطه هم بایستیم حتماً به معنویّت نیاز داریم:

«این نظام در وسط دنیای آشفته‌ی مادّی سر برآورده و دارد ندای معنویّت میدهد؛ مسیر حرکت دنیای مادّی را تخطئه میکند. خب، طبیعی است که با دشمنی‌ها مواجه میشود. اینکه بعضی هی اشکال میکنند - گوشه‌کنایه، صریح - که آقا دنیا را با خودتان مقابل نکنید، به نظر من حرفی از سرِ نیندیشیدن است. شما وقتی که داعیه‌ی حکومت معنوی و دینی دارید، وقتی میگویید مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، این خودش اوّلِ دعوا است. مشکل دنیا، مواجه شدن با دعوت دین است. دنیا که عرض میکنیم، مراد، همین دستگاه‌های اداره‌کننده‌ی دنیا است؛ اینها کسانی هستند که قوامشان، هویّتشان بر اساس غارت انسانها، ضربه‌ی به انسانیّت، ضربه‌ی به ارزشهای انسانی، برای تمتّعات مادّی است. فرعون‌های تاریخ را شنیده‌اید، دیده‌اید. خب، فرعون‌های تاریخ در مقابل ارزشهای انسانی قرار دارند؛ دنیا دست اینها است. در مقابله‌ی با اینها، شما وقتی که یك

دستگاه مدیریّتی و حکومتی به وجود می‌آورید که داعیه‌ی آن عبارت است از گرایش به معنویّت، دفاع از ارزشهای انسانی، دفاع از ارزشهای الهی - که روح و معنای ارزشهای انسانی هم همین است - طبیعی است که یك معارضه‌هایی دارد. خب، در راه این معارضه، باید به یك قدرتی متّکی بود. این قدرت، قدرت سلاح مادّی و بمب اتم و اینها نیست؛ این قدرت، یك قدرت معنوی است؛ اتّکاء به خدا است؛ این اساس قضیّه است. من و شما - بنده بیشتر از شما - محتاجیم به اینکه نیّتمان را، دلمان را، هدفمان را بیش از پیش خدایی کنیم. اگر این شد، مشکلات حل خواهد شد؛ اگر این شد، ما پیش خواهیم رفت؛ اگر این شد، دشمن از غلبه‌ی بر ما ناامید خواهد شد. اگر انسان در این نظام الهی توانست رابطه‌ی خودش با خدا را مستحکم کند، به هر نسبتی که در این راه پیش برویم، بلاشك در مقابله‌ی با دشمن، موفّقیّتهایمان زیاد خواهد شد؛ موانع برداشته خواهد شد.»[1]

راهکارهای تقویت بنیه‌ی معنوی

الف) تقوا

راهکار اصلی تقویت بنیه‌ی معنوی همان تقوا است. تقوا یعنی انسان از خودش مراقبت کند و هنگامی که به دوراهی‌ها میرسد حواسش به خودش و به خدا باشد؛ ترک محرّمات کند و واجبات را به جا بیاورد که بزرگان

---

[1]. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم ۲۴/۰۳/۱۳۹۱

اخلاقی ما به آن سفارش میکنند. باید تعهّد عملی داشته باشیم نسبت به همه‌ی آموزه‌های ایمانی و احکامی و نباید انتخاب کنیم که مثلاً از دین نمازش را نمیخواهم به جای آن روزه را میگیرم؛ بلکه لازم است که به بسته‌ی کامل دین متعهّد باشیم. ویژگی همه‌ی انبیای الهی این بود که همگی مسلم بودند؛ یعنی تسلیم فرمان الهی بودند و از خودشان حرفی نداشتند و عبد بودند و هر چه خدا میگفت، همان را عمل میکردند؛ میدانستند که مصلحتشان همین است؛ مانند مریضی که وقتی به پزشک مراجعه میکند، چون میداند که پزشک عالم‌تر از خودش است و خیر او را میخواهد، پس حرف پزشک را گوش میدهد. انبیا این گونه بودند. پیامبر به این معنا اوّلین مسلم بود. پس مهم‌ترین راه همین تقوا است.

«جوانها مکرّر از من سؤال میکنند - در نامه‌ها و همین وسایل ارتباطی که وجود دارد - و در مورد معنویّت و تعالی روحی و مانند اینها نصیحت میخواهند؛ خب، کسانی هم هستند، بساط ارشاد و این چیزها را هم پهن میکنند؛ همه‌ی اینها مورد اعتماد نیستند؛ بعضی‌هایشان دکّان‌دارند، به اینها نمیشود اعتماد کرد. آن چیزی که من از بزرگان شنیدم و به شما عرض میکنم، یک کلمه است؛ مهم‌ترین کار برای اعتلاء معنوی و روحی، پرهیز از گناه است؛ این مهم‌ترین کار است. سعی کنید از گناه پرهیز کنید. گناه‌ها هم مختلفند؛ هم گناه زبان هست، هم گناه‌های مربوط به چشم هست، هم گناه‌های مربوط به دست هست، انواع گناهان هست؛ گناه‌ها را بشناسید، خودتان را مراقبت کنید. تقوا! تقوا یعنی همین؛ تقوا یعنی

مراقبت. در یک جادّه‌ی خطرناک وقتی دارید حرکت میکنید، دقیق مراقبید، این تقوا است؛ مراقبت کنید، از گناه پرهیز کنید؛ این مهم‌ترین راه اعتلاء معنوی است. البتّه بلافاصله بعد از این، انجام فرایض است.»[1]

ب) ارتباط با اهل‌بیت و توسّل به ایشان

ارتباط با اهل‌بیت و توسّل به اهل‌بیت به عنوان سرچشمه‌های نورانیّت و ارتباط با خدا خیلی موثّر است. از بزرگان شنیده‌ایم و اساتید اخلاق مبرّزی که همه‌ی ما به آنها علاقه‌مندیم تأکید میکردند که حتماً ارتباط قطعی و قلبی و عاطفی با اهل‌بیت داشته باشیم. همچنین صحبت کردن با اهل‌بیت و نجوا کردن با امام زمان(علیه‌السّلام)، بنیه‌ی معنوی انسان را تقویت و وسیع میکند.

«در مورد امام زمان(عجّل‌الله‌له‌الفرج‌وسلام‌الله‌علیه) نکته‌ی اوّل این [است] که این بزرگوار داعی‌الله است. نگاه به آن بزرگوار وسیله‌ای است برای عرض ارادت و عبودیّت به درگاه حضرت حقّ متعال. اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا داعیَ اللهِ وَ رَبّانیَّ آیاتِه؛ همه چیز، همه‌ی انبیا، همه‌ی اولیا، همه‌ی مقدّسات، همه‌ی ارواح طیّبه که نورافشانی میکنند بر زندگی ما، بر عالم ما، بر همه‌ی عالم وجود، آیات حقّند، جلوه‌های حضرت پروردگارند؛ این نکته‌ای است که باید توجّه

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۲۰/۰۴/۱۳۹۴

داشت. به امام زمان توجّه میکنیم، توسّل میکنیم، در مقابل آن بزرگوار عرض خاکساری میکنیم، برای اینکه این خاکساری به ذات احدیّت برسد و پیش خدای متعال اظهار عبودیّت کرده باشیم.»[1]

ج) التزام به مستحبّات و اجتناب ازمکروهات در حدّ اعتدال

یکی از کارهایی که با مشورت بزرگان و آنهایی که انسان یقین به کلماتشان دارد باید انجام دهد، عمل به مستحبّات است. در انجام مستحبّات و اجتناب از مکروهات آنجایی که انسان تردید دارد، با مشورت اهل علم و اهل اخلاق و کسانی که انسان به راستی و درستی آنها یقین دارد، پیش برود. التزام به مستحبّات چاشنی کار است. به تعبیر یکی از اساتید اخلاق فرمودند که شما وقتی غذا درست میکنید چاشنی درونش میریزید. انجام مستحبّات و اجتناب از مکروهات کمک میکند تا بنیه‌ی معنوی انسان قوی‌تر شود.

کارهایی را که عرض کردیم، شهدا هم انجام میدادند و این گونه بود که اینها پرواز کردند و رشد کردند. این را تأکید بکنم که آقا فرمودند که هر کدام از ما یک ذخیره لازم داریم که نباید از یک حدّی کمتر باشد. بنیه‌ی معنوی مثل یک کپسول اکسیژن است که یک غوّاص آن را بر دوش خود میگذارد و به اعماق دریا میرود و اگر از یک حدّی کمتر بشود به نحوی که او نتواند ادامه‌ی حیات بدهد یا فاصله‌اش تا سطح آب زیاد باشد باید

---

[1]. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) ۲۰/۰۲/۱۳۹۶

برگردد و آن را تکمیل و تقویت بکند و دوباره به عمق برود. امیرالمؤمنین(علیه‌الصّلاةوالسّلام) فرمود متّقین در روز مثل شیر هستند و در شب با خدا خلوت میکنند. خود امیرالمومنین و اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) این گونه بودند و بزرگان ما هم به تبع اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) همان طور بودند. ذخیره‌ی معنوی اگر کم بشود انسان وسط میدان کم می‌آورد.

د) انس با قرآن

آخرین نکته‌ای که رهبر انقلاب روی آن خیلی تأکید دارند، مسئله‌ی «انس با قرآن» است. ایشان نکات جالبی در رابطه با نحوه‌ی استفاده از قرآن بیان میفرمایند:

«وَ کانَ فی وَصیَّةِ النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ لِعَلِیٍّ عَلَیهِ السَّلامُ [اَن قالَ: یا عَلِیُّ!]... وَ عَلَیکَ بِتِلاوَةِ القُرآنِ عَلیٰ کُلِّ حال»[1]

«حضرت(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) توصیه میفرمایند علی(علیه‌السّلام) را به تلاوت قرآن. با قرآن باید مأنوس شد. اگر در جامعه‌ی اسلامی - حالا در کشور ما - یک جمع قابل توجّهی از مردم با قرآن انس پیدا بکنند به طوری که مفاهیم قرآنی در ذهن اینها وجود داشته باشد، زنده باشد، به نظر بنده حرکتِ اسلامیِ جامعه تضمین‌شده است. حالا نمیگوییم همه‌ی مردم، اگرچه این مطلوب‌تر است؛ امّا برای اینکه واقع‌بینانه انسان حرف بزنند، یک جمع قابل توجّهی، چند میلیون از

---

[1]. کافی، ج ۸، ص ۷۹

جمعیّت کشـور، جوری باشـند که با قرآن مأنوس باشـند؛ این هم [محقّق] نمیشـود مگر بـه تلاوت دائمی قرآن. قرآن را فقط نبـایـد گذاشـت برای ایّام ماه رمضـان؛ به طور دائم انسـان [باید] با قرآن مأنوس باشـد. لذا میفرماید: «وَ عَلَیکَ بِتِلاوَةِ القُرآنِ عَلیٰ کُلِّ حال»؛ تعبیر این است؛ در همه حال، تلاوت قرآن بکن؛ یعنی در سفری، در حضـری، در خانه‌ای، در بیرونی، هر وقتی به صـرافت افتادی، قرآن را تلاوت کن. البتّه کسـی که حافظ قرآن اسـت، این برای او آسـان‌تر اسـت؛ برای امثال ماها که حافظ قرآن نیستیم راهش این اسـت که بر خودمان فرض کنیم، وظیفه قراربدهیم که هر روزیک مقداری از قرآن را بخوانیم. به گمان من این جوری خوب است که انسان به طور دائم از اوّلِ قرآن شـروع کند همین طور بخواند تا آخر - همین طور که معمول اسـت بین مردم که قرآن را ختم میکنند - علاوه‌ی بر این، بخشـی از آیات قرآن را یا سُـوَر قرآنی را به طور مرتّب تکرار بکند؛ این موجب میشود که انسان با بخشهایی از قرآن [مأنوس شود]. حالا مثلاً فرض کنید کسـی با قرآن انس دارد، مثلاً آیاتی از سـوره‌ی یونس را خوشش می‌آید - انسان این جوری است دیگر - خب سوره‌ی یونس را مرتّباً بخواند تا حفظ بشود؛ یکی سوره‌ی احزاب را خوشش می‌آید، یکی سـوره‌ی بقره را دوسـت میدارد، یکی سُـوَر مسبّحات را که خب خیلی مضامین عالی و مهمّی دارد، اهل معنا و اهل سلوک هم توصیه میکنند به تلاوت مسبّحات - «سـبّح لله» و «یسـبّح لله» که در قرآن هسـت - اینها را مرتّباً بخواند؛ یا سُـوَر حوامیم که حامیم‌ها [در آنها

هســـت]، آنها هم خیلی مطالب [مهمّی دارد. البتّه] همه جای قرآن مهم اسـت؛ هیچ نقطه‌ای از قرآن نیسـت که حامل مطالب اسـاسـی و معارف مهم نباشـد؛ امّا طبایع افراد مختلف اسـت، یک چیزهایی را بیشـتر دوسـت میدارد؛ همان چیزی را که بیشـتر خوشـتان می‌آید، هر روز بخوانید، تکرار کنید، تکرار کنید. قرآن را هم باید با خشوع خواند. قرآن را اگر چنانچه بدون خشـوع و با غفلت انسـان بخولند، خیلی چیزی گیرش نمی‌آید، گاهی هیچ چیزی گیرش نمی‌آید، گاهی هم خدای‌نکرده اثرات عکس میبخشد. انسان قرآن را با توجّه، با خشوع، با اعتماد به بیان الهی - خدای متعال به وسـیله‌ی قرآن دارد با شـما حرف میزند - به این کیفیّت تلاوت بکند، آن وقت لذّت قرآن بر جان انسان می‌نشیند. ما اگر کشف کنیم لذّت تلاوت قرآن را، واقعاً دست برنمیداریم از تلاوت قرآن. مهم این اسـت که تلاوت قرآن خودش را به ما نشـان بدهد و آن لذّاتی را که در خواندن آیات و تدبّر در آیات الهی و در کلمات قرآن وجود دارد، انسـان در جان خودش احسـاس کند. اگر بخواهیم این حاصل بشود، با خشوع باید قرآن را خواند.»[1]

اینها راهکارهایی است که برای استحکام بنیه‌ی معنوی در زمینه‌ی تقویت دین و مؤلّفه‌ی دین‌داری و خودسازی کمک میکند.

---

[1]. شرح حدیث در ابتدای جلسه‌ی درس خارج فقه ۱۹/۰۱/۱۳۹۲

خلاصه درس

- برای اینکه در گام دوّم کار بکنیم و مفید باشیم، در هر عرصه‌ای، آمادگی‌هایی را باید فراهم کنیم.
- ما باید در این چهار حیطه که رهبر انقلاب فرمودند تمرکز بکنیم؛ یعنی حیطه‌های دین، خرد، علم و عزم.
- اوّلین شاخه‌ی کسب آمادگی، تقویت و تعمیق مبانی معرفتی است.
- راهکار اصلی تقویت بنیه‌ی معنوی تقوا است.

پرسش‌های درس

۱- چرا لازم است برای کار در زمینه‌ی بیانیّه، آمادگی‌های لازم را کسب کنیم؟
۲- عرصه‌های اصلی کسب آمادگی چیست؟
۳- تقویت و تعمیق مبانی معرفتی چه آثاری در انسان دارد؟
٤- راهکارهای تقویت بنیه‌ی معنوی چیست؟
٥- معنای تقوا و اهمّیّت آن را توضیح دهید؟

درس دهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (کسب آمادگی دینی و خرد)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. اهمّیّت اصلاح ملکات اخلاقی.
۲. فرایند ایجاد و اصلاح ملکات اخلاقی در انسان.
۳. اهمّیّت قدر دانستن فرصت جوانی.
٤. معیار خرد در کسب آمادگی.
۵. اهمّیّت بصیرت و مؤلّفه‌های آن.

مقدّمه

در درس گذشته، بخشی از آمادگی‌ها که برای یک جوان لازم است مانند تقویت مبانی معرفتی و استحکام بنیه‌ی معنوی و راهکارهای آن مورد توجّه قرار گرفت. در ادامه به برخی موارد دیگر در این زمینه مانند اصلاح ملکات اخلاقی و سرفصل خرد پرداخته میشود.

کسب آمادگی‌های لازم

چهار دسته آمادگی را رهبر انقلاب فرمودند که باید به عنوان دانشجو در وجود خودمان ایجاد بکنیم. تا اینجا در بخش دین نسبت به تقویت و تعمیق مبانی معرفتی و استحکام بنیّه‌ی معنوی صحبت کردیم.

اصلاح ملکات اخلاقی

در این بخش در رابطه با اصلاح ملکات اخلاقی با هم صحبت خواهیم کرد و بعد بقیّه‌ی سرفصل‌ها را با هم پیش خواهیم رفت.

معادل قرآنی

اوّلاً مقصود ما از ملکات اخلاقی چیست؟ منظور صفتهای ثابتی است که در درون انسانها وجود دارد. بالاخره همه‌ی ما درون خودمان تعدادی صفتهای خوب و تعدادی صفتهای بد داریم؛ برخی از اینها وراثتی است و

برخی را انسان از خانواده یاد میگیرد و اکتسابی است. قرآن کریم این مسئله را تحت عنوان تزکیه مطرح میفرماید (ویزکّیهم)؛ یعنی یکی از کارهای پیامبر این است که صفات بد اخلاقی را از انسانها دور میکند و صفات خوب را در وجود آنها ایجاد میکند.

فرایند ایجاد صفات خوب و بد در انسان

فرایند ایجاد این صفات، چه صفات خوب و چه صفات بد به طور معمول، تکرار است. به صفات خوب فضیلت و به صفات بد رذیلت گفته میشود. این صفات معمولاً بر اساس تکرار در درون انسان نقش میبندند؛ مثلاً کسی که برای بار اوّل بخشش میکند، جود دارد ولی این صفت ذاتی او نیست؛ امّا وقتی برای بار دوّم و سوّم تکرار میکند و به بخشش ادامه میدهد، بعد از یک مدّتی سخاوت و جود جزو صفات ذاتی او میشود. یا کسی که سر هر مسئله ای به هم میریزد و زود عصبی میشود بعد از یک مدتی این صفت غضبان بودن جزء ذات او میشود. به عنوان مثال فرشهای دستباف را وقتی میخواهند پهن بکنند، گفته میشود که اینها را به سمت خواب فرش پهن کنید که بعداً راحت‌تر بشود جارو کرد؛ خواب فرش چگونه به وجود می‌آید؟ معمولاً این گونه است که هر رجی که قالی‌باف میبافد و هر گره‌ای که میزند و کنارش گره‌ی بعدی را میزند و یک رج تمام میشود، قالی‌باف نخ پودی را از بین تارهای قالی رد میکند؛ بعد ازآن برای اینکه فرش محکم بشود با شانه‌ی فلزی روی هر رج آرام آرام میزند. وقتی که این فرش کامل میشود، خواب این فرش هم به سمت شانه‌هایی است که فرش‌باف زده است. ملکات اخلاقی مانند خواب فرش است. هر کدام از ما ضربه‌هایی

را به وجودمان میزنیم؛ حالا برخی ضـربه‌ها مثبت اسـت و برخی منفی؛ تکرار برخی از کارهای زشـت باعث میشـود که ذات ما این صـفات را به خودش بگیرد و مثلاً خدای‌نکرده آدم دروغ‌گویی بشـویم، آدم حسـودی بشـویم؛ البتّه برخی از این صفتها از طریق وراثت به انسان منتقل میشود. امیرالمؤمنین وقتی میخواستند همسری انتخاب کنند به برادرشان فرمودند که کسی را انتخاب کن که از خانواده‌ی شجاعی باشد که رفتند و حضرت امّ‌البنین(سلام‌الله‌علیها) را انتخاب کردند و حضرت عبّاس(علیه‌السّلام) از چنین پدر و مادری متولّد شد. بخشی از این صفات وراثتی است. البتّه برخی از اینها قابل تغییر است و انسان میتواند با تلاش آنها را تغییر بدهد؛ البته ممکن است طول بکشد. مهم این است که ما در جوانی نگذاریم این صـفتهای بد در قلبمان شـکل بگیرد و قرار دادن صـفتهای خوب در قلب خودمان را تمرین کنیم. خدا رحمت کند شـهید صـدرزاده را؛ چنان که فیلمشـان در فضـای مجازی هسـت میگوید: وقتی شـما آرپی‌جی را برمیدارید و بلند میشوید، وقتی از سنگر بلند میشوید، بی‌پناه میشوید، آن لحظه محبّت نسبت به دنیا، نسبت به فرزند به سراغت می‌آید؛ وقتی برای بار اوّل بلند میشوید وآرپیجی را میزنید و می‌بینید که زنده ماندید و مجروح هم نشدید و بار دوّم و سوّم هم سالم ماندید، بار صدم یک حالت بی‌تعلّقی در وجود شـما شـکل میگیرد. این تکرار در کارهای خوب و بد هر کدام میتوانند نقش مؤثّری در ایجاد آن صفتها داشته باشد.

هویّت اخلاقی؛ هویّت حقیقی و شاکله‌ی اصلی جامعه

رهبر معظّم انقلاب فرمودند که اصلاً هویّت اخلاقی جامعه هویّت حقیقی و شاکله‌ی اصلی آن است؛ اخلاق تا این اندازه برای جامعه مهم است؛ البتّه اخلاق میتواند الهی یا غیر الهی باشد؛ خیلی از این ویژگی‌های اخلاقی که می‌بینید مثل بردباری و صبر، صدق و صفا، طهارت روح، حسن خلق یا صفتهای بدی مثل تکبّر، بی‌مبالاتی، بدزبانی، عیب‌جویی، سوءظن و هوس‌رانی و... ممکن است در جوامع غربی هم وجود داشته باشد؛ کسانی که سعی میکنند صبور و صادق باشند. امّا زمانی این اخلاق، اخلاق الهی میشود که اتّصال پیدا میکنید به حضرت حق. سرنوشت جوامع را این هویّت اخلاقی تعیین میکند. آن مردمی که انسانهای ترسویی باشند در مقابل دشمن زانو میزنند و خوار میمانند. حضرت آقا یکی از ویژگی‌های غربی‌ها را خطرپذیری دانستند؛ که اگر اینها خطرپذیر نبودند اصلاً آمریکا فتح نمیشد. ویژگی خطرپذیری قلّه‌های جدید و عرصه‌های جدید را برای انسان باز میکند.

جوانی؛ بهترین فرصت

همان طور که امام و آقا فرمودند بهترین فرصت برای این کار و اصلاح صفات اخلاقی در خود دوران جوانی است. ایشان میفرمایند:

«موادّ این مهمانی الهی، که در روایات وارد شده [به عنوان] «ضیافت الهی»، همینها است؛ یعنی روزه یکی از آن مائده‌های آسمانی‌ای است که خدای متعال در این مهمانی، در این ضیافت به شما میدهد؛ دعا یکی دیگر از این مائده‌ها است؛ نماز همین جور؛ و این برای شما

که جوانید، ده برابرِ امثال بنده که در سنین پیری و آخر خط هستیم، تولنایی دارد، قدرت تأثیر دارد؛ این جوری است؛ این را قدربدانید. این فرصت جوانی که در اختیار شما است، این تجدیدناپذیر است؛ از این فرصت استفاده کنید برای اینکه اُنس با خدا را، اُنس با نماز را، اُنس با قرآن را برای خودتان به صورت عادت دربیاورید؛ عادتهای پسندیده و نیکو؛ و آن وقت تا آخر عمر با شما همراه خواهد بود. اگر حالا [این کار را] نکردید، در سنین بالا، یا ممکن نخواهد شد برای بعضی‌ها، [یا] برای بعضی‌ها هم مشکل خواهد بود؛ ممکن است امّا مشکل است؛ امّا الان اگر چنانچه شما اقدام کردید، نه، این برای شما به صورت یک ملکه‌ی نفسانی باقی خواهد ماند و ذخیره‌ی جوانی شما است.»[1]

نقش ملکات اخلاقی در زندگی انسان

وقتی این صفات اخلاقی خوب در جوانی در ما ایجاد نمیشود یا وقتی که آن صفتهای بد را در جوانی از خودمان دور نمیکنیم و مسئولیّت و کار میگیریم، در یک موقعی به سراغ انسان می‌آید و انسان را زمین میزند؛ خیلی از آیت‌الله‌ها، دکترها، استاد دانشگاه‌ها ، وزیرها و وکیلها ورئیس‌جمهورها را ما دیدیم که برخی از این صفات رذیله مانند تکبّر و خودپسندی را داشتند و در نتیجه دنیا اینها را زمین زد؛ از الان باید به فکر

---

[1] . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

باشیم که در آن سن همان طور که حضرت آقا فرمودند شاید بشود گفت اصلاح خود محال است.

حیات دنیوی

کسی که یک عمر به دروغ و غضب عادت کرده، ریشه‌کن کردن آن خیلی سخت است. این صفات در حیات دنیوی انسان نقش ویژه‌ای دارد. حضرت آقا فرمودند: «**اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشت، انسانها میتوانند با تنفّس او زندگی سالمی داشته باشند.**» [۱]

حیات اخروی

این صفات در حیات اخروی که سازنده‌ی شاکله و چهره‌ی ملکوتی انسان در روز قیامت است، هم اثر دارد. اگر چهل حدیث حضرت امام را ببینید در آنجا ایشان میفرمایند که این ملکات هم بهشت فوق‌العاده‌ای دارد و هم جهنّم فوق‌العاده‌ای دارد. ممکن است یک نفر یک دروغی بگوید ولی دروغ‌گو نشده باشد ولی آن کسی که صفت دروغ‌گویی در او ایجاد شده جهنّمش جهنّم وحشتناکی است. همین الان هم جهنّم را دارد با خودش حمل میکند. البتّه طبق اعتقاد ما که دنیا و آخرت را هم‌زمان میداند. ایشان میفرمایند: « **قیامت، روز عرضه شدن بر خدا است؛** «وَعُرِضُوا عَلَىٰ

---

[۱]. بیانات در سالروز عید سعید مبعث ۲۹/۰۴/۱۳۸۸

رَبِّكَ صَفًّا»[۱]. **انسان با حقیقت خود، با باطن قلب خود، با ملکات راسخه‌ی نفس خود، در مقابل خدای متعال آشکار میشود.**»[۲]

خرد

حضرت آقا فرمودند چهار ویژگی را باید دانشجویان در خودشان ایجاد بکنند؛ یکی دین بود و یکی خرد که در بحث خرد از دو حیث میشود صحبت کرد؛ یکی در حوزه‌ی فردی و یکی در حوزه‌ی اجتماعی.

حوزه‌ی فردی

در حوزه‌ی فردی خرد به معنای به کار بستن عقل معاش و تدبیر درست امور زندگی است. انسان فکر و تدبیر بکند و دوراندیشی داشته باشد.

مدیریّت امور مالی

مثلاً در امور مالی خیلی‌ها رو می‌بینیم که از خرد استفاده نمیکنند؛ با اینکه درآمد خوبی دارند ولی چون برنامه‌ریزی ندارد نمیتواند مشکلات خودش را حل کند و در بزنگاه‌ها دچار مشکل میشود یا زمین میخورد.

مدیریّت خانواده

یا اینکه نمیتولند خانواده‌ی خودش را تربیت کند، نمیتولند اداره بکند و اگر هم ظاهراً همسران در کنار هم باشند، مدیریّت ندارد و رابطه‌ی فرزندان نسبت به هم و نسبت به والدین را نمیتواند مدیریّت کند.

---

[۱]. سوره‌ی کهف، بخشی از آیه‌ی ٤٨

[۲]. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۰۶/۰۸/۱۳۸۳

مدیریّت روابط اجتماعی

در حوزه‌ی اجتماعی و روابط اجتماعی گاهی می‌بینیم که از خرد استفاده نمیکند، افراط یا تفریط میکند، دوستی یا دشمنی بیش از حد با جریانهای مختلف دارد و در ارتباط با اقوام، هم‌کلاسی، همکاران خودش و همسایه‌های خودش چون مدیریّت ندارد و خرد را به کار نمیبندد دچار مشکلاتی میشود.

جمع سالم بین وظایفِ فردی و اجتماعی

جمع کردن بین وظایف فردی و اجتماعی هم خرد خاصّی میخواهد. بعضی‌ها آن قدر به وظایف فردی میپردازند که جامعه را رها میکنند؛ از آن طرف هم کسانی را داریم که با پرداختن بیش از حد به وظایف اجتماعی از وظایف فردی بازمیمانند و این توازن را نمیتوانند برقرار کنند.

مراقبت از سلامتیِ جسمی و روانی

یکی از بحثهای مهمّ استفاده از خرد، مراقبت از سلامت جسم و روان است. بعضی از مشکلات وراثتی است، دست انسان نیست ولی اگر ما بتوانیم پیشگیری بکنیم، باید چنین کنیم. بعضی از زمینه‌های کاهش این مشکلات را ما خدمتتان عرض میکنیم مثل انتخاب کردن سبک زندگی ایرانی اسلامی. اگر استراحت به اندازه باشد و خواب و خوراک به اندازه باشد و امور خانوادگی و جنسی در حدّ اعتدال باشد و پاسخ مناسب و مدّنظر اسلام به این نیازها داده شود، تغذیه‌ی انسان مناسب باشد و از فست‌فودها و غذاهایی که در سنین بالا یا همان سنین جوانی به انسان

آسیب میزند، استفاده نشود، انسان زندگی سالمی خواهد داشت. ورزش کردن در دوران جوانی و میان‌سالی و حتّی پیری در حدّی که انسان بتواند یک بدن سالمی داشته باشد لازم است. اگر ماهیچه‌های بدن انسان سالم باشد خیلی از دردهای مفاصل سراغ انسان نمی‌آید، گوارش انسان تنظیم میشود. ورزش کردن باعث تخلیه‌ی انرژی میشود و فکرهای بد را از ذهن انسان دور میکند؛ خیلی از درگیری‌های ذهنی و اضطراب‌ها و استرسها را دور میکند. توجّه به خانواده و تفریح با خانواده لازم است. هر چند انسان با رفقایش راحت‌تر است ولی تفریح با خانواده به روح انسان آرامش میدهد. بهره‌مندی متعادل از لذّات حلال در چهارچوب زیست مؤمنانه برای حفظ نشاط روانی بسیار مؤثّر است. انسان باید مراقبت کند و در دام افراط و تفریط نیفتد و کسانی که در این دام افتادند حتماً به استاد نیاز دارند. گاهی اوقات با استفاده نکردن از لذّتهای حلال در حدّ معقول مشکلاتی را برای خودمان ایجاد میکنیم.

اعتدال در عبادات مهم است. گاهی اوقات با بد درس خواندن و بدون توجّه به ابعاد دیگر زندگی و همچنین با عبادتهای افراطی بدون مدیریّت یک استاد فهمیده زندگی انسان به هم میریزد. روزه‌های بی‌حساب گرفتن گاهی اوقات مشکلات گوارشی ایجاد میکند و انسان نمیتواند روزه‌ی ماه رمضان را هم بگیرد. اینها همه ذیل خرد دیده میشود.

حوزه‌ی اجتماعی

در حوزه اجتماعی به‌کارگیری خرد را شاید بتوانیم با بصیرت که رهبر انقلاب بارها این را فرمودند مساوی بگیریم. بصیرت و روشن‌اندیشی در

تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی شرط لازم برای رسیدن به هدف و گم نکردن صراط مستقیم است.

«بصیرت، نورافکن است؛ قبله‌نما و قطب‌نما است. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد، لکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعبهای زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ بخصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود، یک وقت شما می‌بینید بی‌ساز و برگ در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما برنمی‌آید. پس بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان میدهد. البتّه برای موفّقیّت کامل، بصیرت شرط لازم است، امّا شرط کافی نیست. به تعبیر طلبگی ماها، علّت تامّه‌ی موفّقیّت نیست. برای موفّقیّت، شرایط دیگری هم لازم است. اگر همه‌ی آن چیزهای دیگر باشد، بصیرت نباشد، رسیدن به هدف و موفّقیّت، بسیار دشوار خواهد بود.»[1]

---

[1]. بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۰۴/۰۸/۱۳۸۹

مؤلّفه‌های بصیرت

ما درباره‌ی بصیرت، ابعاد و ارکان آن پیشنهادهایی را عرض میکنیم:

۱. تحصیل نرم‌افزار فکری امامین انقلاب

۲.بهره‌مندی از اندیشمندان انقلاب

۳. فهم تاریخ

٤. دشمن‌شناسی

٥. جریان‌شناسی

٦. یاد گرفتن تحلیل درست

اگر این شش عامل را انسان در کنار هم داشته باشد میتواند تحلیل درستی داشته باشد و مسیر را درست تشخیص بدهد و از آن خرد اجتماعی استفاده بکند.

٦. تحصیل نرم‌افزار فکری امامین انقلاب

قبلاً درباره‌ی اصل نرم‌افزار فکری امامین انقلاب صحبت کردیم و گفتیم که این نرم‌افزار فکری دو عرصه دارد؛ یکی مبانی و ساختار یکی از مسائل جاری؛ در بحثی مبانی و ساختار اندیشه از دو طریق میتوانیم به آن دسترسی پیدا کنیم.

الف. از طریق مطالعه‌ی دقیق کتابهای امامین انقلاب

ب. پیگیری مستمر بیانات روز رهبر معظّم انقلاب

رصد روزانه بیانات رهبر معظّم انقلاب باعث بروزرسانی آن نرم‌افزار فکری میشود و ما را به بررسی مسائل امروز جامعه وصل میکند.

۷. بهره‌مندی از اندیشمندان انقلاب

قدم بعدی بهره‌مندی از دیگر اندیشمندانی است که رهبر انقلاب بارها توصیه کردند و اسامی آنها را فرمودند. اینها به انسان کمک میکند که در کنار بقیّه‌ی مؤلّفه‌ها مبانی را یاد بگیرد. علّامه طباطبایی(رضوان‌الله‌علیه)، شهید مطهّری(رضوان‌الله‌علیه)، آیت‌الله مصباح‌یزدی(رضوان‌الله‌علیه)، شهید بهشتی(رضوان‌الله‌علیه)، شهید صدر(رضوان‌الله‌علیه)، علّامه جعفری(رضوان‌الله‌علیه)، علّامه حسن‌زاده آملی(رضوان‌الله‌علیه)، آیت‌الله جوادی آملی(دام‌ظلّه).

۸. فهم تاریخ

فهم تاریخ یک مسئله‌ی بسیار مهم است؛ چون تاریخ امری سرنوشت‌ساز در زندگی انسان است و قرآن کریم بارها ما را دعوت به رجوع کردن به تاریخ کرده است. امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) در نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه فرزندشان را به بررسی احوالات گذشتگان توصیه میکنند. توصیه میکنند که گذشته را بررسی کن. تاریخ آینه‌ی عبرت گرفتن است برای اینکه انسان با مراجعه به تاریخ تجربه‌های تاریخی گذشتگان را میبیند و درس و عبرت میگیرد و هویّت تاریخی خودش را میفهمد. به تعبیر رهبر انقلاب اهمّیّت انقلاب را وقتی تاریخ مطالعه کنید متوجّه میشوید.

اجزای تاریخ

تاریخ اجزائی دارد؛ تاریخ اسلام، تاریخ ایران که رهبر انقلاب بارها توصیه کردند که جوانها حدّاقل تارخ این دویست سال اخیر را ببینند و با

مشروطیّت آشنا بشوند؛ تاریخ مشروطه خیلی مهم است؛ مطالعه‌ی تاریخ استبداد پهلوی، تاریخ انقلاب اسلامی و اتّفاقاتی که در این چهل‌وچند سال برای انقلاب افتاده مؤثّر در بصیرت‌افزایی و تحلیل سیاسی است برای اینکه دچار تحریفها نشویم و بتوانیم راه را درست انتخاب کنیم. همچنین تاریخ دوران دفاع مقدّس یکی از ابعاد مهمّ بصیرت است.

فواید آشنایی با تاریخ

۱- درس و عبرت گرفتن از تاریخ

از آنجا که سنّت‌های تاریخی برای همه‌ی زمانها و مکانها یکسان است، بنابراین مطالعه‌ی دقیق و هوشمندانه‌ی تاریخ میتواند به انسان کمک کند تا در لحظه‌های مهم، تصمیم مهم بگیرد.

«من واقعاً به شما برادران و خواهران عزیز توصیه میکنم که با تاریخ آشنا شوید. تاریخ درس است؛ از تاریخ بسیار درسها میشود آموخت و بسیار تجربه‌ها میشود به دست آورد. عدّه‌ای سعی میکنند حوادث روزگار ما را یک حوادث استثنائی - که به هیچ وجه از تاریخ قابل استفاده نیست - وانمود کنند. این غلط است. رنگهای زندگی عوض میشود، روشهای زندگی عوض میشود، امّا پایه‌های اصلی زندگی بشر و جبهه‌بندی‌های اصلی بشر، تغییری پیدا نمیکند.»[1]

۲- یافتن هویّت خود

---

[1] بیانات در دیدار با جوانان در مصلّای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

با نگاه به تاریخ و شناختن تاریخ است که انسان به هویّت ملّی و قومی و منطقه‌ای خود پی میبرد. شاید به این دلیل است که رهبر انقلاب در سخنرانی‌هایی که در حضور اقوام مختلف دارند به پیشینه‌های تاریخی آنها اشاره میکنند.

«اینکه جوانها تاریخ خودشان را، گذشته‌ی خودشان را و در واقع شناسنامه‌ی انقلابی خودشان را بدانند، خیلی مهم است. این را باید سعی کنید که حتّی‌المقدور انجام بدهید. این هم البتّه احتیاج دارد به کار؛ یعنی کار ساده‌ای نیست.»[1]

۳- شناخت عظمت انقلاب اسلامی

با آشنا شدن با تاریخ جهان و ایران و اسلام و همچنین انقلاب اسلامی، عظمت حادثه‌ی انقلاب روشن می‌گردد.

«یک نقطه‌ی اساسی هم این است که ما وضعیّت کنونی انقلاب را همواره هم در یاد خودمان داشته باشیم، هم در حوزه‌ی شعاع گفتاری خودمان، تأثیر نفس خودمان را به یاد دیگران بیاوریم. عزیزان من! انقلاب یک حادثه در تاریخ ایران فقط نبود؛ این یک حادثه در تاریخ جهان و در تاریخ بشریت بود. بر روی این نکته من تکیه و تأکید میکنم - این شعار نیست، این تدقیق در یک حقیقت است - که این

[1] بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهارهزار شهید استان گلستان ۱۳۹۵/۵/۱۵

یک حادثه در تاریخ بشریت است. هر چه زمان بیشتر بگذرد، بیشتر این حقیقت روشن خواهد شد.»[1]

۹. دشمن‌شناسی

یکی دیگر از مؤلّفه‌های بصیرت، شناخت دشمن و دشمن‌شناسی است. اگر انسان دشمن را خوب نشناسد خرد اجتماعی‌اش دچار اختلال میگردد و در نتیجه دچار خطای محاسباتی میشود.

«این را همه بدانند: امروز کشور به شناخت دشمن نیاز دارد. دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به وسیله‌ی انواع و اقسام اقلام آرایشیِ رسانه‌ای و تبلیغاتی بزک میکنند و در مقابل چشم قرار میدهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسیم... آن کسانی‌که امروز سعی میکنند از این هیولا - که سیاستهای آمریکایی و سیاستهای بعضی از دنباله‌روان آمریکا است - یک چهره‌ی موجّهی معرّفی کنند، اینها دارند خیانت میکنند؛ اینها دارند جنایت میکنند. این کسانی‌که این حقیقت روشن را کتمان میکنند، این دشمنی خباثت‌آلود را در زیر پرده‌های توجیه میپوشانند، اینها دارند خیانت میکنند به این ملّت. کشور ما و ملّت ما احتیاج دارد دشمن را بشناسد، عمق دشمنی را بفهمد؛ و احتیاج دارد به اینکه خود را آماده کند برای مواجهه. این مواجهه همیشه مواجهه‌ی سخت نیست، مواجهه‌ی در میدان جنگ نظامی نیست؛ دشوارتر از آن، مواجهه‌ی در میدان جنگ نرم است، در

---

[1] بیانات در دیدار مدّاحان اهل‌بیت(ع) ۱۳۸۷/٤/٤

میدان فرهنگ است، در میدان سیاست است، در میدان زندگی اجتماعی است.»[۱]

دشمنی تمام‌نشدنی

همان طور که رهبری فرمودند این دشمنی‌ها تمام‌شدنی نیست مگر اینکه ما به اندازه‌ای قوی بشویم که دشمن احساس کند که دشمنی‌اش فایده‌ای ندارد یا اینکه ما از آرمانهای خودمان دست برداریم و از خطوط قرمزمان عقب بنشینیم یا اینکه دشمن استحاله شود. مثلاً ما با هیئت حاکمه‌ی عراق خصومت داشتیم چون علیه ما دشمنی میکرد ولی الان آن حکومت از بین رفته و در بعضی از زمینه‌ها دوستی به وجود آمده است. خیلی از کشورهای جهان هم همین گونه هستند. اگر کشوری با ما دشمنی دارد از دشمنی‌اش دست بردارد قاعدتاً دشمنی از طرف ما وجود نخواهد.

دشمن اصلی؛ نظام سلطه

نگاه به دشمن نگاه راهبردی است و گاهی اوقات با بعضی از حرفهای ساده‌اندیشانه ما را فریب میدهند. قاعدتاً نظام سلطه به رهبری آمریکا در ردیف اوّل دشمنها است چرا که ما بیشتر از همه منافع او را به خطر انداختیم.

---

[۱]. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران ۰۶/۰۴/۱۳۹۴

هدف اصلی دشمن؛ تغییر سیرت انقلاب

هدف اصلی دشمن این است که مسیر انقلاب را عوض کند. به تعبیر رهبر انقلاب که در ۲۰ مهر ۹۴ فرمودند حتّی ممکن است در رأس حکومت یک فرد معمّمی باشد با کلمه‌ی جمهوری اسلامی هم مشکل نداشته باشد ولی خدای‌نکرده استحاله اتّفاق افتاده باشد؛ زیرا برای دشمن تغییر سیرت انقلاب مهم است. ساخت حقوقی جمهوری اسلامی برای دشمن مهم نیست بلکه ساخت حقیقی آن مهم است. اگر آرمانها فراموش شود دشمن به هدفش رسیده است. حالا شما همه‌ی کشور را به نام «الله» و به نام «لا اله الّا الله» بزن ولی اهداف دشمن را تهدید نکن حتماً با تو دشمنی نخواهد کرد.

روش اصلی دشمن؛ جنگ نرم

روش اصلی دشمن هم جنگ نرم است و دشمن می‌آید تا ذهنیّتها را به هم بریزد؛ متعدّد می‌بینید که دشمن بهانه‌جویی میکند؛ یک بار حقوق بشر، یک بار هسته‌ای و یک بار موشک را بهانه میکند و یک بار هم حقوق زنان را مطرح میکند برای اینکه افکار عمومی را گمراه کند. زمانی هم ممکن است بحث حقوق هم‌جنس‌بازان را مطرح کند؛ زمانی هم ممکن است خالی کردن پشت جبهه‌ی مقاومت را مطرح کند. اینکه ما به دنبال حذف اسرائیل هستیم اینها بهانه است وگرنه اصل قصّه همان چیزی است که رهبر انقلاب فرمودند.

شیوه‌ی اصلی دشمن؛ استعمار

یک زمانی دشمن استعمار مستقیم میکرد، یعنی استعمار کهنه داشت؛ مانند آنچه که با هندوستان کرد و ثروتهای هندوستان را به طور مستقیم غارت کرد. یک موقعی استعمار مستقیم نبود بلکه یک دست‌نشانده‌ای مثل رضاخان را در کشوری حاکم میکردند که اهداف استعمار را پیگیری میکرد و به آنها جامه‌ی عمل میپوشاند. بعد از اینکه این حرکتهای استقلال‌طلبانه و استبدادستیزی شروع شد، دشمن به سمت استعمار فرانو رفت؛ یعنی یک سری از افراد از همان کشور مورد هدف را تربیت میکرد و میفرستاد داخل همان کشور و همین افراد وزیر و وکیل میشدند. در زمانی یکی از مسئولین دولتی به مجلس رفت و به تعبیر رهبر انقلاب گفت ایرانی نمیتواند لولهنگ بسازد.

دردوره‌ی اخیر خود ما دیدیم کسانی را که گفتند توانایی ایرانی در حدّ کسی است که میتواند آبگوشت بزباش درست کند یا کسی که وزیر بود گفت آمریکا اگر یک دکمه فشار بدهد و یک بمب بیندازد، همه‌ی سامانه‌های دفاعی ایران را از بین میبرد که آقا فرمودند برای او یک اردوی پیشرفت در مسائل نظامی را بگذارید که برود این پیشرفتهای نظامی را ببیند و اعتماد به نفس پیدا کند. گاهی اوقات طرف حتّی ایرانی است و لباس ایرانی با یقه‌ی شیخی میپوشد و جای مهر هم روی پیشانی‌اش هست امّا فکرش فکر دشمن‌پسندی است.

نفوذ جریانی

بعد از آن دشمن دنبال نفوذ جریانی بود؛ نفوذ جریانی از زمانی شروع شد که دشمن نتوانست مستقیم با اذهان مردم ما یا بقیّه‌ی کشورهای استعمارزده مواجه بشود؛ در نتیجه با شبکه‌های ماهواره‌ای و با سی‌دی و فیلمهای ویدئویی شروع کرد و امروز هم با فضای مجازی دنبال نفوذ جریانی است. به تعبیر رهبر انقلاب میخواهد جریان فکری را در دست بگیرد به گونه‌ای که دقیقاً مردم همان رفتاری را انجام بدهند و همان فردی را به عنوان وکیل مجلس انتخاب کنند که دشمن میخواهد. اگر دشمن در نفوذ جریانی پیروز شود، ارزشها و آرمانها تغییر پیدا میکند؛ مثلاً به تعبیر رهبر انقلاب در بیانیّه‌ی گام دوّم، مسئولینی که در گذشته در زهد مسابقه میدادند امروزه به سمت اشرافیّت رفته‌اند و در اشرافیّت مسابقه گذاشته‌اند؛ خانمهایی که در زمانی تربیت فرزند برایشان اصل بود، حضور در میدانها به نحوه عفیفانه افتخارشان بود، امروز بدن‌نمایی افتخارشان شده است. نفوذ جریانی از کارهایی است که دشمنان مستمرّاً انجام میدهند و آخرین مرحله‌ای است که آنان پیگیری میکنند.

۵. جریان‌شناسی

پس از شناخت دشمن نوبت به جریان‌شناسی میرسد.

ضرورت

شما اگر جریانهای فکری، فرهنگی و سیاسی روز را نشناسید ممکن است فریب بخورید؛ مخصوصاً که خیلی از این جریانها مرموزانه عمل میکنند؛

مثلاً مدّتی از صحنه‌ی سیاست کنار میروند تا افکار عمومی حافظه‌ی خودش را نسبت به آنها تغییر بدهد و بعد دوباره به صحنه‌ی سیاست برگردند. افرادی را داشتیم که در دهه‌ی ۷۰ به خاطر فساد مالی محکوم شدند امّا بعد از یک دهه غیبت از عرصه‌ی سیاسی و فراموش شدن از حافظه‌ی عمومی مجدّد به صحنه بازگشتند و کارهای جدیدی را ساماندهی کردند؛ مانند همان کسی که با اشک خودش دنبال رأی جمع کردن برای کاندیدای دیگر بود.

فایده

جریان‌های فکری و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را باید خوب بشناسیم زیرا خیلی از اینها یا مزدورند یا بدون مواجب در داخل کشور به دشمن کمک میکنند. با شناخت جریانهای سیاسی مختلف انسان میتولند دستهای دشمن در داخل را بشناسد و از جوسازی‌های آنها بازی نخورد و بداند پشت صحنه‌ی این حرفهایی که میزنند چه لابی‌هایی است.

معیار سنجش و دسته‌بندی

اگر بخواهیم جریانهای مختلف را بسنجیم باید ببینیم که رابطه‌ی آنها با ولیّ‌فقیه و قانون اساسی و آرمانها و ارزشهایی که امام میفرمود چگونه است و بر اساس این میزانها باید ارزیابی کنیم وگرنه آقا فرمودند اصول‌گرا و اصلاح‌طلب را قبول ندارم. پس معیار ما آرمانهای انقلاب است. درست است که احزاب سیاسی ممکن است کمکی به ما بکنند ولی احزاب ممکن است یک‌بارمصرف باشند و فقط برای شب انتخابات تشکیل شوند. البّته

درکشـور ما چندان فعّالیّت حزبی منسـجم وجود ندارد؛ معمولاً جریانها و جبهه‌ها تشـکیل میشـود و اینها همدیگر را پشـتیبانی میکنند تا انتخابات بعدی.

آسیب‌شناسی؛ پرهیز از قبیله‌گرایی و جزئی‌نگری

در شـناخت جریانها باید بترسـیم از اینکه دچار جزئی‌نگری و قبیله‌گرایی شـویم. اگر این جریانها را خوب بشـناسـیم، در تحلیل آنها دچار خطا نمیشـویم. برخی از کتابها توسّـط نویسـندگان مطمئن نوشـته شـده‌اند و جریانهای فکری و سیاسی را بررسی کرده‌اند و میتوانیم با مطالعه‌ی آنها پی به پشت صحنه‌ی احزاب ببریم.

٦. تحلیل درست

یکی دیگر از مؤلّفه‌های مهمّ بصیرت تحلیل درسـت اسـت که از مصـادیق مـهـمّ فـکـر و خـرد اسـت. رهـبـر انـقـلاب فـرمـودنـد کـه آیـت‌الـلـه مصـباح(رحمةالله‌علیه) اسـتاد فکر بود؛ چرا که خوب میفهمید و تحلیل درست از وقایع داشت. تشخیص تکلیف و موضع‌گیری درست بر اساس تحلیل حوادث اتّفاق می‌افتد.

«این بصـیرتی که در حوادث لازم اسـت و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شـده، به معنای این اسـت که انسـان در حوادثی که پیرامون او میگذرد و در حوادثی که پیش روی او اسـت و به او ارتباط پیدا میکند، تدبّر کند؛ سـعی کند از حوادث به

شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم اللّه امرء تفکّر فاعتبر»[1]؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبّر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبّر کردن، در انسان بصیرت ایجاد میکند؛ یعنی بینایی ایجاد میکند و انسان چشمش به حقیقت باز میشود.»[2]

اصول تحلیل

تحلیل، اصولی دارد که رعایت آن موجب میشود که انسان در تحلیل حوادث و وقایع دچار اشتباه نشود. برخی از اصول مهمّ تحلیل در ادامه تقدیم میگردد.

پرهیز از مغالطه

یکی از لازمه‌های تحلیل درست، شناخت مغالطات است و کتابهایی هم در این زمینه نوشته شده است؛ مانند کتاب کم‌حجم معیار اندیشه. به این مثال توجّه کنید: در باز است و باز پرنده است و در نتیجه در پرنده است. شاید این مثال خنده‌آور باشد ولی شبیه این مغالطات در عرصه‌ی سیاسی توسّط مسئولین خطاکار به وقوع میپیوندد.

---

[1] نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۰۳

۲ . بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۰۴/۰۸/۱۳۸۹

اولویّت‌سنجی و تشخیص اصلی و فرعی

نکته‌ی دوّم در تقویت تحلیل سیاسی، اولویّت‌سنجی در تحلیل وقایع است؛ نباید مانند شخصی باشیم که به خاطر یک دستمال شهر را به آتش کشیده بود؛ گاهی اوقات پرداختن به یک مسئله چندان مهم نیست؛ مثلاً یکی دو سال پیش یکی از علمای اهل تسنّن یک اشتباهی کرد و یک مثالی زد که باعث شد یک جریانی از بین شیعیان علیه او موضع گرفتند که رهبر انقلاب در دیدار سال ۱۴۰۰ با مردم قم فرمودند که نباید به چنین اشتباهی ضریب داده میشد؛ نمونه‌ی دیگر جنگ ترکیبی سال ۱۴۰۱ است که خیلی از بزرگان نتوانستند ظلمی که به رهبر انقلاب و نظام و مجموعه‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی شده بود را ببینند ولی یکی دو تا رفتار غلط چند مأمور نیروی انتظامی را سر دست گرفته بودند و بعضاً متوجّه نمیشدند که اصل و فرع کدام است.

توجّه پیوسته به آرمانها

نکته‌ی سوم در تحلیل سیاسی توجّه پیوسته به آرمانها است. آرمان مثل شاخص است و مثل فانوس دریایی است که ملوانها و دریابانها به آن فانوس نگاه میکنند و راه را پیدا میکنند؛ آرمانها این طور عمل میکنند و نمیگذارند انسان مسیر را گم بکند.

لحظه‌شناسی

لحظه‌شناسی و شناخت زمان از مهم‌ترین اصول تحلیل است و نشناختن زمانه باعث میشود که انسان دچار اشتباهات گردد.

«عالِمِ معلّمی که جماعتی از او استفاده میکنند، اگر به زمان خود عالم نباشد، دچار مشکلات خواهد شد. «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوابس»[1]؛ کسی که زمانه را می‌شناسد، یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را میداند و میفهمد جریانهای گوناگون جهانی کی‌هایند، کجایند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه میشوند، دچار اشتباه نمیشود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمیکند و دچار اشتباه نمیشود. این آشنایی، برای همه لازم است؛ برای روحانی هم لازم است، برای دانشگاهی هم لازم است؛ برای معلّم حوزه هم لازم است، برای معلّم دانشگاه هم لازم است؛ این یک چیز مهمّی است. وقتی انسان جریانات گوناگون را می‌شناسد، میتواند پدیده‌ها را استنتاج کند، که این پدیده چیست، چه شد که این اتّفاق افتاد، در تحلیل، دچار خطا و اشتباه نمیشود.»[2]

توجّه هم‌زمان به ضعفها و قوّتها

بررسی توأمان همه‌ی اتّفاقات و به تعبیر رهبر انقلاب واقع‌بینی به معنای واقعی و دیدن و بررسی توأمان نقاط ضعف و قوّت در تحلیل سیاسی بسیار مهم است. بعضی‌ها عادت دارند فقط نیمه‌ی خالی لیوان را ببینند و در نتیجه دچار خطای در تحلیل میشوند.

---

[1] کافی، ج ۱، ص ۲۷

[2] بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۶/۲

طمأنینه در تحلیل اوضاع

نکته‌ی بعدی که از اصـول تحلیل اسـت عجله نکردن در تحلیل میباشـد؛ یعنی باید ابتدا موادّ لازم را برای خردورزی و تحلیل به دسـت بیاوریم و تحقیق کنیم و سپس تحلیل نماییم. البتّه نباید اهمال کنیم بلکه باید سرعت عمل به خرج بدهیم ولی قبل از اینکه موادّ کامل به دسـت ما برسـد نباید سـراغ تحلیل برویم؛ برخی از بزرگان اشـتباهشـان همین بود که در تحلیل عجله میکردند.

توجّه به متغیّرهای فرامادّی و فرابشری

در نظر گرفتن مؤلّفه‌های فرامادّی: انسان متعهّد انقلابی باید در تحلیل خود مؤلّفه‌های فرامادّی و فرابشـری را هم لحاظ بکند. ما اگر بخواهیم صـرفاً با مسـائل مادّی وقایع را تحلیل کنیم خیلی اوقات دچار اشـتباه میشـویم؛ مثلاً یک ارتشـی مثل ارتش اسـرائیل که چند کشـور عربی در طیّ چند روز نتوانستند آن را شکست دهند، چند جوان توانستند آن را وادار به عقب‌نشینی و پذیرش شـرایط حزب‌الله کنند؛ همین واقعه در غزّه هم اتّفاق افتاد؛ یا در جنگ تحمیلی ۳۸ کشور علیه ما دست به حمله زدند ولی ما بر آنها پیروز شـدیم؛ یا اتّفاقی که در طبس افتاد و حضـرت امام درباره‌ی آن فرمودند که چه کسی آنها را شکست داد؟ شنها بودند که آنها را شکست دادند و شنها مأمور خدا بودند. پس تنها با پدیده‌های مادّی نمیشـود این قضـایا را تحلیل کرد و باید به سنّت‌های الهی هم توجّه داشت.

استماع تحلیلهای مختلف

نکته‌ی بعدی اینکه انسان باید تحلیلهای تحلیلگران باتقوا و متخصّص را هم ببیند تا بتواند با کنار هم قرار دادن آنها به نتیجه برسد.

کلان‌نگری در تحلیل پدیده‌ها

کلان‌نگری در تحلیل پدیده‌ها مهم است. گاهی اوقات افراد دچار جزئی‌نگری میشوند و نمیتوانند یک نگاه ماهواره‌ای و هلیکوپتری به قضایا داشته باشند. خیلی مواقع تحلیلهایی را که حضرت آقا ارائه میدهند، انسان احساس میکند بعضی از این آقایان که خیلی هم تحلیلگرند نمیتوانند ارائه دهند؛ چون متمرکز به یک منطقه‌ی خاص میشوند نمیتوانند تحلیل رهبری را درست هضم کنند. تحلیل نیاز به وسعت دید دارد؛ اگر انسان متمرکز به منطقه‌ی خود شود ممکن است ناامید شود ولی وقتی نگاه پهنه‌ای و نگاه از بالا میکند نظرش عوض میشود.

معیار قرار دادنِ تحلیل ولیّ جامعه

تحلیل ولیّ جامعه یکی از مؤلّفه‌های تحلیل صحیح است؛ به خاطر اینکه ارتباطات و اطّلاعاتی که ایشان دارد قطعاً بیشتر از ما است؛ بعضی از اطّلاعات فوق سرّی و محرمانه‌ای که به دست ایشان میرسد به دست ما نمیرسد و نباید هم برسد. ایشان با کنار هم قرار دادن آنها به تحلیلی میرسند و میتوانند زودتر از موعد یک واقعه را پیش‌بینی کنند؛ مانند زمانی که در رابطه با ادّعای کذب تقلّب در انتخابات ۸۸ ایشان در اوّل خرداد ۸۸ این مسئله را پیش‌بینی کردند؛ همچنین نسبت به جنگ ترکیبی پاییز ۱۴۰۱

ایشـان در خرداد ۱۴۰۱ تذکّر دادند که از برخی اقدامات دشـمن معلوم بود که میخواهد از این اعتراضـات سـوءاسـتفاده کند. نوع تحلیل ایشـان کمک میکند که ما به ورطه‌ی افراط و تفریط نیفتیم.

وظیفه‌محوری و توجّه پیوسته به تکلیف خود

همچنین در تحلیلها ما باید دنبال وظیفه‌محوری باشیم؛ وظیفه محور بودن خیلی مؤثّر است.

خلاصه درس

- ملکات اخلاقی و صفات اخلاقی بر اساس تکرار در درون انسان نقش میبندند.
- بهترین فرصت برای اصلاح ملکات اخلاقی دوران جوانی است.
- در حوزه‌ی فردی خرد به معنای به کار بسـتن عقل معاش و تدبیر درست امور زندگی است.
- در حوزه‌ی اجتماعی به‌کارگیری خرد برابر با بصیرت است.
- با به‌کارگیری صحیح مؤلّفه‌ها و عناصر بصیرت انسان میتواند در مسیر درست گام بردارد.

پرسش‌های درس

۱- مقصود از ملکات اخلاقی چیست؟

۲- بهترین زمان برای اصلاح صفات در خود چه زمانی است؟

۳- خرد در حوزه‌ی فردی و اجتماعی چه بُروزی دارد؟

٤- مؤلّفه‌های اصلی بصیرت چیست؟

۵- راه تحصیل نرم‌افزار فکری امامین انقلاب چیست؟

درس یازدهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (کسب آمادگی علمی و عزم)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. بایدها و نبایدهای کسب علم
۲. مهم‌ترین مهارتهای لازم برای جوان متعهّد
۳. معنای عزم و اهمّیّت ان
٤. عوامل مخرّب عزم
٥. عرصه‌های حضور در صحنه برای یک جوان

مقدّمه

یکی از آمادگی‌های لازم برای نسل جوان تحصیل علم و دانش است. این مؤلّفه در جوانان بسیار مهم است و همواره مورد تأکید رهبر معظّم انقلاب بوده است. یکی دیگر از آمادگی‌های لازم، داشتن عزم در کار و حضور در صحنه است که هر کدام عوامل و عرصه‌های مخصوص خود را دارد که در ادامه به آن پرداخته میشود.

علم

پیشرفت علمی نتیجه‌ی پشتکار

مقوله‌ی بعدی که رهبر انقلاب از دانشجویان خواسته‌اندکه خودشان را در آن زمینه توانمند بکنند علم است. رهبر معظّم انقلاب جمله‌ی جالبی دارند که میفرمایند پیشرفت علمی نتیجه‌ی برنامه‌ریزی و پشت کار است نه نتیجه‌ی حقّانیّت؛ پس ممکن است ما انسان مؤمنی باشیم امّا رسیدن به علم زحمت خاصّ خودش را دارد.

بایدها

یک سری بایدها را در زمینه‌ی کسب علم باید رعایت بکنیم.

کسب تخصّص

جوان مؤمن و متعهّد باید به دنبال متخصّص شدن در یک رشته‌ی علمی خاص باشد. درست است که رهبر انقلاب فرمودند لازم نیست همه دانشمند یا دانشگاهی شوند زیرا ما به همه‌ی رشته‌ها و مشاغل نیاز داریم امّا کسی که دانشگاهی بودن را انتخاب کرده قاعدتاً باید همه‌ی تلاشش را بکند و لزوماً هم به استعداد و هوش بستگی ندارد. خیلی از دانشمندان بزرگ هوش خیلی بالایی نداشتند ولی پشتکار و تلاش خیلی زیادی داشتند و در نتیجه به موفّقیّت رسیدند.

آشنایی با دانشهای پیرامونی

لزوماً انسان نباید تمرکز در یک بخش از یک دانش بکند. در حال حاضر مطالعات بین رشته‌ای زیاد شده است. کسی که فقط در یک رشته‌ی مهندسی تحصیل میکند فقط تحصیل در آن رشته او را موفّق نمیکند بلکه او باید رشته‌های پیرامونی خودش را هم ببیند و با آنها آشنا باشد.

داشتن اطّلاعات عمومی

اگر تحلیلگر اطّلاعات عمومی نداشته باشد از جامعه جا میماند. بدون اطّلاعات عمومی یک دانشمند کارا ومؤثّر نمیشود.

کسب مهارتهای لازم

خلّاقیّت، ابتکار و نوآوری

این ویژگی هر چند ذاتی است ولی با آموزش میشود تا حدّی به آن دست پیدا کرد.

مدیریّت زمان و نظم

کسی که در عرصه‌ی علم قدم میگذارد، زمانی موفّق خواهد شد که نظم و مدیریّت زمان داشته باشد. در مورد حضرت امام نقل شده است میشد ساعت خود را با حرکت و برنامه‌ی ایشان تنظیم کرد؛ رهبر انقلاب با مدیریّت زمان توانست در یک زمان کوتاهی دروس عالی حوزه را به نهایت برساند و از ۲۷ سالگی شروع کردند به برون داد در زمینه‌های علمی. همچنین شهید صدر از زمان بخوبی استفاده میکردند. در بین دانشمندان غیر حوزوی هم کسانی که منظّم بودند مثل چمران و حسابی با نظم و مدیریّت زمان توانستند به جاهای بالایی برسند.

کشف استعداد

با مشورت کردن میتوان استعداد خود را کشف کرد. مثلاً انسان ببیند در زمینه‌ی کارهای فرهنگی، سیاسی یا علمی چه استعدادی دارد و در آن زمینه‌ها کار کند.

مهارتهای لازم برای فعّالیّتهای انقلابی

برای فعّالیّتهای انقلابی یک سری مهارتهایی را ما لازم داریم؛ درست است که ما باید در یک رشته‌ی دانشگاهی متخصّص شویم ولی باید یک نیروی مؤمن انقلابی هم باشیم؛ یک جایی ممکن است لازم باشد حرف بزنیم، یک جایی لازم است تدریس کنیم یا بنویسیم. تدریس کردن مهارتهایی لازم دارد. گاهی اوقات نیاز به کار هنری داریم. داشتن سعه‌ی صدر در

تحمّل مخالف هم یک مهارت است که اگر نداشته باشیم نمیتوانیم یک دانش‌پژوه موفّقی باشیم. رهبر انقلاب در این زمینه میفرمایند:

سعه‌ی صدر در مواجهه با مخالف

«لزوم شرح صدر سیاسی در بین دانشجویان. این ربطی به مسئولین و مدیران دانشگاه‌ها ندارد؛ مربوط به خود تشکّلهای دانشجویی است. من تأیید میکنم لزوم شرح صدر سیاسی را. هیچ منافاتی وجود ندارد بین پایبندی دقیق و عمیق به اصول و رعایت جهت‌گیری دقیق، در عین حال داشتن شرح صدر و برخورد غیر پرخاشگرانه‌ی با کسانی که با فکر انسان همراه نیستند؛ بالخصوص در زمینه‌های سیاسی.»[1]

مهارت روابط اجتماعی

یکی دیگر از این مهارتها مهارت روابط اجتماعی است که ممکن است در مقوله‌ی سبک زندگی هم بگنجد امّا از این جهت که یک مهارت است و قابلیّت آموزش دارد و قابلیّت تعلّم دارد ممکن است بتوانیم در دستور کار آموزشی خود قرار دهیم.

مهارتای لازِم مرتبط با رشته‌ی تحصیلی

گاهی این مهارتهای لازم در یک رشته‌ی تحصیلی را دانشجویان در بیرون دانشگاه با هزینه‌های خودشان می‌آموزند.

---

[1]. بیانات در دیدار دانشجویان ۱۶/۰۵/۱۳۹۱

تسلّط بر زبانهای خارجی

مهارت دیگر یادگیری یک زبان خارجی است؛ مثل زبان انگلیسی یا زبان عربی؛ تا انسان بتواند از دریای علوم سایر دانشمندان هم استفاده کند. بسیاری از پایان‌نامه‌ها و مقالات به فارسی ترجمه نمیشود و لازم است که انسان در زمینه‌ی زبان مهارت کسب بکند. البتّه این نکته را هم عرض بکنم که یکی از راه‌های نفوذ دشمن از طریق همین کلاسهای زبان بوده و انسان باید در انتخاب آموزشگاه و دوست و استاد در زمینه‌ی یادگیری دقّت داشته باشد.

کسب اعتبار علمی بدون افتادن در ورطه‌ی مدرک‌گرایی

باید دیگر این است که ما باید اعتبار علمی کسب بکنیم؛ شما تا وقتی که دانشمند باشید ولی دانشمندی شما شناخته نشود نمیتوانید چندان کارا و مفید باشید. حالا چگونه شناخته میشوید؟ با پژوهشهایی که میکنید، با مقالاتی که ثبت میکنید، با ارائه‌هایی که میدهید و با نشست‌هایی که برگزار میکنید؛ البتّه منظور این نیست که انسان در ورطه‌ی مدرک‌گرایی بیفتد بلکه برای اینکه عالم بشویم درس میخوانیم امّا اگر این عنوان نباشد شاید ما نتوانیم به اندازه‌ی کافی خدمت بکنیم.

نبایدها

یک دسته نبایدها هم در بحث علم‌آموزی هست که انسان باید به آنها توجّه کند.

اشتغال به «علمِ غیر نافع»

عدم اشتغال به علم غیر نافع یعنی مثل اینکه انسان به دنبال علوم غیر نافع نرود؛ مانند خیلی از علوم دانشگاهی که بازار کار ندارد یا در کشور ما کارآمد نیست و یا مسئله‌ی کشور ما نیست. پس باید در انتخاب رشته و در انتخاب گرایش مراقبت بکنیم.

بزرگ‌ترین ضایع‌کننده‌ی علم: تنبلی

یکی از نکاتی که در مقوله‌ی علم انسان باید یاد بگیرد این است که تنبلی آفت علم است؛ روایت داریم که «لایدرک العلم براحة الجسم»؛ علم با راحت‌طلبی حاصل نمیشود. علم همیشه با سختی همراه بوده. در بعضی از روایات داریم که تو خیلی برای علم کار میکنی و او مقداری از خودش را در اختیار تو قرار میدهد. لذا با سرهم‌بندی کردن، انسان فقیه و فیلسوف و دانشمند و مهندس به‌دردبخور و پزشک به‌دردبخور نخواهد شد. هر کس در این عالم به جایی رسیده است در اثر تلاش و کوشش و تحمّل سختی‌ها بوده.

بهانه کردنِ مشکلات کشور و دانشگاه

اینکه انسان گاهی اوقات میبینند که افراد روحیّه‌ی خودشان را می‌بازند به خاطر این است که مشکلات کشور خودشان را می‌بینند، مشکلات دانشگاه خودشان را می‌بینند و با کشورهای دیگر و دانشگاه‌های دیگر مقایسه میکنند؛ در حالی که این مقایسه درست نیست و باید وضع فعلی را با وضع قبلی خود مقایسه کرد و میزان پیشرفت را دید. و اگر هم بنا است

مشکلات حل شود با همّت ما است که این مشکلات مرتفع می‌گردد نه با رفتن ما. مثال خوبی است که بر زبانها افتاده است: وطن، هتل نیست که فقط از منافعش لذت ببریم. وطن، خانه است که باید بسازیمش و از بودن در آن لذت ببریم و اگر مشکلی برایش پیش آمد، خودمان باید آستین همّت بالا بزنیم.

تضییع وقت و غرق شدن در فضای مجازی

تضییع وقت و غرق شدن در فضای مجازی از مقوله‌هایی است که رهبر انقلاب بارها توصیه کردند که نباید دچارش شویم. نمیشود وقت خودمان را چهار پنج ساعت در فضای مجازی یا در بازی‌های موبایلی و غیر موبایلی بگذرانیم و بعد توقّع داشته باشیم که دانشمند هم بشویم؛ باید به خاطر کشور و به خاطر آینده‌ی خود و خانواده و از همه مهم‌تر به خاطر آینده‌ی انقلاب زحمت کشید و فداکاری کرد.

اشتغالِ بیش از حد به فعّالیّتهای سیاسی و اجتماعی

برخی از رفقای انقلابی به خاطر عدم برنامه‌ریزی درست فقط در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی فعّالیّت میکنند و در زمینه‌ی درس ضعیف میمانند. نتیجه این میشود که همینهایی که شما امروز سر کلاس درس با او اختلاف نظر داشتید فردا از مسئولین بالاسری شما و از مسئولین کشوری میشود. جوان مؤمن باید مثل شهریاری و مثل چمران و رضایی‌نژاد و فخری‌زاده و احمدی روشن باشد. این بزرگواران وقت گذاشتند وکار مبارزاتی کردند ولی در کنار آن درس هم خواندند؛ خود رهبری هم درس

میخواندند و تدریس میکردند، هم مبارزاتشـــان را پیگیری میکردند. اینها مانعةالجمع نیست.

عزم

آخرین نکته‌ای که رهبر انقلاب به عنوان مؤلّفه‌های خودســـازی دانشـــجو روی آن تأکید کردند تا دانشجویان در آینده بتوانند مفید باشند بحث عزم و اراده است.

معنا

منظور از عزم، آن نیروی درونی اســـت که عامل اراده‌ی راســـخ برای انجام کارها اســـت و یک قوّتی اســـت که به انســـان نیرو میدهد برای اینکه وارد عرصه بشود.

اهمّیّت

عزم اهمّیّتش این چنین است که به تعبیر حضرت امام، جوهره‌ی انسانیّت و میزان امتیاز انسانها از هم است و تفاوت درجات انسانی وابسته به عزم آنها است.

در دنیا

لغزیدن در پرتگاه‌های مُهلک و کوتاهی و انفعال در وظایف انقلابی از آفتهای عزم در دنیا است.

«همه آماده نیستند از راحتی و حضور پای بخاری گرم در زمستان یا کولر خنک در تابســـتان صـــرف‌نظر کنند؛ همه حاضـــر نیســـتند برای خودشان دشمن بتراشند؛ همه حاضر نیستند در یک راه دشوار عرق

بریزند و سنگلاخها را بنوردند؛ انسانی با همّت و با اراده میخواهد. پس عزم و اراده‌ی کار کردن و گذشت از راحتی و آسایش هم یک شرط است.»[1]

در قیامت

در قیامت هم کسی که عزم و اراده ندارد با حقیقت غیر انسانی محشور میشود. این بیان حضرت امام رهبر کبیر انقلاب در حدیث اوّل چهل حدیث است:

«ای عزیز بکوش تا صاحب عزم و اراده شوی که خدای‌نخواسته اگر بی‌عزم از این دنیا هجرت کنی و به عزم و اراده‌ی مستقلّ انسانی نرسیده باشی و از این دنیا هجرت کنی انسان صوری بی‌مغزی هستی که در آن عالم به صورت انسان محشور نشوی زیرا که آن عالم محلّ کشف باطن و ظهور سریره است.

انسان در ایّام حیات، لغزشگاه‌های عمیقی دارد که ممکن است در آن واحد، به پرتگاه هلاکت چنان افتد که دیگر نتواند از برای خود چاره بکند، بلکه در صدد چاره‌جویی هم برنیاید، بلکه شاید شفاعت شافعین هم شامل حال او نشود؛ نعوذ بالله منها.»

امام به خدا پناه میبرند که انسانی که عزم ندارد حتّی شفاعت هم شامل حالش نشود.

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۰۵/۰۳/۱۳۸۴

عوامل مخرّب عزم

عواملی هســت که اراده‌ی انســان را از بین میبرد؛ گناه و حب و بغضــهای غلط اراده‌ی انســان را از بین میبرد. خیلی از رفاقتهایی که ما داریم به جای اینکه به ما کمک کنند، اراده‌ی ما را از بین میبرند و ما را تنبل میکنند و باعث میشــوند که وقت خود را ضــایع کنیم. در قرآن هســت که در روز قیامت ظالم یعنی کسی که قرار است در آتش افکنده شود دست خودش را گاز میگیرد. امام میفرمودند جرئت بر معاصــی کم‌کم انســان را بی‌عزم میکند و این جوهر شریف را از انسان میرباید.

«جرئت بر معاصی کم‌کم انسان را بی‌عزم میکند و این جوهر شریف را از انسان میرباید. استاد معظّم ما(دام‌ظلّه)، میفرمودند بیشتر از هر چه گوش کردن به تغنّیات سلب اراده و عزم از انسان میکند. پس ای برادر، از معاصــی احتراز کن و عزم هجرت به ســوی حق‌تعالی نما و ظاهر را ظاهر انسان کن و خود را در سلک ارباب شرایع داخل کن و از خداوند تبارک و تعالی در خلوات بخواه که تو را در این مقصــد همراهی فرماید و رســول اکرم(صــلّی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل‌بیت او را شفیع قرار ده که خداوند به تو توفیق عنایت فرماید و از تو دست‌گیری نماید در لغزشهایی که در پیش داری.»[1]

---

[1]. شرح چهل حدیث حضرت امام(ره)، شرح حدیث اوّل

حضور در صحنه

در بحث سطوح وظایف دو گونه تقسیم‌بندی بود؛ یک تقسیم از نظر نوع مخاطب بیانیّه و یک تقسیم از نظر نوع مأموریّت. چهار کلان وظیفه برای دانشجویان گفته شد. البتّه شاید بتوانیم تولید علم و جنبش نرم‌افزاری علم و همچنین ترویج گفتمان انقلاب را ذیل حضور در صحنه ببریم امّا با توجّه به تأکیدرهبر معظّم انقلاب و نکته‌ای که درباره‌ی کار جدّی دانشجویی فرمودند، از بحث حضور در صحنه خارج کردیم.

کسب آمادگی‌های لازم در جلسه‌ی گذشته به اتمام رسید. در این بخش حضور در صحنه را میخواهیم بحث کنیم. یکی از کلمات قصار امام که تبدیل به ضرب‌المثل هم شد این بود که مؤمن متعهّد دلسوز انقلابی نگاه میکند که هر جایی که جامعه‌ی اسلامی نیاز به او دارد کمک میکند. روایت پیغمبر اکرم که فرمودند :«مَنْ أَصْبَحَ لاَ يَهْتَمُّ بِأُمُورِ اَلْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ»[1]؛ کسی که صبح کند در حالی که به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست؛ یعنی مشکلی از مشکلات مسلمانان را حل نکند یا امور مسلمین را بهبود نبخشد اصلاً اسم مسلمان واقعی نمیشود روی او گذاشت.

---

[1] کافی، ج ۲، ص ١٦٤

عرصه‌های حضور و اقدام

در تاریخ انقلاب اسلامی، مؤمنین انقلابی در عرصه‌های مختلف همواره در صحنه بوده‌اند و به تعبیر حضرت امام اگر این حضور نبود انقلاب پیروز و تثبیت نمیشد و دوران دفاع مقدّس را نمیتوانستیم پشت سر بگذاریم. بعد از حضرت امام در زمان رهبری حضرت آقا این مسیر پر فراز و نشیب را نمیتوانستیم بدون حضور مردم طی بکنیم. حضرت امام میفرمایند:

«تاکنون هر چه برکات به این جمهوری اسلامی رسیده است و هر چه پیروزی نائل این ملّت مظلوم - که در طول تاریخ مظلوم بود - عاید شده است، از حضور ملّت و همه‌ی قشرها است [که] در صحنه‌اند و از اینکه جمهوری اسلامی را از خود میدانند، چنانچه از خودشان است. اسلام اختصاص به شخصی دون شخصی ندارد. اسلام، اسلام همه است و جمهوری اسلامی خدمتگزار به همه است و مال همه است. من عرض میکنم که هم علما این مطلب را همیشه به مردم گوشزد کنند و هم مبلغین گوشزد کنند که این حضور شما در صحنه و پشتیبانی شما از جمهوری اسلامی و از مجلس و از دولت و از قوّه قضائیه و از ارتش و از سپاه پاسداران و همه، این رمز پیروزی است که عاید شما شده است و به شکرانه نعمت پیروزی، مردم را دعوت کنید به اینکه در صحنه باشند و مردم دنبال این باشند که مشکلاتی که برای دولت یا برای مجلس یا برای ارتش پیش می‌آید، ننشینند و نگاه کنند و ناظر باشند؛ در صحنه باشند و فعالیت کنند. به فعالیت شماهاست

که این جمهوری زنده مانده است و ان شاء الله، با فعالیتهای شما هم زنده و شکوفا خواهد بود.»[1]

همه مالک و مسئول انقلاب هستیم

یکی از نکاتی که رهبر انقلاب در توصیف حضرت امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) فرمودند همین انتقال مفهومی بود تحت عنوان مالکیّت انقلاب؛ همه‌ی ما باید هم خودمان این را درک بکنیم و هم به دیگران انتقال بدهیم که همه‌ی ما مالک انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی هستیم و همه‌ی ما مالک کشورمان ایران عزیز هستیم؛ کشورانسان مانند خانه‌ی او است که وقتی جایی از خانه خراب شد دیگر منتظر نمیشود کسی از بیرون بیاید خانه را تعمیرکند؛ بلکه خود انسان با کمک برادران و خواهران و فرزندان اقدام به ترمیم منزل میکند؛ همچنین اگر برای خانواده و منزل اتّفاقی بیفتد همه‌ی اعضا می‌آیند و کمک میکنند تا مشکل رفع شود. برای رشد کشور از همین فهمی که امام خمینی به ما درباره‌ی جمهوری اسلامی دادند میشود استفاده کرد.

ماهیّت حضور در صحنه

به اقدام بموقع و حضور در صحنه از چند جهت میشود نگاه کرد؛ یک جهت، جهت بالا بردن نام الله و حاکمیّت الله بر کره‌ی زمین است که به معنای واقعی تعبیر قیام لله را میتوانیم به همین معنای حضور در صحنه

---

[1]. صحیفه‌ی امام خمینی(ره)، ج ۱۷، ص۱۱۷ -۱۲۸؛۱۱ آذر ۱۳۶۱

ترجمه کنیم؛ چرا که در راستای مبارزه با توطئه‌ی دشمن است و چون دشمن در همه‌ی صحنه‌ها حضور دارد از این جهت میشود حضور در صحنه را تحت عنوان جهاد یا قیام لله تعبیر کرد که هر دو قابل انطباق بر همدیگر هستند.

اهمّیّت حضور در صحنه

اقدام بهنگام و حضور در صحنه خیلی مهم است. رهبر معظّم انقلاب بارها بر بهنگام بودن اقدام تأکید کرده‌اند. مثلاً انسان بعد از اینکه راه‌پیمایی تمام شد در خیابان حضور پیدا کند فایده‌ای ندارد؛ جمع رفته و دیگر کسی نیست. گاهی اوقات تأخیر حضور در صحنه خسارتهای سنگین و جبران‌ناپذیری میزند. رهبر انقلاب در این زمینه میفرمایند:

«کار وقتی‌که در وقت خود انجام گرفت، تأثیر میکند یا تأثیر آن افزایش پیدا میکند. همان کار را اگر گذاشتیم بیات شد، مدّتی گذشت و بعداً انجام گرفت، گاهی اثر نمیکند یا اثر کمی میکند. فریضه وقت دارد، در وقت خود باید فریضه را انجام داد؛ بهترین وقت انجام فریضه هم اوّل وقت - وقت فضیلت - است. خب، بعضی اصلاً فریضه را انجام نمیدهند، [میگویند] بی‌خیال؛ بعضی انجام میدهند امّا با تأخیر؛ بعضی میگذارند وقت که گذشت انجام میدهند، مثل توّابین؛ توّابین آن وقتی که باید می‌آمدند - که عاشورا بود - نیامدند، وقتی آمدند که کار از کار گذشته بود. یا قیام مردم مدینه با رهبری عبداللهبن‌حنظله؛ آمدند در مقابل یزید ایستادند، قیام کردند، حاکم مدینه را بیرون کردند، امّا دیر؛ آن وقتی که شنیدند که

حسین‌بن‌علی(علیهماالسّلام) از مدینه خارج شد، آن وقت باید به این فکر می‌افتادند، نیفتادند؛ دیر به فکر افتادند، یک سال بعد [به فکر افتادند]؛ نتیجه هم همانی شد که تاریخ ثبت کرده است؛ قتل‌عام شدند، تارومار شدند، نابود شدند، هیچ کاری هم نتوانستند بکنند. کار را در وقت باید انجام داد. خب، اگر بخواهیم کار را در وقت انجام بدهیم، بایستی فریضه را بشناسیم، بدانیم چه کاری باید انجام داد تا آن را در وقت خود انجام بدهیم.»[1]

عرصه‌های حضور

منظور از عرصه‌های حضور در صحنه کدام صحنه‌ها است؟ هر جایی که انقلاب نیاز دارد، ایران عزیز نیاز دارد. این بیان رهبر انقلاب در این زمینه وافی به مقصود است:

«میدان چالشهای حیاتی و اساسی. میدانها و چالشهای اساسی زندگی چیست؟ فقط آن وقتی است که به کشوری حمله شود و مردم آن کشور به صحنه بیایند تا از مرزهای خودشان دفاع کنند؟ البتّه که نه؛ این فقط یکی از موارد به میدان آمدن است. آن وقتی هم که هویّت ملّی و سیاسی یک ملّت مورد مناقشه قرار میگیرد، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که به فرهنگ و اعتقادات و باورهای ریشه‌دار یک ملّت اهانت میشود و آن را تحقیر میکنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که نسل برگزیده‌ی یک ملّت احساس میکنند از غافله‌ی

---

[1] بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۵

دانش عقب مانده‌اند و باید علاجی بکنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که احساس بشود پایه‌های یک زندگی مطلوب و عادلانه در کشور احتیاج به تلاش دارد تا ترمیم و یا استوار شود، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که جبهه‌های فکری و فرهنگی دنیا برای تسخیر ملّتها با ابزارهای فوق مدرن می‌آیند تا ملّتی را از سابقه و فرهنگ و ریشه‌ی خود جدا کنند و براحتی آن را زیر دامن خودشان بگیرند، جای به میدان آمدن است. همه‌ی اینها انسانهایی را میطلبد که نیاز را احساس کنند؛ آدمهای گیج و غافل و سرگرم نیازهای حقیر اصلاً این نیازها را احساس نمیکنند. آن روزی هم که مرزهای ما به وسیله‌ی هزاران چکمه‌پوش نظامی تهدید میشد، در کشور ما کسانی بودند که اگر به آنها گفته میشد خاک و وطن و ملّت و حیثیّت و غیرت ما را دارند لگدکوب میکنند، تو هم بیا کاری بکن، میگفت برو بابا، دلت خوش است! حواسش به این نیاز نبود و حس نمیکرد که چنین نیازی وجود دارد. پس اوّل، احساس نیاز است.»[1]

عرصه‌های حضور متنوّع است؛ هر جایی که انسان نگاه بکند میبیند که وظایفی بر عهده دارد. اگر همه‌ی ما به این وظایف واقف باشیم و عمل کنیم آن وقت خواهیم دید که کشور ما پیشرفته‌تر از این خواهد شد و کشور تبدیل به گلستان میشود. البتّه اگر انسان بتواند به صورت فردی هم اقدام به فعّالیّت کند خوب است امّا بهترین کار این است که در قالب حلقه‌های

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۰۵/۰۳/۱۳۸۴

میانی کارهای تشکیلاتی انجام بگیرد. بویژه دانشجویان که تشکّلهای متفاوتی در دانشگاه‌ها دارند میتوانند در ضمن آن تشکّلها به کار جمعی بپردازند؛ حالا مشارکت سیاسی عرصه‌های متفاوتی دارد؛ مثل انتخابات، راه‌پیمایی‌ها، حمایتهای گروهی که یک موقعی لازم است انسان انجام بدهد؛ مانند استقبالهایی که از مسئولین میشود. اینها یک مشارکت و یک نشان دادن توجّه و اهتمام است نسبت به حاکمیّت.

درباره‌ی انتخابات حضرت امام یک وصیّتی دارند خطاب به مردم که میفرمایند:

«وصیّت من به ملّت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب میکنند روی ضوابطی باشد که اعتبار میشود.

مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجّه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیّه و قانون انتخاب نکنند، چه‌بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول میباشند.

از این قرار، عدم دخالت ملّت، از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه‌ی بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام میباشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آتیه؛ و

چه‌بسا که در بعضي مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.

پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، وَالّا کار از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم، چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملّت در سرتاسر کشور در کارهایی که محوّل به او است بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد.»[1]

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی در واقع پشتوانه‌ی مقبولیّت نظام اسلامی است. دشمن نگاه میکند و حضور ما را رصد میکند. اینکه در قرآن کریم دارد که گاهی اوقات قدمهایی که شما برمیدارید اگر باعث غضب دشمن بشود برای شما حسنه نوشته خواهد شد، نکته‌ی بسیار مهمّی است. سخن فوق از یک فقیه و فیلسوف و اسلام‌شناسی مانند امام خمینی آن هم در وصیّت‌نامه‌اش، واقعاً اهمّیّت بسزایی دارد و قابل توجّه است. گاهی اوقات یک راه‌پیمایی پرشور، یک انتخابات پرشور، کار صدها مانور را انجام میدهد؛ برای اینکه دشمن اقتدار را میبیند و فکر خطا به ذهنش نمیزد.

دفاع از کشور و انقلاب

عنصر بعدی دفاع از کشور و انقلاب است. ما باید این روحیّه را در خودمان داشته باشیم. رهبر انقلاب در سال ٦٨ در ضمن پیامی فرمودند:

---

[1]. وصیّت‌نامه‌ی سیاسی الهی امام خمینی(ره)

«اینک ما در دورانی قرار گرفته‌ایم که جهاد فی‌سبیل‌الله در شکلی اگرچه نه به صراحت دوران جنگ، امّا با همان دشواری‌ها و شاید با ظرافت بیشتر، بر دوش همه‌ی ما است. جهاد در این دوران، برای آنان که در نیروهای مسلّح یا وابسته به آنند، مستلزم اموری چند است؛ نخست، حفظ آمادگی روحی برای دفاع از انقلاب و کشور و نظام جمهوری اسلامی. از پیامبر اکرم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) نقل شده است که «مَن لَم یَغزُ وَ لَم یُحَدِّث نَفسَهُ بِالغَزوِ ماتَ عَلی شُعبَةٍ مِن نِفاق»؛[1] یعنی آن کسی که در میدان نبرد نباشد یا در دل و جان، حدیث جهاد بر خود نخوانَد، به گونه‌ای از نفاق، زندگی را ترک خواهد گفت.»[2]

پس اگر کشورمان نیازمند مقابله‌ی نظامی بود باید آمادگی داشته باشیم و بتوانیم اقدام کنیم.

شهید مطهّری درکتاب شهید میفرماید: وظیفه‌ی ما در مقابل حماسه‌ی شهید دو چیز است؛ یکی اینکه روحیّه‌ی شهادت را در خودمان و در

---

[1] صحیح مسلم : ۱۵۸/۱۵۱۷/۳

[2] . پیام به مجمع سالانه‌ی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین سراسر کشور ۲۶/۰۶/۱۳۶۸

جامعه‌مان ایجاد کنیم که اگر موقعی لازم شد در مسیر اهداف بلندمان جان بدهیم افراد زیادی بتوانند داوطلب شوند.

این هم یک نکته‌ی مهمّی است که یکی از عرصه‌های مهمّ حضور در صحنه است و خیلی از شهدای ما از این طریق راهشان را به طرف خداوند انتخاب کردند و پر کشیدند.

کار فرهنگی خودجوش و تمیز

کار فرهنگی و به تعبیر حضرت آقا اقدام آتش به اختیار، از دیگر عرصه‌های حضور است که از اهمّیّت بالایی برخوردار است؛ ما خودمان که الان به این سن رسیده‌ایم و در مسیر انقلاب هستیم و از نعمت انقلاب اسلامی و نعمت حضور در جامعه‌ی اسلامی بهره‌مند میشویم به برکت فعّالیّت فرهنگی مربّیانمان در مدارس و مساجد و پایگاه‌های بسیج و... است. با کار فرهنگی گذشتگان، طاغوت سرنگون شد، انقلاب پیروز شد و جنگ تحمیلی به پیروزی رسید. پس اگر ما توان داشته باشیم چه کاری بهتر از اینکه کار فرهنگی انجام بدهیم. در مقابل تهاجم فرهنگی کار فرهنگی بود که حججی‌ها و صدرزاده‌ها را پرورش داد؛ رهبر انقلاب فرمودند در همان دورانِ تهاجم فرهنگی بود که اینها تربیت یافتند.

مربّیان فرهنگی سربازان گمنام عرصه‌های فرهنگی هستند و هر کس میتولند - چه برادران، چه خواهران - وارد این عرصه شوند. حدّاقل این است که کمک‌کار و دستیار فرهنگی بشوند. اگر هم توان کار فرهنگی ندارند به عنوان نیروی پشتیبانی کار بکنند؛ مانند کسانی که در هیئتها نه

خوانندگی بلد بودند و نه مدّاحی و نه سخنرانی امّا میرفتند کفش جفت میکردند یا چایی میدادند یا ظرف می‌شستند. هر کس به اندازه‌ی توانش در کارهای فرهنگی فعّالیّت بکند. یکی ممکن است بتولند فقط هزینه خرج کند یا از اعتبارش خرج بکند و اردوگاهی فراهم کند. این کار فرهنگی کار بسیار مهمّی است.

«ما چند سال قبل از این بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم؛ بعضی‌ها اصل تهاجم را منکر شدند؛ گفتند چه تهاجمی؟ این بازی‌های اینترنتی از جمله‌ی همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور میشود از جمله‌ی همین است.»[1]

خب در مقابل اینها باید چه کار کرد؟ در مقابل اینها دو چیز لازم است: یکی کار، یکی ابتکار. به همین جهت حضرت آقا بارها به تشکیل هسته‌های فرهنگی اشاره کرده‌اند:

«من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملیِ جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتّباً میگویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار. البتّه در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، امّا اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستورِ آتش به اختیار میدهد.»[2]

---

[1]. بیانات در دیدار اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۰۹/۱۳۹۲

[2]. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۷/۰۳/۱۳۹۶

«آتش به اختیار به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آتش به اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحّاشی و طلبکار کردن مدّعیانِ پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همّت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند.»[1]

همان طور که رهبر انقلاب فرمودند کار فرهنگی فقط کار تربیتی نیست بلکه میتواند کارهای هنری باشد، ساخت کلیپ و فعّالیّتهایی از این دست باشد. یقیناً کار تربیتی یکی از مصادیق کار فرهنگی است ولی منحصر در آن نیست.

حضرت آقا فرمودند گاهی اوقات شما میتوانید با هنرهای تجسّمی مفهومی را برسانید. هنرهای نمایشی و سرودهایی مانند سرود سلام فرمانده که دانش‌آموزان در خلوت خودشان و در مسیر حرکتشان آن را زیر لب زمزمه کنند.

البتّه باید مراقبت کرد که هنر مسموم یا هنر غیر شرعی وارد هنر اسلامی و انقلابی نشود که مانند فضله‌ای خواهد بود در ظرف غذا. در کنار این مراقبت حتماً باید هر کس در حدّ توان خودش و با هنر خودش وارد عرصه و میدان شود.

---

[1]. خطبه‌های نماز عید فطر ۰۵/۰۴/۱۳۹۶

خلاصه درس

- پیشرفت علمی نتیجه‌ی برنامه‌ریزی و پشتکار است نه نتیجه‌ی حقّانیّت.
- رعایت بایدها و نبایدهای کسب علم مانع از انحراف در مسیر پیشرفت علمی میشود.
- منظور از عزم آن نیروی درونی است که عامل اراده‌ی راسخ برای انجام کارها است.
- حضور در صحنه باعث پیشرفت انقلاب از ابتدا شده است.
- همه مالک و مسئول انقلاب هستند.
- آتش‌به‌اختیار به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است.

پرسش‌های درس

۱- بایدها و نبایدهای کسب علم چیست؟
۲- برخی از مهارتهای مهم برای جوان متعهّد را نام ببرید.
۳- معنای عزم چیست؟
٤- عوامل مخرب عزم را نام ببرید.
٥- عرصه‌های حضور در صحنه برای جوان چرا نام ببرید.
٦- معنای آتش به اختیار چیست؟

درس دوازدهم: انواع وظایف در گام دوّم انقلاب (حضور در صحنه)

اهداف آموزشی

آشنایی با

۱. توجّه به اهمّیّت جهاد تبیین
۲. انواع جهاد تبیین
۳. ملزومات جهاد تبیین
٤. شروط جهاد تبیین
٥. اهمّیّت تواصی به صبر
٦. توجّه به دغدغه‌ی معیشت مردم

مقدّمه

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور جوانان، جهاد تبیین است. جهاد تبیین از دغدغه‌های مهمّ رهبر انقلاب است که ایشان در بیانات مختلف به ابعاد گوناگون آن و ملزومات و شروط آن پرداخته‌اند.

تقابل با جنگ شناختی و جهاد تبیین

یکی از کارهای مهم که به تعبیرآقا مهم‌ترین جهادها است، تقابل با جنگ شناختی است که تعبیر جهاد تبیین را رهبر انقلاب دراین‌باره به کار برده‌اند.

ملزومات جهاد تبیین

جهاد یعنی کار سخت و همراه با مشکل

قاعدتاً باید بدانیم که جهاد تبیین بخصوص در شرایط فتنه و شرایط جنگ ترکیبی و حمله مشکل است. هر چقدر هم کار سخت‌تر باشد ثوابش بیشتر خواهد بود.

جهاد تبیین یعنی اِقناع نه اسکات

مهم‌ترین نکته در جهاد تبیین اقناع است نه اسکات؛ یعنی ما میخواهیم مردم را اقناع بکنیم نه اینکه ساکت بکنیم؛ ممکن است شما بتوانید مردم را ساکت بکنید ولی دل ایشان با شما صاف نشود. ممکن است شما با

مغالطه بتوانید مخاطب را به گوشـــه‌ی رینگ ببرید ولی این جهاد تبیین نیســـت؛ جهاد تبیین حتماً باید همراه با اقناع باشـــد؛ زیرا رهبر انقلاب فرمودند تا ذهنها و قلبها اقناع نشـــود دســـتها و قدمها به کار نمی‌افتد. پس وظیفه‌ی ما این اســـت که روش اقناع دیگران را یاد بگیریم نه اینکه ســـاکت بکنیم.

فراموش نکردن فضای حقیقی

اهمّیّت فضـــای مجازی قابل انکار نیســـت و امروزه به تعبیر رهبر انقلاب «**اسمش فضای مجازی است در حالی‌که واقعاً فضای حقیقی است؛ یعنی این فضا درون زندگی بسیاری از مردم حضور دارد.**»[1] امّا در کنار این بحث، اصـــل ارتباط حقیقی و حضـــوری و اثر ویژه‌ی آن، از جایگاه والایی برخوردار اســـت. بیانی از رهبر انقلاب خطاب به طلّاب وجود دارد که برای همه‌ی اقشار میتواند کارکرد داشته باشد:

«امروز اینترنـت، مـاهواره، تلویزیون و ابزارهـای گونـاگون ارتبـاطیِ فراوان هســـت، امّا هیچ‌کدام از اینها منبر نیســـت؛ منبر یعنی روبه‌رو و نفس‌به‌نفس حرف زدن؛ این یک تأثیر مشـــخّص و ممتازی دارد که در هیچ کدام از شـــیوه‌های دیگر، این تأثیر وجود ندارد. این را باید نگه داشت؛ چیز باارزشی است؛ منتها بایستی آن را هنرمندانه اداء کرد تا بتواند اثر ببخشد.»[2]

---

[1] بیانات در دیدار طلّاب حوزه‌های علمیّه‌ی استان تهران ۱۳۹۶/۶/۶

[2] بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان در آستانه‌ی ماه محرّم ۱۳۸٤/۱۱/۵

انواع جهاد تبیین

درمانی: تحریف‌زدایی از حقایق

آقا فرمودند مبالغه نمیکنم و از روی اطّلاع عرض میکنم که هزاران مجموعه با پشتیبانی‌های هنری و امنیّتی و مالی بر علیه ذهن جوانهای ما کار میکنند؛ این مستلزم آن است که ما در برابر تحریف حقایق اقدام بکنیم.

«توجّه داشته باشید: مهم این است که در هر دوره‌ای از دوره‌ها ما بفهمیم دشمنیِ دشمن چگونه است و چه کار دارد با ما میکند؛ نقشه‌ی دشمن را بفهمیم؛ امروز جنگ ما کجا است؟ خب گفته میشود جنگ اقتصادی، درست هم هست؛ لکن یک جنگ دیگری هم هست که از آن جنگ، خیلی اوقات غفلت داریم؛ اهمّیّت آن جنگ، کمتر از جنگ اقتصادی نیست، بلکه گاهی زمینه‌ساز تأثیر جنگ اقتصادی است؛ آن جنگ چیست؟ آن جنگ، جنگ رسانه‌ای، جنگ فضاسازی عمومی، جنگ تبلیغاتی است؛ نباید از این جنگ غفلت کنیم. امروز بیشترین تحرّک دشمنان ما علیه ما بیش از تحرّکات امنیّتی و اقتصادی، تحرّکات تبلیغاتی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای است. امروز انبوهی از رسانه‌ها - نمیشود شمرد، بخصوص با این وضع فضای مجازی - با هزاران متخصّص، متخصّص هنر، متخصّص رسانه، متخصّص علوم ارتباطات، با پشتیبانی مالی انبوه، با پشتیبانی امنیّتی انبوه در کارند؛ برای چه؟ برای اینکه در نظام جمهوری اسلامی افکار را برگردانند، مذاقها را برگردانند، ایمانها را و

باورها را تضعیف کنند، تخریب کنند. امروز یک سیاست قطعیِ رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی و معاند اسلام این است که واقعیّتها را تحریف کنند، و مشغولند؛ دائم دارند کار تحویل میدهند در تحریف واقعیّتها و دروغ‌پردازی.»[1]

این قدر هم با جرئت و قاطعیّت این دروغ را میگویند که هر کسی گوش کند، خیال میکند که این راست میگوید؛ خیلی خونسرد و محکم و قاطع حقیقت را ۱۸۰ درجه وارونه نشان میدهند و جای ظالم و مظلوم را اینها عوض میکنند.

«هر چه میتوانند چهره‌ی انقلاب را، چهره‌ی امام را، فعّالیّتهای این چهل سال را مخدوش میکنند؛ تا آنجایی که از عهده‌شان برمی‌آید سعی میکنند این را مخدوش کنند. از پیشرفتها، از نقاط مثبت، نقاط قوّت، مطلقاً نشانه‌ای در این مجموعه‌ی امپراتوری رسانه‌ای غرب شما مشاهده نمیکنید؛ کتمان حقایق. متقابلاً اگر یک نقطه‌ضعفی وجود دارد - که البتّه وجود دارد؛ هیچ کشوری و هیچ نظامی بدون نقطه‌ضعف نیست - یک نقطه‌ضعف کوچک را صد برابر بزرگ میکنند و نشان میدهند؛ این یک کار عجیبی است که امروز انجام میگیرد. به همین جهت است که «جهاد تبیین» یک فریضه است.

---

[1]. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۰۶/۱۰/۱۳۹۶

«جهاد تبیین» یک فریضه‌ی قطعی و یک فریضه‌ی فوری است و هر کسی که میتواند [باید اقدام کند].»[۱]

«وقتی افکار عمومی یک ملّت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملّت هم طبعاً طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت.»[۲]

«خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملّت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدفهای بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتنِ افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است.»[۳]

«هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش میکنند، تلاشهای علمی زیادی میکنند، تلاشهای اقتصادی میکنند که خوب و بجا است، امّا جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است... حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه‌ی دشمن، میشود جهاد.»[۴]

---

[۱]. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۴۰۰

[۲]. بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۵/۱۴۰۰

[۳]. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۰۵/۰۷/۱۴۰۰

[۴]. بیانات در دیدار مدّاحان اهل‌بیت(ع) ۰۳/۱۱/۱۴۰۰

«در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت - این جنگی است بین اینها - ما در کجای این جبهه قرار داریم و حضور داریم؟»[۱]

«متولّیان رسانه‌ها در درجه‌ی اوّل مسئولند؛ چه رسانه‌ی ملّی و چه سایر رسانه‌های گوناگون، چه فضای مجازی، چه مجموعه‌ی مطبوعات، همه موظّفند در این زمینه وارد این میدان بشوند و هر کسی که یک مرکزی و منبری برای حرف زدن با افکار عمومی جامعه دارد، در این زمینه موظّف است. در کشور هزاران حماسه به وجود می‌آید؛ در طول این سالها، در طول این چهار دهه در کشور چقدر کارهای بزرگ انجام گرفته، چقدر کارهای حماسه‌آمیز انجام گرفته! خب اینها بایستی بیان بشود.»[۲]

«شما روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت میکند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت میکند.»[۳]

---

[۱]. بیانات در دیدار مدّاحان اهل‌بیت(ع) ۰۳/۱۱/۱۴۰۰

[۲]. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۴۰۰

[۳]. بیانات در دیدار پرستاران و خانواده‌ی شهدای سلامت ۲۱/۰۹/۱۴۰۰

هجومی: به دشمن‌پرستان و وادادەها

در جهاد تبیین یک قسمی هم وجود دارد تحت عنوان قسم هجومی که به تعبیر ضرب‌المثل معروف بهترین دفاع حمله است. به چه کسی باید هجوم بکنیم؟ ما که دسترسی به شهروندان دشمن نداریم. بله درست است فعلاً امپراتوری رسانه و فضای مجازی در اختیار آنها است و دسترسی به آنها سخت است؛ امّا کسانی را در اطراف خودمان داریم که ظاهراً هم‌وطن ما هستند ولی از پیشرفتهای دشمن بیشتر خوشحال میشوند و از پیشرفت انقلاب اسلامی و کشور خودمان ناراحت میشوند؛ دیدید در بازی‌ای که ایران و انگلستان داشت وقتی ایران باخت آنها خوشحال شدند و به خیابانها آمدند؛ اگر اینها در مقام دفاع قرار بگیرند فرصتشان خرج دفاع کردن میشود.

«ما در حال یک نبرد فرهنگی، یک نبرد جنگ نرم هستیم یعنی به ما تهاجم شده؛ تهاجم نرم، آن هم با ابزارهای پیشرفته و بسیار نو و با توانایی بسیار بالا؛ به ما حمله شده. خب ما باید اوّل این را تصدیق کنیم، باید اوّل قبول کنیم که ما در حال یک جنگیم، ما مورد تهاجم قرارگرفته هستیم. اگر چنانچه این شد، آن وقت بایستی همه‌ی نیرو را متمرکز کنیم در ضربه زدن به مهاجم و جلوی هجوم او را گرفتن. هدف مهاجم، آماج کار مهاجم چیست؟ فرهنگ ما است، اخلاق ما است، خانواده‌ی ما است، هویّت ما است، تاریخ ما است.

در مقابل، ما بایستی یک جبهه‌ی قویِ توانایی ایجاد کنیم که این جبهه بتولند پاسخگو باشد. آن جبهه متشکّل از کیست؟ از هنرمند،

روشنفکر، عنصر فرهنگی؛ یعنی شماها هستید، شماها و امثال شما آقایان و دوستانی که در بخش فرهنگ و در بخش هنر مشغول کار هستید.»[1]

رهبر انقلاب در ۱۹ بهمن سال ۱۴۰۰ هم تأکید کردند که ما باید از لاک دفاعی خارج شویم و وارد میدان هجوم شویم.

پیشگیرانه: تعمیق با انتقال معارف

نوع دیگر جهاد تبیین، جهاد تبیین پیشگیرانه است که رهبر انقلاب در اواخر سال ۱۴۰۰ در دیدار با خبرگان به این مطلب اشاره کرده و فرمودند: مؤثّرترین سلاح نشر معارف است.

«گفتیم خواص آماجند لکن در بین خواص عدّه‌ی زیادی، مجموعه‌های عظیمی از خواص بحمدالله امروز هستند - از پروردگانِ حوزه و دانشگاه، بخصوص جوانها - که اینها هم بابصیرتند، هم پُرانگیزه هستند و میتوانند به معنای واقعی کلمه یک ستونی باشند، یک استوانه‌ی مستحکمی باشند. البتّه دشمن هم بشدّت در حال تلاش است، بشدّت در حال اثرگذاری و نفوذ است. خب حالا چه کار کنیم در مقابل این حرکت دشمن؟ جهاد تبیین... سلاح تبیین یک بخش نرم‌افزاری مهمّی دارد؛ در اینجا بایستی نوآوری صورت بگیرد، بایستی سخن نو گفته بشود و شیوه‌ی نو در

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صدا و سیما ۲۴/۰۸/۱۳۹۷

بیان ذکر بشود. و به نظر من امروز آن چیزی که میتواند به بهترین وجهی به صورت یک سلاح مؤثّری عمل کند، تبیین مفاهیم عالی اسلامی است در زمینه‌های مختلف. ما در زمینه‌ی مسائل معرفتی، مسائل معارفی، حرفهای نگفته زیاد داریم.»[1]

شما مثل تجربه‌ی کرونا، دو گونه میتوانید یک نفر را واکسینه کنید: یک وقت شما صبر میکنید ویروس وارد بدن شود بعد درمان کنید؛ یک وقت به او زره میپوشانید و ایمنی را بالا میبرید. شمایی که این مطالب را میخوانید در برابر برخی شبهات واکسینه هستید؛ هنوز هم که هنوز است با شوق پیاده حرکت میکنید به سمت حرم ابی‌عبدالله(علیه‌السّلام) اگرچه که شبهات فراوانی ممکن است برایتان مطرح کنند؛ بنابراین باید کاری بکنیم که جوانان و نوجوانان ما به این حد از ایمنی برسند.

معارف را باید به آنها بگوییم؛ معارف هم به این معنا نیست که لزوماً برای آنها کلاسهای عقیدتی بگذاریم؛ گاهی اوقات برخی از گلوگاه‌های اعتقادی هست که در مواقع شبهه دست آدم را میگیرد؛ روی آنها تمرکز بکنیم. آثار امام و رهبر معظّم انقلاب خیلی مؤثّر است؛ بعد از آن انسان سراغ اندیشمندان دیگر هم میرود. اگر ما جهاد تبیین را انجام ندهیم شبهات که تمام نمیشود و هر روز هم به تعداد آنها افزوده میشود و یک اژدهای هفت هزار سر میشود؛ بنابراین نتیجه این میشود که بابد یک عمر کنار فرزندانمان باشیم و شبهاتشان را پاسخ دهیم؛ در حالی که اگر اینها

---

[1]. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۹/۱۲/۱۴۰۰

واکسینه شوند شما میتوانید آنها را رها کنید و اتّفاقی هم برایشان نمی‌افتد؛ مثل خیلی از این شهدای ما که در مناطقی بودند که پر از شبهه و گناه بود ولی آنها جان سالم به در بردند.

شروط جهاد تبیین

چند شرط مهم در اینجا برای جهاد تبیین وجود دارد که باعث میشود تبیین بخوبی صورت بگیرد و از برخی آفتها در امان باشد.

۱. تقویت ایمان و اخلاص

اوّلین شرط جهاد تبیین تقویت ایمان و اخلاص است؛ چون کار تبیین کار سختی است بنابراین به ایمان و اخلاص نیاز داریم وگرنه میدان را رها میکنیم و خسته میشویم.

۲. محبّت و عنصر عاطفه

کسی از حضرت کاظم(علیه‌السّلام) سؤال کرد که بعضی از موالیان و دوستان شما هستند که اهل گناه کبیره هستند و مشروب میخورند، آیا اجازه میدهید که از اینها برائت بجوییم؟ آقا فرمودند خیر، از عملشان برائت بجویید نه از خودشان؛ به اینها بگویید فاسق‌العمل، خبیث‌الفعل ولی بگویید طیّب‌الرّوح. خدا که پیامبرانش را به سوی بت‌پرستان میفرستد دوست دارد آنها هدایت شوند؛ ما این سنّت الهی و سنّت نبوی را یاد بگیریم. عنصر عاطفه کار را تمام میکند. در جهاد تبیین که قرار است قلب را همراه بکند این همراهی قلوب با عاطفه اتّفاق می‌افتد.

۳. رعایت اولویّتها و اصلی و فرعی کردن

از آنجا که جهاد تبیین بنا است خنثی‌کننده‌ی نقشه‌ی دشمن در جنگ شناختی باشد، فلذا لازم است نقاط تمرکز دشمن را هدف بگیرد و گاهی اوقات، فراموش کردن اولویّتها و پرداختن به مسائل فرعی و درجه‌ی دو و سه، انسان را از وظیفه‌ی اصلی بازمیدارد.

٤. واکنش سریع (اقدام بهنگام)

جهاد تبیین، نیاز لحظه را رفع میکند و گاهی قضا شدن جهاد تبیین، به گونه‌ای خواهد بود که امکان جبران برای انسان وجود نخواهد داشت. اصلاً اجر جهاد تبیین برای جایی است که تلاش و جهاد و تحمّل سختی‌های تبیین، معنا داشته باشد و خیلی از موارد پس از گذشتن زمان لازم، دیگر جهاد معنا نخواهد داشت.

۵. کسب مهارت و اطّلاعات

جهاد تبیین مثل هر جهاد دیگری نیازمند اطّلاعات لازم و مهارتهای مورد نیاز است که اجمالاً به برخی از مهم‌ترین‌های آن، اشاره میگردد:

هنرمندانه بودن

باید از هنرهای تجسّمی یا گرافیکی و هنر بیان هم استفاده کرد. رهبر انقلاب در جایی فرمودند اگر فکر انقلابی امام در قالب هنر عرضه نشود برای نسلهای آینده چیز بیگانه‌ای خواهد بود؛ خصوصیّت هنر این است که اعتقادات را ماندگار میکند.

سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای خیلی مهم است وگرنه خودمان در جهاد تبیین فریب میخوریم.

پاسخ به شبهه

مهارت پاسخ به شبهه هم مهم است. گاهی شما یک شبهه را پاسخ میدهید و می‌بینید که طرف مقابل حرکت دیگری انجام میدهد. پاسخ دادن به شبهات مانند حرکت یک شطرنج‌باز است. ما باید بتوانیم چند پلّه‌ی بعدی را پیش‌بینی کنیم.

خوب شنیدن

خوب شنیدن نصف مشکل را حل میکند. اجازه بدهید مخاطب خوب وکامل حرفش را بزند؛ گاهی اوقات مخاطب شبهه ندارد فقط گوش شنوا میخواهد؛ خداوند درباره‌ی پیغمبر اکرم فرمودند که اذن خیر است؛ یعنی گوش شنوایی است.

٦. رعایت اخلاق و تقوای قلم و زبان

رعایت تقوا و اخلاق در جهان تبیین اهمّیّت بسزایی دارد.

»در مسئله‌ی اخلاق، این نکته را هم عرض بکنم - این را بعداً میخواستم عرض کنم؛ چون میترسم وقت بگذرد، جلوتر عرض میکنم؛ زیرا جزو اساسی‌ترین مسائل است - پرهیز از قول به غیر علم، از غیبت، از تهمت. من خواهش میکنم شما جوانهای عزیز به

این مسئله اهتمام بورزید. همین طور که در زمینه‌های مختلف اهتمام به طهارت عملی دارید - به نماز اهتمام دارید، به روزه اهتمام دارید، به پرهیز از تعرّضهای جنسی اهتمام دارید - به این مسئله هم اهتمام داشته باشید. اگر چنانچه ما چیزی را به کسی نسبت بدهیم که در او نیست، خب این میشود تهمت. اگر چنانچه چیزی را بگوییم که به آن علم نداریم؛ مثلاً یک شایعه است - یک نفری یک حرفی را از قول یکی نقل میکند، ما هم همان را دوباره تکرار میکنیم - خب، این کمک کردن به شایعه است، این شایعه‌پردازی است؛ قول به غیر علم است. قول به غیر علم، خود قولش هم اشکال دارد، عمل کردن به آن امر غیر معلوم و بدون علم هم اشکال دارد؛ «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»[1]. «**لا تقف**»، **یعنی چیزی را که علم به آن نداری، دنبال نکن، دنبال نرو. دنبال کردن، هم در زمینه‌ی عمل هست، هم در زمینه‌ی گفتار هست. وقتی شما یک چیزی را گفتید که به آن علم ندارید، این هم اختفای امری است که انسان به آن علم ندارد. لذا دنبالش میفرماید:** «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَـٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولًا»[2].[3]

«امروز در فضای مجازی انسان گاهی اوقات بی‌عدالتی مشاهده میکند؛ خلاف میگویند، تهمت میزنند، دروغ میگویند، قول به غیر

---

[1]. سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۳۶

[2]. سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۳۶

[3]. بیانات در دیدار دانشجویان ۱۶/۰۵/۱۳۹۱

علم میگویند؛ اینها بی‌عدالتی است، اینها نباید انجام بگیرد. آن کسی که با فضای مجازی سر و کار دارد، باید خودش مراقبت کند، و آن کسی که فضای مجازی را در اختیار دارد، بایستی مراقبت مضاعف بکند که این کارها انجام نگیرد. یاد بگیریم، عادت کنیم که عادلانه با مردم رفتار بکنیم؛ عادلانه. حرف هم که میزنیم، شما ممکن است با یک نفری بد باشید، او را قبول هم نداشته باشید؛ عیبی ندارد، نظر شما است، ممکن است نظر درستی هم باشد امّا این را با تهمت، با دروغ، با اهانت، با این چیزها نبایستی آلوده کرد؛ آلوده شدنِ اینها خیلی بد است.»[1]

۷. استقامت و تکرار (غیرملال‌آور)

نکته‌ی بعدی استقامت و تکرار است. دشمن ۲۰۰ تا شبهه به سمت برادر و خواهر ما می‌فرستد دویست و یکمی ممکن است او را به زمین بزند. نباید با دوبار سه بار گفتن و پیگیری کردن خسته شد و عقب نشست. این کار زحمت بیشتری می خواهد.

۸. عملِ تبیین‌گر

خود عمل من و شما هم در جهاد تبیین مؤثّر است. عمل ما ممکن است شبهه‌زدا یا شبهه‌زا باشد؛ مثلاً گاهی ممکن است به عنوان نیروی انقلابی علیه ما تهمتهایی مطرح باشد که رفتار و اخلاق ما میتولند آن را برطرف کند.

---

[1]. بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام ۰۲/۰۸/۱۴۰۰

نوع اقدام در جهاد تبیین

فردی

سؤالی که مطرح است این است که چه کسانی را باید جهاد تبیین کرد؟ من به عنوان یک نیروی انقلابی که حلقه‌ای از معاشران دارد (فامیلها و هم‌کلاسی‌ها و همسایگان و...) در این حالت باید از لحاظ فردی به همه خدمت بکنم؛ زیرا خدمتی که من به برادرم میتوانم بکنم غریبه نمیتواند بکند. شما نمیتوانید به برادر یا فرزند و خواهر من نکته‌ای را بیاموزید. آن رابطه‌ی عاطفی و مهربانانه‌ای که من با نزدیکان و اقوام خودم دارم برای جهاد تبیین بسیار مؤثّر است و میتواند کار را به سرانجام برساند.

اگرده میلیون نفر از مؤمنین کشور ما هر کدام هفت هشت نفر از اطرافیان خودشان را تحت پوشش جهاد تبیین قرار بدهند، پروژه‌ی جهاد تبیین مختومه میشود؛ اگر هنوز سؤالی در ذهن برخی از جولنان و نوجولنان و بزرگسالان ما وجود دارد به خاطر این است که وظیفه‌ی تبیینی خودمان را خوب انجام ندادیم. پس از نظر فردی من به همه خدمت میکنم، چه خاکستری، چه حواریون انقلاب، چه معاند، چه مخالف و چه حتّی کسانی که گاهی اوقات فعّالیّتهای ضدّ انقلابی کردند.گاهی اوقات با نصیحت توسّط یکی از نزدیکانشان بیشتر تاثیر میپذیرند.

تشکیلاتی

اگر ما در قالب تشکّل یا نهاد فعّالیّت میکنیم، قاعدتاً اولویّت سرمایه‌گذاری کردن روی انقلابیون و حواریون انقلاب است؛ زیرا آمادگی خوبی دارند

وکار خیلی زود به نتیجه میرسد؛ مانند آبی که ۸۰ یا ۹۰ درجه باشد یک آتش خیلی کمی میتواند آن را به جوش بیاورد؛ علاوه بر این، این افراد رابطه‌ی عاطفی خوبی با قشر خاکستری دارند. قشر خاکستری خیلی مواقع با اختیار خودش پای شبهه یا تلویزیون بیگانه یا خیلی از این کانالهای تلگرامی و صفحات اینستاگرامی می‌نشیند و شبانه‌روز شبهه می‌شنود؛ به همین جهت کار کردن و تبیین برای اینها خیلی مشکل است مگر توسّط مؤمنینی که بتوانند با محبّت کار را پیش ببرند.

پس اولویّت از نظر تشکیلات با حواریون انقلاب است؛ تا خیالمان از جهت آنها راحت شود و بتوانیم آنها را وارد میدان جهاد تبیین بکنیم.

تواصی به حق و صبر

عرصه‌ی حضور بعدی تواصی به حق و صبر است؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر. این یک مسئله‌ی بسیار مهمّی است که باید مورد توجّه واقع بشود؛ حضرت آقا هم از همان ابتدای رهبری‌شان بارها به این مسئله تأکید کردند.

«دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی‌ها لازم است: یکی عبارت است از بصیرت، و دوّمی عبارت است از صبر و استقامت، که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمیتواند بکند، هیچ لطمه‌ای نمیتواند بزند، هیچ توفیقی در مواجهه و مقابله‌ی با نظام اسلامی به دست نمی‌آورد. یکی از راه‌هایی که این دو خصوصیّت را

بتوان در جامعه حفظ کرد، عبارت است از «تواصی»، همان که در سوره‌ی والعصر هست: «وَ تَواصَوا بِالحَقِّ وَ تَواصَوا بِالصَّبر»**؛ مردم یکدیگر را تواصی کنند؛ این زنجیره‌ی تواصی و توصیه کردن به یکدیگر [برقرار باشد]؛ هم توصیه به حق کنند، راه حق را تأکید کنند، هم توصیه‌ی به صبر بکنند؛ این، همه را نگه میدارد... دشمن در این جنگ نرم دو حرکت را انجام میدهد: یکی این است که این زنجیره‌ی تواصی به حق و به صبر را قطع کند؛ دوّم اینکه حقایق را وارونه نشان بدهد.»**[1]

امر به معروف و نهی از منکر

رهبر انقلاب بارها تأکید کردند که در حدّ تذکّر لسانی ما باید این واجب را انجام دهیم. نهی از منکر لسانی شرایطی دارد و اقدام عملی شرایط اساسی که در روایات ما مورد تأکید قرار گرفته است. اگر مؤمنین نهی از منکر لسانی را ترک کنند، روز به روز بر تعداد کسانی که جرئت پیدا بکنند برای گناه کردن افزوده میشود و بعد از مدّتی جمعیّت گناهکاران بر جمعیّت مؤمنین مسلّط میشوند. گاهی اوقات می‌بینید که جمعیّت مؤمنین بیشتر است ولی یک فرد شرور می‌آید و قدرت‌طلبی میکند و کسی هم جرئت نمیکند کاری انجام دهد. گاهی اوقات ترک نهی از منکر باعث میشود حاکمین ظالم بر سر یک ملّت مسلّط شوند؛ و گاهی اوقات گروه‌های

---

[1]. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۲۱/۱۲/۱۳۹۹

گناهکار و فاسد دستشان باز میشود و اختیارات امور را به دست میگیرند و بعد فضای جامعه را آنها تعیین میکنند.

الان در برخی از جاها به خاطر اینکه وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر انجام نشده می‌بینیم که درآن منطقه حاکمیّت با اهل گناه است. امر به معروف و نهی از منکر هم به صورت فردی اهمّیّت دارد و هم نسبت به حاکمان، نسبت به رئیس‌جمهور و وزرا و مجلسی‌ها و قوّه‌ی قضائیّه و بقیّه‌ی نهادهای حاکمیّتی؛ پس وظیفه‌ی همه‌ی ما است که یک نظارت عمومی داشته باشیم. این نکته را هم در نظر داشته باشیم که باید تشخیص دهیم که کجا باید پافشاری کنیم و کجا با یک بار دو بار گفتن تکلیف از ما ساقط است. یکی از مصادیق مهمّ حضور در صحنه امر به معروف و نهی از منکر است. رهبر معظّم انقلاب در این زمینه میفرمایند:

«قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است، که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لَیُسلِّطُنَّ اللَّه عَلَیْکم شِرارُکم فَیَدْعُوا خِیارُکُم فلا یُسْتَجابُ لَهُم»[1]. **قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیّت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. امر به معروف فقط این نیست که ما برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم؛ آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظّف میکنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معنا است؟**

---

[1] بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۸

چه وقت ممکن است آحاد یک ملّت آمر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است. امر به معروف، اینها است.»[1]

دغدغه‌ی معیشت مردم

یکی دیگر از مصادیق حضور دغدغه داشتن نسبت به معیشت مردم و به فکر اطرافیان بودن است. بزرگان و جوانان فامیل جمع شوند و برای نیازمندان کمک جمع کنند و در درجه‌ی اوّل به مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برسانند و اگر نیاز نبود به فقرای دیگر رسیدگی کنند. اگر همه‌ی ما جوانان و بزرگسالان در شهری که هستیم تلاش بکنیم یک فقیر نباشد که نان شب نداشته باشد، فقر ریشه‌کن میشود. البتّه انسان بهتر است که فقرا را به سمت خودکفایی پیش ببرد و شغل برای آنها ایجاد بکند؛ حالا بعضی‌ها هستند که به دلیل پیری ومعلولیّت و... امکان کار کردن ندارند، به آنها حتماً باید کمک مالی شود و چتر مواسات حتماً باید آنها را

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۰۷/۰۵/۱۳۷۱

در بر بگیرد؛ چه کسی که انقلابی است و چه کسی که ممکن است میانه‌ای با انقلاب نداشته باشد، هر چه هست بالاخره هم‌میهن ما است.

باید در فضای بین‌الملل هم کمک‌کار دیگران باشیم مانند کاری که ما در بعضی مواقع در پاکستان سیل‌زده انجام دادیم یا کمکی که به مردم فلسطین و یمن میکنیم.

البتّه اولویّت این است که انسان اوّل به نزدیکان و اقربای خودش کمک کند. در روایات ما وارد شده که خداوند بندگانی که سیر بخوابند در حالی که اطرافیانشان گرسنه باشند را دوست ندارد؛ وجدان انسان هم اجازه‌ی چنین کاری را نمیدهد؛ مخصوصاً مردم ما که از قدیم مردم ایران به محبّت و دست‌گیری از محرومین شهره بودند. گاهی اوقات ممکن است شخص فقیر نباشد ولی به صورت موقّت دچار مشکل و گرفتاری شده باشد و انسان باید کمکش بکند. اینکه ثواب قرض در روایات ما از ثواب صدقه بیشتر بیان شده به خاطر این است که عزّت افراد در نظر گرفته شود.

تلاش برای آبادی کشور

یکی دیگر از مصادیق حضور در صحنه تلاش برای آباد کردن کشور است؛ همان کاری که تحت عنوان خدمات اجتماعی و کار جهادی یاد میکنیم. از قدیم مؤمنین این دغدغه را داشتند که در پهنه‌ی وسیعی محرومیّتها را حل بکنند. البتّه این کار مقداری تفاوت دارد با مواسات؛ در مواسات محرومیّت و مشکلات افراد حل میشود. در جاهایی که مسئولین به خاطر

اولویّتهایی که در رسیدگی به جاهای دیگر دارند نمیتوانند مشکلات را حل کنند مردم و جوانان آن منطقه در قالب اردوهای جهادی و بسیج سازندگی وارد میشوند و کمک میکنند. این کار در واقع یک الگوبرداری از جهاد سازندگی ابتدای انقلاب بود که برکات و آثار متعدّدی داشت.

امروزه تشکیلات بسیج سازندگی تشکیلات گسترده‌ای است و گروه‌های جهادی فراوانی در کشور داریم که باز هم باید بیشتر شود و فعّالیّتهای آنها تنوّع بیشتری پیدا کند. امروزه گروه‌های جهادی مختلفی در زمینه‌ی بهداشتی و در زمینه‌ی مقابله با آسیب‌های اجتماعی و در زمینه‌ی ساخت و ساز و مرمّت وجود دارد.

«فرهنگ کار جهادی و همکاری و تعاون را مردم بین خودشان، کسانی که میتوانند، حوزه‌ی نفوذی در بین مردم دارند، ترویج بکنند. خوشبختانه مردم ما آماده‌اند. شما ملاحظه کنید یک سیل می‌آید، یک زلزله می‌آید، مردم خودشان بدون اینکه کسی به آنها بگوید، وارد میدان میشوند. این تجربه‌ی ما است، مال امروز هم نیست؛ از قبل از انقلاب هم همین جور بود. من خودم چند تجربه‌ی موفّقِ عینیِ شخصی دارم در قضیّه‌ی کمکهای مردمی و تعاونهای مردمی برای این جور حوادث. در همین قضیّه‌ی سه روز پیش که در خیابانهای تهران یخ و بارندگی بود، تلویزیون نشان داد، من دیدم که چند نفر آدم، چند نفر مسلمان، آمدند شن و نمک آوردند! [اینها] نه عضو شهرداری‌اند، نه عضو خدمات شهرداری‌اند، نه عضو نیروی انتظامی‌اند، [بلکه] مردم معمولی‌لند، این خیلبان هم خیلبانِ متعلّق به آنها معلوم نیست

باشد، آن ماشین‌هایی هم که دارند میروند ماشین‌های آنها نیستند، امّا ماشین گیر کرده، روی یخ نمیتواند حرکت کند، آمده شن میپاشد! یعنی مردم ما این جوری هستند؛ آماده‌اند. از این روحیّه استفاده بشود برای ترویج کار جهادی.»[1]

کشور ما به این روحیّه و به این کار کردن نیاز دارد و این کار اصلاً خودش یک نوع جهاد است؛ جایی که دشمن میخواهد از محرومیّتها برای ضربه زدن به انقلاب و نظام سوءاستفاده کند، محرومیّت‌زدایی مقابله با دشمن محسوب میشود. البتّه چه بهتر که انسان در قالب تشکیلات به کار جهادی بپردازد تا بتواند یک کار ماندگار از خودش به جا بگذارد.

حفظ محیط‌زیست

بیانات رهبر انقلاب و سیره و شیوه‌ی مدیریّتی رهبر انقلاب در زمینه‌ی محیط‌زیست را باید ببینیم و دغدغه و حسّاسیّتی که نسبت به منابع طبیعی مانند کوه‌خواری و جنگل‌خواری داشتند و پیگیری‌هایی که در این زمینه‌ها کردند برای ما الگو است؛ پس ما هم باید مراقب باشیم اوّلاً خودمان به محیط‌زیست آسیب نزنیم و ثانیاً منابع طبیعی را با درخت‌کاری و کارهایی از این دست افزایش بدهیم.

»فعّالیّتهایی که در مورد فضای سبز و درخت و گیاه و محیط‌زیست و جنگل و بقیّه‌ی [این امور] انجام میگیرد، فعّالیّتهای دینی است،

---

[1]. بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعّالان اقتصادی ۲۸/۰۸/۱۳۹۸

فعّالیّتهای انقلابی است؛ و جوانهای عزیز ما نباید گمان کنند که مسئله‌ی محیط‌زیست یک مسئله‌ی تزئینی و تجمّلاتی و زیادی است؛ نه، یک مسئله‌ی اساسی و مهمّی است که در شرع و قانون آمده.»[1]

رهبر انقلاب حتّی این کارها را فعّالیّتهای دینی و انقلابی میدانند.

نکات پایانی

۶. مردم مخاطب بیانیّه‌ی گام دوّم

توجّه داشته باشید که بیانیّه‌ی گام دوّم انقلاب قانون نیست و راه اعمال حاکمیّت توسّط رهبر انقلاب تعیین سیاستهای کلّی نظام و نظارت بر انجام آنها است. در بیانیّه‌ی گام دوّم مخاطب آقا جولنان هستند؛ هر چند با مردم صحبت کردند ولی مخاطب اصلی جوانها هستند. شما بیانیّه را خواهید خواند و خواهید دید که مخاطب اصلی ایشان جوانان هستند. به بیانیّه به عنوان یک مخاطب نگاه کنید. یکی از اهداف مهمّ رهبر انقلاب در این بیانیّه این است که جوانان خودشان را آماده بکنند و شانه‌هایشان را زیر بار مسئولیّتهای دشوار بزرگ و کوچک بدهند؛ باید این حرکت انقلاب را از آن نسلی که انقلاب را ایجاد کرد و امروز به ما رساند تحویل بگیرند و به دوش خود بگذارند.

«عرض من این است که جوانها باید شانه‌شان را زیر بار مسئولیّتهای دشوارِ کوچک و بزرگ بدهند؛ علاج مشکلات

---

[1]. بیانات پس از کاشت نهال در روز درخت‌کاری ۱۵/۱۲/۱۳۹۹

کشور این است. ما در گام دوّم انقلاب بایستی حرکت کشور را بر دوش جوانها قرار بدهیم همچنان که در گام اوّل در دوره‌ی انقلاب هم هدایت را امام میکرد امّا حرکت را و موتور پیشرفت را جوانان روشن میکردند، حرکت را آنها به وجود می‌آوردند.»[1]

۷. راه اقدام جوانان در بیانیّه

این مسئولیّت‌پذیری جوانها چگونه باید باشد؟ یک راهش این است که همه‌ی ما با توجّه به هفت هشت توصیه‌ی پایانی گام دوّم انقلاب وظیفه‌ی خودمان را پیدا بکنیم و راه دیگرش پذیرفتن مسئولیّت در جمهوری اسلامی توسّط جوانان است به شرط توانایی و تعهّد.

دولت ما باید دولت جوان انقلابی تشکیل بدهد و همچنین در قوّه‌ی قضائیّه ما به نیروهای جوان نیاز داریم که بتوانند عدالت را دنبال کنند. بنابراین، با این دو رویکرد حضرت آقا در بیانیّه‌ی گام دوّم به این فکر هستند که هر کدام از ما به ریز وظیفه‌هایی که داریم بخوبی عمل کنیم که تجمیع اینها یک اتّفاق بزرگ را در گام دوّم رقم خواهد زد. همچنین با ورود به عرصه‌های حاکمیّتی میتوانیم کار بزرگی را به سامان برسانیم.

---

[1]. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی ۰۱/۰۱/۱۳۹۸

۳. پیدا کردن وظیفه‌ی خود با توجّه به بیانیّه‌ی گام دوّم

رهبر معظّم انقلاب در بیانیّه‌ی گام دوّم روی این موضوع تأکید کردند؛ چون بعضی‌ها در ابتدای انقلاب وقتی انقلاب به پیروزی رسید و شاه سرنگون شد و قانون اساسی تدوین شد گفتند همه باید بروند خانه‌شان، بروند دنبال کار خودشان، ولی آقا فرمودند نه، انقلاب مادامی که به هدف خودش که زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجّت و تشکیل تمدّن اسلامی است نرسیده، در حال صیرورت است و اصلاً انقلاب یعنی تحوّل دائمی.

٤. نظریّه‌ی نظام انقلابی

نظریّه‌ی نظام انقلابی مهم است و پرورش آن نیاز به تأمّل و تحلیل دارد. میشود ما نظام داشته باشیم و این نظام چون راضی به وضع موجود نیست انقلابی هم باشد. بعضی‌ها این دو واژه را متناقض میدانستند و میگفتند که نمیشود نظام انقلابی باشد زیرا نظام وقتی مستقر میشود که انقلاب پیروز شده باشد، ولی با توضیحی که داده شد این تناقض رفع میشود.

٥. به خودمان نمره بدهیم

در بیانیّه‌ی گام دوّم، هشت توصیه‌ی مهم بیان شده است. باید نسبتِ خودمان را با آن توصیه‌ها پیدا کرده و به خودمان در انجام وظایف نمره بدهیم. آنهایی که در سال ۹۷ در سنّی بودند که میتوانستند کاری انجام دهند کلاه خودشان را قاضی کنند ببینند چه کار کرده‌اند؛ اگر خدای‌ناکرده کوتاهی کرده‌اند استغفار کنند و سعی کنند گذشته را

جبران نمایند و اگر کوتاهی نکرده‌اند خدا را شکر کنند و همان مسیر را ادامه دهند.

٦. تشکیل کارگروه‌ها

برای پیدا کردنِ وظیفه‌ی خویش در موارد هشت‌گانه، لازم است کارگروه‌هایی تشکیل داده و برای تحقّق آن وظایف پیگیری صورت گیرد. شاید خوب باشد که ما کارگروه‌هایی تشکیل بدهیم و هر کس در محیطی که هست فکر بکند که مثلاً در مقوله‌ی علم و پژوهش چه کاری میتوانیم انجام دهیم. مأموریّت برای خودمان تعریف کنیم و در یک افق چندساله ببینیم که چه کاری از دستمان برمی‌آید تا انجام بدهیم.

رهبر معظّم انقلاب درباره‌ی سبک زندگی فرمایشاتی دارند، در زمینه‌ی اخلاق و معنویّت صحبت کردند؛ برای هر توصیه‌ای با حضور یک استادی میتوانیم کارگروه تشکیل بدهیم واز ظرفیّت آن استاد استفاده کنیم تا بتوانیم مأموریّتها و برنامه‌هایی را تدوین بکنیم.

در این دوازده درس به دنبال این بودیم که یک نقاطی از بیانیّه‌ی گام دوّم در ذهن شریف شما پررنگ شود و برخی از بیانات حضرت آقا را که میتوانست به عنوان شارح بیانیّه‌ی گام دوّم باشد با هم مرور کنیم. این بحثها ما را بی‌نیاز از خوانش دقیق بیانیّه‌ی گام دوّم نمیکند و حتماً باد بیانیّه را دقیق بخوانیم و یادداشت‌برداری کنیم و آن را معیار عمل خود قرار بدهیم؛ چون ولیّ جامعه از ما خواسته که این بیانیّه عملی شود. انشاءالله

در گام دوّم انقلاب بتوانیم در رسیدن انقلاب به اهدافی که برای آن ترسیم شده و آن پنج مرحله‌ای که قرار است انقلاب طی بکند مؤثّر واقع شویم تا از ثواب و اعتلاء روحیّه‌ای که این کار دارد بهره‌مند بشویم.

خلاصه درس

- یکی از کارهای مهم که به تعبیرآقا مهم‌ترین جهادها است، تقابل با جنگ شناختی است که تعبیر جهاد تبیین را رهبر انقلاب دراین‌باره به کار بردند.
- جهاد تبیین شروطی دارد که اگر به این شروط عمل شود، در عمل ان‌شاءالله موفّقیّت حاصل خواهد شد.
- رهبر انقلاب بارها تأکید کردند که در حدّ تذکّر لسانی ما باید این واجب را انجام دهیم.
- یکی دیگر از مصادیق حضور دغدغه داشتن نسبت به معیشت مردم و به فکر اطرافیان بودن است.
- یکی دیگر از مصادیق حضور در صحنه تلاش برای آباد کردن کشور است.

پرسش‌های درس

۱- ملزومات جهاد تبیین چیست؟

۲- انواع جهاد تبیین را نام ببرید.

۳- شروط جهاد تبیین جیست؟

٤- وظیفه‌ی همگانی در امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

٥- اولویّت در کمک به دیگران چگونه است؟

حرف آخر

این صـفحه پایان راه مخاطب عزیز در مسـیر عملیاتی کردن بیانیه گام دوم نیسـت. بلکه لازم اسـت مخاطب محترم، براسـاس دانش‌هایی که در این



نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان

۱۴۰۲